

# مهدی باوری در کودکان

نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان  
بازو ش تربیتے تلقین و الگو نمایے





# مهدی باوری در کودکان

(نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی)

ابراهیم عبدالهی

سرشناسه	: عبدالهی، ابراهیم، ۱۳۶۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: مهدی باوری در کودکان: (نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی) / ابراهیم عبدالهی.
مشخصات نشر	: قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۱ ص.
شابک	: ... 978-600-8372-11-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۱۱ - ۲۲۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع	: تعلیمات دینی اسلامی برای کودکان
موضوع	: Islamic religious education of children
موضوع	: مهدویت
موضوع	: Mahdism
موضوع	: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
شناسه افزوده	: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۹م۲ع/۳۵۲/۴BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۶۴۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۶۶۵۱۵



### مهدی باوری در کودکان (نهادینه سازی آموزه های مهدوی در کودکان با روش تربیتی تلقین و الگونمایی)

- مؤلف: ابراهیم عبدالهی
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه آرا: رضا فریدی / محمد بخشیان لنجی
- طراح جلد: عباس فریدی
- نوبت چاپ: پنجم / پاییز ۱۳۹۸ (چاپ اول ۱۳۹۶)
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۲-۱۱-۰
- شمارگان: هزار نسخه (تاکنون پنج هزار نسخه)
- قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

○ قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت/ خیابان شهید/ کوچه امار (۲۲)/ بن بست شهید علیان، پ ۸۴  
 ص پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۳۷۸۴۱۴۴ / ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۲۳) / فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۶۰  
 ○ www.mahdi313.ir  
 ○ entesharatmarkaz@chmail.ir

کد فایل: 0290103-4.docx

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود علیه السلام در استان ها پاسخگوی درخواست های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## تقدیم

این اثر ناچیز؛

تقدیم به نوباوه حیدر، نور دیده زهراى اطهر، حجت ثانی عشر، امام منتظر،  
تنها مربی واقعی، مولای عزیزتر از جانم حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریک که در  
تمام عمرم عنایات ایشان همیشه شامل حالم هست.

## فهرست اجمالی مطالب

۲۳	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲۴	گفتار یکم: مفاهیم
۳۸	گفتار دوم: ویژگی‌های راه‌کار تربیتی
۴۰	گفتار سوم: گونه‌شناسی راه‌کار تربیتی
۴۳	فصل دوم: بازشناسی دوره کودکی و آموزه مهدوی متناسب
۴۵	گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی
۵۰	گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک
۷۵	گفتار سوم: گونه‌شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان
۸۴	گفتار چهارم: دسته‌بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک
۸۷	فصل سوم: روش تلقین آموزه مهدوی
۸۸	گفتار یکم: معناشناسی تلقین
۹۱	گفتار دوم: جایگاه‌شناسی تلقین
۹۲	گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان
۹۶	گفتار چهارم: انواع تلقین
۹۹	گفتار پنجم: تلقین‌پذیری کودکان
۱۰۶	گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی
۱۱۱	گفتار هفتم: اصول تلقین
۱۲۱	گفتار نهم: شیوه‌های کلی اجرای تلقین
۱۳۰	گفتار دهم: قالب‌های اجرایی تلقین
۱۴۵	فصل چهارم: روش الگونمایی مهدوی
۱۴۶	گفتار یکم: معناشناسی
۱۵۲	گفتار دوم: جایگاه‌شناسی روش الگونمایی
۱۵۶	گفتار سوم: الگوپذیری کودکان
۱۵۸	گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان
۱۶۱	گفتار پنجم: اصول الگونمایی مهدوی
۱۸۲	گفتار ششم: انواع الگونمایی
۱۸۵	گفتار هفتم: انواع و شیوه‌های الگوبرداری
۱۸۹	گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی
۱۹۶	گفتار نهم: آسیب‌شناسی

## فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۹
<b>فصل اول: مفاهیم و کلیات.....</b>	۲۳
<b>گفتار یکم: مفاهیم.....</b>	۲۴
یک. تربیت.....	۲۴
الف) تربیت در لغت.....	۲۴
ب) تربیت در اصطلاح.....	۲۵
ج) مقصود از تربیت.....	۲۶
دو. راه‌کار تربیتی.....	۲۷
سه. نهادینه‌سازی.....	۲۸
الف) نهادینه‌سازی در لغت.....	۲۸
ب) جایگاه نهادینه‌سازی.....	۲۸
۱. آیات و روایات.....	۲۸
۲. علم اخلاق.....	۲۹
۳. جامعه‌شناسی.....	۳۰
ج) مقصود از نهادینه‌سازی.....	۳۲
۱. جنبه فردی.....	۳۲
۲. جنبه اجتماعی.....	۳۳
چهار. آموزه مهدوی.....	۳۴
الف) آموزه.....	۳۴
ب) مهدوی.....	۳۴
ج) مقصود از آموزه مهدوی.....	۳۵
نکته یکم: نگاه فراگیر.....	۳۶
نکته دوم: رویکرد آموزه‌ای.....	۳۶
پنج. کودک.....	۳۷
<b>گفتار دوم: ویژگی‌های راه‌کار تربیتی.....</b>	۳۸
یک. مؤثرترین روش و ماندگارترین اثر.....	۳۸
دو. لزوم سازگاری روش با دیگر مؤلفه‌های تربیتی.....	۳۹
سه. بیان خبری کلی و حاکی از دستور.....	۴۰



گفتار سوم: گونه‌شناسی راه‌کار تربیتی	۴۰
فصل دوم: بازشناسی دوره کودکی و آموزه مهدوی متناسب	۴۳
مقدمه	۴۴
گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی	۴۵
یک. اهمیت شناخت دوره کودکی	۴۵
دو. دوران کودکی از نظرگاه پیامبر و اهل بیت (ع)	۴۵
سه. رویکردی تربیتی به دوران کودکی	۴۹
گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک	۵۰
یک. حیطه شناختی	۵۳
الف) تعریف	۵۳
ب) اهمیت	۵۳
ج) ویژگی‌های حیطه شناختی کودک	۵۴
۱. تحوّل زبان	۵۴
۲. شکل‌گیری تصویر ذهنی	۵۵
۳. پیش‌تصویری بودن	۵۵
۴. درون‌سازی مفاهیم و فعالیت رمزی	۵۶
۵. زمینه‌سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان	۵۶
۶. خودمحوری	۵۶
۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح	۵۷
۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی	۵۸
۹. شکل‌گیری خودپنداره	۵۹
۱۰. انعطاف فکری و زودباوری	۶۱
۱۱. کنجکاوی	۶۱
۱۲. یادگیری مشاهده‌ای	۶۱
۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی	۶۳
۱۴. تحوّل چشم‌گیر بازشناسی و تحوّل اندک‌نگهداری	۶۳
دو. حیطه عاطفی	۶۳
الف) تعریف	۶۳
ب) اهمیت	۶۳
ج) ویژگی‌های حیطه عاطفی کودک	۶۵

۱. محبت خواهی..... ۶۶
۲. احترام خواهی..... ۶۶
۳. نیازمندی به امنیت..... ۶۷
۴. نیاز به شادمانی..... ۶۷
۵. استقلال طلبی..... ۶۷
۶. تنوع طلبی..... ۶۷
۷. خود نمایی..... ۶۸
۸. میل به ارتباط با همسالان..... ۶۸
۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش..... ۶۹
- سه. حیطة رفتاری..... ۶۹
- الف) تعریف..... ۶۹
- ب) اهميت..... ۶۹
- ج) ویژگی‌های حیطة رفتاری کودک..... ۷۰
۱. تقلید پذیری..... ۷۱
۲. دعوت پذیری عملی..... ۷۲
۳. شتاب زدگی..... ۷۲
۴. ناپایداری اراده..... ۷۳
۵. عادت پذیری..... ۷۳
۶. بازی..... ۷۳
- گفتار سوم: گونه‌شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان..... ۷۵**
- یک. ضرورت گونه‌شناسی و گزینش..... ۷۵
- دو. معیارهای گزینش..... ۷۶
- الف) قابل فهم بودن..... ۷۶
- نمونه اول فاقد معیار: زیاده‌روی درباره جنگ پس از ظهور..... ۷۷
- نمونه دوم: افراط در ویژگی‌های ماورائی امام..... ۷۸
- نمونه سوم: بداء در آموزه‌های مهدوی..... ۷۹
- نمونه چهارم: تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه‌سازی..... ۷۹
- ب) سودمندی..... ۸۲
- ج) قابلیت الگوبرداری..... ۸۳
- گفتار چهارم: دسته‌بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک..... ۸۴**

- ۸۴ ..... یک. آموزه غیر قابل بیان
- ۸۵ ..... دو. آموزه قابل بیان
- ۸۵ ..... الف) قابل بیان اجمالی
- ۸۵ ..... ب) قابل بیان تفصیلی
- ۸۷ ..... فصل سوم: روش تلقین آموزه مهدوی
- ۸۸ ..... **گفتار یکم: معناشناسی تلقین**
- ۸۸ ..... یک. معانی لغوی تلقین
- ۸۸ ..... دو. تعاریف اصطلاحی
- ۸۹ ..... سه. تعریف پیشنهادی و نکات آن
- ۸۹ ..... الف) نتیجه‌ی تلقین؛ تحقق باور
- ۹۰ ..... ب) تکرار نظام‌مند، عنصر اصلی تلقین
- ۹۰ ..... ج) ارتباط مستقیم تلقین با جنبه‌ی شناختی و گرایشی
- ۹۰ ..... د) جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تذکر
- ۹۱ ..... ه) تلقین، روش و ابزاری مشترک برای تحقق اهداف صحیح و باطل
- ۹۱ ..... **گفتار دوم: جایگاه‌شناسی تلقین**
- ۹۲ ..... **گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان**
- ۹۲ ..... یک. تبیین سوال
- ۹۳ ..... دو. پاسخ با تبیین دو گونه تلقین
- ۹۴ ..... الف) تلقین آسیب‌زا در فرآیند آموزش
- ۹۴ ..... ب) تلقین باورساز پس از آموزش
- ۹۶ ..... **گفتار چهارم: انواع تلقین**
- ۹۶ ..... یک. خودتلقینی و دگرتلقینی
- ۹۷ ..... دو. تلقین قولی و فعلی و محیطی
- ۹۸ ..... سه. تلقین مثبت و منفی
- ۹۹ ..... **گفتار پنجم: تلقین‌پذیری کودکان**
- ۱۰۱ ..... یک. ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری
- ۱۰۱ ..... ۱. شکل‌گیری خودپنداره
- ۱۰۲ ..... ۲. یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدپذیری
- ۱۰۲ ..... ۳. انعطاف فکری و زودباوری
- ۱۰۲ ..... ۴. شتاب‌زدگی
- ۱۰۳ ..... ۵. ناپایداری اراده



۶. عادت‌پذیری..... ۱۰۳
۷. علاقه‌مندی به تکرار..... ۱۰۳
۸. محبت‌خواهی و دلبستگی به محبوب..... ۱۰۴
- دو. ویژگی‌های معارض با تلقین پذیری..... ۱۰۴
۱. خودمحوری..... ۱۰۴
۲. استقلال طلبی..... ۱۰۵
۳. خود‌نمایی..... ۱۰۵
- سه. کیفیت جهت‌دهی ویژگی معارض..... ۱۰۵
- گفتار ششم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی..... ۱۰۶**
- مرحله اول: انتخاب موضوع..... ۱۰۷
- مرحله دوم: استخراج پیام..... ۱۰۸
- مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی..... ۱۰۹
- نمونه کاربردی..... ۱۰۹
- گفتار هفتم: اصول تلقین..... ۱۱۱**
۱. خلوص نیت..... ۱۱۲
۲. اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی..... ۱۱۲
۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک..... ۱۱۳
۴. ثبات و پرهیز از تردید..... ۱۱۳
۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی..... ۱۱۴
۶. تمرکز بر پیام واحد..... ۱۱۴
۷. رعایت تناسب..... ۱۱۵
- الف) تناسب شیوه، قالب و محتوا با هدف..... ۱۱۶
- ب) انتخاب موقعیت مناسب..... ۱۱۶
۸. نظام‌مندی و استمرار تکرار..... ۱۱۷
- الف) عوامل مؤثر بر تنظیم تعداد تکرار..... ۱۱۷
- ب) تنظیم تکرار در شبانه‌روز و روزهای متوالی..... ۱۱۸
۹. توجه به واکنش‌ها..... ۱۱۸
۱۰. بهره‌بری از تنوع..... ۱۱۹
- گفتار نهم: شیوه‌های کلی اجرای تلقین..... ۱۲۱**
- یک. پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک..... ۱۲۱
- دو. در معرض داوری قرار دادن کودک..... ۱۲۲

- سه. روش خود افشایی ..... ۱۲۳
- الف) اهمیت به کارگیری ..... ۱۲۳
- ب) انواع خودافشایی ..... ۱۲۶
۱. خودافشایی حقیقی و مصنوعی ..... ۱۲۶
۲. خودافشایی فکری، عاطفی، اراده و تصمیم ..... ۱۲۷
۳. خودافشایی محبتی و نفرتی ..... ۱۲۷
- ج) نکات اجرایی خودافشایی ..... ۱۲۹
- گفتار دهم: قالب‌های اجرایی تلقین** ..... ۱۳۰
۱. قصه ..... ۱۳۱
- الف) اهمیت قصه ..... ۱۳۱
- ب) قصه نوعی از تکرار ..... ۱۳۱
- ج) تکرار پیام در قصه ..... ۱۳۲
- نوع اول: تکرار یکپارچه و کامل پیام ..... ۱۳۲
- نوع دوم: تکرار تجزیه‌ای پیام ..... ۱۳۳
- مثال: قصه بزرگترین هدیه ..... ۱۳۳
- د) بهره‌بری از قصه در دگر تلقینی و خودتلقینی ..... ۱۳۵
۲. شعر و نظم ..... ۱۳۶
- مثال‌ها ..... ۱۳۶
۳. نقاشی و رنگ آمیزی ..... ۱۳۸
۴. نمایش ..... ۱۳۹
۵. پرسش و پاسخ ..... ۱۴۱
- فصل چهارم: روش الگونمایی مهدوی** ..... ۱۴۵
- گفتار یکم: معناشناسی** ..... ۱۴۶
- یک. الگو و اسوه ..... ۱۴۶
- دو. تقلید ..... ۱۴۷
- سه. الگوی مهدوی ..... ۱۴۸
- چهار. الگونمایی مهدوی ..... ۱۴۹
- الف) نام‌ها و تعاریف الگونمایی ..... ۱۵۰
- ب) تعریف پیشنهادی ..... ۱۵۱
- گفتار دوم: جایگاه‌شناسی روش الگونمایی** ..... ۱۵۲
- یک. قرآن و روایات ..... ۱۵۳

۱۵۴	دو. بیان تربیت پژوهان اسلامی
۱۵۵	سه. روان‌شناسی
۱۵۶	چهار. جامعه‌شناسی
۱۵۶	<b>گفتار سوم: الگوپذیری کودکان</b>
۱۵۸	<b>گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان</b>
۱۵۹	یک. تأثیرپذیری از محیط
۱۵۹	دو. کمال‌طلبی
۱۶۰	سه. قهرمان‌جویی
۱۶۰	چهار. نیاز روانی به الگو
۱۶۱	<b>گفتار پنجم: اصول الگو‌نمایی مهدوی</b>
۱۶۲	۱. نمونه و ممتاز بودن الگو
۱۶۲	۲. جذابیت رفتاری الگو
۱۶۳	۳. هماهنگی رفتار الگو
۱۶۳	الف) هماهنگی بین رفتار و گفتار الگو
۱۶۴	ب) هماهنگی رفتار الگو در موقعیت‌های مشابه
۱۶۴	ج) هماهنگی رفتار الگو با گفتار و رفتار الگوهای دیگر
۱۶۵	۴. فراهم‌سازی مشاهده کامل الگو
۱۶۵	۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها
۱۶۶	معیار اول: قابلیت مشاهده
۱۶۷	معیار دوم: قابلیت الگو برداری و تقلید‌پذیری
۱۶۷	معیار سوم: محوریت بر واقعی بودن
۱۶۸	۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگو برداری
۱۶۹	الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو
۱۷۱	ب) تشخیص مصداق
۱۷۲	ج) اهداف و دلایل
۱۷۴	د) شیوه‌های الگو برداری
۱۷۴	ه) مراحل الگو برداری
۱۷۶	۷. بهره‌بری از تنوع
۱۷۷	الف) تنوع الگوها
۱۷۸	ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی
۱۷۸	۸. تناسب و هماهنگی



- الف) وجوه اشتراک، جنبه‌ای از تناسب..... ۱۷۹
- ب) آثار تناسب و هماهنگی..... ۱۷۹
- ج) چند نمونه از تناسب..... ۱۸۰
- نمونه اول: تناسب با شرایط خانوادگی..... ۱۸۰
- نمونه دوم: مثال قرآنی مشابهت..... ۱۸۰
- نمونه سوم: مشابهت در سطح زندگی..... ۱۸۱
- گفتار ششم: انواع الگومایی..... ۱۸۲**
- یک. مشاهده‌ای (مستقیم) و توصیفی (غیرمستقیم)..... ۱۸۲
- دو. تصریح به الگوبودن شخص و عدم تصریح..... ۱۸۳
- سه. معرفی الگو با اسم یا عنوان عام..... ۱۸۴
- گفتار هفتم: انواع و شیوه‌های الگوبرداری..... ۱۸۵**
- یک. تقسیم از جهت وجود آگاهی..... ۱۸۵
- الف) تقلید ناآگاهانه..... ۱۸۵
- ب) تقلید نیمه آگاهانه..... ۱۸۶
- ج) تقلید آگاهانه..... ۱۸۶
- دو. تقسیم از جهت تطابق کامل..... ۱۸۷
- الف) الگوبرداری عینی..... ۱۸۷
- ب) الگوبرداری غیرعینی..... ۱۸۸
- گفتار هشتم: کارکردهای الگومایی مهدوی..... ۱۸۹**
۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا..... ۱۸۹
۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر..... ۱۹۰
۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار..... ۱۹۱
۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت..... ۱۹۱
۵. سوق‌دهی گرایشها به مهدویت..... ۱۹۲
۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی..... ۱۹۴
۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف..... ۱۹۵
- گفتار نهم: آسیب شناسی..... ۱۹۶**
۱. شخصیت‌گرایی با آثار یا مصادیق مختلف..... ۱۹۶
- الف) فراموشی معیار و هدف در غیاب الگو..... ۱۹۷
- ب) الگوبرداری کورکورانه و بی دلیل..... ۱۹۸
- ج) گرفتار شدن به دو گونه مغالطه الگویی..... ۲۰۰

۲۰۱.....	خصوصیات زمینه‌ساز مغالطه‌گویی در کودک
۲۰۲.....	۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت
۲۰۴.....	۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو و آثار آن
۲۰۵.....	الف) تردید
۲۰۵.....	ب) قضاوت نابجای کودکانه
۲۰۵.....	ج) کاهش محبوبیت الگو
۲۰۶.....	د) بی‌اعتمادی یا کاهش اعتماد
۲۰۶.....	ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا
۲۰۷.....	۴. لغزش الگو
۲۰۷.....	۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه‌گویی
۲۰۹.....	<b>پیشنهادات</b>
۲۱۱.....	<b>منابع</b>
۲۱۱.....	کتاب عربی و فارسی
۲۱۷.....	مقالات
۲۱۸.....	پایان نامه‌ها
۲۱۸.....	سایت‌ها

## مقدمه ناشر

اعتقاد به وجود و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله یی اعتقادات اسلامی است و هم‌چون سایر اجزای این اعتقادات، لوازم تربیتی معینی بر آن مترتب است. بر این اساس، مهدویت، تنها مسأله‌ای اعتقادی نیست، بلکه از بعد تربیتی نیز برخوردار است. یعنی این اعتقاد، به همراه خود، تحولات هیجانی، عاطفی و عملی معینی را ایجاد می‌کند که ضمن آن، افراد می‌کوشند خود را برای یآوری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا سازند، چهره تربیتی مهدویت آشکار می‌گردد.

مرزشناسی چون یکی از عوامل راهبردی در تربیت دینی است، حاکی از آن است که باید در جریان طبیعی زندگی، در مواجهه با بدی‌ها و نادرستی‌ها، توانایی تبیین و تفکیک میان خوبی و بدی یا درستی و نادرستی را به صورت صحیح و آشکار فراهم آورد و به این ترتیب، زمینه حرکت آنها به طرف حقیقت و مهار گرایش‌های آنان به بدی و نادرستی را مهیا کرد.

موثرترین دوران شکل‌گیری اخلاق کودک، کودکی است، زیرا کودک به راحتی و آسانی فرمانبردار است؛ سریعتر تحت تاثیر قرار می‌گیرد و هنوز در او شرایطی که مانع اطاعت او باشد به وجود نیامده است، و نیز اراده‌ای قوی ندارد تا او را از اطاعت باز دارد. بنابراین اگر خردسال به امری عادت کند چه خوب و چه بد این عادت به آسانی خلل پذیر نیست.

اگر کودک به روش‌های نیکو و رفتارهای خوب، انس و عادت پیدا کند، این عادت در او مستمر و بلکه رو به شدت و افزایش است و ما اگر کودک را در این دوره مهمل گذاشته و یا او را به نفع بی بندوباری به اموری که طبیعت و سرشت او اقتضای آن را ندارد، عادت دهیم و سپس شروع به تربیت و تهذیب او نمائیم پس از آنکه این عادت در او راسخ گشت انتقال او از این عادات به عادات دیگر، برای مربی دشوار است. زیرا اکثر انسانها عاداتهای



بد خود را از دوران خردسالی به یادگار دارند.

این اثر که حاصل تلاش علمی مؤلف در تدوین رساله علمی سطح ۳ حوزه است حرکت و گام اولیه‌ای است برای پرداختن به تربیت نسل آینده‌ای که در راستای سربازی امام مهدی علیه السلام و زمینه سازی برای تحقق حاکمیت عدل الهی رشد خواهند یافت. در اینجا لازم است از مؤلف محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای ابراهیم عبدالهی که ثمره زحمت خود را برای اعتلای فرهنگ مهدویت در اختیار مرکز تخصصی مهدویت قرار دادند، تشکر کنم. همچنین از مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای کلباسی که بستر نشر این اثر را فراهم آوردند و نیز همه کسانی که در غنا بخشیدن به این اثر همکاری کردند به ویژه جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای محمد یوسفیان کمال سپاس را دارم.

مهدی یوسفیان

معاون پژوهش مرکز تخصصی مهدویت

حوزه علمیه قم

## مقدمه

مهدویت، اندیشه‌ی انتظار موعودی الهی است که افزون بر شمولیت نسبت به تمام اعتقادات و باورهای اسلامی، نویدبخش آموزه‌هایی است که عامل حرکت، امید، تعالی و پیشرفت در جامعه‌ی بشری به‌ویژه جامعه بزرگ اسلامی می‌گردد. آموزه مهدویت، عصاره ناب تمام معارف اسلامی است که در آن ظرفیت‌های فراوانی برای تربیت انسان جهت زمینه‌سازی ظهور به منظور تحقق جامعه آرمانی فراگیر اسلامی و دولت کریمه دارد.

در عصر غیبت کبری و دوری ظاهری از مرتب و حجت الهی، جامعه‌ی شیعی بیش از هر زمان دیگر، به منظور ارتقاء و رشد علمی، عملی و معنوی افراد جهت زمینه‌سازی ظهور، نیازمند دانش‌افزایی و تقویت باورها نسبت به آموزه‌های مهدوی است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین وظایف شیعیان در عصر غیبت، گسترش فرهنگ مهدویت و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجله الله تعالی فرجه‌ه است.<sup>۱</sup> زمینه‌سازی، به معنای آمادگی معرفتی، اخلاقی و رفتاری برای ظهور و پذیرش امر معصوم است به‌گونه‌ای که زمینه و مقدمات ظهور فراهم گردد.<sup>۲</sup>

این آرمان ارزشمند با پرورش نسلی مهدوی تحقق می‌یابد. از این‌رو، باید بهترین سن برای تربیت‌پذیری و تأثیرپذیری، یعنی دوران کودکی را انتخاب نمود. زیرا شاکله شخصیتی و زیر بناهای فکری، اعتقادی و اخلاقی هر فرد در آن دوران پایه‌ریزی می‌گردد و در واقع دانشگاه تربیت محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است که منابع اسلامی، مملو از آموزه‌های تعالی‌بخش مهدویت است که قابلیت انتقال به تمامی سنین حتی دوره کودکی را دارد. البته سه نکته مهم را نباید فراموش کرد؛

**نکته اول**، صرف انتقال اطلاعات پیرامون امام زمان عجله الله تعالی فرجه‌ه به کودکان کافی نیست و علاوه بر انتقال، باید به فکر نهادینه‌سازی، درونی‌شدن و تبدیل به باور و ایمان نیز باشیم تا اثر تربیتی ماندگار داشته باشد و در نتیجه افعال خیر با میل درونی صادر گردد. دوره‌ی کودکی بهترین زمان برای این امر است.

**نکته دوم**، با توجه به ویژگی‌های خاص شخصیتی کودکان، شایسته است که آموزه‌های مهدوی به لحاظ قرار گرفتن در سامانه‌ی انتقال به کودک به‌گونه‌ای روشمند دسته‌بندی و گزینش شوند.

**نکته سوم**، باید روش‌های متناسب با سیر رشد و تحول شناختی، عاطفی و رفتاری کودک، اتخاذ شود؛ چون در غیر این صورت، کودکان در معرض تهدید آسیب‌های جدی

۱. بالادستیان و همکاران، نگین آفرینش، ج ۱، ص ۲۲.

۲. آیتی، نصرت الله، «زمینه‌سازی ظهور؛ چستی و چگونگی»، فصل‌نامه مشرق موعود، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۹،

معرفتی و عاطفی نسبت به آن آموزه‌ها قرار خواهند گرفت و هیچ بهره‌ی معرفتی و معنوی از آن‌ها نخواهند برد.

امروزه متأسفانه، نکات فوق در نهادهایی که تأثیر آموزشی و تربیتی مستقیم بر کودکان دارند مانند خانواده، مدرسه و رسانه مورد غفلت قرار گرفته است. مثلاً در اکثر مراکز آموزشی کودکان مانند مهدکودک‌ها و پیش دبستانی‌ها تنها موضوعات بهداشتی و اجتماعی تکراری در لیست آموزشی قرار دارد آن‌هم با مفاهیم کلی و بدون پشتوانه دینی، (البته به جز مراکز قرآنی) و بحث درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فقط اختصاص به روز ولادت آن بزرگوار دارد که عموماً مطالب سطحی بیان می‌شود. در حالی که گروهک‌ها و جریان‌های ضد دینیت و مهدویت مانند بهائیت در زمینه‌ی انتقال مفاهیم و گزاره‌های انحرافی و به‌ظاهر دینی به کودکان، فعالیت‌های گسترده‌ای دارند. آن‌ها از طریق تلقین و تکرار آموزه‌های انحرافی خود و همچنین ارائه‌ی الگوهای نامناسب، قصد تغییر و سوق دادن اندیشه و گرایش‌های کودکان از معارف ناب اسلامی و مهدوی به سوی اهداف باطل دارند.

این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که والدین و مربیان و به‌طور کلی افراد و نهادهای تأثیرگذار، در زمینه‌ی ایجاد و تقویت روحیه‌ی مهدی‌باوری و مهدی‌باوری میان افراد جامعه بسیار کم‌توجه بوده‌اند. افزون بر آن، پیرامون آغاز پرورش چنین روحیه‌ی رشد دهنده‌ای از سنین کودکی، اقدامات سازنده و تحقیقات علمی قابل استنادی صورت نگرفته است. این کاستی، به‌خاطر فقدان معرفتی و انگیزشی نسبت به دو امر است؛ یکی، جایگاه آموزه‌های مهدوی در تربیت انسان به‌ویژه در دوره‌ی طلایی کودکی و دیگری، نقش تربیت و روش‌های صحیح آن در نهادینه‌سازی معارف مهدویت می‌باشد.

پیرامون روش‌های انتقال و نهادینه‌کردن مفاهیم دینی و همچنین روش‌های تربیتی، پژوهش‌هایی انجام گرفته که برخی از آن‌ها در قالب پایان‌نامه عبارتند از «راه‌کارهای انتقال ارزش‌های دینی به کودکان دبستانی»، «روش‌های نهادینه‌کردن ارزش‌ها در جوانان در سیره‌ی ائمه»، «شیوه‌های نهادینه‌سازی ارزش‌های دینی در کودک و نوجوان از منظر دین و روان‌شناسی»، «آسیب‌شناسی تربیت کودک براساس آیات و روایات»، «روش‌های تغییر و اصلاح رفتار کودک و نوجوان با نگاه آیات و روایات». برخی دیگر در قالب کتاب تألیف شده، در خصوص روش تلقین و الگودهی، علاوه بر منابع مذکور، تحقیقات مستقلی نیز مکتوب شده که جا دارد پیرامون محتوا و روش هر کدام از آن‌ها، که تحقیقات ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند بحث شود. (حتی برخی از آن‌ها برای نوشتن این رساله، مورد مطالعه قرار گرفته است و در بخش منابع معرفی شده‌اند) ولی اولاً، موضوعشان عام است و شامل کلیه‌ی مفاهیم دینی می‌شود. ثانیاً، تخصصی و ویژه‌ی سنی که در این تحقیق لحاظ شده نیست. ثالثاً، انتقال و نهادینه‌کردن در پژوهش‌ها با رویکرد خصوص راه‌کارهای تربیتی نیست، بلکه عام است. رابعاً، آن‌هایی که با موضوع روش تربیتی خاص مثل تلقین و الگودهی نگاشته شده‌اند به شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی آن برای کودک اصلاً اشاره نشده یا نگاه اجمالی داشته بدون بیان نمونه‌ی کاربردی.

پژوهش پیش‌رو، به قصد تبیین جایگاه روش‌های تربیتی در انتقال و نهادینه‌سازی معارف مهدویت در دوره کودکی تالیف شده و برگرفته از پایان نامه سطح سه (کارشناسی ارشد) نگارنده بوده که با موضوع «راه‌کارهای تربیتی نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان» در مرکز تخصصی مهدویت قم دفاع گردیده است. در واقع این تحقیق، با تکیه بر مبانی و اصول تربیت اسلامی، در پی شناسایی و یافتن راه‌کارها و روش‌های تربیتی مناسب همگام با رشد و تحول شخصیتی کودکان بوده تا به منظور نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان به کار گرفته شود. از بین روش‌های بیان شده در کتب تبلیغی، تربیتی و روان‌شناسی، دو روش تربیتی تاثیرگذار بر کودک یعنی تلقین و الگونمایی مهدوی انتخاب گردیده است. پرداختن به شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی دو روش مذکور به همراه ذکر نمونه‌ی کاربردی متناسب با دوره‌ی کودکی چهار تا هفت سال، از دیگر امتیازات این نوشتار است.

فصل اول این نوشتار، به توضیح اجمالی پیرامون مفاهیم کلیدی و همچنین سه ویژگی مهم راه‌کار تربیتی و گونه‌شناسی آن می‌پردازد.

در فصل دوم، ابتدا به بازشناسی دوره کودکی و توصیف حیطه‌های شخصیتی کودکان پرداخته می‌شود. زیرا رکن اساسی انتقال و نهادینه‌سازی معارف مهدویت، شناخت دقیق پیام‌گیرنده می‌باشد و دیگر اینکه ویژگی‌های بیان شده پیرامون دوره کودکی، در فصل‌های بعدی هنگام بررسی راه‌کارها و روش‌ها، مورد استناد قرار می‌گیرند. در قسمت پایانی این فصل، نگاهی گذرا به گونه‌شناسی و معیارهای گزینش آموزه‌های مهدوی برای کودکان مطرح می‌شود.

فصل سوم اختصاص به تبیین روش تلقین دارد با ذکر اموری همچون معناشناسی، جایگاه‌شناسی در تربیت کودکان، گونه‌شناسی، تنظیم محتوای تلقینی مهدوی، اصول و قالب‌های اجرایی تلقین.

در فصل چهارم، روش الگونمایی مهدوی مورد بررسی قرار می‌گیرد که پس از معناشناسی و توضیح جایگاه آن در تربیت کودک و همچنین در متون دینی و علمی، چهار مبنای انسان‌شناسانه مطرح می‌شود. در ادامه، به اصول و انواع الگونمایی و الگوبرداری اشاره و هفت کارکرد برای این روش بیان می‌گردد. این فصل با بحث آسیب‌شناسی الگونمایی به پایان می‌رسد.

به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از روش‌های تربیتی مذکور، می‌توان استعدادهای نهفته در کودکان را با جهت‌دهی به سوی آموزه‌های مهدوی رشد و شکوفایی بخشید. از این طریق، نه تنها کودکان با این آموزه‌ها آشنا می‌شوند بلکه زمینه‌ی نهادینه‌سازی و درونی‌شدن آن‌ها فراهم و به صورت باور و ایمان در می‌آید. این امر، افزون بر خودمراقبتی حاصل از درک حضور حضرت مهدی (عج)، باعث استحکام اعتقادات، انجام رفتارهای پسندیده با میل و رغبت درونی و همچنین موجب آمادگی برای عصر ظهور می‌گردد.

این پژوهش می‌تواند در زمینه‌ی هدف مهمی همچون بازنمایی جامعی از ظرفیت‌ها و استعدادهای کودکان در پذیرش آموزه‌های مهدوی کمک کند. دیگر این که مدخل نوینی در

کاوش پیرامون آموزه‌های مهدوی ایجاد کند و آن عبارت است از پیوند و ارتباط متقابل روش‌های تربیتی و معارف مهدویت. هدف دیگر این است که روش‌های تربیتی تأثیرگذاری همچون تلقین و الگودهی، از مباحث صرفاً نظری عبور کرده و بتوان به شیوه‌ها و قالب‌های اجرایی آن‌ها با توجه به ویژگی‌های روحی و شخصیتی دوران کودکی دست‌یافت و به‌صورت یک دستورالعمل قابل اجرا جهت نهادینه‌سازی و درونی‌شدن آموزه‌های مهدوی در کودکان ارائه کرد. هدف نهایی این نوشتار، آن است که با تربیت نسلی مهدی‌باور و مهدی‌یاور بتوان زمینه‌های سازندگی انسان‌ها برای زندگی مهدوی و آمادگی برای ظهور فراهم گردد.

لازم به ذکر است که متن کتاب حاضر، بارها در کلاس «تربیت مرتبی کودک با گرایش مهدویت» توسط مؤلف تدریس شده و به خاطر سهولت در مطالعه و یادداشت‌برداری دانش‌پژوهان، عناوین برخی مباحث، به صورت نمودار ذکر گردیده است.

در پایان لازم می‌دانم از تمامی مسئولان و اساتید مرکز تخصصی مهدویت قم که زمینه و فضای مناسب را جهت پژوهش در حوزه اندیشه والای مهدویت به ویژه تدوین این اثر فراهم نمودند، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از زحمات استاد راهنما و مشاور حجج اسلام دکتر سید محمدرضا موسوی‌نسب و سید علیرضا تراشیتون و دیگر اساتید عرصه پژوهش حجج اسلام؛ دکتر مجید حیدری‌فر، دکتر صفری فروشانی، دکتر رحیم کارگر و دکتر امیر محسن عرفان کمال تشکر دارم. چرا که در تدوین این رساله علمی، مشوق این حقیر بوده‌اند. افزون بر این بزرگواران، استاد عزیز و گرانقدر حجت الاسلام والمسلمین حسن ملایی مدیر گروه اخلاق و تربیت، نگارنده را رهین منت خود دارند و با بزرگواری و دلسوزی تمام، با ایجاد انگیزه و راهنمایی مشفقانه خویش از هیچ تلاشی فروگذار نمودند و در نتیجه‌ی ارشادهای بی‌دریغ و سازنده ایشان، عناوین و اصول محتوایی فصل سوم و چهارم تنظیم و نوشتار حاضر به سرانجام رسید.

اگر این اثر ناچیز و ناقص، ثوابی از روی لطف و محبت خدا داشته باشد به نیابت از مادر گرانقدرم بوده که از کودکی توفیق خدمتگذاری ایشان را از دست دادم و همچنین پدر عزیزم که صدای قرآن و مناجات سحر ایشان هنوز در گوشم طنین‌انداز است و همواره مشمول دعای خیر ایشان و همسرشان هستم. تشکر ویژه دارم از همسر گرامی و دختران عزیزم که در تمامی سختی‌های دوران تحصیل، تبلیغ و تحقیق به‌ویژه تدوین این اثر، در کنار این حقیر صبر و مرا از حمایت بی‌منت خویش برخوردار نمودند. همچنین برادران و خواهرانم که همیشه پشتیبان و دعاگوی این برادر کوچک‌تر از خود بوده‌اند.

آن‌چه در این مجموعه گرد آمده، همه‌ی سخن نگارنده پیرامون موضوع نبوده و امید است که در آینده نزدیک، روش‌ها و قالب‌های دیگر نیز مورد بررسی قرار گیرد و در معرض دید مشتاقان بحث گذاشته شود. از همه خوانندگان عزیز تقاضا می‌کنم که مرا از انتقادات و پیشنهادات راهگشای خود بهره‌مند گردانند.

الحمد لله رب العالمین

ابراهیم عبدالمهدی

eb.abdellahi@chmail.ir



# فصل اول

## مفاهیم و کلیات

## گفتار یکم: مفاهیم

## یک. تربیت

## الف) تربیت در لغت

«تربیت» در لغت فارسی به معنای پرورش دادن،<sup>۱</sup> آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن<sup>۲</sup> و همچنین به معنای یاد دادن ادب و اخلاق<sup>۳</sup> نیز آمده است. در زبان عربی، این واژه در قالب باب تفعیل از ریشه‌ی «ربو» ساخته شده<sup>۴</sup> به معنای افزودن، رشد و نمو کردن و علو<sup>۵</sup> که غالباً برای رسیدگی به امور موجود زنده جهت دستیابی او به رشد و نمو ظاهری استعمال می‌شود. معمولاً رسیدگی یاد شده در مورد انسان، به دوران طفولیت وی منحصر می‌شود.<sup>۶</sup> در متون روایی، واژه‌ی «تربیه» ذکر شده<sup>۷</sup> اما در قرآن کریم، کلماتی

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۳۸۶.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۶۰۱.

۳. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۰۶۳.

۴. «ربو» ناقص واوی است که وقتی به باب تفعیل رود، مصدر تفعله از آن ساخته می‌شود؛ «رَبَّوْ، يُرَبُّوْ، تَرْبُوءَ» و این مصدر طبق قواعد اعلال، به «تَرْبِیَّة» تغییر پیدا می‌کند.

۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، المعین، ج ۸، ص ۲۸۳.

۶. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۶.

۷. ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۳، باب فضل الولد و الصحیفة السجادیة، دعای ۲۵، ص ۱۲۰ و

صدوق، محمد بن علی، من لایحضره النبی، ج ۳، ص ۴۹۳، ج ۴۷۴۶.

با ریشه‌ی «ربب»<sup>۱</sup> آمده است مانند «ربیانی»<sup>۲</sup>. برخلاف نظر برخی،<sup>۳</sup> نمی‌توان قاطعانه ادعا کرد که هنگام به‌کارگیری لغت تربیت درباره‌ی انسان، تنها رشد و نمو جسمانی مورد نظر باشد.<sup>۴</sup>

### ب) تربیت در اصطلاح

برای تربیت تعاریف متعددی ارائه شده است.<sup>۵</sup> در این جا نخست دو تعریف کلی ذکر می‌گردد، سپس با توجه به موضوع مهدوی این پژوهش که خود، بخشی از آموزه‌های اسلامی است و همچنین راه‌کارهای نهادینه‌سازی آن‌ها که با در نظر گرفتن مبانی و اصول تربیت اسلامی تنظیم شده، به تعریفی از تربیت، بر اساس دیدگاه اسلامی نیز اشاره می‌شود.

(۱) «فعالیتی منظم و مستمر در جهت کمک به رشد جسمانی، شناختی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و به‌طور کلی، پرورش و شکوفایی استعدادهای متربی که نتیجه آن در شخصیت متربی به‌ویژه در رفتارهای او ظاهر می‌شود.»<sup>۶</sup>

(۲) «هر گونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخصی، به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد.»<sup>۷</sup>

(۳) «فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت متربیان، به‌صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده‌شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.»<sup>۸</sup>

۱. برخی از لغت‌شناسان اصل «ربو» را «ربب» می‌دانند. (ر.ک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم؛ ص ۳۳۶، ذیل ماده «ربب») صرف نظر از بحث پیرامون صحت آن، میان مشتقات این دو ماده، شباهت‌های معنایی فراوانی وجود دارد. (ر.ک: ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۲۸).

۲. «وَ اخْفَضَ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»؛ (سوره اسراء: آیه ۲۴).

۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۳۸.

۴. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۲۶.

۵. ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، صص ۱۶۷-۳۶۲.

۶. حاجی ده‌آبادی، محمد علی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۲.

۷. داوودی و حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۰.

۸. جمعی از نویسندگان (تحت نظارت اساتید صاحب‌نظر تربیت اسلامی همچون علیرضا اعرافی، خسرو باقری، علی محمد کاردان)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰، ص ۱۳۹.

## ج) مقصود از تربیت

مقصود از واژه‌ی «تربیت» در این پژوهش، معنایی جامع است که شامل ارکان مهم یادشده در تعاریف مذکور می‌شود مانند فعالیت و فرایندی نظام‌مند و مستمر، رشد همه‌جانبه‌ی انسان اعم از رشد فکری، اخلاقی و رفتاری، تعامل بین مربی و متربی، انتخاب آگاهانه و اختیاری، و انطباق با معیارهای نظام تربیتی اسلام. بُعد دیگر جامعیت، شمولیت نسبت به خودتربیتی و دگرتربیتی است. به عبارت دیگر؛ هم شامل تدابیر و فعالیت‌هایی می‌باشد که از سوی انسان‌های نسبتاً رشدیافته نسبت به دیگران انجام می‌شود (مانند دگرتلقینی و الگونمایی) و هم شامل تدابیر و اعمال اصلاحی انسان نسبت به خویشان یعنی خودسازی نیز می‌شود (مانند خود تلقینی) پس راه‌کارهای تربیتی که ذکر می‌گردد با قصد به کارگیری در هر دو مورد لحاظ می‌شود.

جنبه‌ی دیگر جامعیت، شمولیت نسبت به تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه‌ی انسان است که به صورت یک‌پارچه با تحول تمام ابعاد وجودی او سر و کار دارد. از این‌رو، اندیشمندان تربیت اسلامی معتقدند مفهوم تربیت اسلامی، در بر دارنده‌ی تمام اقدامات و تدابیری همچون تمهید شرایط محیطی، تأدیب، تزکیه، تعلیم، مهارت‌آموزی، تذکر و موعظه است که باید در راستای شکل‌گیری و تعالی شخصیتی توحیدی به‌طور هماهنگ سامان یابد.<sup>۱</sup> بر این اساس، برخی پژوهشگران، برای تربیت انواعی ذکر کرده‌اند مانند تربیت اعتقادی، عبادی، اخلاقی و علمی.<sup>۲</sup> گرچه مهدویت به عنوان یکی از موضوعات اعتقادی (امامت) شناخته شده است، ولی با توجه به شمولیت مفهوم تربیت و همچنین ظرفیت بالای آموزه‌های مهدوی، می‌توان از روش‌های تربیتی با هدف نهادینه‌سازی آن آموزه‌ها در زمینه انواع تربیت همچون اعتقادی و اخلاقی بهره برد.

۱. در منابع تربیتی غرب نیز واژه «Education» از چنین شمولی برخوردار است. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۰، ص ۲۰. همچنین ر.ک. کاردان، علی محمد و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۸۶-۲۳۸ و ابراهیم‌زاده، عیسی، فلسفه تربیت، صص ۳۹-۴۰.

۲. ر.ک: داوودی و حسینی زاده، سیرت تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع)، صص ۹۹-۳۵۱.

## دو. راه کار تربیتی

واژه «راه کار» در زبان فارسی، برای معانی همچون راه حل، پاسخ، شیوه نامه، چاره جویی، روش اجرای کار و روش حل مسأله کاربرد دارد. «روش»<sup>۱</sup> نیز به معنای قاعده، قانون، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و منوال آمده<sup>۲</sup> و در اصطلاح تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است.<sup>۳</sup> در علوم عملی مانند تعلیم و تربیت، «روش» به راه یا قاعده‌ای اطلاق می‌شود که برای رسیدن به هدفی عملی اتخاذ می‌گردد و در مقابل مؤلفه‌های دیگری همچون اصول، مبانی، اهداف، ساحت‌ها و مراحل قرار دارد. این روش‌ها که با عناوینی کلی بیان می‌شوند، در فضای تربیت اسلامی ناظر به انواعی از فعالیت‌های اختیاری بوده که ما را به اهداف مطلوب در حوزه‌ی تربیت اسلامی می‌رسانند و شامل فعالیت‌های خاص آموزشی و پرورشی و همچنین انواع عملیات مدیریتی مانند برنامه‌ریزی و ارزیابی نیز می‌شود.<sup>۴</sup>

به بیان ساده‌تر، راه کار تربیتی یعنی تمام راه حل‌ها و شیوه‌های اجرایی که هماهنگ با مؤلفه‌های تربیتی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای مترقی استفاده می‌شوند و بر نگرش، اخلاق و رفتار او بر اساس اهدافی مشخص اثر می‌گذارند. تربیت، یک فرآیند تدریجی منسجم دارد که شیوه‌های به کارگیری و اجرای آن‌ها را، راه کار تربیتی معین می‌کند. در این پژوهش، از میان واژگان هم‌سو و هم‌معنایی مانند روش، شیوه و قالب، کلمه «راه کار» انتخاب شده است بدین جهت که شامل تمام مراتب طولی روش‌ها (همه روش‌های کلی، جزئی و جزئی‌تر) باشد.<sup>۵</sup>

## ۱. Method.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۸، ص ۴۵۳۸.

۳. برخی از تعاریف «روش» جمع‌آوری و در علوم تربیتی مورد بحث قرار گرفته‌اند. ر.ک. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۷۲ و همچنین حسینی‌زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش‌های دینی، صص ۲۸-۲۹.

۴. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۶۵ و ۴۴۵ و ۴۵۰.

۵. توضیح آن ذیل گونه‌شناسی خواهد آمد. ر.ک. همین فصل، گفتار سوم، ص ۴۰-۴۱.



## سه. نهادینه‌سازی

## الف) نهادینه‌سازی در لغت

لغت «نهادینه» سابقه‌ی چندانی در زبان فارسی ندارد.<sup>۱</sup> با توجه به موارد استعمال آن در قالب صفت فاعلی و مفعولی، می‌توان معانی از قبیل تثبیت کردن، پایه‌ای و ریشه‌ای نمودن، تعمیق بخشیدن، پایداری، سرشته و استوار شده، استقرار یافته و درونی شدن را یافت. معادل انگلیسی این واژه،<sup>۲</sup> قرابت مفهومی با معانی مذکور دارد چنانچه معانی همچون رسمی کردن، وارد یا عضو نمودن کسی در سازمان یا جامعه یا فرهنگ به‌منظور بهنجار شدن، برای آن ذکر شده است.<sup>۳</sup>

## ب) جایگاه نهادینه‌سازی

## ۱. آیات و روایات

در آیات و روایات، شواهدی به چشم می‌خورد که بر نهادینه‌سازی و پایداری ارزش‌ها و صفات اخلاقی در اشخاص و همچنین تعمیق بخشیدن آن‌ها در متن جامعه دلالت دارد مانند مواردی که پیرامون جایگاه، اوصاف و شرایط تبدیل یک امر به اعتقاد و باور قلبی می‌پردازد. همچنین مواردی که در مقام توصیف ایمان و مؤمن و یا ضد آن‌ها است. مثلاً آیه «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِن قَوْلُوا اسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...»<sup>۴</sup> که حاکی از امکان مقوله ایمان قلبی برای بشر است و در عین حال، برخی انسان‌ها از آن محروم‌اند. زیرا اعتقادات اولیه در آن‌ها به پایداری و نهادینه‌شدن نرسیده است. افزون بر آن، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که برای انتقال و آموزش مفاهیم، به دوره‌ای خاص مثل کودکی و

۱. در لغت‌نامه‌های دهخدا، معین و عمید یافت نشد. برخی معتقدند: در حدود نیم قرن پیش، برای اولین بار دکتر غلام‌حسین صدیقی واژه «نهاد» را معادل واژه (institution) در دروس جامعه‌شناسی خود به کار برد. سلطانی تیرانی، فلورا، نهادی‌کردن نوآوری در سازمان، ص ۸۴ (تاریخ چاپ این مطلب: ۱۳۷۸).

۲. institutionalize

۳. «Oxford, ۱۳۷۹, p. ۶۷۴» به نقل از رحیمی، محمدرضا، نهادینه‌سازی و جدان‌کاری با رویکرد اسلامی، فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۵، ص ۹.

۴. «عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است»؛ (سوره حجرات: آیه ۱۴).

جوانی توجه نموده است، زیرا دوره‌ی کودکی، بهترین زمان برای آموزش و درون‌سازی صفات پسندیده است. در واقع، این‌گونه روایات ما را از ویژگی‌های بهترین سن پذیرش علم، ایمان و اخلاق آگاه می‌سازند. علاوه بر آن، تأکید فراوانی دارند بر تربیت، آموزش و پایداری آن‌ها در جان و روح کودک. مثلاً در باب ماندگاری علم در کودکان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ...»<sup>۱</sup> همچنین امام علی علیه السلام در وصیت و سفارش به فرزندشان امام حسن علیه السلام در ضمن توصیف قلب انسان قبل از میان‌سالی و پیری (که شامل قلب کودک هم می‌شود) فرمودند:

«...إِنَّمَا قَلْبُ الْوَدَّاعِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ؛ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبَكَ، وَيَسْتَغْلِبَ لُبَّكَ...»<sup>۲</sup> برخی از خصوصیات دوره کودکی و همچنین اهمیت تربیت و آموزش در آن دوره را از روایاتی که در قالب حقوق کودکان و فرزندان بیان شده است می‌توان یافت.<sup>۳</sup>

## ۲. علم اخلاق

اخلاق پژوهان برای تثبیت صفات در نفس آدمی، از واژه «ملکه» استفاده کرده‌اند که آن را می‌توان هم‌سو و هم‌معنا با نهادینه‌شدن دانست. چون از یک طرف، اخلاق را مجموعه صفاتی می‌دانند که به صورت ملکه در آمده است<sup>۴</sup> و از طرف دیگر، در تبیین مفهوم ملکه به عناصری از قبیل تکرار و عادت، کیفیت ثابت نفسانی دیر زوال، صفت راسخ، و همچنین رسوخ، ریشه‌دارشدن، بقاء، استواری و ثبات در نفس اشاره کرده و از جمله آثار مهم آن،

۱. «حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است»؛ (علاء‌الدین علی بن حسام، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴۹، ح ۲۹۳۳۶).

۲. «همانا قلب جوان، همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این‌رو، پیش از آن که دل تو سخت و فکر تو درگیر شود، به تربیت تو مبادرت کردم»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۹۳ و ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّه، ص ۲۲۲).

۳. ر.ک: صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۲، ح ۳۲۱۴ و کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۱۸، گزیده‌ای از این نوع احادیث در کتاب «حکمت‌نامه کودک» از محمدی ری شهری آمده است.

۴. غرویان، محسن، فلسفه اخلاق، ج ۱، ص ۲۵.

سهولت انجام عمل، اثر مستحکم و ثابت و شکل‌گیری ملکه‌ی راسخه ذکر می‌نمایند.<sup>۱</sup> برخی پژوهشگران اخلاق، ملکه را چنین تعریف کرده‌اند:

«ملکه به صفتی گفته می‌شود که در روح و جان انسان چنان نفوذ کرده و راسخ شده است که آثار، افعال و رفتار مناسب با آن صفت، خود به خود و بدون تأمل و درنگ، از انسان صادر می‌شود».<sup>۲</sup>

همان‌طور که مشاهده شد، در علم اخلاق بیشتر به جنبه شخصی نهادینه‌سازی یعنی همان خودسازی و تهذیب نفس توجه شده است.<sup>۳</sup>

### ۳. جامعه‌شناسی

«نهادینه‌سازی»، یکی از اصطلاحات علم جامعه‌شناسی نیز هست. نهادینه‌سازی یک امر اجتماعی، یعنی پایه‌ای و ریشه‌ای کردن آن در متن و عمق جامعه است. زمانی گویند چیزی، فکری، یا پدیده‌ای نهادینه شده که در روند استواری مبتنی بر سه ویژگی سازمان یافته بودن، سیستماتیک و ثابت‌شدن قرار گیرد به گونه‌ای که در جامعه پذیرفته شده باشد<sup>۴</sup> و همچنین نقش و کارکردهایی مشخص و محسوس از آن مشاهده گردد. برخی جامعه‌شناسان<sup>۵</sup> معتقدند که نهادینه‌شدن، مستلزم گذر از سه مرحله یا مقطع زمانی برون‌گرایی، عینیت‌گرایی و درون‌گرایی است. منظورشان از برون‌گرایی انجام یک عمل، و از عینیت‌گرایی تلقی و تفسیر آن عمل به عنوان یک واقعیت اجتماعی مستقل از فرد و از درون‌گرایی تبدیل این دنیای عینی به دنیای درونی می‌باشد. در دانش مدیریت، یکی از نظریات مطرح درباره‌ی نهادینه‌شدن، الگویی است که مبتنی بر تلقین ارزش‌ها بوده و سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط دارد. بر اساس آن، ارائه یا تلقین ارزش‌ها به یک ساختار

۱. ر. ک. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، جلد اول، ص ۴۳ و ۵۳، و همچنین نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ص ۲۲.

۲. غروی‌ان، محسن، فلسفه اخلاق، ج ۱، ص ۲۵.

۳. علت آن شاید یکی از این موارد باشد؛ در مقام تبیین تهذیب نفس بوده‌اند، معتقدند تهذیب نفس مقدم بر اصلاح جامعه است، با تهذیب نفس یکایک افراد، جامعه نیز اصلاح خواهد شد.

۴. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی، ص ۴۳۲.

۵. برگر (Peter Ludwig Berger) و لاکمن (Luckmann Thomas).

یا فرایند، نهادینه‌شدن آن را تقویت و تثبیت می‌نماید.<sup>۱</sup> می‌توان گفت حاکم‌شدن ارزش‌های اساسی و درونی‌شدن این ارزش‌ها در افراد، دو رکن اساسی نهادینه‌سازی است که نیازمند به سپری‌شدن فرایند زمانی خاص می‌باشد. یکی از آثار چنین نهادینه‌سازی، این است که رفتارهای خود انگیزه و پیش‌بینی ناپذیر، جای خود را به رفتارهای نظام‌یافته و پیش‌بینی پذیر می‌دهند.<sup>۲</sup> جهت فهم بهتر مفهوم نهادینه‌شدن، باید با تعاریف فرهنگ آشنا بود<sup>۳</sup> چون ارزش‌ها یکی از مؤلفه‌های فرهنگ شمرده شده است.<sup>۴</sup>

لازم به ذکر است که اگر آموزه‌های مهدوی به گونه‌ای در جامعه رواج پیدا کند که مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رسوم، سنت‌ها، شعائر و اعمال خاص پذیرفته‌شده در یک جامعه را در بر گیرد، (آن آموزه‌ها نهادینه شده و) فرهنگ مهدویت شکل می‌گیرد.<sup>۵</sup> این فرهنگ، ترکیبی منسجم و بی‌همتا از عشق، شعور و آگاهی را فراهم می‌آورد و در نتیجه فرهنگ مهدویت که حاکی از روش، منش، کنش، نگرش و بینش حضرت مهدی (عج) است را تشکیل می‌دهد.<sup>۶</sup>

آموزه‌های مهدوی برای فرهنگ، تأمین محتوا می‌کنند. اگر از آن آموزه‌ها بتوانیم اصول، مبانی و همچنین روش‌های آن فرهنگ منسجم و نظام مند، مرکب از اندیشه، هنر، شیوه‌ی زندگی، آداب و رسوم و همچنین بایسته‌های الگوهای رفتاری جامعه را به دست آوریم، به مباحث نظری آن راه یافته‌ایم. حال اگر در جامعه و بین عموم مردم، چنان شناختی نسبت به آن اصول و مبانی به وجود آید که باعث علقه‌ی شدید جامعه به آن‌ها گردد و به گونه‌ای عملیاتی و اجرایی شود که از نسلی به نسل دیگر انتقال یابد، فرهنگ مهدوی محقق شده است.

۱. تاسی، هنری، *تئوری‌های سازمان*، ترجمه‌ی علی پارسائیان، ص ۲۳۳.

۲. کوئن، بروس (Bruce Cohen)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس، غلام عباس توسلی و رضا فاضل، ص ۱۵۳.

۳. ر.ک: پهلوان، چنگیز، *فرهنگ‌شناسی*، و آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، ص ۱۳۰.

۴. ر.ک: مور، استفان (Stephen Moore)، *کلیات جامعه‌شناسی*، ترجمه عباس محمدی اصل ج ۱، ص ۱۸.

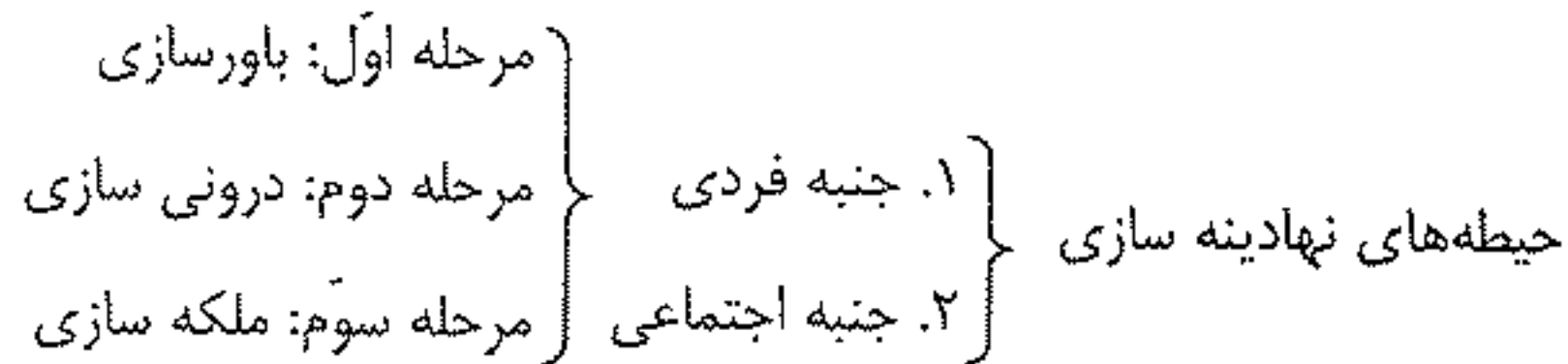
۵. ر.ک: بهروزلک، غلام رضا، «اقتراح» (مصاحبه فصل‌نامه *نظائر معرود*)، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۲، صص

۳۵-۳۸.

۶. آیت‌اللہی، محمدتقی، همان، صص ۳۹-۴۱.

### ج) مقصود از نهادینه‌سازی

با الهام از مطالب یادشده پیرامون مفهوم‌شناسی نهادینه‌سازی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان دو جنبه فردی و اجتماعی قابل تصور است و در این پژوهش، راه‌کارهای تربیتی به گونه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند که برای هر دو جنبه، به کار آیند و مفید واقع شوند. حال توضیحی مختصر پیرامون دو جنبه‌ی مذکور از نظر می‌گذرد.



#### ۱. جنبه فردی

جهت نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در هر شخص، باید از بهترین سن تأثیرپذیری و تربیت‌پذیری یعنی دوره‌ی کودکی آغاز کرد و پس از آموزش و انتقال صحیح آن آموزه‌ها به کودکان، سه مرحله طی شود.

##### مرحله اول: باورسازی

باید کاری کنیم (روش‌هایی اتخاذ کنیم) تا آموزه‌ها در کودک به صورت باوری محکم و استوار درآید و به تمام معنا، اعتقادی محکم و راسخ نسبت به آن‌ها پیدا کند به گونه‌ای که راه برای حتی ذره‌ای شک و تردید در دلش نسبت به درستی آن‌ها پیش نیاید.

##### مرحله دوم: درونی‌سازی

لازم است ذهن (حیطه‌ی شناختی) و عاطفه (حیطه‌ی گرایشی) کودک چنان نسبت به باورهای مهدوی تحریک گردد تا از درون ملتزم به انجام اعمالی متناسب با آن‌ها بوده و هیچ احتیاجی به ناظر بیرونی نداشته باشد و نوعی خودکنترلی حاصل از درک حضور امام مهدی عج در او به وجود آید.

##### مرحله سوم: ملکه‌سازی

باید از طریق کثرت تکرار حالات و رفتارهای مهدوی توسط کودک صفات نیکوی

مهدوی در روح و جان وی نفوذ کرده و پس از استواری، پایداری و راسخ شدن به صورت ملکه در آید. از آثار چنین حالتی آن است که انجام رفتارهای مهدوی متناسب با آن ملکه، برای کودک آسان و بی‌تکلف می‌شود. همچنین، به صورت خودکار و بدون درنگ در جای مناسب از او صادر می‌گردد. بنابراین اگر آن رفتار در کودک نهادینه شود، دائماً از او سر می‌زند، گویی جزیی از شخصیت او شده است.

## ۲. جنبه اجتماعی

برای این که آموزه‌های مهدوی در متن و عمق جوامع کوچک کودکانه مثل مهد کودک، پیش‌دبستانی و مدرسه نهادینه شود، می‌توان یک برنامه‌ی بلندمدت سازمان‌یافته، نظام‌مند و ثابت تنظیم نمود که حاوی اصول، شرایط و راه‌کارهای اجرایی باشد. مثلاً یکی از آن اصول این است که به‌گونه‌ای عمل شود تا آثار و کارکردهای باور به آموزه‌های مهدوی هر چه بیشتر برای کودکان نمایان و مشهود باشد. افزون بر آن، باید باورهای مهدوی، التزام و وفاداری دائمی نسبت به آن‌ها، توجه به شاهد و ناظر محترمی همچون امام مهدی علیه السلام، استمرار و تکرار رفتارهای مهدوی در بین کودکان به صورت ارزش درآید. چون نهادینه‌شدن آموزه‌های مهدوی، ارتباط تنگاتنگی با نوع نگرش به آن‌ها دارد. بر این اساس، زمانی در مدرسه، فرهنگ معارف مهدوی نهادینه می‌گردد که آن‌ها به عنوان یک ارزش تلقی شوند. یکی از راه‌کارهای تحقق چنین امری، این است که آن امور، ملاک و معیار توجه ویژه و تشویق علنی مربیان قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در بحث نهادینه‌سازی، باید تمام عوامل و نهادهای تأثیرگذار مانند خانواده، نظام آموزش و پرورش، مدرسه و پیش‌دبستانی، محیط زندگی، رسانه‌ها، مکان‌های مذهبی مثل مسجد بررسی شوند. همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن‌ها، میزان تأثیرگذاری هر یک مشخص شود و راه‌کار و روش‌هایی متناسب با آن نهادها طراحی گردد. راه‌کارهای مورد بحث در پژوهش حاضر، عمومی بوده یعنی هر یک از نهادهای مذکور می‌توانند جهت نهادینه‌سازی از آن‌ها بهره ببرند.

## چهار. آموزه مهدوی

مفهوم‌شناسی واژه‌ی ترکیبی «آموزه مهدوی»، مبتنی بر معناشناسی دو واژه «آموزه» و «مهدوی» و همچنین برخی کلمات هم‌خانواده‌ی تأثیرگذار در فهم معنا است.

## الف) آموزه

در فرهنگ لغت فارسی، واژه‌ی «آموزه» به معنای «درس» آمده و به نظر می‌رسد به معنای مواد، مفاد و محتوایی است که در فرایند آموزشی قرار گرفته و به یادگیرندگان منتقل می‌گردد. به تعبیر دقیق‌تر، به مسائل اصلی و تک‌گزاره‌های محوری یک محتوای آموزشی، «آموزه» اطلاق می‌شود مثلاً جمله «منتظران حضرت مهدی»، اعتقاد خود را به ایشان تقویت می‌کنند» یک آموزه مهدوی است. مقصود از «آموزش» نیز معنای اصطلاحی عام آن یعنی هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده با هدف ایجاد یادگیری در یادگیرندگان می‌باشد<sup>۱</sup> و شامل انواع آموزش‌ها، اعم از رسمی و کلاسیک و غیر رسمی نیز می‌شود، به گونه‌ای که نه مقید به مکان و زمان ویژه است و نه مخاطبان ویژه‌ای دارد، حتی شامل آموزش‌های تلویزیونی و از راه دور هم می‌شود.<sup>۲</sup>

## ب) مهدوی

واژه «مهدوی» به لحاظ ساختاری، اسم منسوب بوده که از الحاق «ی» نسبت، به کلمه «مهدی» ساخته شده است.<sup>۳</sup> واژه «مهدی» نیز صفت مفعولی از ریشه «هدی» بوده و به معنای هدایت شده آمده است<sup>۴</sup> ولی در اصطلاح، لقب خاص امام دوازدهم شیعیان می‌باشد.

۱. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی، ص ۱۴.

۲. اقتباس از حسینی زاده، سید علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، ص ۲۲.

۳. جهت اطلاع از نحوه‌ی اشتقاق و پدید آمدن واژه‌ی «مهدوی»، ر.ک: طباطبایی، محمدرضا، صرف ساده، ص ۱۶۹ و لطیفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، صص ۱۸-۱۹.

۴. «هدی» یعنی پیش افتادن برای نشان دادن راه درست (الرازی، احمد بن فارس، معجم مقانیس اللغة، ج ۶، صص ۴۲-۴۳) همچنین مهدی بر کسی اطلاق می‌شود که به رشد و رستگاری هدایت شده، از گمراهی به دور باشد (الزبیدی، محمدمرئضی، تاج العروس، ج ۱۰، ص ۴۰۶) و خداوند به راستی وی را به راه حق بُرده (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث والایرة، ج ۴، ص ۲۴۴) و به سوی حق و حقیقت راهنمایی کرده است. ایشان فردی از اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بشارت ظهورش را داده‌اند و جهان را پس از آکنده شدن از ستم، سرشار از عدالت خواهند ساخت. (طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۴۷۵)



بنابراین، واژه «مهدوی» یعنی اموری (اشیاء، اشخاص، مطالب و...) که منسوب به حضرت مهدی علیه السلام است. واژه «مهدویت» نیز تقریباً به همین معنی است.<sup>۱</sup> امروزه اصطلاح (مهدوی و مهدویت) با توجه به کاربردهای آن در سخنرانی‌ها، مقاله‌ها، کتاب‌ها، نشریه‌ها و مانند آن برای اشاره به آموزه‌ها و بحث‌هایی در نظر گرفته می‌شود که به گونه‌ای با حضرت مهدی علیه السلام ارتباط دارد.<sup>۲</sup>

### ج) مقصود از آموزه مهدوی

با توجه به توضیحات یاد شده پیرامون «آموزه» و «مهدوی»، می‌توان گفت: آموزه مهدوی (یا معارف مهدوی)<sup>۳</sup> یعنی مطالب، مباحث، معارف، درس‌ها و تک‌گزاره‌هایی که در مورد حضرت مهدی علیه السلام یا به گونه‌ای مرتبط با ایشان است. این تعریف عام، شامل مباحث زیاد و متنوعی می‌شود مانند اوصاف امام مهدی علیه السلام، ادعیه‌ی مهدوی، تاریخ زندگی، غیبت و علل آن، فوائد امام غائب، ملاقات‌ها و تشرف‌ها، توقیعات، داستان‌های مهدوی، طول عمر، شرایط و علائم ظهور، هدایت و مدیریت امام در زمان غیبت و ظهور، حکومت جهانی به رهبری امام، جامعه‌ی موعود و آرمانی، جایگاه و نقش امام در عصر غیبت کبری، انتظار و ویژگی‌های منتظران و جامعه منتظر. اما منظور از «آموزه مهدوی» در این پژوهش، مفهومی اخص بوده که ضمن بیان دو نکته، روشن می‌شود.

۱. برای «مهدویت» از نظر ساختاری، دو وجه مصدر صناعی و وصف برای موصوف محذوفی نظیر «العقیده»، «المسائل» یا «المباحث» متصور است که ساختار اخیر صحیح‌تر به نظر می‌رسد. (ر.ک: لطیفی، رحیم، مهدویت، حکومت دینی و دموکراسی، ص ۱۹) به این ترتیب، «مهدویت» به معنای عقائد، مباحث و مسائلی است که منسوب و مربوط به حضرت مهدی علیه السلام بوده و پیرامون ایشان می‌چرخد.

۲. سلیمیان، خدامراد، فرهنگ‌نامه مهدویت، ص ۴۳۴.

۳. در عرف مردم و مطبوعات، تفاوت معنایی بین آن «آموزه» و «معارف» نیست و تغایر فقط در جایگاه استعمال است. مثلاً وقتی مبحثی، در فرآیند آموزش به مردم قرار گیرد یا به قصد الگودهی برای سبک زندگی مطرح شود، به آن آموزه می‌گویند ولی اگر به عنوان درس دانشگاهی یا مباحث نظری امامت، جلوه‌گری کند به آن معارف گویند. با توجه به معنای ریشه آن (عرف) که شناختن و علم پیدا کردن است وقتی «معارف» اضافه به «مهدوی» شود یعنی مجموعه مطالب، مباحث و اموری که به واسطه آن‌ها، ره‌یافتگی و هدایت‌شدن یا امام مهدی علیه السلام و بحث‌های مرتبط با ایشان شناخته می‌شود.

### نکته یکم: نگاه فراگیر

در مورد هدف از طرح آموزه‌های مهدویت، دو دیدگاه وجود دارد: یکی نگاه انحصاری به آینده که بر اساس آن، باید معارف مهدوی تعلیم، تدریس و تبیین شوند تا در آینده وقتی موعود جهانی ظهور کرد بتوانیم او را در اموری مانند تشکیل حکومت جهانی یاری و حمایت نماییم. دیگری، نگاه فراگیر با این توضیح که معتقدیم امام علیه السلام حجت حی و واسطه فیض الهی است و نعمت و رحمت الهی از طریق ایشان به ما می‌رسد. بر این اساس، شناخت و شناساندن مقام امامت و به‌طور کلی آموزه‌های مهدوی در تربیت، رشد و شکوفایی همه‌جانبه‌ی انسان در هر زمانی (حال و آینده، غیبت و ظهور) نقشی مؤثر و کلیدی دارد. با این عقیده، می‌توان برای آینده روشن یعنی ظهور نیز آماده بود. هدف از طرح آموزه‌های مهدوی، یک نگاه فراگیر است نه نگاه انحصاری به آینده.

### نکته دوم: رویکرد آموزه‌ای

مقصود از «آموزه‌ی مهدوی» در پژوهش پیش‌رو، رویکرد آموزه‌ای است یعنی رویکردی جامع و سامان‌مند به مهدویت به معنای مجموعه معارف منسجم و نظام‌مند در مورد حضرت مهدی علیه السلام. این نوع نگاه، در مقابل رویکرد گزاره‌ای (یا تکواژه‌ای و موردی) به معنای پرداختن به موضوعات، مسائل، روایات، توقیعات، ادعیه، داستان‌های مهدوی یا بخشی از آن‌ها به صورت موردی و جزئی است.<sup>۱</sup> البته به رویکرد گزاره‌ای و شیوه‌های انتقال آن به صورت جزئی اشاراتی خواهد شد ولی غرض اصلی، همان رویکرد آموزه‌ای است. زیرا مقصود از نهادینه‌سازی معارف مهدویت، تربیت کودکان برای جامعه مهدوی و نسل منتظر بوده و این خود از بزرگ‌ترین مؤلفه‌های زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام به‌شمار می‌آید. تحقق این امر خطیر، نیازمند مجموعه معارف نظام‌مند و منسجم در مورد مهدویت است به همراه اصولی که راهنمای عمل در حوزه‌ی کودک باشد.

۱. توضیح بیشتر رویکرد آموزه‌ای؛ اعتقاد به وجود امامی که وارث فرهنگ وحی است. جهانیان در انتظار او به‌سر می‌برند و رسالت زمینه‌سازی ظهور او را بر عهده دارند. او در حضور و غیبت خود، حرکت جامعه جهانی و به‌طور خاص جوامع اسلامی را در رسیدن به جامعه آرمانی و پیروزی حق بر باطل، هدایت و مدیریت می‌کند. (پورسیند آقایی، مسعود، مهدویت و رویکردها، فصل‌نامه مشرق موعود، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴، ص ۶) لازم به ذکر است رویکرد دکترین نیز مطرح شده که به دلیل عدم ارتباط با بحث ذکر نگردید. ر.کد همان.

این امور، با صرف دانستن گزاره‌های از مهدویت بدون تأمل، تحلیل، استخراج مبانی و اصول فایده‌ی تربیتی نداشته و ما را به مقصد نمی‌رساند. اما با رویکرد آموزه‌ای غرض حاصل می‌شود.

### پنج. کودک

در زبان فارسی واژه «کودک» به معنای کوچک، صغیر،<sup>۱</sup> طفل،<sup>۲</sup> بچه، خردسال،<sup>۳</sup> صبی، نوباوه و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده استعمال شده است. کودکی به عنوان یک گستره‌ی سنی متمایز از دوره‌های دیگر زندگی، در بیانی ساده به دوره‌ای اطلاق می‌شود که از تولد یا بعد طفولیت آغاز و تا دوران نوجوانی ادامه دارد. سنّ دقیقی را نمی‌توان برای آغاز و پایان آن گفت، زیرا انسان موجود پیچیده‌ای است که از زوایای مختلف جسمانی، روانی و هیجانی، اخلاقی، اجتماعی و... قابل بررسی بوده و نمی‌توان واقعیت زندگی وی را به‌طور دقیق طبقه‌بندی کرد. همچنین تقسیم‌بندی رشد او به خاطر وجود تفاوت‌های فردی نشأت گرفته از عوامل ارثی و محیطی مانند اختلاف فرهنگ، وضع اجتماعی و اقتصادی دشوار است.<sup>۴</sup> دانشمندان علوم مختلف، تعاریف و توصیفات گوناگونی پیرامون کودک ارائه کرده‌اند که این پژوهش، متأثر از آموزه‌های دینی درباره دوره کودکی و مرتبط با نظر روان‌شناسان شکل گرفته است. زیرا عهده‌دار بحث در مورد جنبه‌های شخصیت کودک نسبت به آموزه‌پذیری، تربیت‌پذیری و یافتن راه‌کار تربیتی می‌باشد. روان‌شناسان به دلایل گوناگون، کودکی را به دوره‌های پی‌درپی کوتاه‌تر تقسیم کرده‌اند (البته با اختلاف نظری اندک در تعیین هر دوره) که عبارت است از

کودکی اول: دو تا چهار سالگی

کودکی دوم: چهار تا هفت سالگی

کودکی سوم: هفت تا دوازده سالگی.<sup>۵</sup>

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۸۶۸.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۳، ص ۳۱۱۷.

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۹۱.

۴. رضایی، حمیدالله، اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان، ص ۳۵.

۵. شکوهی، غلام‌حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۱۳.

در این پژوهش از بین دوره‌های مذکور، کودکی دوّم انتخاب شده و بر این اساس، مراد از کودک در این نوشتار سنین چهار تا هفت سال می‌باشد. علت چینی‌گزینی آن است که راه‌کارهای تربیتی که معرفی می‌شود، غالباً بر اساس ویژگی‌های کودکی تنظیم شده که از یک‌سو، خزانه واژگان و قدرت برقراری روابط اجتماعی در او تا حدّ زیادی پیشرفت کرده به‌گونه‌ای که می‌توان به‌راحتی با او تعامل و گفتگو داشت و از سوی دیگر، هنوز توانایی خواندن و نوشتن نداشته و به مدرسه راه پیدا نکرده است. یعنی زبان آموزه‌پذیری وی، شنیداری و دیداری است.

### گفتار دوم: ویژگی‌های راه‌کار تربیتی

جهت دستیابی به بینشی صحیح نسبت به موضوع تربیتی این پژوهش، افزون بر تعریف و تبیین مفاهیم کلیدی، بیان ویژگی‌های راه‌کار تربیتی نیز لازم است، به‌همین خاطر، به سه مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

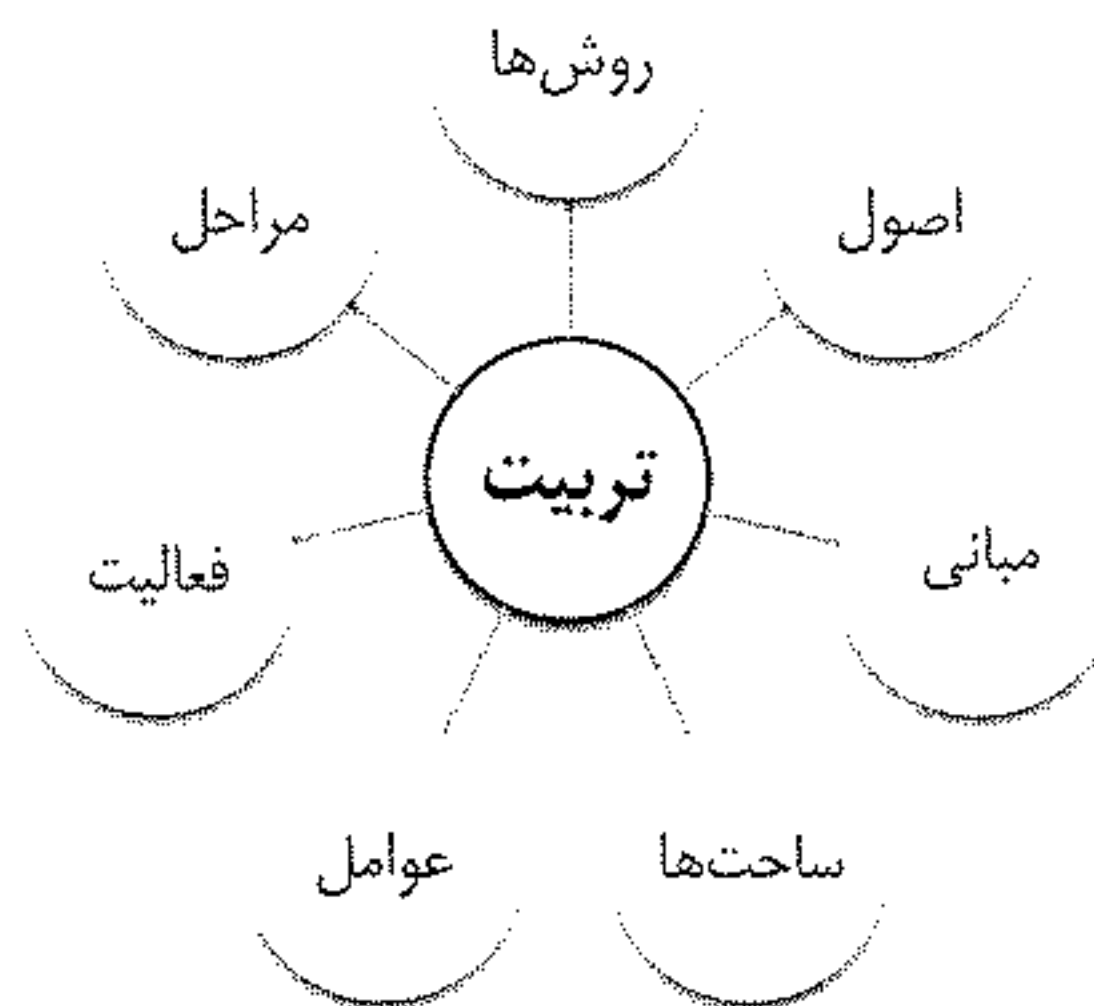
#### یک. مؤثرترین روش و ماندگارترین اثر

برای نهادینه‌سازی و تعمیق بخشیدن اندیشه یا رفتاری در وجود کودکان، راه‌کارهای مختلفی می‌توان تصوّر کرد، ولی بهترین، اثر بخش‌ترین و ماندگارترین آن‌ها، راه‌کار تربیتی بوده که در مسیر شکل‌گیری شخصیت آنان قرار می‌گیرد. تأکید بر قید «تربیتی» به‌جهت محدود کردن «راه‌کار تربیتی» و جداسازی آن از راه‌کار سیاسی، نظامی، اقتصادی و مانند آن است. به دیگر سخن، در برخی نهادها و محیط‌های آموزشی علمی، نظامی، سیاسی، اداری و... روش‌ها و راه‌کارهایی جهت تفهیم و نهادینه‌سازی آموزه‌ها و ارزش‌ها، استفاده می‌شود که اگر چه بر دیگران اثرگذار بوده ولی از دایره‌ی بحث این پژوهش بیرون است، زیرا اولاً، اجبار و مراقبت شدید، محرک و ضامن اصلی اجرای آن‌ها است. ثانیاً، اصرار بر انجام، بیشتر به‌خاطر حفظ نظم آن محیط‌ها و سازمان‌ها بوده نه به قصد تربیت. ثالثاً، افزون بر شواهد وجدانی، آمارها نشان می‌دهند که غالباً اثری ماندگار نداشته و به‌محض جدا شدن فرد از آن نهاد، ارزش‌ها و رفتارهای آموزش داده شده به فراموشی سپرده می‌شود. بنابراین، قلمرو بحث ما در پژوهش پیش‌رو، معرفی و بررسی راه‌کارهایی است که در فرآیند تربیتی صحیح قرار می‌گیرند.

### دو. لزوم سازگاری روش با دیگر مؤلفه‌های تربیتی

میان اجزاء تشکیل‌دهنده نظام تربیتی، باید سازواری وجود داشته باشد، پس لازم است روش‌های تربیتی با سایر مؤلفه‌ها از قبیل فعالیت، اهداف، مبانی و اصول هماهنگ و مرتبط باشند تا با یکدیگر در تعارض و سایش نبوده بلکه مکمل و معاضد هم باشند. ضرورت این هماهنگی، گزینش روش‌ها را دشوار، محدود و مقید می‌کند؛ مثلاً برای رسیدن به یک هدف، نمی‌توان از هر روشی بهره برد. لازم به ذکر است که در برخی کتب تربیتی، ناهم‌خوانی بین معرفی مؤلفه‌ها مشاهده می‌گردد مثلاً یک مورد در کتابی «مبنا» و در نوشته‌ای دیگر «اصل» و در جایی دیگر «روش» خوانده می‌شود. این امر، شاید به دلیل پیوند تنگاتنگ و پی‌نهادی میان روش و دیگر عناصر تربیتی است.<sup>۱</sup> در این پژوهش، بحث پیرامون دو روش منتخب تلقین و الگونمایی و راه‌کارهای آن‌ها، با در نظر گرفتن هماهنگی با تمامی مؤلفه‌های نظام تربیتی اسلام به همراه توجه به معیار اسلامی بودن روش است.<sup>۲</sup> برخی تربیت‌پژوهان، ارتباط بین روش‌ها، اصول و مبانی را زایشی می‌دانند با این بیان که هر روش از یک یا چند اصل خاصی گرفته شده و مبتنی بر آن‌ها است، همچنین اصول را متکی و برخاسته از مبانی دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

(نمودار لزوم ارتباط مؤلفه‌های تربیتی)



۱. رفیعی، بهروز، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، ج ۳، صص ۲۷۱-۲۷۲.
۲. جهت توضیح نحوه ارتباط روش با یکایک مؤلفه‌ها و همچنین معیار اسلامی بودن ر.ک. مصباح، محمد تقی، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ص ۴۵۱.
۳. ر.ک: (خسرو باقری، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، ص ۶۴) و (ابوطالبی، مهدی، *تربیت از دیدگاه امام علی (ع)* و (مرتضوی، محمد، *اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام*)

### سه. بیان خبری کلی و حاکی از دستور

روش‌ها همچون اصول، از سنخ دستورات عمل‌اند و به صورت گزاره‌های خبری بیان می‌شوند که حاوی «باید و نباید» است و به ما می‌گویند که برای رسیدن به هدف معین چه باید کرد با این تفاوت که اصول، دستورات عمل‌های کلی‌اند در حالی که روش‌ها، در عین کلیت و انتزاعی بودن، نسبت به آن‌ها جزئی‌تر هستند.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: گونه‌شناسی راه‌کار تربیتی

برای راه‌کارها و روش‌های تربیتی، دسته‌بندی‌های مختلفی ذکر شده<sup>۲</sup> که بر اساس تنوع فعالیت‌ها، اهداف، مساحت‌ها، عوامل، موانع و مراحل مختلف تعلیم و تربیت و همچنین اختلاف مراتب طولی خود روش‌ها شکل گرفته است.<sup>۳</sup> برخی پژوهشگران، جهت تفکیک و تمایز این مراتب در نام‌گذاری برای مراتب کلی‌تر، عنوان «روش» و برای مراتب جزئی و جزئی‌تر عناوینی مانند قالب، شیوه، فن، شیوه اجرایی و روش جزئی‌تر انتخاب نموده‌اند. البته در نام‌گذاری مذکور، اختلافاتی مشاهده می‌شود. برخی دیگر معتقدند؛ در تعلیم و تربیت بین سه واژه‌ی روش، شیوه و فن تفاوت اساسی وجود دارد و برای هر کدام تعریفی جداگانه ارائه می‌کنند.<sup>۴</sup> برخی دیگر، آن سه را مراحل و اجزاء یک روش کلی می‌دانند.<sup>۵</sup> فارغ از اختلافات مذکور، در این پژوهش، از عناوین سه‌گانه‌ی ذیل استفاده می‌شود؛ الف) «روش تربیتی»، مقصود از آن، روش‌های کلی از قبیل تلقین و الگودهی است.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۴ و مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۴۴۷، در ضمن به خاطر اختصار و سهولت ارجاع، اصول و روش‌های مطرح در این نوشتار، به صورت عناوینی ناظر به گزاره‌های آن‌ها بیان می‌گردد.

۲. افزون بر منابع مذکور در پی‌نوشت شماره ۳ صفحه ۳۹ همین نوشتار، ر.کد (داوودی و حسینی زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام) و (حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی) و (مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۴۵۲-۵۱۱)

۳. تقسیم روش‌ها با توجه به مراتب طولی یا درجه‌ی کلیت یعنی روش‌ها بر اساس مراتب طولی خود آن‌ها قابل تقسیم هستند چون روش‌ها با عناوینی کلی بیان می‌شوند و می‌توان برای آن‌ها، مراتبی در نظر گرفت، به‌گونه‌ای که از نظر درجه‌ی کلی بودن با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، برخی از روش‌ها مصداق روش‌های دیگر محسوب شوند. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۴۴۸ و ۴۵۲.

۴. ر.کد فرمehنی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، ص ۳۶۹.

۵. ر.کد حسینی زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش‌های دینی، ص ۳۰.

ب) «شیوه کلی کاربردی و اجرایی»، منظور از شیوه کاربردی، اموری جزئی مانند پیوند دادن پیام با واقعیات زندگی کودک، در معرض داوری قرار دادن او و همچنین ترغیب به الگوشدن است که برای به کارگیری آن روش‌های کلی تربیتی، مورد استفاده قرار می‌گیرند. ج) «قالب اجرایی»، مقصود از قالب اجرایی نیز، اموری جزئی‌تر و محسوس‌تر بوده که بیشتر نقش ابزار اجرایی را برای روش‌های پیشین ایفا می‌کنند مانند قصه‌گویی، شعر و نمایش.

بنابراین، اصطلاح «راه‌کار تربیتی» ذکر شده در عنوان پژوهش حاضر، با هدف شمولیت بر تمامی موارد مذکور انتخاب شده و هدف از بیان آن‌ها، تبیین برخی نمونه‌ها بوده، نه استقصای کامل.<sup>۱</sup>

---

۱. لازم به ذکر است که؛ از یک سو، نگارنده منبع قابل استنادی که در آن، با تبیین و توضیح راه‌کارهای تربیتی به نهادهای سازنده آموزش مهدوی در کودکان بپردازد نیافت و منابعی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند، غالباً به طور کلی روش‌ها، شیوه‌ها و قالب‌های تربیت و انتقال مفاهیم را بررسی کرده‌اند و در موارد اندکی نیز مرتبط با مفاهیم کلی دینی از سوی دیگر، این راه‌کارها عام بوده و ذاتاً اختصاص به انتقال و نهادهای سازنده آموزش مهدوی ندارند. پس در این نوشتار، در بسیاری از موارد به خاطر بهره‌بری بیشتر از آن راه‌کارها و همچنین یک‌پارچه‌گی و یکنواختی عبارات و رعایت اختصار، غالباً از نقل قول مستقیم پرهیز شده و با استناد به همان منابع، مطالب آن‌ها در قالب نهادهای سازنده معارف مهدویت در کودکان بیان می‌گردد.



## فصل دوم

بازشناسی دوره کودکی و

آموزه مهدوی متناسب

## مقدمه

ساختار اصلی این پژوهش، تبیین دو روش تربیتی تلقین و الگونمایی جهت نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در کودکان با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی آنان است. موفقیت در این امر، پیش‌نیازهای مهمی پیرامون دوران کودکی و آموزه مهدوی دارد که این فصل در راستای تأمین برخی از آن‌ها تدوین و تنظیم گشته است. بنابراین در اینجا پس از تبیین جایگاه دوران کودکی در قالب اهمیت شناخت و توصیف این مرحله سنی از منظر معصومین علیهم‌السلام، به توضیح دقیق ویژگی‌های کودک در سه محور شناختی، عاطفی و رفتاری پرداخته می‌شود. در این صورت افزون بر بازشناسی خصوصیات آموزه‌پذیری و تربیت‌پذیری کودک، ویژگی‌های تأثیرپذیری او نسبت به تلقین و الگو و همچنین دلیل انتخاب این دوره جهت نهادینه‌سازی آموزه‌ها روشن می‌گردد. در پایان نیز به بحث گونه‌شناسی و گزینش آموزه‌های مهدوی متناسب با این مرحله از زندگی و برخی شاخص‌های آن اشاره می‌شود.

- |  |   |                     |
|--|---|---------------------|
| <p>۱- بازنمایی جایگاه دوران کودکی</p> <p>۲- بازشناسی ابعاد شخصیت کودک</p> <p>۳- گونه‌شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان</p> <p>۴- دسته‌بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک</p> | } | عناوین اصلی فصل دوم |
|--|---|---------------------|

## گفتار یکم: بازنمایی جایگاه دوران کودکی

### یک. اهمیت شناخت دوره کودکی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«کسی که بدون دانش و شناخت، دست به انجام کاری زند، مانند رونده‌ای در بیراهه است که هر چه سرعتش بیشتر باشد از مقصد دورتر خواهد شد و با سرعت رفتن، جز دوری و گمراهی چیزی بر او نمی‌افزاید.»<sup>۱</sup>

بر این اساس، ابتدا باید شخصیت کودک و تمام ابعاد وجودی او، آن‌گونه که هست شناخته شود، سپس در پی یافتن موضوعات و گزاره‌هایی متناسب با فهم او باشیم. شناخت صحیح استعدادها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها، کاستی‌ها و نیازهای کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر تربیت و انتقال مفاهیم مهدوی به ویژه مفاهیم انتزاعی آن‌ها به‌شمار می‌آید. به‌همین خاطر، برای دستیابی به راه‌کارهای صحیح انتقال و نهادینه‌سازی آموزه‌ها از طریق روش‌های تربیتی، ابتدا نیازمند توجه به مراحل رشد و ویژگی‌های آن‌ها هستیم. افزون بر آن باید نسبت به ابعاد مختلف رشد مانند رشد جسمی، فکری، اخلاقی، اجتماعی و عاطفی کودک آگاهی کافی داشته باشیم که این آگاهی، کلید حل بسیاری از ناپه‌نجاری‌های رفتاری و مشکلات روحی-روانی آن‌ها خواهد بود. بر این اساس، در اینجا به بررسی و شناسایی بخش‌هایی از خصوصیات کودکان خواهیم پرداخت که ارتباط بیش‌تری با تربیت‌پذیری و آموزش‌پذیری این دوره دارد.

### دو. دوران کودکی از نظرگاه پیامبر و اهل بیت علیهم السلام

پیرامون شناخت دوران کودکی، ابتدا به سراغ کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می‌رویم<sup>۲</sup> که سیره و سخنان عین حق است، چون متصل به وحی‌اند. روایات «سبع‌سنین» نمونه‌ی بارز توجه ایشان به این دوره از زندگی انسان و همچنین نشان‌گر اهمیت آن در تربیت

۱. «الغاملُ علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق لا یزیده سُرعة السیر إلا بُعداً»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۴۳).

۲. از آنجا که هنوز پژوهشی عمیق در مورد مفهوم‌شناسی واژگان احادیث معصومین علیهم السلام پیرامون دوره‌ی کودکی انجام نشده و نقل آن‌ها در کنار کلام روان‌شناسان و کارشناسان تربیتی، ممکن است باعث تفسیر نایجا از آن‌ها شود، این سخنان تحت عنوانی مجزاً ذکر شد.

اسلامی است که مراحل زندگی از تولد تا جوانی را به بخش‌های هفت‌ساله تقسیم می‌کند و برای هر بخش، ویژگی یا وظیفه‌ی تربیتی خاصی معین می‌نماید. حال به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. امام علی علیه السلام در ضمن روایتی، هفت‌سال اول زندگی را سن تربیت و پرورش می‌نامند<sup>۱</sup> که شامل پرورش جسمی نیز می‌شود. این نشان‌گر آن است که توجه به رشد جسمی کودک در کنار رشد فکری و معنوی وی از اهمیت بالایی برخوردار است. رشد و نمو جسمی انسان در دوره‌ی کودکی، با تأمین خواسته‌های بدنی و نیازهای جسمی او از طریق امکانات و وسایل مادی از قبیل غذا، بهداشت مناسب، آب، هوا، مسکن، خواب، استراحت، بازی و امثال آن انجام می‌پذیرد. البته باید توجه داشت که هر کودکی برحسب سن، حالات فیزیکی، شرایط جسمی و جنسی، نیازهای متفاوتی دارد.

حضرت علی علیه السلام در سخن دیگری، از کودک در این دوره به ریحان و گل خوشبو تعبیر کرده‌اند و فرمودند: «فرزند تو هفت‌سال ریحان و دسته گل توست»<sup>۲</sup> که این تعبیر هم حاکی از اهمیت دادن به کودک است، زیرا ریحان در عین لطافت و ظرافت، نیاز به مراقبت شدید دارد تا تازگی و طراوت خود را همچنان حفظ کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این مرحله از زندگی به دوره‌ی سیادت و آقایی کودک یاد می‌کنند.<sup>۳</sup> لغت «سید» به معنای آقا، بزرگ‌تر و سرور است که می‌تواند اشاره به این باشد که کودک در هفت‌سال اول باید به اندازه‌ی کافی از نظر شخصیتی مورد احترام قرار گیرد و مرکز توجه اعضای خانواده باشد. دو خصوصیت دوره‌ی کودکی در کلام امام صادق علیه السلام به چشم می‌خورد؛ یکی بازی کردن<sup>۴</sup> و دیگری در قالب سفارش به رها و آزاد گذاشتن است.<sup>۵</sup>

۱. «يُرَبَّى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَ يُؤَدَّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ مُتَّهَى طَوْلُهُ فِي ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سَنَةً وَ عَقْلُهُ فِي خُمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَالْتَجَارِبُ»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۶).  
 ۲. «وَأُولَٰئِكَ رِيحَانُكَ سَبْعًا وَ خَادِمُكَ سَبْعًا ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ»؛ (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۳، ح ۹۳۷).

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۱۷۰، ح ۶۱۰۴.

۴. «الْعِلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْخِلَالَ وَ الْخِرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۳) و «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَةُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۲، باب حال من يموت من أطفال المشركين و الكفار).

۵. «أَمِهْلْ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَ صَلَحَ وَ إِلَّا فَخَلِّ عَنْهُ»؛ (همان، ص ۴۶، ح ۲).

در سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین ائمه علیهم السلام شواهدی مبنی بر هم‌بازی شدن ایشان با کودکان و تأکید فراوان ایشان درباره‌ی بازی کودک وجود دارد.<sup>۱</sup> حتی تأثیر آن در بزرگ‌سالی در برخی روایات، چنین تبیین شده است:

«بازی‌گوشی بچه در کودکی، نشانه‌ی فزونی خرد و عقل او در بزرگ‌سالی است»<sup>۲</sup>

«خوب است بچه در کودکی بازی‌گوش باشد تا در بزرگ‌سالی حلیم و بردبار گردد»<sup>۳</sup>.

به خاطر اهمیت بازی در این دوره، نکاتی پیرامون آن خواهد آمد.<sup>۴</sup> این دوره آن‌قدر مهم است که امام سجّاد علیه السلام پنج حق برای کودک در این سن بیان کرده‌اند که والدین و مربیان باید به آن عمل کنند. آن حقوق عبارت از مهربانی در آموزش، بخشیدن و پوشاندن (اشتباهات)، مدارا کردن و یاری کردن اوست.<sup>۵</sup> در واقع، این موارد حاکی از نیازهای کودک از جهت روحی روانی، عاطفی و... می‌باشد. امام علی علیه السلام پیرامون اهمیت روحیه‌ی پرسش‌گری در دوره‌ی کودکی و تأثیر آن در بزرگ‌سالی فرمودند:

«مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ»

«مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ»<sup>۶</sup>

همچنین می‌توان به روایت «وَإِنَّمَا قَلْبُ الْخَدَثِ...» اشاره کرد که ذکرش گذشت.<sup>۷</sup>

۱. رک. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۸۵.

۲. عن رسول الله صلی الله علیه و آله: «غَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ»؛ (علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۹۱، ح ۳۰۷۴۷).

۳. عن الامام الكاظم علیه السلام: «تُسْتَخْبُ غَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صَغَرِهِ لِيَتَكُونَ خَلِيمًا فِي كِبَرِهِ... مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۶، ص ۵۱، ح ۳۰۲، و صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۹۳، ح ۴۷۴۸).

۴. رک. همین فصل، ویژگی‌های جنبه رفتاری کودکان، ص ۴۵-۴۶.

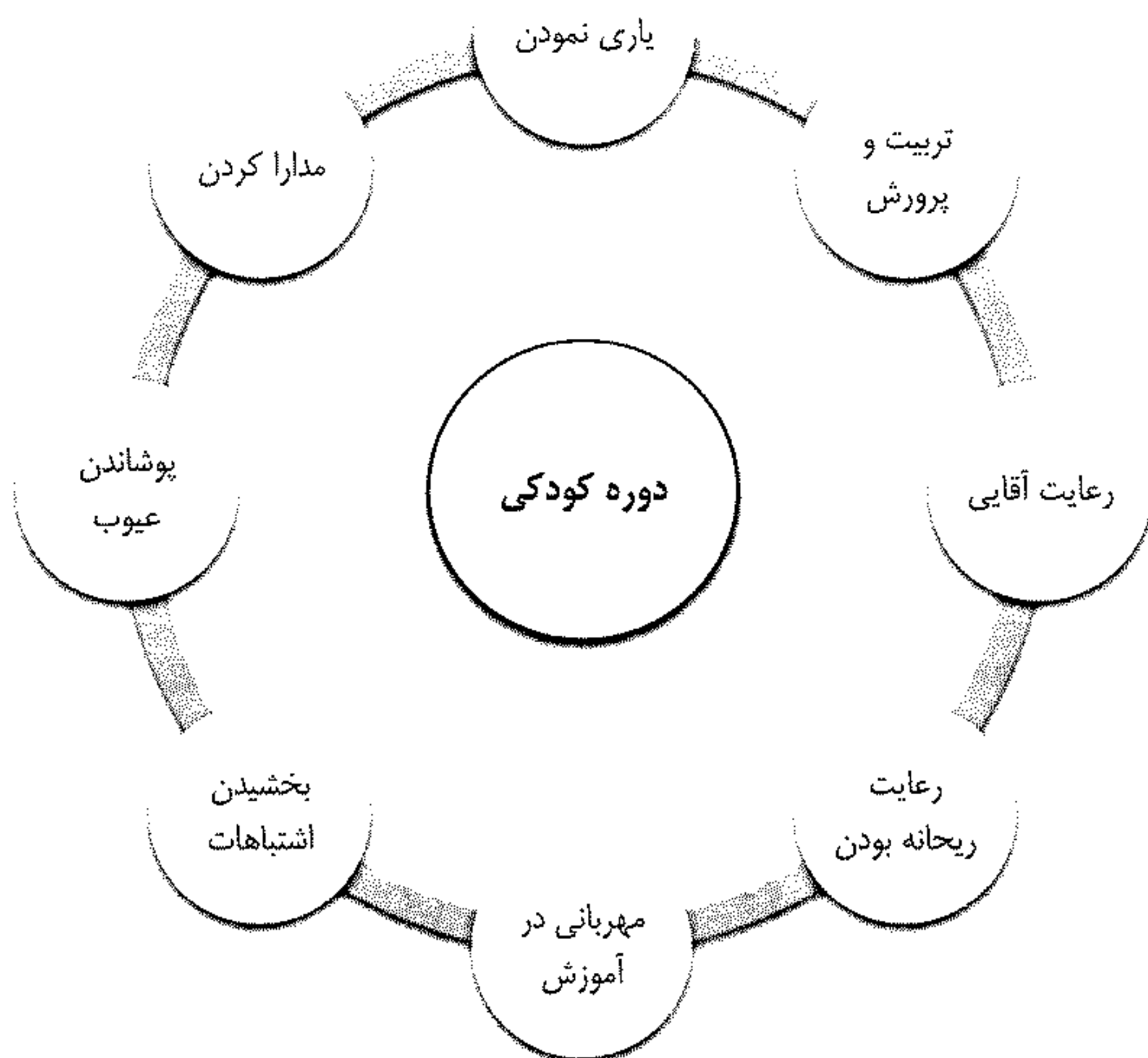
۵. «حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَةٌ فِي تَعْلِيمِهِ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ، وَالسَّتْرُ عَلَيْهِ، وَالرَّفْقُ بِهِ، وَالْمَعُونَةُ لَهُ...»؛ (صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۵، ح ۳۲۱۴).

۶. «هر کس در خردسالی بی‌پرسد، در بزرگ‌سالی پاسخ می‌دهد»؛ (آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۸۲۷۳)؛ «هر کس در کودکی نیاموزد، در بزرگ‌سالی پیش نمی‌افتد»؛ (همان، ح ۸۹۳۷).

۷. رک. فصل اول، گفتار اول، ذیل عنوان «نهادینه‌سازی در آیات و روایات»، ص ۲۹.

نکته مهمی که در جمع بین روایات فوق به ذهن می‌رسد آن است که در هنگام تربیت فرزند، هر کدام از ویژگی‌های مذکور برای دوره کودکی را که می‌خواهیم مد نظر قرار دهیم و هماهنگ با آن، عمل متناسب انجام دهیم، باید مقید به رعایت و توجه به دیگر ویژگی‌ها نیز باشد. مثلاً یکی از خصوصیات کودک «نیاز به مهربانی در آموزش» است که هنگام به‌کارگیری روش‌های تربیتی برخورد متناسب با آن، باید دیگر ویژگی‌های این دوره سنی مورد توجه قرار گیرد مانند تربیت‌پذیری، ریحان و دسته گل بودن حاکی از لطافت، سیادت و آقایی، بازی دوستی، رهایی و آزاد بودن، بخشش خواهی، نیاز به مدارا و یاری. مثال دیگر این که «بازی کردن» زمانی برای کودک لذت‌بخش و آرامش دهنده است که همراه با ویژگی‌های مذکور باشد.

(نمودار توجه به هماهنگی همزمان ویژگی‌های دوره کودکی)



## سه. رویکردی تربیتی به دوران کودکی

کودکی، به عنوان یک مرحله‌ی ویژه و حساس در زندگی فرد است به گونه‌ای که ارکان اصلی زندگی انسان بالغ و رشید، به کیفیت آن دوران بستگی دارد.<sup>۱</sup> دوران کودکی پایه و اساس شخصیت آدمی را تشکیل می‌دهد. روان‌شناسی مشهور<sup>۲</sup> می‌گوید: «کودک در پنج شش سالگی، نسخه‌ی کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد».<sup>۳</sup> اگر این دوره سرنوشت‌ساز، آن گونه که در فرمایشات معصومین علیهم‌السلام موج می‌زند با عطف و مهرورزی، هم‌دلی و همراهی، غلیان و فوران احساسات خوشایند، محبت‌پذیری و اقتدار عاطفی کودکان همراه باشد، قوی‌ترین، سالم‌ترین و متعادل‌ترین ستون‌های تکوین شخصیت پی‌ریزی می‌شود.

دوره‌ی طلایی کودکی درحقیقت، دانشگاه تربیت محسوب می‌شود که در آن، شاکله‌ی شخصیتی انسان با پایه‌ریزی زیر بناهای اعتقادی، اخلاقی و شاخص‌های رفتاری تشکیل می‌گردد. از نظر مباحث تربیتی، حساسیت این فصل از زندگی انسان به‌خاطر آن است که بهترین سن آموزش‌پذیری و همچنین بهترین دوره برای تربیت‌پذیری است. در این باره فرهنگ دینی ما مملو از سفارشات معصومین علیهم‌السلام است که به نمونه‌هایی از آن اشاره شد.<sup>۴</sup>

روان‌شناسان هم با مشاهده رفتار کودکان به برخی از ویژگی‌های این دوره پی‌برده‌اند. مطالعات روان‌شناسی کودک نشان می‌دهد که سال‌های بین سه تا شش سالگی مرحله‌ی شکل‌گیری شخصیت، تربیت حواس و تربیت تخیل است.<sup>۵</sup> تحقیقات اندیشمندان نظیر کمنیوس، روسو، پستالوزی، فروبل، ماریا تئسوری و ژان پیاژه مؤید اهمیت دوره‌ی کودکی از نظر رشد گویایی، رشد جسمی و حرکتی، رشد عاطفی و اجتماعی، رشد شناختی، اخلاقی و رشد خلاقیت است.<sup>۶</sup> توجه به رشد جسمی کودک نیز برای تربیت وی اهمیت دارد. یکی از وجوه آن اهمیت، این است که در سنین کودکی، شکل‌گیری هویت جنسی کودک و نقش جنسی (پسر یا دختر بودن) رخ می‌دهد. تقریباً در سه سالگی، پسران و دختران تفاوت‌های جسمی خود را می‌یابند که در آینده مرد یا زن خواهند شد و والدین باید جهت موفقیت در تربیت جنسی کودک خود، اطلاعات کافی در مورد مواجهه با آن داشته باشند.

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۰.

۲. Arnold Lucius Gesell (۱۸۸۰-۱۹۶۰)

۳. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۰.

۴. ر.ک. همین فصل و گفتار، ص ۴۵-۴۸.

۵. ر.ک. شکوهی، غلام‌حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، فصل ۱۱.

۶. صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی. راهنمایی تحصیلی و متوسطه، ص ۲۹. البته بدیهی است که نقل سخنی از اندیشمندان روان‌شناسی و تربیتی غرب، دلیل بر قبول تمام نظریات آن‌ها نمی‌باشد.



### گفتار دوم: بازشناسی ابعاد شخصیت کودک

تربیت‌پژوهان و روان‌شناسان، سه حیطه و ساخت برای انسان در نظر گرفته‌اند که عبارتند از شناختی، عاطفی و رفتاری.

در بیانی ساده، بُعد شناختی مربوط به شناخت‌دهی و تامین اطلاعات ذهنی کودک می‌شود. حیطه عاطفی مربوط به تامین نیازهای روحی‌روانی و عاطفی او است و منظور از حیطه رفتاری، تحریک اراده و تصمیم‌گیری و همچنین فعالیت بدنی است. در این جا پس از بیان تعریف و اهمیت هر یک از این حیطه‌ها، ویژگی‌های هر یک در دوره کودکی بیان می‌گردد.

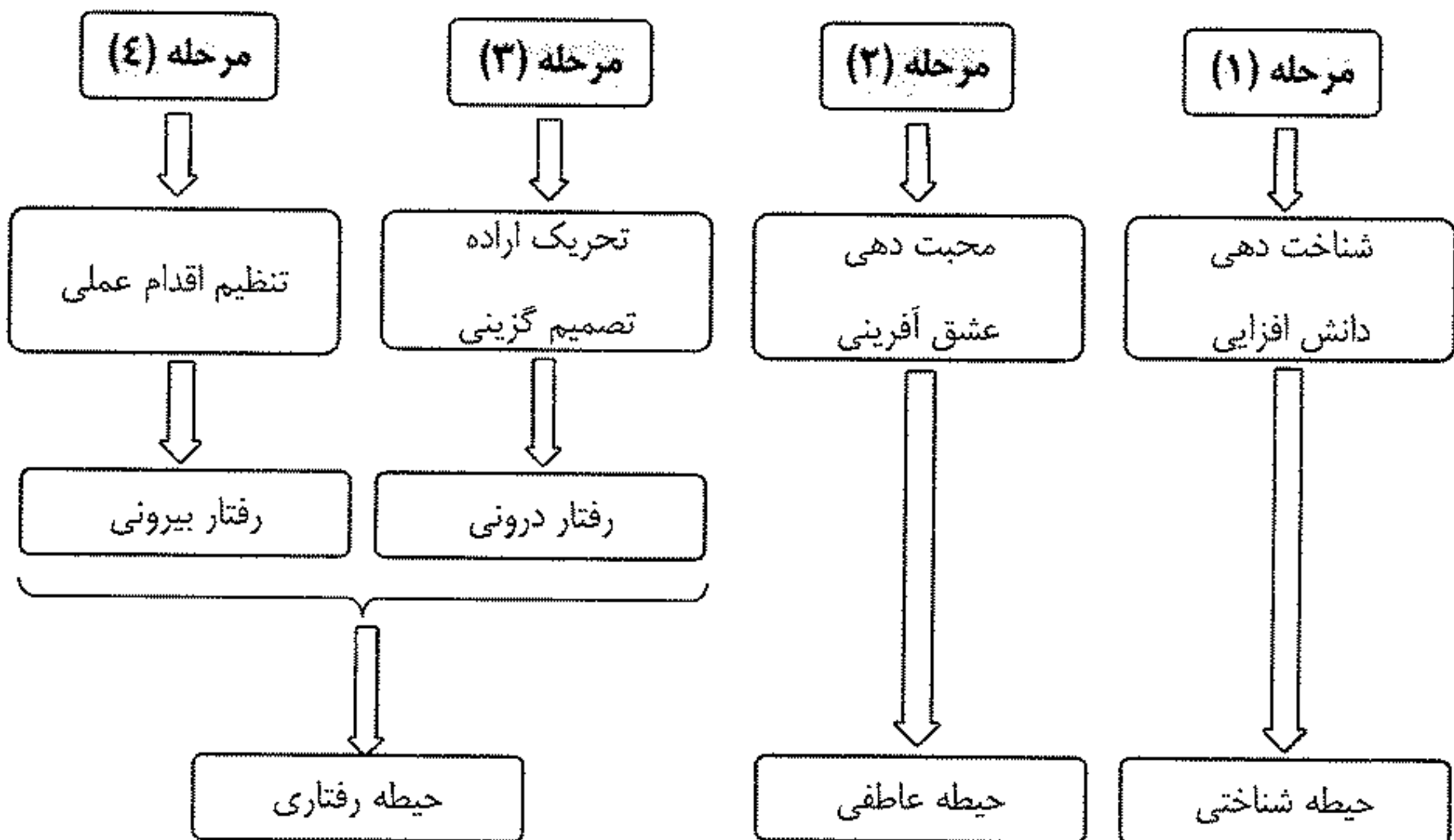
لازم به ذکر است که انتقال هر آموزه‌ای به کودک و یا به کارگیری هر یک از روش‌های تربیتی در گرو توجه به هر سه بُعد شخصیت کودک است. این مساله در ضمن یک مثال تبیین می‌شود.

مربیان یا والدینی که قصد دارند مفهوم «لزوم یاری امام زمان علیه السلام» را در یک کودک نهادینه نمایند ابتدا باید با زبان کودکانه از طریق شعر، سرود، قصه و... اطلاعات کافی پیرامون یاری حضرت و اهمیت آن به وی بدهند. سپس عاطفه و امیال او را به سوی یاری مذکور جهت‌دهی کنند به گونه‌ای که با جان و دل امام مهدی علیه السلام را دوست داشته و محبت یاری ایشان در دلش جوانه بزند. در مرحله بعدی قوه اراده و تصمیم‌گیری کودک را به سمت یاری امام مهربان تحریک کنند تا خودش با میل درونی، عمل متناسب را انتخاب و طبق آن، رفتار نماید.

مراحل مذکور را در نمودار صفحه بعد که به‌طور واضح ترسیم شده، خواهید دید.

نکته مهم دیگر پیرامون ابعاد شخصیت کودک این است که اگر ناهنجاری اخلاقی و رفتاری در او نسبت به آموزه دینی و مهدوی یا امور اجتماعی مشاهده شد، گام اول تربیتی درمان، شناسایی ظرف ناهنجاری است به این معنا که بدانیم اخلاق یا رفتار ناپسند کودک نشأت گرفته از کاستی در کدام حیطه شخصیتی است. اگر مربوط به نقصان در اطلاعات است راه‌کارهای مخصوص به خود را دارد و اگر مربوط به حیطه عاطفی یا قوه تصمیم‌گیری و اقدام عملی است نیز راه‌حل‌های ویژه خود را می‌طلبد.

(مراحل نهادینه‌سازی آموزه مهدوی با توجه به ابعاد شخصیت کودک)



(نمودار کامل ویژگی‌های کودک به تفکیک سه حیطه شخصیتی)

ویژگی‌های شخصیت کودک		
۱. تحول زبان	۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی	حیطه شناختی
۲. شکل‌گیری تصویر ذهنی	۹. شکل‌گیری خودبنداره	
۳. پیش‌تصوری بودن	۱۰. انعطاف فکری و زودباوری	
۴. درون‌سازی مفاهیم و فعالیت رمزی	۱۱. کنجکاوی	
۵. زمینه‌سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان	۱۲. یادگیری مشاهده‌ای	
۶. خود محوری	۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی	
۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل	۱۴. تحول چشم‌گیر بازشناسی و تحول اندک نگهداری	
۱. محبت خواهی	۶. تنوع طلبی	حیطه عاطفی
۲. احترام خواهی	۷. خود نمایی	
۳. نیازمندی به امنیت	۸. میل به ارتباط با همسالان	
۴. نیاز به شادمانی	۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش	
۵. استقلال طلبی		
۱. تقلید پذیری	۴. ناپایداری اراده	حیطه رفتاری
۲. دعوت پذیری عملی	۵. عادت پذیری	
۳. شتاب زدگی	۶. بازی	

## یک. حیطه شناختی

## الف) تعریف

مقصود از حیطه‌ی شناختی<sup>۱</sup> در مباحث تربیتی، حوزه‌هایی است مرتبط با بینش انسان با هدف آموزش یا تقویت آن‌ها که شامل دانسته‌ها، یافته‌ها و دریافت‌های انسان از خود و دیگران<sup>۲</sup> و همچنین در سطح نهاد شامل باورها، ارزش‌ها و اطلاعات درباره هدف شناخته شده می‌باشد.<sup>۳</sup> مراحل از قبیل دانش، درک، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌یابی برای آن بیان شده است.<sup>۴</sup>

## ب) اهمیت

هر چند تحول شناختی کودک، هماهنگ با تحول عاطفی و اجتماعی اوست ولی در عین حال، عامل تأثیرگذار و زیر بنای ابعاد دیگر مانند جنبه گرایشی و رفتاری وی نیز می‌باشد.<sup>۵</sup> بر این اساس، گرایش‌ها و رفتارهای مثبت و منفی کودک، مبتنی بر نوعی شناخت نسبت به متعلق آن‌ها است، به طوری که ممکن نیست او چیزی را که هیچ شناختی از آن ندارد دوست داشته و رفتاری متناسب با آن انجام دهد، یا از آن بیزار بوده و رفتاری تنفرآمیز از او سرزند.<sup>۶</sup> بنابراین چنان‌چه یک مرتبه بخواهد گرایش به مهدویت و همچنین انجام رفتاری متناسب با رضایت امام مهدی (عج) را در کودک تقویت کند گام اول، اعطاء بینشی صحیح نسبت به آن رفتار و نتایج سودمند آن از راه‌های ورودی شناخت همچون چشم، گوش، خطورات ذهنی، نیروی تخیل و مفهوم‌پردازی است. پس لازم است حیطه‌ی شناختی کودک و سیر تحول آن، مورد توجه قرار گرفته و به‌خوبی شناخته شود تا بتوان هم‌سو و هماهنگ با این سیر طبیعی، در هر مرحله، محتوای مهدوی مناسب ارائه کرد و از نظر فهم و پذیرش، انتظاری مناسب با همان مرحله داشت.

۱. گاهی از آن به جنبه، بعد و بخش شناختی، حوزه‌ی معرفتی و ساخت بینشی تعبیر می‌شود.

۲. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۳۰.

۳. رضایان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، ص ۲۰۲.

۴. راک، گرونلند، نرمان ادوارد (Gronlund, Norman Edward)، هدف‌های رفتاری برای تدریس و ارزش‌یابی، ترجمه امان‌الله صفری، صص ۵۳-۵۵.

۵. موسوی نسب، محمدرضا، رساله دکترای بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان، ص ۱۵.

۶. مصباح، محمد تقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۳۶۱.

### ج) ویژگی‌های حیطه شناختی کودک

انسان در آغاز تولد از نظر شناختی، بیشتر بالقوه است. یعنی به جای دارا بودن شناخت، ظرفیت‌هایی برای به دست آوردن آن دارد که یا ساخت‌های شناختی‌اند یعنی در همه‌ی انسان‌ها وجود داشته و در مقاطع زمانی خاص خودش متناظر با رشد سنی فرد، به فعلیت می‌رسد و یا اکتسابی‌اند که به تلاش‌ها و تجربیات فرد وابسته است.<sup>۱</sup> چون کودکان، افزون بر اینکه از محیط اطلاعات می‌گیرند با استفاده از طرح‌واره‌هایی تجاربشان را مفهوم کرده و دنیای شناختی خود را فعالانه از طریق جذب و انطباق می‌سازند.<sup>۲</sup>

برای رشد شناختی، دوره‌هایی در نظر گرفته شده<sup>۳</sup> که یکی از آن‌ها دوره‌ی «نمادی یا پیش‌عملیاتی» ویژه‌ی کودکان ۲ تا ۷ سال است. پیش‌عملیاتی یعنی کودک در راه شکل‌گیری عملیات منطقی عینی گام برمی‌دارد بی‌آنکه بتواند از عهده‌ی انجام‌دادن آن‌ها به طور کامل برآید. گستره‌ی پیش‌عملیاتی را باید فرصتی جهت شکل‌گیری، گسترش و استقرار ابزارهای جدید ذهنی از قبیل زبان یا کنش علامتی، فعالیت رمزی، شکل‌گیری تصویر ذهنی و تقلید الگوی پنهان و همچنین موقعیتی برای پیشرفت در جهت کسب ظرفیت‌های شناختی مقدماتی دانست<sup>۴</sup> که توضیح اجمالی آن‌ها و ویژگی‌های دیگر مرتبط بیان می‌گردد.

#### ۱. تحول زبان

تحول زبان، زیر تأثیر تحول شناختی است. خزانه‌ی لغات کودک بر اساس شکل‌گیری مفاهیم در ذهن وی به سرعت غنی‌تر می‌شود. مادر، ابتدا نقش مترجم را بازی می‌کند ولی در ادامه، رعایت دستور زبان از بهبود بیشتری برخوردار گشته و کلمات از حد «پیش‌مفهوم» به سطح مفهوم، ارتقا می‌یابد.<sup>۵</sup>

۱. کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات با تأکید بر تبلیغ دینی، ص ۱۸۲.

۲. موسوی نسب، محمدرضا، رساله دکترا، بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان، ص ۱۵.

۳. دوره‌ی حسی-حرکتی (Sensorimotor)؛ از تولد تا دوسالگی، تجسمی عینی (Preoperational)؛ از دو تا یازده‌سالگی و انتزاعی (Concrete operations)؛ از یازده تا پانزده‌سالگی. دوره‌ی دوم به دو نیم‌دوره تقسیم شده

که پیش‌عملیاتی یکی از آن دو است. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیکه ص ۱۹۰.

۴. همان، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۵. همان، صص ۱۹۱ و ۱۵۳.

## ۲. شکل‌گیری تصویر ذهنی

شکل‌گیری تصویرهای ذهنی، اساس تبدیل دوره‌ی حسی-حرکتی به تجسمی را تشکیل می‌دهد. این ویژگی، امکان تجسم اشیاء، اشخاص، مکان‌ها و رویدادهای غایب و دور از نظر و همچنین استدلال بر مبنای آن تصورها را برای کودک فراهم می‌نماید.<sup>۱</sup> دیگر اینکه سبب می‌شود او بتواند جریان اعمال خود را تصور و نتایج آن‌ها را پیش‌بینی کند.<sup>۲</sup> همچنین باعث رشد قوه‌ی تخیل می‌گردد که از علاقه به داستان‌های عجیب و ترس از دیدن اشیاء در تاریکی کشف می‌شود.

## ۳. پیش‌تصوری بودن

کودکان ۲ تا ۴ سال در دوره‌ی پیش‌تصوری<sup>۳</sup> قرار دارند یعنی مقدمه‌ای از مفاهیم را دارند، ولی از چگونگی طبقه‌بندی آن‌ها بی‌اطلاع هستند؛ مثلاً هر خزنده‌ای را مار تصور می‌کنند.<sup>۴</sup> در ۴ تا ۵ سالگی همزمان با گسترش کنش‌های نمادی، مقدمات به‌کارگرفتن ظرفیت عملیاتی نیز در کودک قابل ردیابی است، اما هنوز انجام ساده‌ترین عملیات منطقی در حد کامل و درست، امکان‌پذیر نیست. مثلاً در مطابقت‌دادن دو ردیف از اشیاء در شکل «مطابقت یک‌بایک»، کم یا زیادشدن عناصر مطابقت‌دادنی هر ردیف را تمیز نمی‌دهد، و به‌صرف آن‌که ابتدا و انتهای ردیف‌ها در یک چشم‌انداز قرار دارند آن‌ها را به‌رغم عدم مطابقت تعداد، برابر تصور می‌کند. ۵ تا ۷ سالگی حکایت از یک پیشرفت نسبی در زمینه‌ی عملیات است. کودک هنوز یک عمل ساده مانند ردیف‌کردن یا مرتب‌کردن تعدادی تیره‌چوب از بزرگ به کوچک یا بالعکس را به طوری که تماماً صحیح باشد، نمی‌تواند به ثمر برساند. اما این عمل به شکل چند بخش درست، در حد جزءهای مستقل، در مجموع ناقص به ثمر می‌رسد.<sup>۵</sup>

۱. همان، صص ۱۵۴ و ۱۹۰.

۲. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۳.

۳. Preconceptual.

۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، صص ۲۳ و ۳۹.

۵. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیکه ص ۱۵۵.

#### ۴. درون‌سازی مفاهیم و فعالیت رمزی

کودک برای تصورات خود در عالم واقع، ما به‌ازایی به‌دست می‌آورد. مثلاً علامتی چون یک تکه چوب را جانشین واقعیتهایی مثل ماشین اسباب‌بازی می‌سازد و حتی ممکن است اشیای بی‌جان را به‌جای اشخاص، مخاطب خود قرار دهد.<sup>۱</sup> فکر و کنش‌های رمزی و فعالیت‌های نمادی، باعث انعطاف بیشتر فکر کودک شده و امکان بیان آسان و دلخواه افکار، خواسته‌ها و آرزوهایش را فراهم می‌سازد. این خود دریچه‌ای برای کشف و درک خواسته‌ها و انگیزه‌های کودک از خلال رفتار ظاهری او است. مثلاً کودک با لذتی آشکار وانمود می‌کند که سرش را روی روزنامه‌ای که به منزله‌ی بالش است گذاشته و در حال خواب است. یا در سنی بالاتر در یک صندلی راحتی، خود را به صورت ماشین در آن حرکت می‌دهد. کودک در این اعمال، واقعیت را با حرکتی که انجام می‌دهد در خود درون‌سازی می‌کند، به‌آن تغییر شکل داده و از آن چیز دیگری به وجود می‌آورد. یعنی تاحدی از آن جدا می‌شود. او با بازی کردن، موقعیت‌های آن‌ها را برای خود مجسم می‌کند. این نحوه‌ی تفکر او درباره‌ی آن‌ها، نحوه‌ی تصور کردن آن‌هاست.<sup>۲</sup>

#### ۵. زمینه‌سازی ذهنی جهت تقلید از الگوی پنهان

تقلید در کودکان از سطح حسی- حرکتی یا مستقیم در جهت تقلید متمایز از الگو تحول می‌یابد. این تقلید در غیاب الگو یا تقلید از الگوی پنهان، به‌واسطه تصویرهای ذهنی تحقق می‌یابد. مثلاً کودک می‌تواند از اندام‌های بدن فرد مورد تقلید، قسمت‌هایی که در بدن خود او نامرئی هستند مانند چشم، ابرو و بینی تقلید کند.<sup>۳</sup>

#### ۶. خودمحوری

کودکان، خودمحور یا خودمیان‌بین<sup>۴</sup> هستند به این معنا که خود را محور کائنات پنداشته

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۳.

۲. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۱۵۴ و ۱۹۰-۱۹۲.

۳. همان، ص ۱۵۴.

۴. Egocentricity.



و تصور می‌کنند همه چیز در حول و حوش او اتفاق می‌افتد و جهانی که می‌نگرد همان جهانی است که دیگران می‌نگرند. حاصل چنین پنداشتی، جان‌دارپنداری<sup>۱</sup> (همه چیز را دارای فهم و شعور دانستن) و ساخته‌پنداری<sup>۲</sup> (همه چیز را محصول خلاقیت انسان دانستن) نه حاصل فعالیت‌های دیگر)، عدم درک نظرات دیگران و قرار ندادن خود در نظرگاه آنان، داوری صرفاً از نقطه‌نظر خود، پافشاری بر نظر خود و دفاع از آن حتی با تناقض‌گویی است. با این توضیح که وقتی دیدگاهی برگزید، به‌دشواری می‌تواند از آن دست بردارد، به‌همین سبب وقتی با توجه به بعضی داده‌ها و غفلت از برخی دیگر، در ارزیابی خود دچار اشتباه شد، جلب توجه او به همه داده‌ها، اگر امکان‌پذیر باشد، بی‌فایده است، زیرا برای پافشاری بر نظری که انتخاب کرده است، بی‌آن که ناراحت شود، به تناقض‌گویی می‌پردازد و به‌همین دلیل نیز قادر نیست نظریات دیگران را درک و خود را در نظرگاه دیگران قرار دهد. آگاهی از نظریات دیگران مستلزم چرخش روانی است که کودک در این سن، هنوز از آن بی‌بهره است.<sup>۳</sup>

#### ۷. ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح

یکی از عوامل مهم خودمحوری، عدم درک صحیح و ناتوانی در تجزیه و تحلیل است. کودک در حدود چهارسالگی به تصویری کلی از جهان دست یافته که اگر چه محصول تماس با واقعیت است، اما پیش از آنکه نتیجه درک عینی واقعیت باشد، مخلوق ذهن اوست. از آنجا که هنوز قادر به تجزیه و تحلیل مجموعه‌هایی که درک می‌کند نیست، اگر درباره‌ی آن‌ها از او سؤال شود، با وجود این که دیگر از نظر زبان مشکلی ندارد، از توصیف و تبیین آن‌ها عاجز مانده و در پاسخ پرسش‌های مربوط، بی‌آن که بتواند یا حتی لازم بداند به روابط عینی توجه کند و در تبیین پدیده‌ها پای‌بند به قانون علیت باشد، بیشتر ابداع می‌کند و داستان می‌سازد. مثلاً به پدیده‌های طبیعی انگیزه‌های انسانی می‌دهد و در توجیه نظریات خویش، برخلاف بزرگسالان، به‌هیچ‌وجه مقید به رعایت روابط منطقی نیست.

۱. Animism.

۲. Artificialism.

۳. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، صص ۲۴-۲۵ و ملصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک،

به خاطر حسّی بودن فکرش، استنتاج‌هایش، جزء از جزء بوده و ناتوان در نتیجه‌گیری منطقی است. در ارزیابی‌های خود، قسمتی از داده‌ها را به حساب می‌آورد و از قسمت دیگر غافل می‌ماند و وقتی توجهش به قسمت اخیر جلب شود، داده‌های سابق، خودبه‌خود از نظرش محو می‌گردد، گویی قادر نیست که برای ارزیابی موقعیت‌ها، به همه داده‌ها هم‌زمان توجه نماید.<sup>۱</sup> اندیشه‌ی کودک، ایستا و تحرک‌ناپذیر است یعنی اشیاء را همیشه به یک وضع ثابت می‌پندارد و رابطه‌ی مقدار ماده را با تغییر شکل آن درک نمی‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۸. انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم انتزاعی

فکر کودک جنبه کاملاً حسّی دارد و نشانه‌ای از انتزاعی‌بودن در دست نیست. وی اشیاء را تنها بر اساس یک ویژگی کاملاً محسوس، طبقه‌بندی می‌کند. البته نیروی حسّی-حرکتی، اساس هوش است و در سطح عالی تفکر، بیشتر از ادراک، به ایجاد مفاهیم ذهنی کمک می‌کند. جهان کودک، جهان محسوسات و مشهودات است یعنی از اشخاص و اشیایی تشکیل می‌شود که کودک می‌بیند و لمس می‌کند یا فعالیت‌هایی است که در آن‌ها شرکت می‌جوید. بنابراین، آگاهی‌های او در چهارچوب امور محسوس است. به همین خاطر درک مفاهیم نامحسوس و انتزاعی<sup>۳</sup> برای کودک، سخت و در برخی موارد ناممکن است. مفاهیم انتزاعی مانند عدالت و فضیلت را نمی‌تواند خوب بفهمد و تنها به واسطه‌ی تمثیل و تشبیه به محسوسات است که به معنای سطحی‌شان پی می‌برد. بسیاری از والدین و مربیان بدون توجه به این نکته، از کودکان خود انتظار دارند که مفاهیم و افکار انتزاعی را درک کنند که این امر، نه تنها بیهوده بوده بلکه ممکن است سبب ایجاد تصوّراتی غلط در ذهن آنان شود. مثل کلمه‌ی «خدا» و عبارت «خدا همه جا حاضر و بر همه امور نظارت می‌کند» باید این‌گونه مفاهیم و عقاید را متناسب با درک آن‌ها و با استفاده از محسوسات برای آنان مطرح کرد.<sup>۴</sup>

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۶.

۲. پارسا، محمد، روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان، ص ۱۰۶.

۳. تصوّر انتزاعی مانند تصوّر خصوصیات شی یا رویدادی جدای از آن.

۴. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، صص ۲۶ و ۳۹.

## ۹. شکل‌گیری خودپنداره

خودپنداره، تصویری جامع است که هر فرد از خود دارد. در واقع، خودپنداره پاسخی است به پرسش «من کیستم؟» این پاسخ، مجموعه‌ی ویژگی‌ها، نگرش‌ها، توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که فرد از خود سراغ دارد. دوره کودکی، مرحله‌ی آغازین شکل‌گیری خودپنداره انسان است. کیفیت خودپنداره در شکل‌دهی شخصیت انسان در بزرگسالی تأثیر به‌سزایی دارد.<sup>۱</sup>

خودپنداره‌ی برخی کودکان همیشه مثبت است یعنی برداشت کلی آنها از خودشان این است که دارای صفات پسندیده کلی هستند مثل مودب و منظم بودن. البته بعضی دیگر از کودکان تنها نسبت به بعضی صفات پسندیده و مثبت، به خودباوری خاصی رسیده‌اند و خودپنداره‌ی آنان نسبت همان صفات، مثبت است ولی نسبت به صفات دیگر خودپنداره منفی دارند. مثلاً کودکی می‌گوید: «من آدمی هستم که همیشه با ادب حرف می‌زنم ولی وقتی می‌خواهم تکالیف مدرسه‌ام را انجام دهم تنبلی می‌کنم» حال ممکن است واقعاً در همه ایام گذشته عمرش با ادب یا تنبل نبوده باشد ولی آنقدر برجسب‌های کلی مثبت یا منفی از طریق اطرافیان بر او زده شده که باورش شده که آن صفات را داراست.

بنابراین، اگر به کودکی برجسب‌های کلی منفی زده شود، خودپنداره‌های منفی در او شکل می‌گیرد. مثلاً اگر به کودکی که در هفته فقط دو روز آن‌هم فقط در مورد انجام تکالیف مدرسه مثل نقاشی، تنبل باشد مرتب بگوییم: «تو تنبلی» اگر واقعاً ده درصد ویژگی تنبلی داشته باشد کم‌کم به این باور می‌رسد که هشتاد درصد تنبل است. در این صورت، آسیب‌های روحی روانی جدی به دنبال دارد و امید به اصلاح در دلش روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد در چنین مواردی که قصد اصلاح ناهنجاری اخلاقی و رفتاری کودک وجود دارد، نباید کل شخصیت او را هدف قرار دهیم و بگوییم: «تو تنبلی و همیشه همین‌طور بوده‌ای. حالا که اهل تلاش نیستی و از همه عقب افتادی اصلاً دوست ندارم»

بلکه راه‌کار صحیح تربیتی آن است که ابتدا شخصیت کودک را تحسین و تمجید کنیم

۱. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، صص ۹-۱۰.

و در مرحله‌ی بعد، ویژگی منفی را جدای از کل شخصیت او در نظر بگیریم و فقط ناراحتی خود را از کار یا حالت زشت او ابراز کنیم. به بیان دیگر، به شخصیت کودک انتقاد نشود بلکه نسبت به خصوصیت ناپسند وی تذکر داده شود. مثلاً بگوییم:

«پسرم، عزیزم، من شما را خیلی دوست دارم حتی بیشتر از ستاره‌های آسمان. اما دیروز صبح وقتی از خواب بیدار شدید یک کاری انجام دادید که من را ناراحت کرد...»

(نمودار تأثیر بیان عناوین مثبت و منفی)

برچسب منفی	بیان برچسب مثبت
خودپنداره منفی	تشکیل خود پنداره مثبت
خودباوری منفی و خودباختگی	خود باوری نسبت به داشتن ویژگی مثبت
نا امیددی و رضایت به وضعیت فعلی	انگیزه‌سازی برای عمل
ضعف در اراده و تصمیم گیری	اراده و تصمیم محکم
عدم تلاش برای اصلاح خود	جرات در تکرار عمل مثبت

### ۱۰. انعطاف فکری و زودباوری

انسان در دوره کودکی، به خاطر کم‌اطلاعی و محدودیت در ظرفیت شناختی، انعطاف فکری زیادی دارد. به همین خاطر، خیلی زود و سریع، سخنی را صحیح پنداشته و نسبت به آن باور و اعتماد پیدا می‌کند. میزان انعطاف‌پذیری کودکان همیشه یکسان نیست، بلکه در هنگام بروز هیجانات شدید مثبت و منفی، آن‌ها بیشترین تأثیرپذیری، زودباوری و تلقین‌پذیری را دارند.<sup>۱</sup> هیجان شدید مانند حالات کودک در هنگام مراسم جشن تولدش.

### ۱۱. کنجکاوی

کودک با علاقه به مشاهده و آزمایش می‌پردازد و روحیه کنجکاوی و پرسش‌گری در او موج می‌زند و در سه‌سالگی به اوج می‌رسد.

### ۱۲. یادگیری مشاهده‌ای

یادگیری‌های کودکان، غالباً از راه مشاهده است.<sup>۲</sup> شاید به همین خاطر است که زمان و مکان و آداب خوردن و آشامیدن را سریع‌تر از دستشویی رفتن می‌آموزد چون امر نخست را از طریق مشاهده فرا می‌گیرد ولی موضوع اخیر را از طریق شنیدن توصیه‌های والدین می‌آموزد. برخی روانشناسان از جمله آلبرت بندورا<sup>۳</sup> به این نکته توجه نموده و نظریه یادگیری اجتماعی و مشاهده‌ای<sup>۴</sup> را مطرح کرده است. بر اساس این نظریه مؤثرترین، مهم‌ترین و بیشترین یادگیری‌ها از راه مشاهده،<sup>۵</sup> تقلید<sup>۶</sup> و الگوبرداری<sup>۷</sup> انجام می‌شود. کودک با انتخاب یک الگو، به تقلید رفتار آن می‌پردازد.<sup>۸</sup>

۱. اقتباس از کاویانی، محمّد، روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۳۱-۲۴۰ و گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، صص ۲۰۲ و ۲۱۰.

۲. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۴۶.

۳. Albert. Bandura

۴. Social learning.

۵. Observation

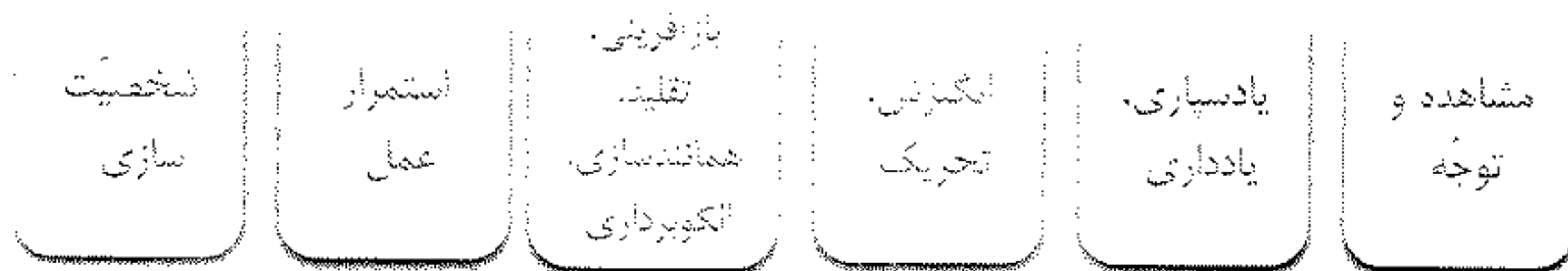
۶. Imitation

۷. Modeling

۸. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی از دیدگاه روان‌شناسی یادگیری و آموزش، ص ۳۱۴.

کودک، بسیاری از رفتارهای خود را با مشاهده‌ی رفتارهای دیگران یاد می‌گیرد.<sup>۱</sup> مشاهده عواقب رفتار الگو توسط کودک، باعث جلوگیری او از انجام کورکورانه رفتار یا تشویق به رفتاری خاص می‌شود.<sup>۲</sup> افزون بر آن، کودک با مشاهده دیگران انواع رفتارها، فکرها و احساسات را یاد گرفته و این مشاهدات بخشی از شخصیت وی را می‌سازند و نوعی تقلید محسوب می‌شود.<sup>۳</sup> برای یادگیری مشاهده‌ای چهار مرحله‌ی توجه، به یاد سپاری (یادداری)، بازآفرینی (بازتولید حرکتی) و انگیزشی و تقویت ذکر شده است.<sup>۴</sup> از مجموعه آن چه در مورد یادگیری مشاهده‌ای بیان شده، می‌توان نمودار ذیل را ترسیم نمود.

#### (نمودار مراحل یادگیری مشاهده‌ای)



۱. گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، ص ۴۴.

۲. فیرس، ای. جری و جی. ترال، تیموتی، روان‌شناسی بالینی، ترجمه مهرداد فیروزبخت با همکاری سیف‌اله بهاری، ص ۵۴۳.

۳. ساتراک، جان دبلیو، زمینه روان‌شناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۳۵۰.

۴. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۳۱۴.

### ۱۳. کیفیت درک مفاهیم کیفی و کمی

در کودک، تصوّر فضا و شکل و اندازه، از راه تماس مستقیم وی با اوضاع و اشیاء حاصل می‌شود. مفاهیم مکانی مانند بالا، پایین، رو، زیر، جلو و عقب؛ نخستین مواردی هستند که معمولاً پس از پنج‌سالگی آموخته می‌شوند. مفاهیم زمانی از الگویی همانند مفاهیم مکانی پیروی می‌کنند، اما دیرتر ادراک می‌شوند و به‌کندی به‌دست می‌آیند. کودک میان سال‌های پنج و شش می‌تواند اختلاف و شباهت موجود میان اشیاء را درک کند.<sup>۱</sup>

### ۱۴. تحوّل چشم‌گیر بازشناسی و تحوّل اندک‌نگهداری

بررسی‌هایی که درباره‌ی تحوّل حافظه‌ی کودک به عمل آمده‌اند نشان می‌دهند که بازشناسی در کودک خوب، ولی یادآوری از تحوّل کمتری برخوردار است.<sup>۲</sup>

## دو. حیطه عاطفی

### الف) تعریف

مقصود از حیطه‌ی عاطفی، میل‌های باطنی انسان اعم از گرایش‌های مخصوص انسان، مشترک میان انسان و حیوان، و گرایش‌های مثبت و منفی است. به این تربیت، تمایلات غریزی، محبت، عشق، نفرت، کینه، خشم، غضب، ترس، امید، یأس، اضطراب، شادی، غم و همچنین احساس تعجب، تجلیل، تحسین، پرستش و مانند این امور را می‌توان به ساحت گرایش‌های مربوط دانست.<sup>۳</sup> برخی برای این ساحت، مراحل دریافت، واکنش، ارزش‌گذاری، سازمان‌بندی و تبلور در نظر گرفته‌اند.<sup>۴</sup>

### ب) اهمیت

برای مدیریت افعال کودک در فرایند رشد و تربیت پایدار و مستمر، افزون بر شناخت‌دهی، احتیاج به جهت‌دهی و تقویت گرایش‌های مفید و مثبت است، زیرا گرایش‌ها

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد. ص ۲۶.

۲. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۳. مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۳۲۱-۳۲۳.

۴. ر.ک: گرونلند، نرمان ادوارد، هدف‌های رفتاری برای تدریس و ارزش‌یابی، ترجمه امان‌الله صفری، صص ۵۶-۵۹.

منشأ مهم و تاثیرگذاری برای رفتارها محسوب می‌شوند. بر این اساس چنانچه مربی قصد ایجاد، تقویت یا تغییر نوعی رفتار را داشته باشد باید پس از اعطای بینش، میل و انگیزه‌ی کودک را نسبت به آن رفتار به اندازه‌ی کافی تحریک و تقویت کند. همچنین برای جلوگیری از رفتار نابهنجار، باید میل و انگیزه‌ی درونی او را نسبت به آن کاهش دهد.

برای بهره‌بری مناسب از بینش‌ها نیز باید به گرایش‌ها توجه نمود، زیرا خود گرایش‌ها می‌توانند تاثیرگذار بر بینش‌های دیگر اعم از ادراک‌های حسی، خیالی و عقلی باشند. با این توضیح که امیال و انگیزه‌های کودک باعث توجه نفس به ادراکات حسی شده و در این‌که به چه چیزی بیشتر توجه و آن را احساس کند مؤثرند. تخیل، حافظه، تفکر و استدلال نیز از گرایش‌ها تاثیر می‌پذیرند. از آنجا که دلبستگی یا تنفر از چیزی ممکن است مانع فهم درس آن شود، باید گرایش‌ها را کنترل و از طغیان غرائز و هواهای نفسانی جلوگیری نمود. تحصیل آگاهی که در واقع رفتاری اختیاری است نیز مبتنی بر گرایش به آن است. پس اگر می‌خواهیم کودک با اختیار و اراده‌ی خود به دنبال شناخت چیزی باشد، باید از پیش، گرایش و علاقه‌ی او برای شناخت آن، به اندازه‌ی کافی تحریک شده باشد.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که جهت ایجاد و تقویت گرایش‌ها، باید بینش‌های مرتبط با آن گرایش‌ها به کودک انتقال یابد، زیرا گرایش‌ها مبتنی بر بینش‌ها شکل گرفته و تاثیرپذیری مستقیم از آن‌ها دارند به‌گونه‌ای که پیدایش و افزایش گرایش نسبت به انجام یا ترک کاری، مستقیماً متأثر از پیدایش و افزایش بینش نسبت به سود و زیان آن است.

در متون دینی (قرآن کریم، روایات، ادعیه و زیارات) پیرامون تاثیر متقابل و دو جانبه جنبه شناختی و عاطفی انسان، شواهد زیادی می‌توان یافت از جمله آیه ذیل:

«وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ»<sup>۲</sup> «و هر زمان آیتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم‌های آنها را می‌بینی که (از شوق،) اشک می‌ریزد، بخاطر حقیقتی که دریافته‌اند؛ آنها می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد ﷺ) بنویس!»

۱. اقتباس از مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۱۸۱ و ۳۲۶ و ۳۶۱-۳۶۳.

۲. سوره مائده، آیه ۸۳، ترجمه از آیت الله مکارم شیرازی.



در ابتدای آیه شریفه مذکور، سخن از دریافت اطلاعات پیرامون آیات قرآن از طریق حسّ شنوایی است که حاکی از بُعد معرفتی و شناختی انسان می‌باشد. زیرا هر آنچه از طریق حواس پنجگانه و تأمل و تفکر درک شود مربوط به جنبه معرفتی است. (وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِنَ الْقُرْآنِ يُرْسِلُونَ فِيهِ حَتْمًا مِمَّا عَلَيْهِمْ كِتَابٌ فَهُمْ يَكْفُرُونَ) در ادامه آیه، تأثیر این دریافت شناختی و شنیدن آیات الهی بیان می‌شود که عبارت است از جاری شدن اشک شوق از چشم شنوندگان آیات که نشانه‌ی تحریک عاطفی است (تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ).

ممکن است کسی پیش خود گمان کند، اشک شوق آن‌ها به خاطر عبارات موزون آیات قرآن یا صوت زیبای قاری آن بوده و این تحریک عاطفی، ربطی به شناخت و معرفت نسبت به قرآن ندارد. در حالی که از عبارت (مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ) فهمیده می‌شود گریه‌ی شنوندگان قرآن به خاطر معرفت و حقیقتی بود که دریافته بودند. همان معرفتی که باعث می‌شود بگویند: خدایا ایمان آوردیم و از تو می‌خواهیم ما را در زمره‌ی شاهدان و خوبان خودت بنویس (يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ).

### ج) ویژگی‌های حیطه عاطفی کودک

در دوران کودکی، به موازات پدیدار شدن سه نوع تازگی (کنش رمزی، تجسم بر اساس آن و مبادلات فکری بین فردی از طریق زبان) در سازمان روانی، تحوّل عاطفی نیز رخ می‌دهد که جنبه‌های عواطف شهودی در شکل احساسات اجتماعی و اخلاقی ابتدایی متجلی می‌شوند. در زمینه‌ی احساسات بین فردی، در وهله‌ی اول می‌توان از هم‌احساسی و ناهم‌احساسی یعنی پدیده ارزش‌سازی بین فردی سخن گفت که نوعی تقابل بازخوردها است یعنی تأثیر فردی در فرد دیگر، بروز احساس رضایت در طرف مقابل و برجاگذاشتن یک اثر پایدار در قالب نوعی حق‌شناسی و سرانجام ارزش‌قائل شدن برای فرد اثرگذار. در وهله‌ی دوم وقتی این مبادلات در الگوی خود ارزش‌سازی متجلی می‌شوند یعنی فرد آن‌ها را یک‌تنه در خود برقرار می‌سازد، خود به خویش پاسخ می‌دهد و احساس ارزشمندی یا عدم ارزشمندی در فرد به‌وجود می‌آید.<sup>۱</sup> ویژگی‌های روحی-روانی، گرایش‌ها و امیالی در

۱. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۱۹۲-۱۹۳.

کودک وجود دارد که حاکی از نیازهای اوست. در این جا برخی از آن ها ذکر می گردد.<sup>۱</sup>

### ۱. محبت خواهی

نیاز به محبت، یکی از نیازهای اساسی کودکان به شمار می آید. در اسلام به این موضوع بسیار توجه شده تا آنجا که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«خداوند بنده اش را به واسطه ی شدت محبتی که به فرزند خود دارد، رحم می کند».<sup>۲</sup>

پژوهش ها نشان داده اند، کودکانی که با والدینشان ارتباط عاطفی و محبت آمیز ندارند، در طول زندگی عاطفی خود بیشتر به اضطراب دچار می شوند و از نداشتن اعتماد به نفس رنج خواهند برد. کودکان، به سرعت علاقه مند و دلبسته کسی می شوند که با آن ها مهربان باشد و محبت کند. البته روش های ابراز محبت به کودک، بسته به سن او متفاوت است. مثلاً در مورد کودکان پیش دبستانی، تشویق، حمایت و آزاد گذاشتن نسبت به انجام استقلالی کارها، نوعی مهرورزی به آنان محسوب می شود، زیرا آن ها در بیشتر مهارت های شخصی خود به سرعت مستقل می شوند و بدان علاقه مندند. همچنین، نیکو صدا زدن، نوازش و در آغوش گرفتن کودک، نوعی پاسخ به نیاز عاطفی و محبت خواهی او به شمار می آید.

### ۲. احترام خواهی

اگر به سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مبنی بر اکرام فرزندان<sup>۳</sup> عمل شود می توان انتظار داشت که آن ها هم برای بزرگسالان احترام قائل شوند. بی احترامی به کودک مانند سرزنش، تحقیر و فریاد زدن؛ حتی انجام دادن کارهایی که وی می تواند از پس آن ها برآید نیز از نظر کودک بی احترامی محسوب می شود.

۱. توضیح چهار ویژگی نخست برگرفته از همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، صص ۴۲ و ۳۴-۷۳ و ۴۶.

۲. «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ» (صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲، ح ۴۶۹۵).

۳. «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَانِيَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندانتان را اکرام کنید...» (حرعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۶، ح ۲۷۶۲۹).

### ۳. نیازمندی به امنیت

کودک نیاز دارد تا در محیطی آرام همراه با آرامش و صمیمیت زندگی کند. محبت والدین به یکدیگر در واقع آرامش و امید به آینده را به کودک منتقل می‌کند.

### ۴. نیاز به شادمانی

شاد بودن، بدون نیاز به برنامه‌ای مفصل با کارهایی مانند غذا درست کردن گروهی با اعضای خانواده و دوستان یا خرید کردن حاصل می‌گردد. همچنین درخواست تعریف لطیفه از کودک، چون کودکان دوست دارند بخندند و به وجه خنده‌دار به همه چیز توجه کنند.

### ۵. استقلال طلبی

کودک میل شدید به استقلال طلبی دارد یعنی می‌خواهد در فکر، آرزو و رفتار مستقل و متمایز از دیگران باشد. او تمام تلاش خود را برای انجام کارهایش به کار می‌بندد و می‌خواهد آن‌ها را به تنهایی و بدون کمک بزرگترها و هم‌سالانش انجام دهد. کودک از استقلال تازه‌یافته‌ی خویش، شادمان بوده و مرتب می‌گوید: «خودم می‌خواهم انجام دهم». تبعیت محض کودک از دیگران به‌ویژه زمانی که با خواسته‌هایش در تعارض باشد باعث ناراحتی و آزرده‌خاطر شدن او می‌گردد. در این هنگام رفتارهایی از او سر می‌زند که در ظاهر و از دید والدین و بزرگسالان، مخالفت و نافرمانی محسوب می‌شود، درحالی که در واقع نشانه‌ی تشخیص طلبی آن‌ها است.<sup>۱</sup> استقلال طلبی و تشخیص طلبی در مسیر رشد کودکان نقش مؤثری دارد و اگر خوب جهت‌دهی نشود روحیه‌ی استقلال و جرأت در انجام کارها از آنان سلب خواهد شد.

### ۶. تنوع طلبی

کودکان از یک‌سو، بر اساس حس کنجکاوی، تحرک زیادی دارند تا نیاز جستجوگری خود را تأمین نمایند. از سوی دیگر، متمرکز نمودن آن‌ها بر یک موضوع به‌ویژه در فعالیت‌های ذهنی در مدت طولانی دشوار است<sup>۲</sup> و از آن‌ها گریزانند. بنابراین، به‌خاطر

۱. ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۴۴.

آزادی خواهی طبیعی که دارند، به دنبال تنوع طلبی هستند. به همین خاطر، در مباحث تعلیم و تربیت تأکید شده که برای دستیابی به موفقیت در آموزش و تربیت، باید همسو با این ویژگی طبیعی، از قالب‌ها و روش‌های مختلف و متنوع استفاده کرد.

«بر اساس یک تجربه‌ی عام، علت ناکامی بسیاری از معلمان و استادان امور دینی و تربیتی نسبت به آموزش و تربیت مخاطبان، استفاده نکردن از روش‌های متنوع آموزشی و تربیتی در بُعد دینی است»<sup>۱</sup>.  
توجه به تنوع طلبی کودکان، آن قدر مهم است که حتی یکی از عوامل درونی اثرگذار در فضای آموزشی تربیتی مدرسه، ساماندهی مداوم و متنوع فرصت‌های تربیتی شمرده شده است. این تنوع شامل مواردی از قبیل تنوع در زمان، مکان ارائه، طراحی انواع برنامه‌های درسی و همچنین تنوع در روش اجرا و نحوه‌ی اجرای برنامه‌های درسی است.<sup>۲</sup> این امر، علاوه بر کمک به بهتر فهمیدن، از یکنواختی در امر آموزش جلوگیری کرده و با ایجاد تنوع و جذابیت، آموزش و تربیت را آسان می‌نماید.

#### ۷. خود نمایی

علاقه زیاد به خودنمایی در کودک موج می‌زند و می‌خواهد مرکز انحصاری توجه و محبت باشد.<sup>۳</sup>

#### ۸. میل به ارتباط با همسالان

کودک میل شدیدی به ارتباط با گروه هم‌سال دارد؛ البته در صورتی که احساس خطر نسبت به خود، وسایل و اسباب‌بازی‌هایش نکند. لازم به ذکر است که بیشترین تأثیرپذیری‌های دل‌خواهانه کودک، از جوامع کوچک کودکانه دوستانه اطرافش شکل می‌گیرد.

۱. سروریان، حمیدرضا، روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره عملی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نشریه معارف، اسفند ۸۵، شماره ۴۴، ص ۷۴.

۲. حاجی بابایی، حمیدرضا، ویژگی‌های «مدرسه‌ای که دوست دارم» با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش، فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، تابستان ۹۱، ش ۴۲، ص ۶۱.

۳. ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۸.

### ۹. پافشاری مدافعانه بر عقیده خویش

از جمله امیالی که در کودک نمایان است پافشاری بر اعتقادات خود و دفاع از آنها است.<sup>۱</sup>

#### سه. حیطة رفتاری

##### الف) تعریف

منظور از حیطة رفتاری (یا ساحت توانایی و کنش)، حوزه‌ای از ویژگی‌های انسان است که منشأ رفتار اختیاری او می‌باشد. حال این رفتار اختیاری شامل رفتار درونی (یا جوانحی مثل اراده) و بیرونی (یا جوارحی) می‌گردد که با هدف روشن‌سازی رفتارهای مورد انتظار برای مخاطب جهت به کارگیری قدرت خود برای تحقق آنها مورد توجه است.<sup>۲</sup>

##### ب) اهمیت

برای تربیت کودک در جهت ایجاد و تقویت نوعی رفتار، پس از اعطای بینش و تحریک انگیزه‌ی ابتدایی، باید به او کمک کرد تا در پرورش و تقویت اراده و به کارگیری توانمندی خود در انجام آن رفتار موفق شود. البته پس از رفتار، ممکن است مرحله بینش قرار گیرد و این چرخه ادامه یابد. حیطة رفتاری، نتیجه و ثمره عملی دو ساحت بینشی و گرایش است، زیرا رفتار اختیاری کودک، مبتنی بر شناخت، خواست و گرایش او نسبت به آن رفتار و هدف از انجام آن است. آن رفتار نیز بر بینش‌ها و گرایش‌های وی تأثیرگذار بوده و آن‌ها را تقویت می‌کند، زیرا با انجام دادن کار و تکرار آن، به تدریج هم شناخت او از عمل خود و پیامدهایش بیشتر می‌شود و هم به انجام دادن آن عادت نموده و گرایش بیشتری به آن پیدا می‌کند. کنش‌های درونی در واقع عین اراده‌اند، اما در هنگام سنجش با کنش‌های بیرونی حاصل از آن‌ها، مراحل متصور است که عبارتند از تذکر و یادآوری (توجه)، ترجیح گرایش (شوق اکید)، تقویت اراده (قصد) و سپس زمینه‌سازی برای تحقق رفتار بیرونی.

۱. همان، ص ۲۵.

۲. گرچه رفتارهای غیراختیاری و بازتابی نیز در حوزه ساحت رفتاری قرار می‌گیرند ولی در این جا رفتارهای اختیاری مدنظر است. تعریف حیطة رفتاری اقتباس شده از مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت، صص ۱۸۱ و ۳۳۲ و ۳۶۰.

گرچه کنش درونی، منشأ و محرکی برای رفتار بیرونی است ولی کنش بیرونی نیز ممکن است در برخی کنش‌های درونی دیگر تأثیر بگذارد. مثلاً گریه از ترس خدا، در احتراز از نافرمانی او مؤثر است، و نیز کودکی که کار ناشایستی را چندین بار تکرار می‌کند، به تدریج ممکن است اعتقاد درونی خود را به ناشایست بودن آن از دست بدهد.<sup>۱</sup>

(نمودار مراحل کنش درونی هنگام سنجش با کنش بیرونی)



### ج) ویژگی‌های حیطه رفتاری کودک

بحث تحول اخلاقی و شکل‌گیری رفتارهای مهار یافته در کودکان، متأثر از احساسات اخلاقی آن‌ها است. ارزش‌های هنجاری یا دستوری که جنبه خودجوش نداشته و کودک ناگزیر از پذیرفتن آن‌ها است. احساسات اخلاقی، نیز نشأت گرفته از روان‌بنه‌های مربوط به اشخاص به‌ویژه والدین است که در روابط خانوادگی به‌کار گرفته می‌شوند و یکی از سرچشمه‌های اخلاق اطاعت یا فرمان‌برداری کودک است. رفتار کودک، بیشتر حاصل خودمحوری اوست که زمینه‌های اجتماعی شدن را فراهم کرده<sup>۲</sup> و همچنین همراه با روحیه استقلال‌طلبی و تشخیص‌طلبی است. وی برخی از کارها را می‌تواند انجام دهد، گرچه به‌صورت ناقص و جزئی؛ چون در دوره‌ی پیش‌عملیاتی است. کودکان، دانشمندان کوچک‌اند، چون می‌خواهند هر کاری را تجربه کنند.<sup>۳</sup> در این‌جا برخی دیگر از ویژگی‌های رفتاری این دوره سنی که اهمیت بیشتری دارند ذکر می‌گردد.

۱. اقتباس از همان، صص ۳۶۱-۳۶۴ و ۳۶۹.

۲. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۱۹۳-۱۹۶.

۳. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۷۴.

## ۱. تقلید پذیری

تقلید، به‌طور طبیعی در دوره کودکی بیش از دیگر مراحل سنی رخ می‌دهد. کودکان با توجه کردن به محیط اطراف، مشاهدات دقیقی دارند، تصاویر و حالات و حرکات را زود به‌خاطر می‌سپارند و به‌دلیل تأثیرپذیری از محیط اطراف سریع می‌پذیرند و آینه‌وار اقدام به همانندسازی رفتار دیگران می‌کنند. تأثیرپذیری رفتاری کودک بیشتر از راهنمایی عملی است تا راهنمایی لفظی، زیرا اعمالی که یاد می‌گیرد بیشتر از راه مشاهده است.<sup>۱</sup> اغلب اعمال آن‌ها، انعکاسی و از روی تقلید و همانندسازی<sup>۲</sup> نسبت به الگوهای همچون والدین و گروه هم‌سال می‌باشد و باید آنان را مقلدان بزرگ نامید. روان‌شناسان، پیرامون تقلیدپذیری در دوره کودکی به نتایجی رسیده‌اند که خلاصه‌ای از آن در اینجا ذکر می‌شود. تقلید<sup>۳</sup> یک جنبه‌ی پیوسته و کنشی رفتار به معنای بازپیداوری یا تولید مجدد فعال کیفیات و خصوصیات ادراک‌شده‌ی رفتار موجود دیگر است. تقلید، صرفاً امری غریزی یا مکانیزم حرکتی ادراکی نیست، بلکه از همان ماه‌های اول زندگی هماهنگی‌های متأثر از جنبه‌ی عقلی در آن وجود دارد. در کودکان، تقلید در مرحله‌ی پیش عملیاتی است و در سیر تحول خود، از چارچوب حسی حرکتی جدا شده و جنبه‌ی تجسمی به خود می‌گیرد. یعنی فرایند ذهنی کودک به مرحله‌ای از تحول می‌رسد که می‌تواند روان‌بنه‌هایی از موقعیت‌ها را برای خود متصور و مجسم نماید سپس آن را در رفتار خود منعکس کند و توانایی تقلید معوق یعنی تقلید بدون حضور الگو در وی گسترش می‌یابد. پیازه، تقلید را تقدم و غلبه‌ی برون‌سازی روان‌بنه‌ها بر درون‌سازی می‌داند. تقلید و الگوپذیری در زندگی کودک، نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا می‌کند از جمله، در بسیاری از فعالیت‌ها و بازی‌ها به‌ویژه آن‌هایی که جنبه‌ی رمزی، سازندگی یا تخیل دارند، در انتشار هیجان‌ها،

۱. جهت تبیین «یادگیری مشاهده‌ای»، ر. کد همین فصل، گفتار دوم، ویژگی ۱۲ از حیطه شناختی، صص ۶۱-۶۲.

۲. برخی معتقدند تقلید و همانندسازی شبیه یکدیگرند با این تفاوت که همانندسازی، الگوبرداری ناآگاهانه و ناخودآگاه از رفتار الگو است (همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۷۶) و تنها نسبت به کسانی صورت می‌گیرد که مورد علاقه شدید باشند پس انگیزه عمل در آن، علاقه شدید قلبی است. (بی‌ریا، ناصر و دیگران، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۱، ص ۴۴۴).

۳. Imitation.

فراهم‌سازی زیربنای تجسم و تصویر ذهنی و همچنین پایه‌ی یادگیری‌های مختلف مانند یادگیری زبان قرار می‌گیرد. البته تقلید کودک تحت تأثیر مکانیزم خودمحوری است.<sup>۱</sup>

## ۲. دعوت‌پذیری عملی

این ویژگی<sup>۲</sup> در واقع، مرتبط با سه خصوصیت «انعطاف فکری»، «یادگیری مشاهده‌ای» و «تقلیدپذیری» است و به این معنی است که شخصی مثل والدین کودک، عملی را در مقابل او انجام دهند به قصد اینکه وی را تحریک و دعوت به انجام نمایند و به خاطر خصوصیات مذکور، او به راحتی قبول و مشغول همانندسازی می‌گردد. در متون دینی نیز به دعوت‌پذیری عملی در انسان اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«كونوا دعاة الناس بغير السنتكم ليروا منكم الاجتهاد و الصدق و الورع»<sup>۳</sup>

«مردم را از طریق غیر از زبان‌هایتان (یعنی با اعمال و رفتار خود به کارهای خیر) دعوت کنید تا تلاش و راستگویی و پرهیزکاری را از (رفتار) شما ببینند.»

از آن‌جا که تمام اوامر و اصول تربیتی که از قرآن و روایات به دست می‌آید حاکی از ویژگی‌های شخصیت انسان است و با آنها مطابقت دارد، امر به دعوت مردم در حدیث مذکور، نشان‌گر دعوت‌پذیری انسان است. روش تبلیغی «دعوت» به خاطر دارا بودن نوعی احترام و تکریم مخاطبی همچون کودک، باعث علاقه‌مندی و جذب وی می‌شود. حال وقتی «دعوت» عملی باشد یعنی از طریق نمایش واقعی اعمال و رفتار انجام گیرد، کیفیت آثار مذکور چند برابر می‌شود.

## ۳. شتاب‌زدگی

رفتارهای کودک، شتاب‌زده و عجولانه‌ی به‌دور از احتیاط‌های مدت‌نظر بزرگسالان است.

۱. اقتباس از منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۲۹۰-۲۹۸.

۲. ویژگی «دعوت‌پذیری عملی» در بحث حیطه رفتاری ذکر گردید زیرا «تصمیم بر پذیرش و اراده انجام عمل»، از جمله رفتارهای درونی شمرده شده. ر.ک: همین فصل و گفتار، تعریف و اهمیت حیطه رفتاری، ص ۶۹.

۳. طبرسی، علی بن الحسین، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۴۶.



#### ۴. ناپایداری اراده

اراده که یک نوع رفتار درونی است در کودکان ناپایدار می‌باشد و خیلی زود در اثر میل و رغبت‌های آنی و همچنین در برابر اصرار و فشار تسلیم می‌شوند.

#### ۵. عادت پذیری

انعطاف‌پذیری شخصیت در سنین کودکی باعث می‌شود که با طرز فکر، روحیه و رفتاری خاص خو بگیرد و علاقه به تکرار، سبب می‌شود تا آن قدر آن را بازپدیدآوری و تکرار نماید تا به صورت ملکه و عادت در آید. تلقین، تقلید، قصد و اراده از مکانیزم‌های شکل‌گیری عادت‌های پسندیده یا ناپسند کودکان محسوب می‌شوند.<sup>۱</sup> از نظر اخلاقی، کودکی دوره‌ی ایجاد عادات مطلوب است.<sup>۲</sup>

#### ۶. بازی

عمل عمده‌ی دوران کودکی، بازی است به طوری که همه رفتارهای کودک در آن خلاصه می‌شود. بازی از نیازهای طبیعی و ضروری کودک شمرده شده که برای او صرفاً تفریح نیست، بلکه در واقع مقدمه‌ای برای عمل جدی و هدفمند است. فعالیت‌های کودک روزبه‌روز بیشتر می‌شود و میل به بازی همراه با کنجکاوی و لذت در او شدت می‌گیرد. کودک در بازی، همه ضعف‌ها و قوت‌ها، ترس‌ها و نگرانی‌ها، بینش‌ها و نگرش‌ها، علائق و نفرت‌ها و به طور کلی شخصیت خود را بروز خواهد داد و به آن پی می‌برد.<sup>۳</sup> بازی نقش مهمی در ارتقاء رشد همه‌جانبه کودک اعم از رشد شناختی و ذهنی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و همچنین رشد جسمی وی دارد.

شاید بتوان گفت: اگر والدین برای روزی دو ساعت بازی فعال، پُر جنب و جوش و پُر نشاط کودک برنامه‌ریزی نکنند، کودک برای بیست و چهار ساعت والدین و دیگر اطرافیان برنامه‌ریزی می‌کند با نق زدن، غر زدن، لجبازی کردن و ...

۱. کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۴۹.

۲. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۴.

۳. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، ص ۹۱.

بازی برای کودکان فواید و کارکردهای فراوانی دارد<sup>۱</sup> که عبارتند از:

- (۱) پی بردن به توانایی‌های فکری و عملی خود در برقراری ارتباط با دیگران.
- (۲) پی بردن به قدرت زبانی، عقلی و جسمی نهفته.
- (۳) رشد و شکوفایی استعدادها و مهارت‌ها.
- (۴) شادی روحی.
- (۵) بارور سازی توانایی جهت خلاقیت و نوآوری.
- (۶) کاهش ناملايمات روحی مانند عصبانیت‌ها و تمایل به ستیزه‌جویی و جنگ‌جویی.
- (۷) رشد سازگاری اجتماعی.
- (۸) رشد هماهنگ دستگاه‌ها و اعضای بدن.
- (۹) تقویت حواس.
- (۱۰) رشد هوشی.
- (۱۱) رشد و شکوفایی احساسات.
- (۱۲) پرورش هیجان‌ها و عواطف.
- (۱۳) افزایش برون‌نگری.
- (۱۴) ارضای نیاز به برتری‌جویی.
- (۱۵) تخلیه انرژی.
- (۱۶) رفع خشم.
- (۱۷) جلوگیری از بی‌قراری و بیش‌فعالی ناهنجار.
- (۱۸) ارتباط با محیط بیرون و گسترش دنیای اجتماعی.
- (۱۹) فراگیری موضوعات علمی به‌ویژه مفاهیم انتزاعی دینی.
- (۲۰) یادگیری اصول اخلاقی، رفتاری و ارزش‌ها مانند کمک به دیگران و همکاری، مشارکت، هم‌دلی، وفاداری، تحمل عقیده مخالف و گذشت.
- (۲۱) فراگیری روش‌های تسلط بر خود و اعتماد به نفس.
- (۲۲) مهارت‌آموزی پیرامون چگونگی بروز احساسات و عواطف و همچنین کنترل و ارضای مناسب آن‌ها.
- (۲۳) یادگیری توانایی تأثیرگذاری و نفوذ در دیگران.
- (۲۴) افزایش قدرت ابراز وجود و رهایی از ترس و کم‌رویی.
- (۲۵) آشنایی با رقابت و تجربه‌ی شکست.<sup>۲</sup>

۱. ر. ک: حسینی، مریم؛ کودک، بازی و اسباب‌بازی؛ شجاعی، محمد صادق، بازی کودک در اسلام؛ مهجور، سیامک رضا، روان‌شناسی بازی، صالحی، علی محمد، بازی را چندی بگیرند.  
 ۲. صالحی، علی محمد، بازی را چندی بگیرند، صص ۱۵-۲۵.

## گفتار سوّم: گونه‌شناسی و گزینش آموزه مهدوی برای کودکان

### یک. ضرورت گونه‌شناسی و گزینش

برای انتقال آموزه‌های مهدوی به کودکان و نهادینه‌سازی آن‌ها، افزون بر اتخاذ روش‌های جذاب، متنوع و متناسب با دوره کودکی، باید به نوع محتوا و معیارهای انتخاب آن جهت قرارگرفتن در سامانه انتقال و آموزش به کودک نیز توجه نمود. بازشناسی این معیارها که از اصول تربیتی و آموزشی ویژه دوره کودکی استخراج می‌شود، ما را به بهره‌بری گزینشی از معارف مهدوی رهنمون می‌سازد، زیرا همه آن آموزه‌ها برای ارائه به کودک مناسب نبوده و قابلیت قرارگرفتن در لیست انتقال به وی را ندارند. با در نظر گرفتن معیارهای مذکور، پس از گونه‌شناسی و دسته‌بندی آموزه‌های مهدوی، باید تعدادی را جهت انتقال و نهادینه‌سازی انتخاب و گزینش نمود. موفقیت در این امر، در گرو توجه به اصل تفاوت‌های فردی و رعایت اصل تناسب است. به هر حال، شخصیت هر کودکی در شرایط و محیط ویژه خود، شکل می‌گیرد و ویژگی‌های خاص خود را دارد، پس تفاوت‌های طبیعی، ارثی، زیستی و فرهنگی بین آنان وجود دارد. بر این اساس، باید کودک از جهات مختلف شناخته شود مانند ویژگی‌های ظاهری و درونی، شرایط و موقعیت زندگی، محیط تربیتی، روحیه او نسبت به مسایل دینی (تشنه، بی‌تفاوت یا فراری)، مرحله سنی و رشد، ظرفیت و قابلیت و استعدادها، نیازها و مشکلات.<sup>۱</sup>

در سیره آموزشی پیامبر ﷺ و اهل بیت  نیز شواهدی مبنی بر گزینش آموزه‌های دینی برای انتقال به مخاطب مشاهده می‌شود. مثلاً ایشان برای جلب توجه هر شخص یا گروهی به معارف دینی، افزون بر اتخاذ شیوه‌ای خاص،<sup>۲</sup> محتوای خاصی از معارف را انتخاب و با بیانی متناسب با فهم آنان ارائه می‌نمودند. همچنین نسبت به ایجاد و افزایش انگیزه و رغبت به یادگیری آموزه‌های دینی، با توجه به اینکه هر انسانی امیال و

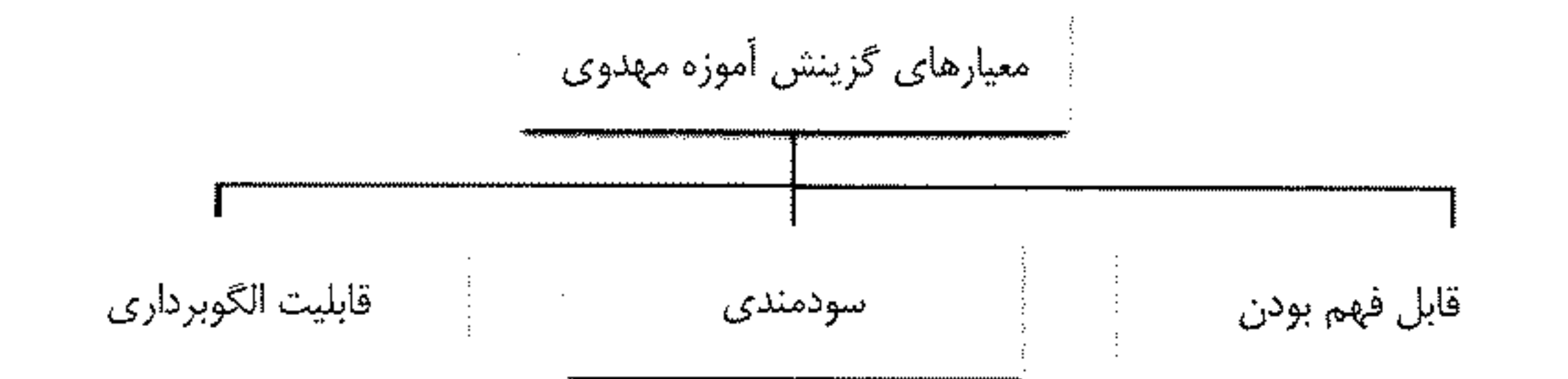
۱. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۲۴ و ۲۵.

۲. مانند طرح سؤال، بر انگیزتن سؤال در ذهن مخاطب، تأکید بر اهمیت مطلب، استفاده از تکیه کلام‌های گوناگون و کلمه‌های خطاب در لابه‌لای سخن. مثال‌های متعددی از سیره معصومین  در این باره نقل شده است. ر.کد حسینی‌زاده، علی، نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، صص ۳۳-۳۷.

گرایش‌های خاصی دارد، برای هر مخاطبی، افزون بر استفاده از شیوه‌ای خاص،<sup>۱</sup> از محتوایی متناسب با حیطه گرایشی او نیز استفاده می‌کردند. اموری از قبیل «پاسخ ندادن به سوالات بعضی اشخاص، بیان برخی مطالب به افراد خاص و سفارش به مخفی نگهداشتن آن‌ها، بیان پاسخ‌های متفاوت به افراد مختلف نسبت به یک سؤال و استفاده از روش پرسش و پاسخ خصوصی»<sup>۲</sup> نشان‌گر گزینش آموزه‌های دینی توسط معصومین علیهم‌السلام جهت ارائه به مخاطبان مختلف است.

### دو. معیارهای گزینش

با در نظر گرفتن نکات یادشده پیرامون ویژگی‌های دوره کودکی به لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری و همچنین اصول تربیتی و آموزشی ویژه آن دوران، می‌توان به شاخص‌ها و معیارهایی جهت انتخاب آموزه‌های مهدوی متناسب با این دوره سنی دست‌یافت. در اینجا به سه نمونه اشاره می‌گردد.



### الف) قابل فهم بودن

جهت نهادینه‌سازی معارف مهدوی در کودک، باید آموزه‌هایی انتخاب شوند که برای وی قابل فهم بوده و او توانایی درک صحیح آن‌ها را داشته باشد، زیرا با توجه به محدودیت ظرفیت شناختی و میزان درک این مرحله سنی، همه آموزه‌های مهدوی برای ارائه و انتقال به کودک مناسب نیستند. توضیح اینکه؛ از یکسو، برای فهم و درک صحیح برخی آموزه‌ها

۱. مانند آگاه‌سازی مخاطب از جهل خود و برانگیختن احساس نیاز به دانستن، تشویق و تکریم علم‌آموزی و اهل علم. ر.ک: همان، صص ۳۷-۴۱.

۲. ر.ک: همان، صص ۴۶-۵۱.

از قبیل حوادث قبل و بعد از ظهور، فرآیند تشکیل حکومت جهانی، گسترش عدل، خصوصیات امام و وظایف منتظران، احتیاج به قوه فکری نظام‌مند، جامع‌نگر و همچنین آشنا با مفاهیم کلی، نامحسوس و انتزاعی است. از سوی دیگر، کودک قدرت درک بعضی از مفاهیم را ندارد به خاطر پیش‌تصویری بودن، انس با محسوسات و بیگانگی با مفاهیم کلی انتزاعی، ناتوانی در تجزیه و تحلیل صحیح و همچنین کندی روند درک مفاهیم کیفی و کمی که توضیحشان قبلاً بیان شد. افزون بر آن، برای فهم عده‌ای از مفاهیم به دلیل پیچیدگی خاص، احتیاج به دانستن و درک واژه‌ها و مفاهیم زیاد دیگری می‌باشد در حالی که فرهنگ واژگان و مفاهیم کودک بسیار محدود است.

بنابراین قابل فهم بودن آموزه برای کودک، معیاری مهم و اساسی جهت گزینش معارف مهدوی برای او محسوب می‌شود. اگر به این شاخص توجه نشود، انبوهی از آن معارف بیان می‌شود در حالی که کودک، برخی از آن‌ها را یا اصلاً نمی‌تواند درک کند و بفهمد و یا دچار درک ناقص می‌شود که در این صورت ممکن است آسیب‌های معرفتی جبران‌ناپذیر یا دیراصلاح به دنبال داشته و حتی عامل شکل‌گیری شبهه در ذهن او گردد. اکنون توضیح چهار مثال و نمونه از موضوعات مهدوی از نظر می‌گذرد که فاقد معیار مذکور می‌باشد.

- |   |   |                          |
|---|---|--------------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- زیاده‌روی درباره جنگ پس از ظهور</li> <li>۲- افراط در ویژگی‌های ماورایی امام</li> <li>۳- بداء در آموزه‌های مهدوی</li> <li>۴- تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه‌سازی</li> </ol> | } | نمونه‌های فاقد معیار اول |
|---|---|--------------------------|

#### نمونه اول فاقد معیار: زیاده‌روی درباره جنگ پس از ظهور

اگر در مبحث وقایع پس از ظهور، تمام مطالب پیرامون جنگ حضرت مهدی علیه السلام و یارانشان با دشمنان بدون لحاظ معیار مذکور و بدون هیچ‌گزینشی برای کودک بیان گردد، چهره‌ای منفی از عصر ظهور، امام منجی و به‌طور کلی معارف مهدوی در ذهن او نقش می‌بندد و در ادامه، به حیطة گرایش‌ی و عاطفی او نسبت به امام مهدی علیه السلام و فرهنگ مهدویت، آسیب می‌رساند.

لازم به ذکر است که در برخی روایات، هشت ماه برای جنگ و نبرد حضرت مهدی علیه السلام با دشمنان بیان شده است. از ابوبصیر نقل شده که امام باقر علیه السلام فرمودند: «... وقتی قیام کند همچون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار خواهد کرد، جز این که او آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله را روشن می‌سازد (مأموریتش دنباله همان مأموریت پیامبر است) و شمشیر برگردن خویش حمایل ساخته و هشت ماه به شدت مبارزه می‌کند تا اینکه خدا راضی شود، پرسیدم: چگونه از رضایت خاطر خداوند آگاه می‌گردد؟ فرمود: خداوند به دل او رحمت می‌اندازد»<sup>۱</sup>.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«قائم خروج نخواهد کرد مگر حلقه سپاه به کمال و تمام رسیده باشد ... او در حالی که خون (نیاکان خویش) مطالبه نشده دارد و خشمگین و متأسف است به خاطر خشم خداوند بر این مردم، خروج خواهد کرد، ... و هشت ماه شمشیر برهنه بر دوش دارد و بی‌باکانه می‌کشد...»<sup>۲</sup>

این مدت کوتاه در مقابل جنگ و خونریزی ظالمانه دشمنان اسلام و دین‌داران در سال‌ها و قرن‌های گذشته چیزی نیست. افزون بر آن، هشت ماه مبارزه جهادگونه‌ی حضرت و یارانشان پس از ظهور، بخش اندکی از حکومت مقتدرانه، عدالت محور، مهربانانه و دولت کریمه را در بر می‌گیرد. لازم به یادآوری است که همان مبارزه‌ی کوتاه مدت نیز بعد از ارائه‌ی استدلال، کرامات و معجزات روشنگرانه و تنها در مقابل عده‌ای لجوج رخ خواهد داد که با وجود آشکار بودن حقایق رهبری حضرت مهدی علیه السلام، حاضر به قبول حق نیستند.

### نمونه دوم: افراط در ویژگی‌های ماورائی امام

معارفی که بیان‌گر اوصاف و فضایل ماورائی امام مهدی علیه السلام است مانند آموزه‌هایی که در مقام توصیف گستردگی و وسعت علم امام علیه السلام است. مثلاً تفصیلات و جزئیات علم

۱. «عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر الباقر علیه السلام قال... إذا قام سار بسيرة رسول الله صلی الله علیه و آله إلا أنه يبين آثار محمد و يضع السيف على عاتقه ثمانية أشهر هرجاً هرجاً حتى رضي الله قلت فكيف تعلم رضا الله قال يلقي الله في قلبه الرحمة»، نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، ص ۱۶۴ و ۱۶۵، ترجمه از، غفاری، محمد جواد، الغيبة للنعماني، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۲. «عن أبي بصير قال: قال أبو عبد الله علیه السلام لا يخرج القائم علیه السلام حتى يكون تكملة الخلق... إنه يخرج مؤثراً غضباناً سيفاً لغضب الله على هذا الخلق... يُجرّد السيف على عاتقه ثمانية أشهر يقتل هرجاً...»، همان، ص ۳۰۸، ترجمه از همو.

امام علیه السلام به همه مخلوقات، گذشته و آینده و حتی زمان و کیفیت شهادت خود. کودک در هنگام شنیدن چنین آموزه‌هایی ممکن است تصور کند فرقی میان امام و خداوند متعال نیست و در ادامه، به شناخت توحیدی او آسیب رساند. به‌همین خاطر، برای کودکانی که فقط از زاویه‌ی دید محدود خود به همه چیز می‌نگرند، نباید روایاتی پیرامون فضایل معرفتی امام علیه السلام در سطحی بالاتر از فهم آنان بیان شود.

#### نمونه سوم: بداء در آموزه‌های مهدوی

فهم بحث امکان و وقوع بداء که در مباحث اعتقادی مطرح می‌شود برای کسانی که دوره‌ی کودکی را پشت‌سر گذاشته و به بزرگسالی رسیده‌اند، سخت بوده چه رسد به بداء در علائم و شرایط ظهور و به‌طور کلی آموزه‌های مهدوی.<sup>۱</sup> زیرا عُرف مردم کمتر توضیح داده شده و نیازمند اطلاعات و تحقیقات عمیق‌تری است. این موضوع و مسایل پیرامون آن، قابل فهم برای ذهن محدود کودک نیست، بنابراین نباید در لیست موضوعات آموزشی کودکان قرار گیرد.

#### نمونه چهارم: تبیین مفهوم انتقام بدون زمینه‌سازی

یکی از اوصافی که برای خداوند حکیم در قرآن کریم بیان شده، انتقام گرفتن از دشمنان است که در مورد فرعون و پیروانش می‌فرماید

فَلَمَّا أَسْفَوْنا اِنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ؛ اما هنگامی که ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم.<sup>۲</sup>

از آن‌جا که معصومین و حجت‌های الهی، آینه‌ی تمام‌نمای اوصاف خداوند متعال هستند (به غیر از اوصاف خاص خدا مانند احدیت و خالقیت مطلق)، ویژگی فوق برای امام زمان علیه السلام نیز ذکر شده است. در کتاب *الزام الناصب* عبارتی نقل شده که حاکی از انتساب لقب انتقام برای حضرت مهدی علیه السلام است.

۱. ر.ک. رضایی شریف آبادی، حسین. پایان‌نامه سطح سه، بداء در آموزه‌های مهدوی.

۲. سوره زخرف، آیه ۵۵. ترجمه از آیت الله مکارم. همچنین ر.ک. آل عمران: آیه ۴، مائده: آیه ۹۵، زمر: آیه ۳۷، ابراهیم: آیه ۴۷.

«إذا ظهر القائم عليه السلام قام بين الركن و المقام و ينادي بنداوات خمسة: الأول: ألا يا أهل العالم أنا الإمام القائم، الثاني: ألا يا أهل العالم أنا الصمصام المنتقم...»

انتقام، به خودی خود، عمل بدی نیست و نوعی باز پس گیری حقّ غصب شده محسوب می شود. البته باید بدانیم که انسان در هنگام تصمیم گیری نهایی پس از ظلمی که به او شده باید همه صفات اخلاقی از قبیل صبر، ایثار، عفو و گذشت را در نظر بگیرد. به نظر می رسد در متون دینی در بیشتر موارد، توصیه به گذشت شده مگر منافق و کافری که به دشمنی با خداوند و حجّت های او می پردازد و همچنین مشغول به اذیت مومنان و مظلومان جهان است و در فرصتی که به او داده می شود توبه نمی کند. تهدید به انتقام، می تواند عامل بازگرداندن منحرفان از مسیر خود و همچنین سبب تنبّه دیگران شود و جهت حفظ جامعه از خطرات اخلاقی در برابر دشمنان، گاهی استفاده می گردد.

اگر مفهوم انتقام را نسبت امام زمان عليه السلام بدون هیچ گونه مقدمه چینی و زمینه سازی فکری و اعتقادی برای کودک بیان کنیم، به یقین دچار آسیب هایی در حیطه تربیت اعتقادی و اخلاقی خواهد شده مانند:

- ۱) نقش بستن چهره ای منفی (جنگ جو، کینه توز و خشن) از امام عليه السلام در ذهن کودک.
- ۲) احساس تنفر و دل زدگی نسبت به امام.
- ۳) عدم تمایل به فرا رسیدن هر چه زودتر ظهور.
- ۴) عدم تصویر آرمانی زیبا از زندگی همراه با امام بعد از ظهور.
- ۵) بی انگیزگی برای یاری امام.
- ۶) الگوبرداری عینی از رفتار انتقام گونه امام.

الگوبرداری عینی یعنی اگر قبلاً به شدت علاقمند به امام زمان عليه السلام بوده، وقتی می شنود که ایشان منتقم هستند سعی می کند همانند سازی نماید. در این صورت، در برابر هر گونه ناملایمتی از جانب دوستانش، اقدام به انتقام می کند و در نتیجه منجر به خشونت های کودکانه می گردد.

۱. یزدی حایری، علی، إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب، ج ۲، ص ۲۳۳. ترجمه: زمانی که قائم ظهور کند، ما بین رکن و مقام می ایستد و پنج ندا می دهد... دوم: آگاه باشید ای اهل عالم، منم شمشیر انتقام گیرنده.



از یکسو، نمی‌توان نسبت به تبیین و انتقال مفهوم «انتقام» بی‌تفاوت بود زیرا جزئی از آموزه‌های مهدوی است و نشان‌گر روحیه‌ی جهادی، حق‌طلبانه و اقدام شجاعانه‌ی امام مهدی علیه السلام در برابر دشمنان است و دانستن آن، در تربیت اعتقادی کودک و تحریک برای روحیه شجاعت و غیرت و رزوی مهم تلقی می‌گردد. اگر هم والدین و مربیان، حرفی از این لقب حضرت نزنند ممکن است از دوستانش، رسانه، سخنرانی‌ها و مداحی‌ها بشنود. از سوی دیگر نمی‌توان مفهوم انتقام را به صورت خام بدون برنامه‌ریزی علمی متناسب با فهم کودک، بیان نمود زیرا آسیب‌های یادشده را به دنبال دارد.

برای رهایی از مشکل فوق، مراحل هشت‌گانه ذیل پیشنهاد می‌شود:

**مرحله اول:** توصیف جلوه‌های مهربانی امام مهدی علیه السلام.

**مرحله دوم:** بیان زیبایی‌های ظهور.

**مرحله سوم:** توضیح پیرامون آشکار بودن حق در زمان ظهور.

**مرحله چهارم:** تبیین زیبایی‌های قبول حق و عمل به آن و همچنین زشتی‌های عدم قبول آن مانند لجاجت و حسادت به گونه‌ای که تنفر و عدم گرایش نسبت به شخص حق‌گریز پیدا کنند.

**مرحله پنجم:** توصیف مراحل دعوت حق‌گونه امام علیه السلام مانند: برخورد مهربانانه، ارایه‌ی دلیل و معجزه، دادن فرصت تفکر و تحقیق.

**مرحله ششم:** سوال از کودک.

بدین صورت که از او می‌پرسیم: اگر شما جای امام بودید در برابر این همه ظلم از طرف دشمنان و همچنین نسبت به وظیفه‌ای که نسبت به مظلومان دارید چه اقدامی می‌کردید؟ به طور قطع، کودک مجازات‌های سنگین برای ظالمان تعیین می‌کند چون تنفر نسبت به آن‌ها پیدا کرده است.

**مرحله هفتم:** تبیین مهربانی‌های ابتدایی امام در مواجهه دشمنان مانند عفو و دادن فرصت توبه و بازگشت.

**مرحله هشتم:** مطرح کردن مفهوم «دفاع در برابر دشمن» و پیوند زدن آن با انتقام چون روحیه‌ی دفاعی برای کودک ملموس‌تر است تا شروع به جنگ و انتقام برای اهداف کلی مانند اصلاح جامعه.

ممکن است برخی از موضوعات مراحل پیشنهادی فوق، در روزها و یا ماه‌های گذشته به طور مفصل برای کودک توضیح داده شده ولی برای تبیین مفهوم انتقام تکرار آن‌ها بسیار ضروری است هر چند مختصر و گذرا بیان گردد.

#### ب) سودمندی

غرض از انتقال و نهادینه‌سازی آموزه مهدوی به کودک آن است که از طریق شناخت‌دهی و تحریک عواطف او نسبت به مهدویت، در جهت تربیت نسل منتظر گام برداریم. بر این اساس، باید از معارف مهدوی که در این زمینه سودمند و مفید باشند استفاده کرد. در کتب مهدویت مطالبی وجود دارد که در معرفت‌دهی و سوق‌دادن گرایش کودک به مهدویت و سیر تربیتی او تأثیر قابل توجهی ندارد. طرح این‌گونه مطالب، ذهن و فکر کودک را درگیر و جز تضييع وقت ثمری برای او ندارد. نظیر بیان اختلاف اقوال در برخی مسایل مانند ملیت مادر امام زمان، تعداد علائم حتمی و غیر حتمی، و همچنین طرح شبّهات، خرافات و رد آن‌ها. البته می‌توان زیرکانه و به صورت روش‌مند، وجوه صحیح آن‌ها یا موارد مشهور بین علما را در قالب‌های کودکانه مطرح کرد بدون اشاره به اقوال، شبّهات و رد آن‌ها.

مثلاً موضوعی همچون «چاه جمکران» محور جلسه آموزشی ما برای کودکان نیست و پیرامون آن سخنی به میان نمی‌آوریم.<sup>۱</sup> اما درباره نقاشی کشیدن و نامه‌نوشتن برای امام زمان علیه السلام صحبت می‌کنیم و حتی در قالب مسابقه، همه را به آن دو تشویق و ترغیب نموده و به بهترین‌ها جایزه می‌دهیم. پس از آن کودکان را متوجه این نکته می‌کنیم که «حضرت مهدی علیه السلام از همه اعمال و رفتار شما حتی نوشتن نامه و محتوای آن آگاهی دارند و اگر درد و دل‌ها و خواسته‌ها را برای ایشان ننویسیم و نگوییم، باز اطلاع دارند». اما به مطالبی که در ذهن معتقدین به عریضه‌نویسی و انداختن در آن چاه است به هیچ وجه اشاره نمی‌کنیم.

۱. زیرا مقدّس دانستن انحصار انداختن عریضه (یعنی برگه حاوی حواجی و آرزوها) در چاه جمکران، قابل تأمل و بررسی است. ر.ک. شهبازیان، محمد و همکاران، «بررسی و تحلیل اسناد عریضه‌نویسی با تأکید بر آسیب‌های آن»، فصلنامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۹۲، شماره ۴۲.

## ج) قابلیت الگوبرداری

پذیرش یک انسان به عنوان الگو و تقلید از او، از جمله ارکان شکل‌گیری شخصیت کودک است که سریع‌ترین، آسان‌ترین و بیشترین تأثیرگذاری را در وی دارد. کودک دوست دارد در برابر هر نوع آموزه‌ای به‌ویژه آموزه‌های متضمن رفتار، الگوبرداری کند.<sup>۱</sup> مثلاً وقتی در توصیف امام زمان ع از کمک‌کردن به دیگران سخن به میان می‌آید، کودک به خاطر تجلیل دیگران از این صفت و تشویق به انجام آن و همچنین علاقه‌ای که به آن حضرت دارد، سعی می‌کند این صفت نیکو را طبق همان تصویری که پیدا کرده نسبت به کودکان دیگر انجام دهد.

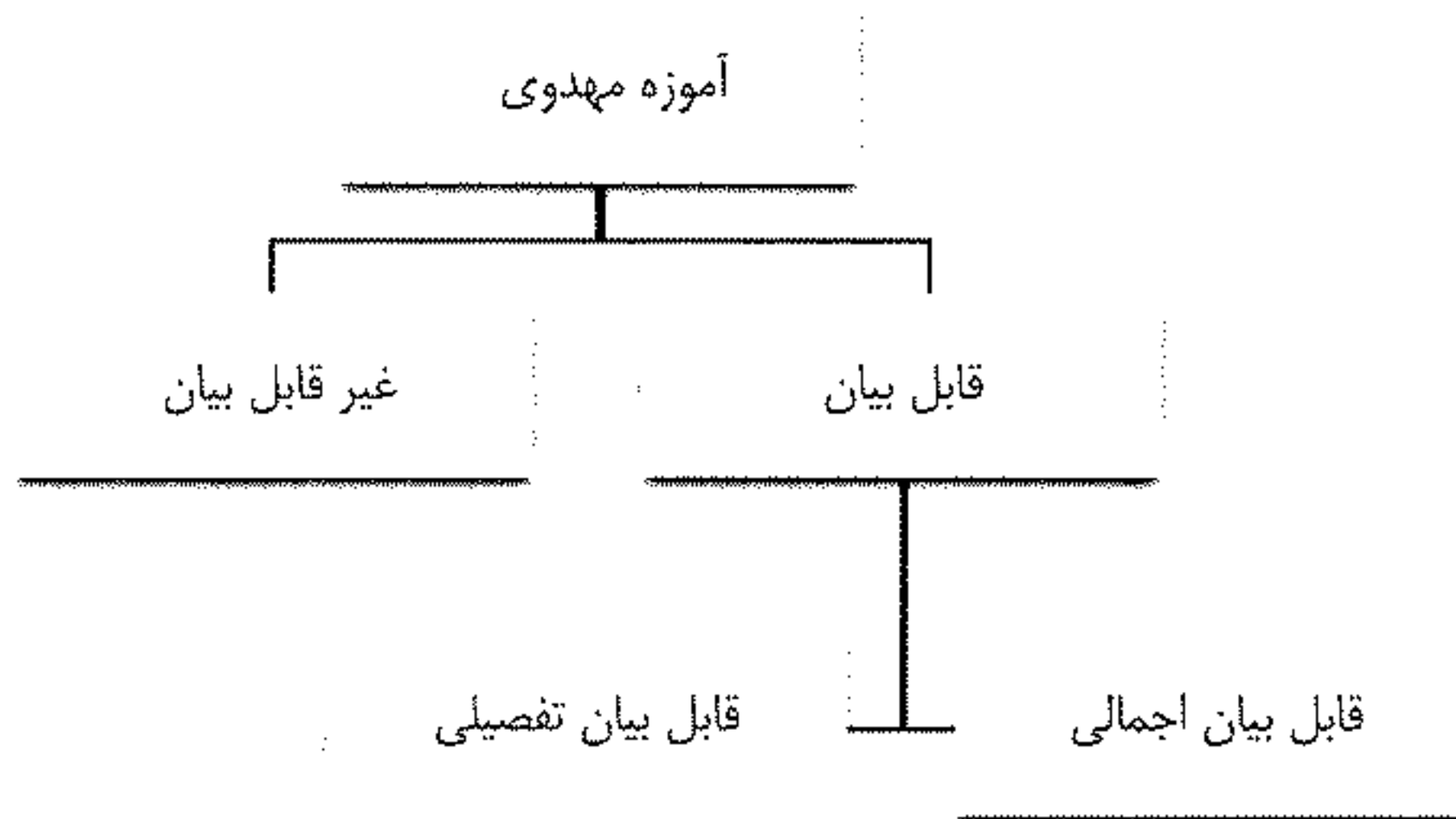
برخی از آموزه‌های مهدوی، برای کودک قابلیت الگوبرداری ندارند. مانند اوصاف ماوراءالطبیعه مختص به امام از قبیل قدرت مافوق بشر و کرامات. کودک به‌خاطر قوه تخیل بالا و علاقه‌ی شدید به داستان‌های عجیب و غریب، سریع‌تر و بهتر از بزرگ‌ترها می‌تواند به تصویری از آن دست یافته و راحت قبول نماید. اما اگر تمام فضای ذهن او لبریز از این اوصاف ماورائی امام ع شود، تصویری که شخصیت خیالی در ذهنش نقش می‌بندد و حتی ایشان را در حد یک شخصیت منجی و قهرمان خیالی در انیمیشن‌ها و داستان‌ها تنزل می‌دهد. در نتیجه ویژگی‌های آن را به امام ع نسبت می‌دهد و حتی در مواردی خصوصیات منجی موعود حقیقی یعنی امام ع را به آن قهرمان‌ها تطبیق می‌دهد. چنین تصویری، نسبت‌دهی و تطبیقی افزون بر آسیب‌های معرفتی، سبب شکل‌گیری اعتقاد به عدم امکان الگوپذیری از امام ع خواهد شد. با این بیان که؛ کودک گمان می‌کند امام ع یک انسان ماورائی است، از عالم دیگری آمده و از ما بسیار فاصله دارد. همچنین نه تنها نمی‌تواند دوست و راهنمای ما باشد بلکه نمی‌توان او را الگو و سرمشق خود قرار داد چون نمی‌توانیم کارهای خارق‌العاده او را انجام دهیم. این طرز تفکر سرایت می‌کند به اخلاق و رفتار امام مهدی ع و دیگر معصومین ع در عالم طبیعی و زندگی معمولی ایشان در بین مردم. یعنی کودک خیال می‌کند رفتار و اعتقادات آن‌ها همانند معجزات و کرامات، مختص به خودشان است و نمی‌تواند آن‌ها را انجام داد و از آن‌ها الگوبرداری کرد.

۱. شاید معیار شماره ۳، از مصادیق معیار «سودمندی» باشد، ولی به خاطر اهمیت و آثار فراوان آن، به‌صورت مجزاً ذکر گردید.

### گفتار چهارم: دسته‌بندی آموزه مهدوی برای انتقال به کودک

برای آموزه‌های مهدوی، از جهات مختلف می‌توان گونه‌ها و دسته‌بندی‌های متنوعی ذکر کرد مانند دسته‌بندی به‌لحاظ اهمیت فراگیری از نظر دین‌پژوهان و اولویتهای نیاز جامعه، ویژگی‌های کودک از نظر جنسیت، حیطه‌های شخصیتی و همچنین شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خانواده و محیط زندگی. با توجه به جهات مذکور و معیارهای گزینش آموزه‌های مهدوی برای کودکان، می‌توان به دسته‌بندی‌های جامعی از آن آموزه‌ها از نظر قرار گرفتن در سامانه انتقال به کودک دست یافت. در اینجا یک نمونه با در نظر گرفتن حیطه شناختی دوره کودکی ذکر می‌گردد.

(نمودار دسته‌بندی آموزه مهدوی)



#### یک. آموزه غیر قابل بیان

برخی از آموزه‌های مهدوی اصلاً نباید در چرخه‌ی آموزش و انتقال به کودکان قرار گیرند، نه به‌صورت اجمالی و نه به‌طور تفصیلی. به عبارت دیگر، به‌هیچ‌وجه نباید جزء مواد و محتوای درسی باشند. این ممنوعیت به‌خاطر دلایل تربیتی و روان‌شناختی است مانند

عدم توانایی درک صحیح، عدم سودمندی و عدم قابلیت الگوبرداری. آموزش مفاهیمی همچون انتقام و قصاص بدون مراحل هشتگانه‌ای که قبلاً ذکر گردید، از جمله آموزه‌های غیر قابل بیان محسوب می‌شود.

### دو. آموزه قابل بیان

آموزه‌هایی از فرهنگ غنی مهدویت که می‌توان آن‌ها را فی الجمله در لیست انتقال و آموزش به کودک قرار داد که خود به دو گروه تقسیم می‌شوند.

#### الف) قابل بیان اجمالی

این گروه شامل مفاهیم و گزاره‌هایی از مهدویت است که در روند آموزشی و انتقال، فقط به نام شخص، حادثه و یا جریان، به صورت اجمالی اشاره می‌شود. این آموزش در حدی است که کودکان نام آن را بدانند و در مورد خوب یا بد، پسندیده یا ناپسند، فضیلت یا رذیلت بودن آن به طور مختصر اطلاعاتی داده می‌شود بدون بیان تفصیلات و جزئیات آن. این محدودیت، به خاطر عواملی از قبیل مواردی است که در آموزه‌های غیر قابل بیان ذکر گردید. مانند موضوع دجال، که در برخی سخنرانی‌ها ممکن است کودکان نام او را بشنوند و پیرامون آن سؤالاتی بپرسند. اگر بنا باشد درباره آن برای کودکان صحبت شود، باید فقط به نام او و این که از دشمنان حضرت مهدی عج است بسنده گردد، زیرا افزون بر اینکه سند و دلالت روایاتی که درباره دجال موجود است قابل تأمل و بررسی است،<sup>۱</sup> نیازی به بیان تفصیلی ویژگی‌های دجال که در متن آن روایات ذکر شده نیست.

#### ب) قابل بیان تفصیلی

این گروه، شامل تمام آموزه‌های مهدوی است که از لحاظ محتوایی فارغ از آسیب‌های یادشده می‌باشد و دارای جنبه‌ی افزایش معرفت، گرایش و محبت کودکان به امام زمان عج است. همچنین باعث شکل‌گیری و رشد شخصیتی کودکان جهت مهدی‌شناسی، مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری می‌شوند. البته تحقق آن، به شرطی است که با رعایت جوانب روان‌شناختی دوران کودکی در روش و قالبی زیبا و مناسب ارائه گردد.

۱. رک. طبسی، نجم‌الدین، تا ظهور، ج ۲، ص ۳۵۶.

آموزه‌های قابل بیان تفصیلی مانند:

- ۱) آمادگی برای ظهور با انجام کارهایی که امام مهدی عج دوست دارند.
- ۲) ایشان از تمام افکار و اعمال ما خیر دارند.
- ۳) امام عج ما را بیشتر از پدر، مادر و دوستان دوست دارند.
- ۴) با کارهای خوب می‌توان ایشان را خوشحال کرد.

## فصل سوّم

روش تلقین آموزه مهدوی

## گفتار یکم: معناشناسی تلقین

### یک. معانی لغوی تلقین

برای تلقین، معانی لغوی متعددی ذکر شده مانند فهماندن،<sup>۱</sup> یاد دادن کلامی و وادار کردن به گفتن، فهماندن مطلبی را زبانی گفتن، القا کردن اصول و مبانی مذهبی به میت هنگام دفن،<sup>۲</sup> باوراندن اندیشه و طرز فکری خاص، القای شهادتین به محتضر.<sup>۳</sup> در این نوشتار، از بین معانی مذکور، باوراندن مدنظر است.

### دو. تعاریف اصطلاحی

برای تلقین، تعاریف اصطلاحی متعددی نیز می‌توان یافت که برخی ناظر به خودتلقینی و بعضی دیگر اشاره به دگرتلقینی دارد. در اینجا چند نمونه‌ای که بیشتر مرتبط با معنای مقصود است به نقل از کتب لغوی و مقالات علمی ذکر می‌گردد.

در روان‌شناسی تلقین یعنی «قبولاندن یا باوراندن عقیده، باور، تلقی یا احساسی به کسی معمولاً با تکرار و بدون درک و اقتناع».<sup>۴</sup> همچنین در تصوّف به «گفتن و یاد دادن ذکر خاصی به مرید و واداشتن او به تکرار آن»<sup>۵</sup> معنا شده است.

در مباحث معرفة النفس درباره تلقین به نفس گفته شده:

«به کمک اراده، بر ضعفی روانی یا تردیدی باطنی غلبه کنند و آن ضعف یا تردید را بر اثر تعلیم و پند دادن به خود و تکرار در آن زایل سازند و بالعکس».<sup>۶</sup>

بنابر نظر برخی اندیشمندان تربیت اسلامی، «تلقین به نفس» یعنی:

«از طریق به زبان آوردن قولی معین یا آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، تغییری به مقتضای آن

در ضمیر پدید آید».<sup>۷</sup>

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۱۳۳.

۲. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۵، ص ۶۹۴۲.

۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۱۷.

۴. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، ص ۶۵۵.

۵. همان.

۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۹۴۲.

۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.



برخی پژوهشگران فلسفه‌ی تحلیلی تعلیم و تربیت مانند پیترز<sup>۱</sup> تلقین را چنین تعریف کرده‌اند:

«فروشناسان هر نوع آموزه<sup>۲</sup> یا باور<sup>۳</sup> در ذهن فرد که منجر به ایجاد تعهدی تزلزل‌ناپذیر نسبت به حقانیت آن شود به طوری که درهای ذهن خود را بر هر احتمالی دایر بر خطابودن آن آموزه یا باور ببندد»<sup>۴</sup>.

### سه. تعریف پیشنهادی و نکات آن

با بهره‌گیری از معانی لغوی و اصطلاحی یادشده، نگارنده تعریف ذیل را ارائه می‌کند تا بیان‌گر معنای مقصود از تلقین در این پژوهش باشد.

«تلقین یعنی ایجاد و تقویت باور در خود یا دیگری از طریق تکرار نظام‌مند محتوای تلقینی در قالب‌های متنوع، متناسب با حیطه‌ی شناختی و عاطفی و رفتاری تلقین‌شونده (کودک) در یک فرآیند تربیتی بعد از مرحله‌ی آموزش همراه با حفظ قدرت اراده، انتخاب‌گری و پرورش اندیشه به منظور تثبیت و افزایش اعتماد وی به حقانیت آموزه‌های آن محتوا، جلوگیری از غفلت و فراموشی و همچنین به قصد ایجاد مصونیت در برابر اندیشه‌ها و رفتارهای تردیدزا و تزلزل‌آفرین»<sup>۵</sup>.

در این تعریف، چند نکته گنجانده شده است که عبارت است از:

#### الف) نتیجه‌ی تلقین؛ تحقق باور

هدف در تلقین، ایجاد و تقویت باور است بدون این که در تلقین‌شونده هیچ‌گونه شک و تردید پدید آید؛ پس اگر تلاشی با هدف مذکور انجام شد، ولی به خاطر عدم رعایت اصول تلقین یا وجود موانعی، باور محکم در مخاطب حاصل نشد، تلقینی رخ نداده است.

۱. R. S. Peters.

۲. Doctrine

۳. Belief

۴. رایین بارو و رونالد وودز، درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فاطمه زیباکلام، ص ۹۶.

۵. غرض نگارنده از تعرف پیشنهادی، جمع‌آوری و بیان نکات مهم درباره تلقین و همچنین ارائه تصویری روشن از آن بوده است. به همین خاطر، از بیان اختصارگونه‌ی تعریف با قیود مبهم پرهیز شده است.

**ب) تکرار نظام‌مند، عنصر اصلی تلقین**

عنصر اصلی تأثیرگذار در تلقین، تکرار است که شامل تکرار قولی و فعلی و محیطی می‌شود و همچنین اعم از تکرار برای خود و دیگری است که توضیح آن‌ها در بحث انواع تلقین خواهد آمد. البته هر نوع تکراری تلقین‌آمیز نیست، بلکه باید هدف‌مند و نظام‌مند باشد یعنی با هدف ایجاد باور شکل گیرد که این امر، رعایت اصول تلقین (که بعداً ذکر می‌شود) را می‌طلبد.

**ج) ارتباط مستقیم تلقین با جنبه‌ی شناختی و گرایشی**

تلقین، افزون بر ارتباط با ذهن و حیطه‌ی شناختی انسان، با حیطه‌ی عاطفی وی نیز در ارتباط است به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از میزان پذیرش باور و همچنین تقویت و استحکام آن، وابسته به جنبه‌ی گرایشی تلقین‌شونده نسبت به محتوای تلقینی و تلقین‌کننده است. بنابراین، تکرار یک آموزه، نخست ذهن را به خود مشغول می‌سازد و با ادامه یافتن فرایند تلقین، امیال درونی نیز همراهی می‌کنند و اگر بازتاب عملی داشته باشد، به رفتاری متناسب منجر می‌شود.

**د) جایگاه تلقین بعد از اخبار، آموزش و تذکر**

تلقین به لحاظ رتبه و حتی گاهی از نظر زمانی در مرحله‌ای بعد از اطلاع و خبردادن، آموزش و توجیه شناختی و همچنین تذکر و بازپیداوری ذهنی قرار دارد که طی سه مرحله روشن می‌گردد.

**مرحله اول: آموزش**

نخست یک آموزه، آموزش و تعلیم داده می‌شود و متناسب با آن از شواهد، دلایل و استدلال‌های منطقی جهت اثبات حقایق آن استفاده می‌گردد تا از انتقال صحیح و توجیه شناختی نسبت به آن آموزه، اطمینان حاصل گردد.

**مرحله دوم: یادآوری و تذکر**

در این مرحله، به جهت جلوگیری از غفلت و فراموشی، تذکر و یادآوری لازم صورت می‌گیرد. به‌ویژه اگر محتوای آن آموزه، از گزاره‌های علوم کاربردی باشد که غرض از تذکر در آن‌ها، بهره‌گیری از فوائد عملی است.

**مرحله سوم: تکرار تلقین آمیز**

این مرحله، جایگاه بحث تلقین است و در آن، نوبت به تکرار تلقین آمیز می‌رسد تا با ایجاد عقیده و باوری محکم در مکان و زمان‌هایی که از آموزش فاصله گرفته می‌شود، مورد انکار و حتی تردید و تزلزل واقع نشود.

گاهی ممکن است تلقین همزمان با آموزش و تذکر اتفاق بیفتد، ولی به لحاظ عقلی و شواهد تجربی، مؤخر از آن‌ها تحقق می‌یابد و می‌توان برای آن به‌طور جداگانه برنامه‌ریزی کرد. البته با هر بار تکرار، تذکر نیز رخ می‌دهد، ولی هر تذکری تلقین نیست؛ بلکه تلقین، نوعی تذکر سازمان‌یافته و مستمر محسوب می‌شود.

**ه) تلقین، روش و ابزاری مشترک برای تحقق اهداف صحیح و باطل**

واژه‌ی تلقین، در بین مردم بار عاطفی منفی داشته و ملالت‌آور است. شاید یکی از دلایل چنین برداشتی این است که در این عصر، برخی شرکت‌های تبلیغاتی جهت ترغیب دیگران به خرید محصولات تجاری خود، زیاد از آن استفاده می‌کنند و گاهی اوقات به بزرگ‌نمایی کاذب و سوء استفاده منجر می‌شود. در حالی که تلقین، ابزار مشترکی است که برای دستیابی به اهداف صحیح و نیز تحقق اهداف باطل کاربرد دارد. بنابراین اگر والدین یا مربی، با هدف صحیحی همچون نهادینه‌سازی عشق به حضرت مهدی (عج) در کودکان (که هنوز قدرت درک درست خوب و بد را ندارند و برای تشخیص آن‌دو، چشم به گفتار و کردار اطرافیان دوخته‌اند) بعد از تربیت عقلانی و توجیه شناختی در حد فهم آنان، از روش تلقین استفاده کنند، به لحاظ تربیتی و روان‌شناسی کار اشتباهی انجام نگرفته و هیچ آسیب معرفتی و تربیتی به دنبال نخواهد داشت.

**گفتار دوم: جایگاه‌شناسی تلقین**

«تلقین» یکی از روش‌های تأثیرگذار بر نفس و روح آدمی است که جایگاهی ویژه در برخی علوم انسانی دارد. برخی پژوهشگران تربیت اسلامی بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیر ظاهر بر باطن»، روش‌هایی در نظام تربیتی اسلام توصیه شده مانند تحلم که

ماهیتاً مشمول عنوان «تلقین» است.<sup>۱</sup> در علم اخلاق نیز «تلقین به نفس» به عنوان راه کاری جهت درونی شدن صفات حسنه مطرح شده است. در روان شناسی، تلقین به عنوان شیوه ای درمانی برای بیماری هایی مانند کمرویی به کار می رود. امروزه تلقین درمانی، در بیشتر کلینیک های روان درمانی جهان رواج دارد و بسیار اثرگذار ارزیابی شده است. در بحث ظرفیت های روان شناختی، تلقین به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ادراک شمرده شده و همچنین تلقین به مخاطب در زمان وارد شدن هیجانات شدید و تلقین به نفس در حالت هشیاری، از جمله راه های ورود و تأثیرگذاری بر سطح ناهشیار انسان محسوب می شود. اساس کار هیپنوتیزم نیز تلقین است، ولی به خاطر اینکه راهی مصنوعی می باشد<sup>۲</sup> و در آن از شیوه ها و ابزارهای غیرمتعارف استفاده می شود از بحث ما خارج است.

### گفتار سوم: تلقین؛ تهدید یا فرصت برای باور مهدوی کودکان

پیرامون استفاده از روش تلقین جهت ایجاد باورهای دینی به ویژه مهدوی، سوالی مطرح است که تبیین آن به همراه پاسخ، از نظر می گذرد.

#### یک. تبیین سوال

آیا باوراندن و تلقین عقاید مهدوی، کاری تحمیلی است و با اصل تحقیقی بودن عقاید و همچنین با تربیت عقلانی کودکان منافات ندارد؟ با این توضیح که: از یکسو، هر انسانی به قدر توانایی باید درباره ی حقانیت اصول عقاید اسلامی تحقیق کند که پس از اطمینان، طبیعتاً آن را پذیرفته و نسبت به آن معتقد می شود. بر این اساس، تقلید از دیگری نسبت به قبول آن ها کاری ناپسند است. این امر، در مورد باور به امامت و همچنین مهدویت که یکی از آن عقاید است نیز جاری می شود. از سوی دیگر، ایجاد و تقویت باورهای صحیح دینی مانند مهدویت در دوره کودکی، نقش مهمی در فرآیند تربیت دینی و شکل گیری شخصیت انسان دارد. باید این باورسازی با تربیت عقلانی یعنی پرورش نیروی عقل و تفکر مترقی همراه باشد تا وی با اختیار بدون هیچ گونه تحمیل و تحکمی، عقاید دینی را قبول کرده و در او باوری تزلزل ناپذیر نسبت به آن ها پدید آید.

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۷۶.

۲. کاویانی، محمد، روان شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، صص ۱۰۱ و ۲۲۸-۲۳۲.

از سوی سوّم، با این که تلقین روش تربیتی تأثیرگذار شمرده شده ولی به معنی فرونشاندن باور در انسان بوده که منجر به تحمیل عقیده‌ای خاص و اجبار کردن فرد بر پذیرش آن است. در این صورت، حقّ اندیشه‌ورزی، قضاوت و انتخاب در متربی سلب شده و در نتیجه موجب ایجاد تعهدی تزلزل‌ناپذیر در او همراه با روحیه‌ای متعصبانه، نگرشی مصونیت‌آمیز نسبت به آن عقیده و بی‌اعتمادی به سخن دیگران می‌شود و البته گاهی باعث دل‌زدگی و بی‌رغبتی نسبت به گزاره‌های تلقین‌شده می‌گردد. بدیهی است که این امور با تربیت عقلانی منافات دارد. بنابر نظر برخی پژوهشگران فلسفه‌ی تحلیلی تعلیم و تربیت مانند *آنتونی فلوو* و *پل هرست*<sup>۱</sup> استفاده از تلقین در ارایه‌ی مباحث دینی و تربیت دینی، عملی تحقیرآمیز و زشت، روشی غیراخلاقی و غیرعقلانی و همچنین تهدید برای هر نوع آموزشی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> البته اشکال اصلی آن‌ها به ماهیت مفهوم تربیت دینی بر می‌گردد و مدعی تلقین‌آمیز بودن آن هستند که پاسخ‌های مقتضی از جانب طرف‌داران تربیت دینی داده شده است.<sup>۳</sup>

### دو. پاسخ با تبیین دو گونه تلقین

در پاسخ به سؤال مذکور، چنین به نظر می‌رسد که اصل تحقیقی بودن عقاید از جمله مهدویت و همچنین لزوم توجه به تربیت عقلانی و پرهیز از تحمیل عقیده به‌ویژه نسبت به کودکان، اموری هستند پذیرفته شده و غیرقابل انکار. اما پاسخ‌دهی به پرسش مذکور، در گرو تبیین دو گونه تلقین نسبت به فرآیند آموزشی است.

بهره‌بری از تلقین در حیطه آموزشی }  
 الف) تلقین آسیب‌زا در فرآیند آموزش ← ممنوع است.  
 ب) تلقین باورساز پس از آموزش ← مجاز است.

۱. Anthony Flew and Paul Hirst.

۲. حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن‌علی، «تلقین؛ چالشی فراروی تربیت دینی»، فصل‌نامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۸۷-۸۸.

۳. ر.ک: باقری، خسرو، چستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست).

## الف) تلقین آسیب‌زا در فرآیند آموزش

اگر تلقین، به عنوان محور تربیت دینی و روشی جهت آموزش معارف مهدویت استفاده شود بدون بیان پشتوانه‌های فکری و استدلالی و عدم توجه شناختی نسبت به آن‌ها، آثار منفی جبران‌ناپذیر یا دیراصلاح یادشده در تبیین سوال مانند تعصب بیجا را به دنبال دارد. مثلاً اگر در فرآیند آموزش معارف مهدوی، نگرشی مصونیت‌آمیز نسبت به آن‌ها اتخاذ شود، به گونه‌ای که مربی مصمم باشد درباره‌ی حقانیت آن‌ها بدون ارایه‌ی شواهد و دلایل، تعهدی تزلزل‌ناپذیر در ذهن مترتبان فرونشاند، فعالیت وی جنبه‌ی تحمیلی به خود می‌گیرد. همچنین اگر مربی آموزه مورد نظر خود را به گونه‌ای عرضه کند که پیشاپیش برای همه‌ی پرسش‌های مخالفت‌آمیز، پاسخ‌های خاموش کننده و نه قانع کننده تدارک دیده باشد، یا از ارایه‌ی نظریات متفکران مختلف درباره‌ی مطلب اجتناب کرده، عمداً به القای یک عقیده‌ی خاص به منزله‌ی حقیقتی تردیدناپذیر (بدون اجازه‌دادن برای تفکر و پژوهش پیرامون آن) اکتفا کند، آن‌گاه تعلیم به تلقین آسیب‌زا تبدیل خواهد شد، زیرا حق انتخاب و قضاوت شاگردان پایمال می‌شود و آموزش، دربردارنده‌ی این پیام است که «بیندیش همان‌گونه که ما می‌اندیشیم و جرأت سؤال و تردید نداشته باش». نتیجه‌ی چنین تدریسی آن است که دانش‌آموزان پس از اتمام درس، آموزه‌ها و اعتقادات کسب‌شده را قابل بازنگری ندانسته و به بحث درباره‌ی ماهیت آن‌ها بی‌رغبت‌اند. هیچ استدلالی را در رد باورهای (غلط) خود معتبر ندانسته و هیچ دلیلی آن‌ها را مجاب نمی‌کند تا در آن‌ها تجدید نظر کنند.<sup>۱</sup>

## ب) تلقین باورساز پس از آموزش

چنانچه در معناشناسی بیان شد، می‌توان از تلقین به عنوان مرحله‌ای پس از آموزش در قالب تکرار نظام‌مند بهره برد. این کار به منظور اقناع و افزایش اعتماد مترتی به صحت آموزه و تثبیت اعتقادات، جلوگیری از فراموشی پشتوانه‌های استدلالی آن و بروز تزلزل در فکر و دل انجام می‌گیرد و چنین تلقین تثبیت‌افزا و اعتمادسازی تحمیل محسوب نمی‌شود. البته در ضمن تکرار ممکن است استدلال‌ها یا نکات جدید بیان شود ولی غرض در اینجا متوجه نفس تکرار باورساز است.

۱. اقتباس از حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن‌علی، «تلقین؛ چالشی فراروی تربیت دینی»، فصل‌نامه

اسلام و پژوهش‌های تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۹۰ و ۹۳.

در این پژوهش غرض از روش تلقین، نوع اخیر یعنی تلقین باورساز پس از آموزش است. مقصود از به کارگیری روش تلقین جهت باورسازی مهدوی در کودکان، زمینه سازی برای تثبیت و نهادینه سازی آموزه های مهدوی در آن ها و شکوفایی فطرت معنویت جوی آنان نسبت به حقانیت، مفیدبودن و کارآمدی آن آموزه ها در زندگی کودکان می باشد. در این صورت، افکار، امیال و رفتارهای کودک از درون به سمت معرفت، محبت، اطاعت و در نهایت، پذیرش ولایت حضرت مهدی (عج) جهت دهی می شود. این امر، مستلزم تعطیلی قوه ی تفکر، اختیار و قدرت انتخاب کودک و همچنین سلب اجباری آزادی در اندیشه، امیال درونی و رفتار او نمی باشد، چون در اجرای تلقین باید به سه شاخصه ی «تربیتی استقلال در انتخاب و تصمیم گیری»، «اندیشه ورزی یا تأمل عقلانی»، «استواری شخصیت یا قدرت اراده» توجه نمود.

نکات فوق را می توان در فضای تربیتی کودک نیز مطرح کرد لکن با قالبی متناسب با دوره ی کودکی، یعنی مرتب مهدویت در مرحله ی آموزش، استدلال های کودکانه و قابل فهم را برای کودکان بیان می کند و ضمن آن، اندیشه و عاطفه ی آنان را به سمت باورهای مهدوی سوق می دهد. سپس به تکرار تلقین آمیز آن می پردازد تا منجر به ایجاد باور شود به گونه ای که کودک حس کند خودش آن را فهمیده، قانع شده و آزادانه انتخاب نموده است. البته موفقیت در به کارگیری این روش برای کودکان، در صورتی است که تهیه محتوای تلقینی و همچنین شیوه ها و قالب های اجرای آن، با در نظر گرفتن نکات روان شناختی پیرامون تلقین پذیری این دوره ی سنی باشد که به برخی از آن ها اشاره خواهد شد.

#### نکته مهم

باید توجه داشته باشیم که امروزه کودکان در زمینه ی عقاید، اخلاق، سبک زندگی و آداب و رسوم، در معرض تلقین باورهایی مغایر با آموزه های وحیانی هستند. این امر توسط انیمیشن و فیلم های کودکانه شرکت های سینمایی غرب و همچنین از طریق تبلیغ و پخش انواع کالاهای خوراکی، پوشاک و اسباب بازی انجام می شود. چه متوجه باشیم و چه نباشیم قطار تلقین پذیری کودکان به سرعت در حال حرکت است. حال شایسته است که اشخاص و نهادهای تأثیرگذار در جامعه از این ظرفیت تلقین پذیری، جهت ترویج آموزه ها

و باورهای مهدوی استفاده‌ی بهینه نمایند و آن را فرصتی برای آشناساختن کودکان با معارف مهدوی و زمینه‌سازی جهت قبول استدلالی آن معارف در بزرگسالی تلقی کنند.

### گفتار چهارم: انواع تلقین

ذکر انواع تلقین موجب آشنایی بیشتر با ابعاد گسترده و مصادیق متعدد آن می‌شود. دسته‌بندی‌های متنوعی برای تلقین بیان شده مانند «شنیداری و دیداری و نوشتاری»، «فکری و کلامی»<sup>۱</sup> «اجازه و امر»، «مثبت و منفی»، «مستقیم و غیرمستقیم»<sup>۲</sup>، «خودتلقینی و دگرتلقینی» و «قولی و فعلی»<sup>۳</sup> که توضیح برخی از آنها به‌خاطر اهمیت و کارآمدی بیشتر در اجرای تلقین، ذکر می‌گردد.

(۱)	شنیداری، دیداری و نوشتاری	} دسته‌بندی‌های تلقین
(۲)	فکری و کلامی	
(۳)	اجازه و امر	
(۴)	خودتلقینی و دگرتلقینی*	
(۵)	قولی، فعلی و محیطی*	
(۶)	مثبت و منفی*	

#### یک. خودتلقینی و دگرتلقینی

خودتلقینی یا تلقین به نفس که مستقیماً توسط شخص نسبت به خودش صورت می‌گیرد، یعنی به‌زبان آوردن قول یا فعلی معین که به مقتضای آن، تغییری در ضمیر پدید آید.<sup>۴</sup> دگرتلقینی یعنی تلقین غیرمستقیم که از سوی دیگری انجام می‌شود. استفاده از هر کدام از دو نوع مذکور، وابسته به عواملی مانند وسعت و ضیق بودن ضمیر تلقین‌شونده است، پس هر یک در شرایط خاصی نتیجه مثبت می‌دهد.<sup>۵</sup>

۱. هاشمی، انسیه، نقش تلقین در تقویت اراده، ص ۱۱.

۲. لوکرون، لسلی، توهینوتیزم، ترجمه همایون‌فر، یدالله، ص ۷۸.

۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.

۴. همان.

۵. هاشمی، انسیه، نقش تلقین در تقویت اراده، ص ۱۳.



## دو. تلقین قولی و فعلی و محیطی

آنچه از استعمال کلمه‌ی تلقین پیرامون متعلق تکرار یا جنس ماده‌ی تلقینی متبادر است غالباً چیزی از سنخ لفظ در قالب گفتار یا نوشتار می‌باشد، یعنی مثلاً واژه یا گزاره‌ای چندین مرتبه گفته می‌شود تا باور متناسب با آن، در جان و روح تلقین‌شونده تثبیت گردد که به آن تلقین قولی گفته می‌شود. در قرآن کریم نیز از این نوع تلقین در قالب تکرار آموزه‌ای خاص استفاده شده که بارزترین نمونه‌ی آن، ۳۱ بار تکرار آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» در سوره‌ی «الرَّحْمَن» و ۱۰ مرتبه تکرار آیه «وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ» در سوره‌ی «المرسلات» است. پیرامون تلقین قولی در فضای خودتلقینی، روایتی وارد شده که در آن سفارش شده به گفتن «لا اله الا الله» در هنگامی که اندیشه‌های کفرآمیز در دل موج می‌زند.

«شخصی گوید: به امام صادق ع گفتم: گاهی تصورات کفر آمیزی در دلم خطور می‌کند. ایشان فرمودند: هر گاه چنین شد بگو لا اله الا الله. از آن پس هر گاه وسوسه‌ای در دلم ایجاد می‌شد می‌گفتم لا اله الا الله، و آن وسوسه‌ها برطرف می‌شد.»<sup>۱</sup>

افزون بر تکرار واژگان، می‌توان یک حالت روحی-روانی یا رفتار را نیز تلقین کرد، یعنی با انجام مستمر و پی‌درپی نوعی عمل یا نشان‌دادن روحیه‌ای خاص، باور مورد نظر در معرض تلقین قرار گیرد که تلقین فعلی نام گرفته است. تلقین فعلی در فضای خودتلقینی یعنی آشکار ساختن عملی به‌نحو تظاهر بر اعضا و جوارح، در حالی که آن فعل و آثار آن در درون ما ریشه ندوانده است تا سایه و طنین آن را به درون بیفکنیم.<sup>۲</sup>

به‌طور کلی، استمرار و عمل پیوسته آثار فراوانی دارد مانند یادگیری درست، سرعت عمل، یافتن مهارت، جلوگیری از فراموشی<sup>۳</sup> و همچنین ایجاد و تقویت رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار در کودک و نوجوان.<sup>۴</sup> به‌بیان دیگر، باعث تثبیت در افکار، حالات و اعمال

۱. «عن أبي عبد الله ع قال: قلت له إنه يقع في قلبي أمر عظيم فقال قل لا إله إلا الله قال جميل فكلما وقع في قلبي شيء قلت لا إله إلا الله فيذهب عني»؛ (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، باب الوسوسة و حدیث النفس، ص ۴۲۴). ترجمه از بهبودی، محمد باقر، گزیده کافی، جلد ۱، ص ۲۸۷-۲۸۸.

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۶۸-۶۹.

۳. شعبانی، حسن، مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)، ص ۲۳.

۴. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۲۷.

می‌شود. حتی ایمان انسان نیز نوعی تثبیت در سایه‌ی عمل است؛ همچنان که در این حدیث نیز بدان اشاره شده: «لَا يَثْبُتُ الْإِيْمَانُ إِلَّا بِالْعَمَلِ؛ ایمان جز با عمل تثبیت نمی‌شود»<sup>۱</sup>. افزایش تکرار عمل، زمینه‌ی تثبیت آن را بیشتر خواهد نمود.

در نظام تربیتی اسلام، شیوه‌ها و دستورات فراوانی دیده می‌شود که حاکی از تلفیق تلقین قولی و فعلی است و تأثیری مضاعف دارد. مانند نماز که نمازگزار در آن، سخنان معینی را بر زبان می‌راند و حرکات معینی را انجام می‌دهد که هر یک با حالات ویژه‌ای تناسب دارد و آن را در باطن می‌انگیزد.<sup>۲</sup> با توجه به وسعت معنایی تلقین، می‌توان مواردی از قبیل فضا سازی و شرایط محیطی مانند نحوه‌ی چینش، نوع و کیفیت رنگ و صدا را تلقین محیطی نامید. برای تلقین محیطی می‌توان از راه کارهای زیر استفاده کرد.

- ۱) نمایشگاه زیبایی‌های ظهور برای کودکان.
- ۲) نصب عکس‌های نمادینی که نشان‌گر رابطه محبت‌آمیز بین امام مهدی علیه السلام و کودک باشد.
- ۳) پخش صداها و نواهای مهدوی کودکانه در فضای بازی و کلاس.
- ۴) پخش فیلم یا نمایش کودکی که مشغول خودتلقینی مهدوی است.

### سه. تلقین مثبت و منفی

دو معنا برای مثبت یا منفی بودن تلقین بیان شده است. برخی، این دو نوع را در فضای بیان عبارات تلقینی مطرح کرده‌اند و معتقدند برای حفظ قدرت و آثار مثبت تلقین، باید از کلماتی نظیر «نه، نمی‌خواهم، نمی‌توانم و نخواهد شد» خودداری شود. مثلاً به جای جمله‌ی «امروز من سردرد نخواهم داشت» که تلقینی منفی است، از عبارت «امروز من خیلی تندرست، سالم و سر حال هستم» استفاده شود.<sup>۳</sup> برخی دیگر، تلقین مثبت را تلقینی می‌دانند که به خاطر مطلوب بودن ماده‌ی تلقینی، باید

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۳۸.

۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۷۰.

۳. لوکرون، لسلی، اتوهیپنوتیزم، ترجمه همایون فر، یدالله، ص ۸۱.

به کار گرفته شود و منفی، نباید صورت پذیرد.<sup>۱</sup> مثلاً در تلقین فعلی مثبت، مقصود آن است که صورت یک عمل مطلوب نشأت گرفته از یک باور صحیح را تظاهرگونه بر اعضا و جوارح خویش آشکار سازیم، در حالی که ریشه‌های باور و عقاید مربوط به آن هنوز در درون ما تثبیت نشده است؛ مانند تحلم به معنای تظاهر به حلم و نقش فردی حلیم بازی کردن که حضرت علی علیه السلام در حدیثی فرمودند:

«اگر حلیم و بردبار، نیستی پس خود را بردبار جلوه ده؛ چه اندک پیش آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزو آنان نشود»<sup>۲</sup>

همچنین تباهی یعنی تظاهر به گریه از خوف خدا در قنوت نماز وتر که در صورت عدم توانایی بر گریستن، مستحب شمرده شده است.<sup>۳</sup> در تلقین منفی فعلی نیز مقصود آن است که صورت فعلی نامطلوب را از خود دور کنیم در حالی که ممکن است آثار آن در درون ما ریشه دوانده باشد مانند تبختر در راه رفتن.

### گفتار پنجم: تلقین پذیری کودکان

کودکان، تأثیرپذیری افزون تری نسبت به دیگران داشته و بیشتر تحت تأثیر تلقین قرار می‌گیرند.<sup>۴</sup> برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این تأثیرپذیری اشاره دارد مانند سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند:

«حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش‌کنند بر سنگ است».<sup>۵</sup>

تأثیرپذیری در دوره کودکی، حتی در درمان برخی بیماری‌ها مؤثر است؛ چنانچه روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که سنین کودکی به‌خاطر تلقین‌پذیری و تأثیرپذیری

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۶۸.

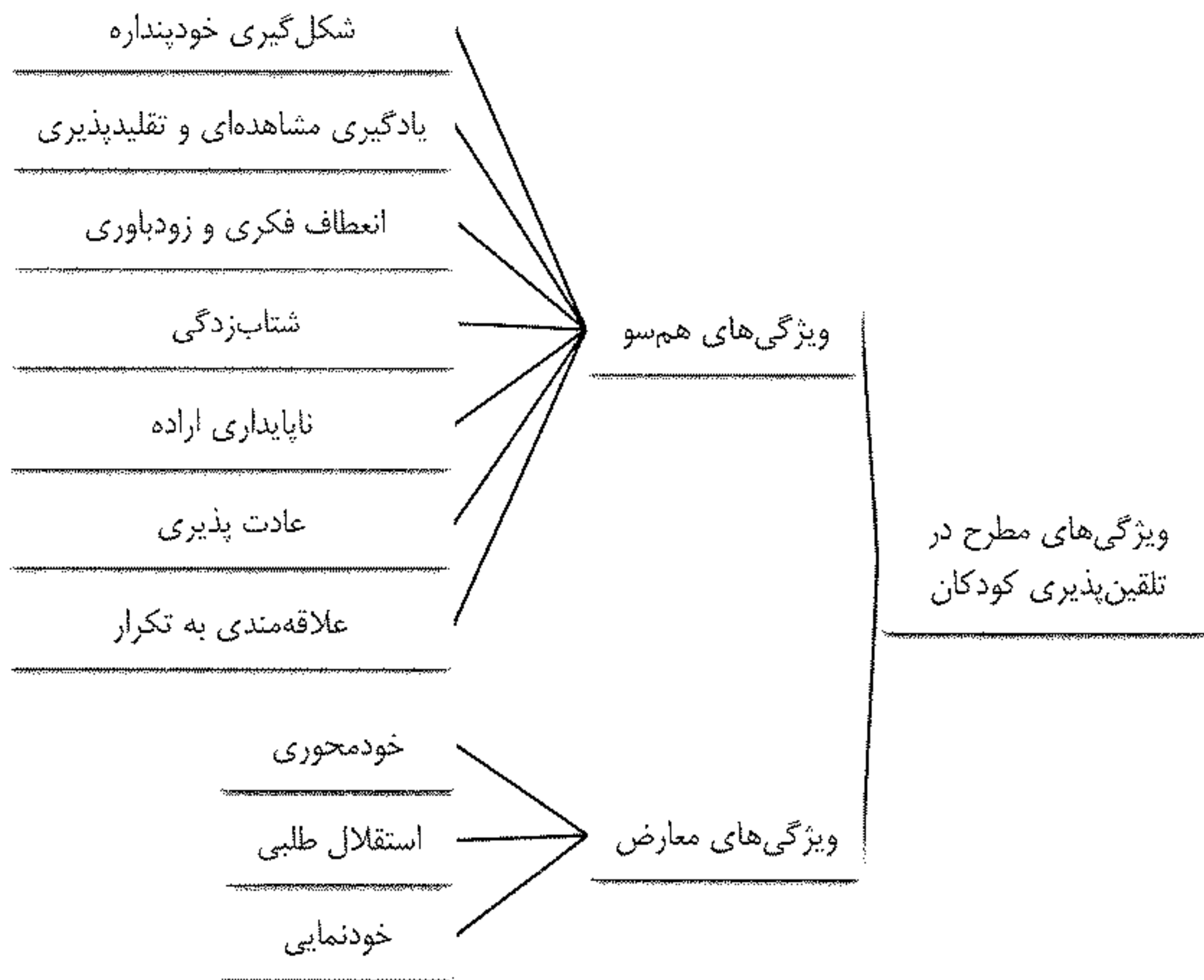
۲. «إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»؛ (نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۲۰۷، ص ۵۰۶).

۳. رکد طوسی، محمدبن حسن، مصباح‌المتهجد، ص ۱۵۲ و ۱۵۵.

۴. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی رشد، ص ۴۰۸.

۵. «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»؛ (متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵۰، ح ۲۹۳۳۶).

بالای آن، بهترین زمان جهت درمان برخی بیماری‌ها است.<sup>۱</sup> یکی از روش‌های تربیتی که ارتباط مستقیم با تأثیرپذیری مذکور دارد تلقین است. برنامه‌ریزی برای درست هدایت کردن باورهای دوره‌ی کودکی از طریق تلقین، بهترین راه برای تأثیرگذاری و جهت‌دهی سطح ناهشیار انسان می‌باشد.<sup>۲</sup> جهت بهره‌بری از آن برای ایجاد باورهای مهدوی در کودکان، نخست باید ویژگی‌های شخصیتی کودک و سیر تحول آن‌ها از نظر معرفتی، عاطفی و رفتاری شناخته شود. در این صورت می‌توان هماهنگ با این سیر طبیعی، در هر مرحله محتوای مهدوی مناسب با قالبی متناسب تلقین کرد و همچنین از نظر فهم و پذیرش، انتظاری مناسب با همان مرحله داشت. از میان ویژگی‌های مذکور، تعدادی که ارتباط بیشتری با بحث تلقین‌پذیری کودکان دارد انتخاب شده و در قالب دو گروه «ویژگی‌های هم‌سو» و «ویژگی‌های معارض» ارائه می‌گردد به همراه تبیین نحوه‌ی ارتباط آن‌ها با تلقین.



۱. سایت پزشکان بدون مرز؛ «[www.pezeshk.us](http://www.pezeshk.us)»

۲. برگرفته از کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، صص ۲۳۱-۲۴۰.

### یک. ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری

مقصود از ویژگی‌های هم‌سو، آن دسته از امور فطری و غریزی هستند که مسیر تلقین‌پذیری کودک را از نظر جسمی، فکری و یا عاطفی هموار می‌کنند. در واقع، این خصوصیات درونی، زمینه را جهت قبول و پذیرش پیام تلقینی مهیا و فراهم می‌نمایند.

#### ۱. شکل‌گیری خودپنداره

چنان‌چه بیان شد،<sup>۱</sup> دوره کودکی، آغاز شکل‌گیری خودپنداره انسان است و این خود، بستر مناسبی جهت تلقین آموزه مهدویت می‌باشد. زیرا تلقین، خودپنداره‌ی کودک را تحت تأثیر مستقیم خود قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> معلمان و والدین و به طور کلی، اشخاص و نهادهای تأثیرگذار با تلقین‌های تأثیرگذار خود تا حدودی سرنوشت کودکان را تعیین می‌نمایند. اگر آنها در ارتباط کلامی با کودکان از برجسب‌هایی مثبت مانند خوش‌اخلاقی و یار امام زمان بودن، و منفی مانند تنبلی و بی‌نظمی، استفاده کنند یا اینکه خود کودکان، عناوین فوق را از واکنش‌های دیگران دریافت و مرتب به خود تلقین کنند، خواسته یا ناخواسته مشغول شکل‌دهی و تثبیت خودپنداره‌های مثبت یا منفی هستند که آینده‌ی اخلاقی و رفتاری کودکان را پایه‌ریزی می‌کند.

اگر والدین و مربیان بخواهند از ویژگی فوق برای تلقین معارف مهدوی به کودکان بهره ببرند، لازم است کودک را در معرض برجسب‌های کلی ارزشی مرتبط با مهدویت قرار دهند تا خودپنداره‌های مهدوی در او ایجاد شود. در این زمینه، راه‌کارهای ذیل پیشنهاد می‌گردد.

(۱) استفاده از کلمات خطابی همچون مهدی‌شناس، مهدی‌باور، مهدی‌یاور، دوست صمیمی امام زمان، عاشق مهدی، سرباز واقعی امام، غنچه‌های امید، شکوفه‌های انتظار، گل‌های باغ مهدوی.

(۲) تهیه مدال‌های افتخار، حلقه‌های گل گردن‌آویز و کارت امتیاز با عناوین فوق و اهداء آن به کودک در عوض فعالیت‌های پسندیده مهدوی.

۱. ر.ک. فصل یکم، گفتار دوم، ویژگی (۹) از ویژگی‌های حیطه شناختی کودک، صص ۵۹-۶۰.

۲. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، صص ۹-۱۰.

۳) بیان قصه‌ای که شخصیت اصلی آن، متصف به عناوین فوق باشد. هر چه آن شخصیت به لحاظ سن و جنس و... شباهت با کودک داشته باشد، تلقین پذیری بیشتر است. زیرا در هنگام شنیدن قصه، قوه‌ی هم‌ذات پنداری و همانندسازی با شخصیت قصه فعال است و عناوین ارزشی آن را بر خود تطبیق می‌دهد.

۴) پخش فیلمی از یک کودک به دیگر همسالانش که در حال خواندن شعر، اجرای سرود و یا انجام کار پسندیده مهدوی است.

## ۲. یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدپذیری

یادگیری مشاهده‌ای باعث می‌شود تا کودک در هنگام تلقین فعلی، عمل مورد نظر را از طریق مشاهده به‌طور دقیق فراگیرد. تقلیدپذیری نیز سبب می‌شود تا او بدون دلیل یا با اندک دلیلی به صرف جذابیت کاری بدان علاقه‌مند شده و اقدام به انجام و تکرار آن نماید. این امر سبب تقویت باورهای او و کودکان دیگر نسبت به آن فعل می‌گردد. افزون بر آن، خودتلقینی و دگرتلقینی را فراگرفته و همچنین یاد می‌گیرد که آن دو را نسبت به خود و افراد کوچک‌تر و یا حتی اسباب‌بازی خویش اجرایی کند که این کار نیز باورهای یادشده را استحکام می‌بخشد. مثلاً فیلم کودک در حال درد و دل و صحبت با خود درباره امام زمان علیه السلام برای کودکان پخش شود یا نمایش کودکانه با همین مضمون.

## ۳. انعطاف فکری و زودباوری

این ویژگی باعث می‌شود کودک پیام تلقینی را به سرعت صحیح پنداشته و نسبت به آن باور و اعتماد پیدا کند. این انعطاف به ما کمک می‌کند تا با دفعات کمتری پیام تلقینی را تکرار کنیم و راحت و سریع به مقصود که همان باورسازی است برسیم. گرچه تلقین، مرحله‌ای فراتر از آموزش و انتقال مفاهیم است ولی به‌خاطر انعطاف مذکور، می‌توان با تلقین حتی بر ادراک کودک تأثیر گذاشت و پیام تلقینی را آن‌گونه که صحیح است و می‌خواهیم درک کند.

## ۴. شتاب‌زدگی

این خصوصیت سبب سرعت در تقلید و الگوبرداری می‌شود و روند تلقین‌پذیری را سریع‌تر و آسانتر می‌نماید.

### ۵. ناپایداری اراده

این ویژگی باعث می‌شود کودک به خاطر اصرار یا رغبتی که نسبت به تلقین کننده و پیام پیدا می‌کند، در برابر آن‌ها زود تسلیم شود و زمینه برای سرعت در تلقین پذیری و تقلیدپذیری فراهم گردد.

### ۶. عادت‌پذیری

با توجه به عادت‌پذیری کودکان و همچنین تلقین که یکی از مهم‌ترین مکانیزم‌های شکل‌گیری آن است،<sup>۱</sup> می‌توان با تکرار قولی و فعلی پیام تلقینی، زمینه عادت کودک به گفتن یا عمل کردن به محتوای تلقینی را فراهم نمود تا با سهولت از طریق باورسازی مهدوی، آن‌ها را نهادینه ساخت. افزون بر آن، عادت به پذیرش پیام‌های تلقینی و خودتلقینی‌های مثبت مهدوی و همچنین انس با آنها سبب تثبیت و ماندگاری باورهای مرتبط با آن پیام‌ها می‌شود.

### ۷. علاقه‌مندی به تکرار

یکی از ویژگی‌های طبیعی کودک که ظرفیت پذیرش تکرار گفتار یا عمل را افزایش می‌دهد، علاقه‌مندی به تکرار است. به همین خاطر است که اگر کتاب قصه‌ای را ده‌بار برای کودکمان بخوانیم، خسته نمی‌شود و باز می‌خواهد آن را برایش تکرار کنیم.<sup>۲</sup> این ویژگی، یکی از نشانه‌های تلقین‌پذیری کودک است، زیرا تکرار عنصر اصلی تلقین است. در روایات نیز، سفارشات فراوانی ناظر بر اهمیت تکرار آموزه دینی و مداومت در عمل به مقتضای آن بیان شده که حاکی از روحیه تلقین‌پذیری در انسان به‌ویژه در دوره کودکی است. مانند روایتی که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«وقتی کودک به سن سه‌سالگی رسید، باید (از او بخواهند) به او بگویند: هفت مرتبه بگو لا إله إلا الله سپس رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن‌گاه به او بگویند: هفت مرتبه بگو صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ سَپْس...»<sup>۳</sup>

۱. کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، ص ۲۴۹.

۲. همتی، مجید، چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، ص ۲۸.

۳. «إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَعَشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: قُلْ: سَبْعَ مَرَّاتٍ: «صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» ثُمَّ...»؛ (صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸).

### ۸. محبت‌خواهی و دلبستگی به محبوب

گرچه می‌توان برای کودکان بر حقانیت آموزه‌ها و باورهای مهدوی، استدلال‌هایی به زبان کودکان در قالب قصه و شعر و... بیان کرد تا اطمینان بیشتری نسبت به صحت آن و در ادامه رغبت بیشتری جهت تکرار پیدا کنند، ولی محبوبیت و مقبولیت تلقین‌کننده و پیام تلقینی نزد کودکان به مراتب بیشتر از استدلال و هر چیز دیگر، در ترغیب آنان به انجام و تکرار محتوای تلقینی اثرگذار است. کودکان، سخن و عمل تلقین‌کننده‌ای را سریع‌تر باور، تقلید و تکرار می‌کنند که بیشتر دوستش داشته باشند. بر این اساس، می‌توان با ایجاد انس کودک با تلقین‌کننده و پیام مهدوی، تلقین‌پذیری را همراه با رغبت بیشتر وی سرعت بخشید.

### دو. ویژگی‌های معارض با تلقین‌پذیری

مقصود از ویژگی‌های معارض، آن دسته از امور فطری و غریزی است که به لحاظ فکری، عاطفی و یا جسمی در تعارض با تلقین‌پذیری کودک باشد. یعنی در هنگام انجام فرایند تلقین، واکنش مقابله‌ای و معارض‌گونه از خود نشان می‌دهند و مانعی برای قبول و پذیرش پیام تلقینی محسوب می‌شوند، در نتیجه روند تلقین‌پذیری کند و حتی گاهی متوقف می‌گردد. ویژگی‌های معارض در کودک، نمایان‌گر اظهار خود و آزادی بیشتر در افکار، امیال و رفتار است مانند خودمحوری یا خودمیان‌بینی، علاقه به خودنمایی، مرکز انحصاری توجه و محبت‌بودن، اثبات خود و توانایی‌ها، استقلال‌طلبی و میل شدید به آزادی. در هنگام اجرای روش تلقین، اگر این خصوصیات، مزاحمت ایجاد کرد، شایسته است که شخص یا نهاد تلقین‌کننده افزون بر آشنایی با آنها، راه جهت‌دهی آنها به سوی فرایند تلقین‌پذیری کودک را به خوبی بداند. یعنی باید با ایجاد انگیزه در او، از همان ویژگی‌های معارض جهت اجرایی شدن تلقین آموزه‌های مهدوی استفاده شود تا کودک پیام تلقینی را با میل و رغبت درونی قبول نماید. در غیر این صورت، ممکن است در اثر کم‌اطلاعی و بدسلیقگی در اجرای تلقین، در کودک نوعی عناد و تنفر نسبت به معارف مهدویت به وجود آید. در این جا به سه معارض اشاره می‌گردد.

#### ۱. خودمحوری

خودمحوری چون مستلزم درک ناقص یا عدم فهم پیام تلقینی و فواید آن، وابستگی



شدید به نظر خود، و عدم قبول و پذیرش سخن و رفتار تکرارآمیز تلقین کننده است، معارض محسوب می شود.

### ۲. استقلال طلبی

مانعیت و معارض بودن استقلال طلبی به خاطر آن است که مستلزم عدم تبعیت محض کودک از تلقین کننده است.

### ۳. خود نمایی

علاقه به ابراز وجود و نمایش استعدادها و توانایی ها، به طور طبیعی در همه کودکان وجود دارد. این ویژگی زمانی که همراه با وجود رقیبی از گروه همسال باشد، شدت بیشتری پیدا می کند و در برخی موارد حتی تحمل پذیرش و تکرار محتوای تلقینی را از آن ها سلب می نماید.

### سه. کیفیت جهت دهی ویژگی معارض

برای بهره بردی از خودمحوری و استقلال طلبی کودکان و جهت دهی آن دو به سمت تلقین پذیری، شایسته است به نکاتی توجه شود که به برخی از آنها اشاره می گردد.

در تلقین قولی نباید لحن کلام و حالت بیان امرانه، تحکم آمیز، زورگویانه و تحمیلی باشد بلکه پیشنهادگونه با لحنی آرام و دوستانه متناسب با دوره ی کودکی صورت گیرد. البته معیار در تشخیص این موارد افزون بر فرهنگ ادبیات گفتگوی هر منطقه، فهم کودک است، یعنی اوست که باید احساس کند پیام تلقینی، تحمیلی نیست و آزادانه آن را انتخاب و پذیرفته است. همچنین تصور نکند که آزادی او سلب شده و نظرات، امیال و آرزوهایش مورد بی توجهی، بی مهری و بی احترامی قرار گرفته است. باید او را به خاطر انتخاب پیام تلقینی و باورمندی نسبت به آن مورد توجه ویژه قرار داد مانند تحسین و تشویق به ویژه در برابر دیگران. حتی می توان در این باره، جملات تلقینی مثبت به زبان بیاوریم. مثلاً بگوییم: «شما حالا دیگر بزرگ شده ای و خودت انتخاب کردی، خودت دوست داشتی امام مهدی علیه السلام را بشناسی و یاری کنی، چه انتخاب زیبایی و...» افزون بر آن، اجازه دهیم کارها را به تنهایی و مستقل از دیگران انجام دهد، البته با نظارت های پنهان و مخفیانه.

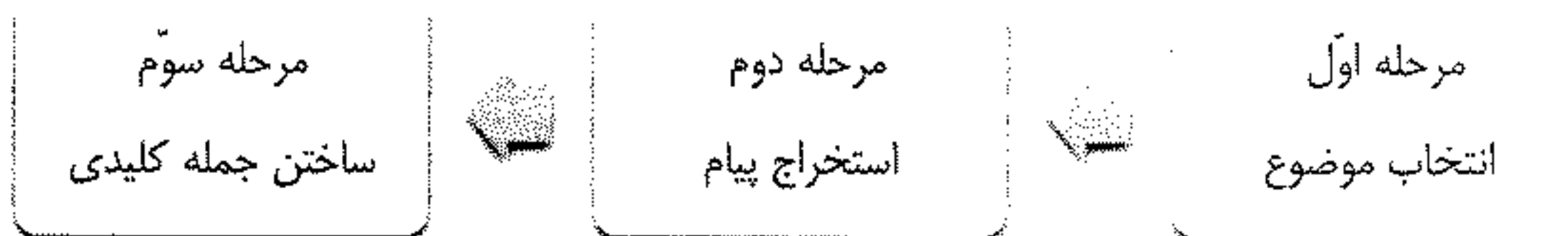
همچنین برای جهت‌دهی و بهره‌بری از خودنمایی کودک به سوی تلقین آموزه مهدوی می‌توان از این عبارات استفاده نمود.

«آیا دوست داری کار خوبی که دیروز انجام دادی را مادر یا دوست بداند؟ بالاتر از آن، آیا دوست داری در میهمانی امشب که همه آشنایان و بستگان دور هم جمع‌اند، به همه بگیم چه کار خوبی انجام داده‌ای؟ بالاتر از آن، آیا می‌خواهی فردا در جشن مدرسه‌تان که همه بچه‌ها حضور دارند، فیلمی را که از رفتار خوبت گرفتیم پخش کنیم؟ بالاتر از آن، آیا مایلی همان فیلم، امشب از تلویزیون برای همه مردم کشورمان پخش شود تا همه تو را بشناسند و خوبی‌هایت را به همه نشان بدهیم؟ اما من تصمیم گرفتم یک کاری بالاتر از همه این‌ها انجام بدهم یعنی کارهایی را به کسی نشان بدهم که از همه آن افراد، بالاتر و بهتر است. کسی است که خیلی من را دوست دارد، وقتی رفتارم را به ایشان نشان دهم خوشحال می‌شود، برایم دعا می‌کند و همیشه کمکم می‌کند. از گذشته و آینده‌ام و حتی از فکر و دلم هم خبر دارد. او کسی نیست جز امام مهدی علیه السلام»

### گفتار نهم: تنظیم محتوای تلقینی مهدوی

تهیه و تنظیم محتوای تلقینی مهدوی متناسب با دوره‌ی کودکی، پیش‌نیاز بسیار مهمی برای بهره‌مندی از عنصر تکرار در اجرای تلقین آموزه‌ی مهدویت به کودکان است. اکنون فرایند تنظیم آن در قالب سه مرحله ارائه می‌گردد.

(مراحل تنظیم محتوای تلقینی)



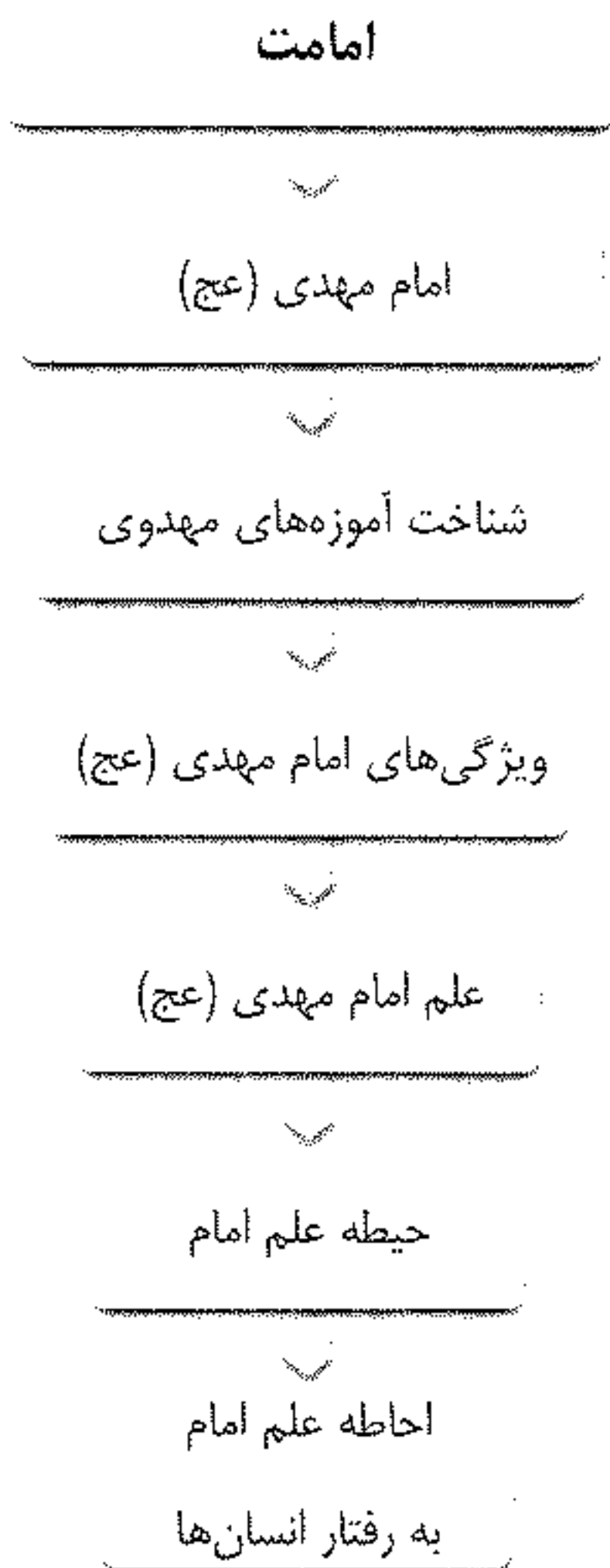
## مرحله اول: انتخاب موضوع

با در نظر گرفتن معیارهای یادشده برای گزینش موضوع و آموزه‌ی مهدویت برای کودکان، ابتدا به یک موضوع کلی از معارف مهدویت توجه و پس از توجه به ریزموضوعاتش، یکی از آنها گزینش می‌شود. هر چه موضوعات منتخب به لحاظ مفهومی ضیق‌تر باشند، افزون بر سهولت در دسته‌بندی و تمرکز بیشتر بر آن، برای کودک قابل فهم‌تر و انتقال و باورسازی آن نیز راحت‌تر خواهد بود. همچنین فرصت بیشتری برای بیان مصادیق و مثال‌های متعدد جهت تبیین موضوع و اثرگذاری تربیتی فراهم می‌گردد.

یکی از نکات مهمی که نسبت به انتخاب موضوع باید رعایت شود این است که مرتبی، موضوعاتی را که در طرح درس اولیه نوشته، شاید قابل ارائه برای دانش‌آموزان نیست و باید روی انتخاب واژه‌ی مناسب بیشتر دقت نموده و سلیقه به خرج دهید. نباید اصل مهم نوع‌گرایی را فراموش کنیم به این معنا که یا باید خود موضوع نو و تازه باشد برای مخاطب و یا این که موضوع قدیمی و تکراری را با عنوان نویی مطرح گردد. مثلاً به جای موضوع «نماز»، بگوییم: «سکوی پرواز». همچنین به جای «سربازان امام زمان» بگوییم: «یاران خورشید»

برای انتخاب ریزموضوع، به این نمونه توجه نمایید. در مبحث امامت عامه، موضوعات متعددی وجود دارد که یکی از آنها، امام‌شناسی است. این موضوع را نسبت به حضرت مهدی عج در نظر می‌گیریم، زیرا ما در عصر امامت ایشان هستیم و شناخت امام هر زمان بر مردم آن زمان واجب است و همچنین محور بحث در اینجا مهدویت می‌باشد. شناخت آموزه‌های مهدوی خود در بردارنده‌ی موضوعاتی همانند ضرورت شناخت، آثار و کارکردهای شناخت و ویژگی‌های امام است که از میان آنها، مورد اخیر انتخاب می‌شود. سپس از بین ویژگی‌ها، علم امام مورد توجه قرار می‌گیرد. علم امام نیز مباحث متعددی دارد از قبیل چگونگی، محدوده و متعلق علم امام که از بین آنها، ریزموضوعی همچون متعلق و حیطة‌ی علم امام انتخاب می‌گردد. متعلق علم یعنی علم امام به چه اموری تعلق می‌گیرد و به بیان ساده‌تر یعنی امام چه چیزهایی می‌داند. باز می‌توان موضوعی جزئی‌تر برگزید مانند علم امام به رفتار ما انسان‌ها.

(نمودار سیر از موضوع کلی به موضوع جزئی تر)



### مرحله دوم: استخراج پیام

در این مرحله با توجه به محوریت موضوع منتخب، باید پیام‌های مناسبی در قالب گزاره‌های خبری استخراج کرد و از بین آن‌ها، یک پیام انتخاب نمود. مثلاً از موضوع منتخبی که ذکر شد یعنی حیطة علم امام و اطلاع ایشان از رفتار ما انسان‌ها، پیامی همچون «علم حضرت مهدی علیه السلام نسبت به اعمال انسان‌ها احاطه دارد» استخراج می‌شود. این پیام، در واقع همان ماده درسی از معارف مهدویت است که مرتبی پیرامون محتوا و روش‌های انتقال آن به کودک، مطالعه و تحقیق می‌کند. اما هیچگاه در کلاس و فرایند آموزشی، آن را عیناً به زبان نمی‌آورد، بلکه با تفکر و دقت تلاش می‌کند تا با زمینه‌سازی مناسب برای طرح پیام، آن را در حد فهم کودک تنزل دهد.

### مرحله سوم: ساختن جمله کلیدی

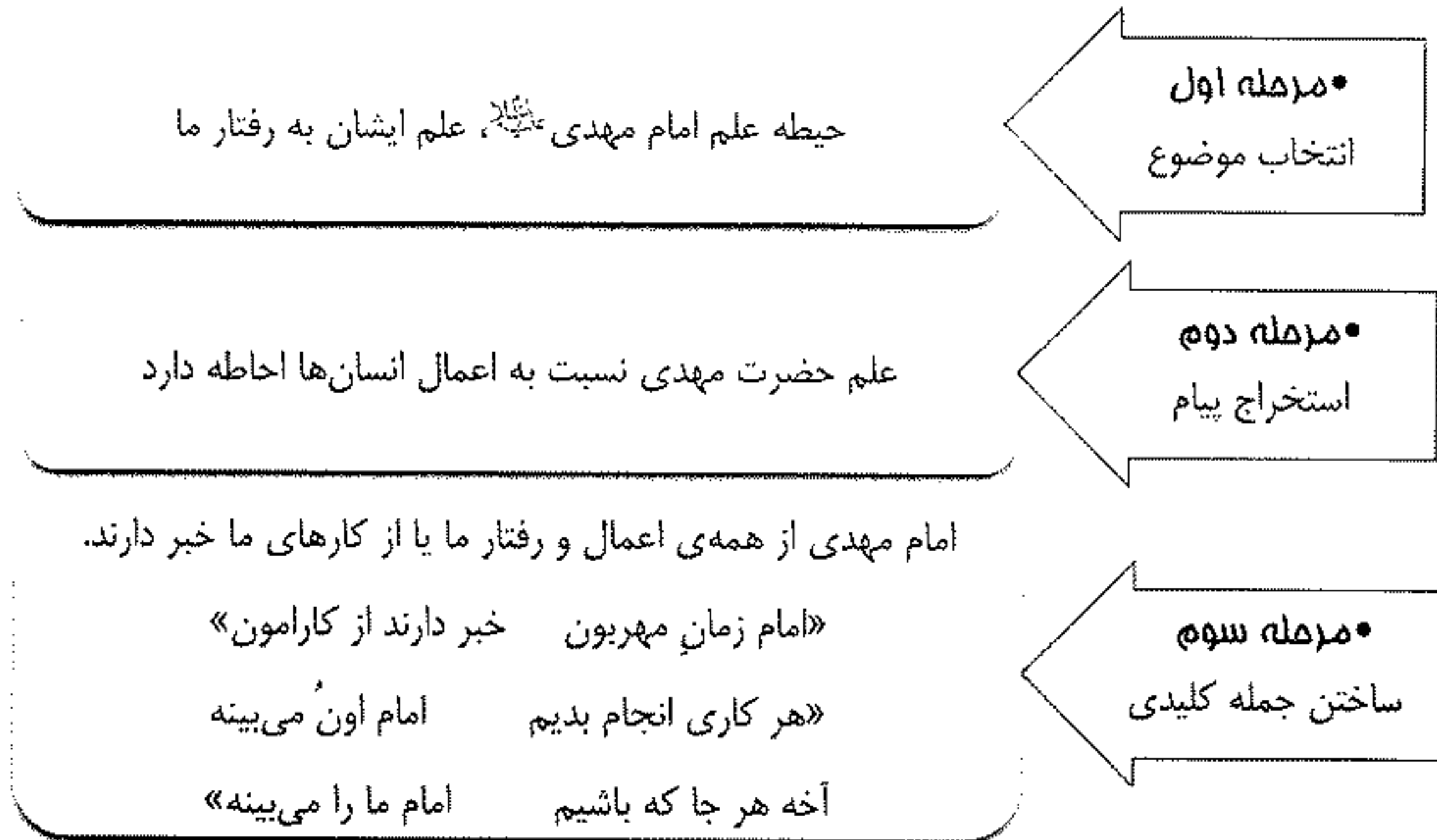
در هر جلسه کلاس، از میان جملات متعددی که بر زبان مرتبی جاری می‌شود، فقط یکی نقش محوری داشته و بیان‌گر پیام آن جلسه است که «جمله کلیدی» نام می‌نهمیم. این جمله، گزاره‌ای خبری است که در طول تدریس تمام زمینه‌سازی‌ها، توضیحات، استفاده از ابزار آموزشی و کمک‌آموزشی حول محور تبیین و تفهیم آن می‌چرخد و نقش مهمی در انتقال و تلقین پیام مهدوی با زبان کودکان دارد. زیرا در قالب‌های متعددی مانند بازی، شعر و قصه جهت انتقال پیام استفاده می‌شود و آن جمله توسط مرتبی و کودکان مرتب تکرار می‌گردد. جمله کلیدی در این بحث، نمای کودکان پیام است که در فرایند تنظیم طرح درس برای کودکان، با توجه به پیام اصلی درس ساخته می‌شود.

برای ساختن جمله کلیدی، باید پیام مهدوی را به صورت عبارتی کوتاه، ساده، روان، واضح، آهنگین و زیبا درآوریم به گونه‌ای که قابل فهم و متناسب با خزانه لغات کودک باشد. اگر آیه یا حدیثی با این ویژگی‌ها پیدا شد استفاده می‌گردد. همچنین می‌توان جمله کلیدی را در قالب متن ادبی، شعر، ضرب‌المثل حتی با خمیرمایه‌ای از طنز ارائه کرد. واژگان نامأنوس استفاده نمی‌شوند مگر به قصد آموزش واژه‌ای جدید که زمینه‌سازی جهت طرح آن به همراه توضیحات کوتاه لازم است. زودحفظ بودن جمله کلیدی باعث سهولت و سرعت حفظ و یادآوری آن می‌گردد تا هر موقع (بر حسب عادت یا تذکر اطرافیان در زمان و مکانی متناسب با پیام اصلی) آن جمله بر ذهن یا زبان کودک آمد، تمام مطالب آموزشی مرتبط با آن که در جلسه درسی یادگرفته، در ذهنش تداعی شود. حتی اتفاقات پیرامون آن مانند بازی که تداعی آن در ماندگاری مطالب تأثیرگذار است.

### نمونه کاربردی

به عنوان نمونه، پیام مهدوی مذکور در بخش قبل یعنی «علم حضرت مهدی علیه السلام نسبت به اعمال انسان‌ها احاطه دارد» را به گزاره «امام مهدی علیه السلام از همه‌ی اعمال و رفتار ما یا از کارهای ما خبر دارند» تبدیل کرده و سپس جمله‌های کلیدی شعری ساخته می‌شود که در جدول زیر تبیین می‌گردد.

(نمودار کاربردی مراحل تنظیم محتوای تلقینی)



برخی پژوهشگران عرصه تبلیغ دینی در بحث روش‌های ارائه مفاهیم دینی از «قالب شعاری؛ تکرار دسته‌جمعی» یاد کرده‌اند که شباهت فراوانی با جمله‌ی کلیدی دارد و آن چنین تعریف نموده‌اند:

«انتقال یک یا چند مفهوم دینی به مخاطب، در یک یا چند جمله به صورت شعار، تا در ذهن و جان مخاطب نهادینه شود»<sup>۱</sup>.

ایشان معتقدند تکرار شعار در لابه‌لای مطالب در جای مناسب به صورت پی‌درپی آثار و فوایدی به دنبال دارد که عبارتند:

- ۱) سرعت انتقال ذهن به محتوای پیام.
- ۲) دریافت دقیق پیام و تداعی محتوای کلاس در هنگام یادآوری شعار.
- ۳) ماندگاری پیام در ذهن، تثبیت و نهادینه شدن آن.
- ۴) تحریک عواطف و احساسات.
- ۵) جلب توجه مخاطب.
- ۶) تأکید بر مطالب و تفهیم اهمیت موضوع.

۱. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، ص ۱۸۴ با کمی تغییر اندک.

فوائد مذکور برای قالب شعاری، بیشتر به جهت موجز بودن، تأثیرگذاری عمیق و اعتمادسازی به خاطر خرد جمعی یعنی صحه گذاردن جمع بر پیام می باشد.<sup>۱</sup>

### گفتار هفتم: اصول تلقین

مقصود از اصول تلقین در این پژوهش، مجموعه قواعد کلی مبتنی بر مبانی و اصول آموزشی و تربیتی ویژه کودکان است که جهت بیان چگونگی تحقق باور به آموزه های مهدوی در آنان از طریق تکرار محتوای تلقینی مهدوی، به منزله معیار و راهنمای اجرای تلقین تنظیم می گردد.

جامعیت این بحث، زمانی است که پیرامون هر یک از ارکان تلقین یعنی تلقین کننده، تلقین شونده، محتوای تلقینی و نحوه اجرای تکرار، قواعد کاربردی ارائه شود. در اینجا به جهت محدودیت، به برخی از اصول تلقین که برگرفته از اصول تعلیم و تربیت اسلامی و همچنین نکات روان شناختی دوره کودکی است، اشاره می گردد.<sup>۲</sup>

- |   |              |
|---|--------------|
| ۱. خلوص نیت                                       | } اصول تلقین |
| ۲. التزام و اعتقاد عملی به پیام تلقینی            |              |
| ۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک                     |              |
| ۴. ثبات و پرهیز از تردید                          |              |
| ۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی |              |
| ۶. تمرکز بر پیام واحد                             |              |
| ۷. رعایت تناسب                                    |              |
| ۸. نظام مندی و استمرار تکرار                      |              |
| ۹. توجه به واکنش ها                               |              |
| ۱۰. بهره‌بری از تنوع                              |              |

۱. ثمره خواندن شعار در جمعی از افراد و تکرار آن‌ها، اتمام حجت و تثبیت مطلب است به دلیل صحه گذاردن جمع بر آن که به «خرد جمعی» تعبیر شده است. (همان، صص ۱۸۵-۱۸۶).

۲. البته لازم به یادآوری است که برخی از اصولی که برای تلقین در متن ذکر می گردد، اختصاص به روش تلقین ندارد بلکه ممکن است جهت اجرای روش های دیگر نیز به کار آید. غرض از نقل آن‌ها در این بحث، یادآوری امور تاثیرگذار در اجرای روش تلقین و تبیین آن‌ها در فضای تلقین است.

## ۱. خلوص نیت

اگر قصد تلقین کننده در هنگام تلقین، جلب رضایت الهی و باوراندن آموزه‌های مهدوی به کودک در جهت تربیت نسلی مهدی‌باور و مهدی‌باور باشد، تأثیر کلام و عملش بیشتر و ماندگارتر خواهد بود. بر این اساس، نباید هدف، پیشبرد اغراض و امیال شخصی باشد. مثلاً اگر کودک از والدین خود درخواست کرد که او را به جشن نیمه شعبان ببرند تا با حضرت مهدی عج صحبت کند و حاجت‌های خود را از ایشان بخواهد، شایسته نیست که والدین به خاطر تنبلی یا تماشای فیلم مورد علاقه‌ی خود، مرتب به فرزند خود القا کنند که «هر جا که باشی؛ حتی در خانه، امام مهدی عج صدای تو را می‌شنوند و می‌توانی با ایشان سخن بگویی»

گرچه این‌گونه جملات، صحیح است اما چون علت بیان آن‌ها در مثال فوق، تنبلی یا اشتغال به کار غیر ضروری بوده، آسیب‌هایی به دنبال دارد همچون عدم تأثیر کلام معنوی و احتمال بروز بی‌اعتمادی به والدین نسبت به دستورات دینی. زیرا بعدها که کودک، به علت بیان آن جملات پی‌ببرد ممکن است نوعی سوء ظن به اوامر والدین پیدا کند به این معنا که هنگام شنیدن هر توصیه به آموزه‌ی دینی از والدین، شک یا گمان می‌کند که بر علت و پشتوانه منفعت‌طلبانه شخصی تکیه دارد.

## ۲. اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی

اگر مرتبی و والدین نسبت به پیام مهدوی مورد تلقین، اعتقاد کامل داشته و در طول زندگی خویش، در انجام اعمال متناسب با آن استمرار داشته باشند، تأثیر بسزایی در تلقین‌پذیری کودکان خواهد داشت. زیرا کودکان با مشاهده تعهد اعتقادی و عملی آنان، انگیزه و انعطاف بیشتری برای پذیرش آموزه از خود نشان می‌دهند. این به خاطر آن است که کودکان زیر هفت‌سال از راهنمایی‌های عملی و فراگرفتن راه و روش‌های کاربردی بیشتر بهره‌مند می‌شوند تا راهنمایی‌های لفظی و غیر عملی.<sup>۱</sup>

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۸.



### ۳. محبوبیت و مقبولیت نزد کودک

تلقین کننده باید سعی کند از طریق ایمان و صفای نفس و همچنین به کارگیری اخلاق خوش، در حیطه عاطفی و دل کودک نفوذ نماید تا نزد او دوست‌داشتنی و مقبول باشد، زیرا محبوب و مقبول بودن در فرایند تأثیرگذاری تلقین نقش مهمی ایفا می‌کند که توضیحش گذشت.<sup>۱</sup>

### ۴. ثبات و پرهیز از تردید

این اصل در واقع، ظهور، بروز و نمای بیرونی و ظاهری اصل «اعتقاد و التزام عملی به پیام تلقینی» است با این توضیح که:

تلقین کننده در هنگام اجرای تلقین، باید با اطمینان کامل و بیانی محکم در هر مرتبه از تکرار، محتوای تلقینی را بر زبان جاری (تلقین قولی) یا عملیاتی (تلقین فعلی) نماید و از هر گونه تردید و دو دلی در بیان سخن یا انجام فعل تلقینی پرهیز کند. افزون بر آن، این ثبات، اعتقاد و اطمینان شخصی به محتوای تلقینی را باید به کودک تفهیم کرد. چون هر قدر هم که تلقین کننده با ثبات باشد، ولی کودک از وجود چنین اطمینانی بی‌خبر باشد، آسیب‌هایی همچون نفوذ تردید در او را به دنبال دارد.

اگر تلقین کننده، ثبات در قول و فعل نداشته باشد یا کودک اینچنین تصور کند، از شنیدن و استماع و حتی توجه به آن سر باز می‌زند و به بحث و جدل می‌پردازد به‌ویژه اگر سخن تلقینی مستلزم فعالیت عملی باشد و یا ماده‌ی تلقینی از نوع تلقین فعلی باشد. همچنین ممکن است دچار تردید و سردرگمی شود و نداند آیا باید به مقتضای محتوای تلقینی عمل نماید یا نه.<sup>۲</sup>

۱. ر.کد همین فصل، گفتار پنجم، ذیل ویژگی شماره (۸) از ویژگی‌های هم‌سو با تلقین‌پذیری، ص ۱۰۴.  
 ۲. عنوان و برخی عبارات توضیحی اصل ثبات و اصل توجیه شناختی و چشاندن لذت، الهام گرفته شده از: همتی، مجید، فرزندان قانون (روش‌های نظم‌آموزی به کودکان)، ص ۱۹.

### ۵. توجیه شناختی و چشاندن لذت همراهی محتوای تلقینی

باید کودک را نسبت به کارآمدی و مفیدبودن پیام تلقینی در زندگی کودکانی خویش توجیه شناختی<sup>۱</sup> نمود و همچنین اقداماتی انجام داد تا لذت همراهی پیام اعم از تکرار شنیدن، گفتن و یادآوری پیام و عمل به مقتضای آن به او چشاندن شود. اگر چه دادن اطلاعات به زبان کودکان و افزایش شناخت کودکان نسبت به آثار مثبت و خوشایند محتوای تلقینی باعث زیادتیر شدن میل و محبت آنان نسبت به پیام می‌شود، ولی افزون بر آن، باید زمینه‌های خوشایندی از فعالیت‌های آزاد کودکان را فراهم ساخت تا آن‌ها با هر بار تکرار، احساس خوب و لذت‌گرایانه نسبت به آن پیدا کنند و خودشان طعم خوش انس با ماده‌ی تلقینی و کارآمدی آن را در زندگی خویش بچشند. همچنین اگر پیام، مستلزم دستورها و اوامر اخلاقی باشد، کودک از آن پیروی کند. این اصل، جایگاه بسیار مهمی در تلقین آموزه مهدوی به کودکان زیر هفت‌سال دارد، زیرا در دوره «ناپیروی»<sup>۲</sup> به سر می‌برند که در آن دستورها و اوامر اخلاقی برای کودکان جایگاهی نداشته و او فقط از تمایلات و خوشی و لذت خویش پیروی می‌کند.<sup>۳</sup>

### ۶. تمرکز بر پیام واحد

در فرایند تلقین هر آموزه‌ی مهدوی، شایسته است که مرتبی و والدین، بر یک پیام اصلی و محوری تمرکز داشته باشند. بر این اساس، نباید در یک جلسه‌ی درسی یکباره به القاء، تفهیم و تکرار چند پیام با هم اقدام کرد. به دلیل اینکه از منظر اصول روان‌شناسی آموزشی، مدت‌زمان توجه کودک جهت استماع و یادگیری محدود است و همچنین او قادر نیست به همه‌ی داده‌ها هم‌زمان توجه نماید که بیانش گذشت.<sup>۴</sup>

۱. جهت تبیین «توجیه شناختی» ر.ک: بی‌ریا، ناصر و دیگران، روان‌شناسی رشد، صص ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵؛ قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، ص ۲۰۱؛ جان‌بزرگی، مسعود و دیگران، آموزش اخلاقی، رفتار اجتماعی و قانون به کودکان، ص ۲۵.

۲. Anomy.

۳. منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، ص ۱۷۸.

۴. ر.ک: فصل دوم، گفتار دوم، ذیل ویژگی شماره (۷) از ویژگی‌های حیطه شناختی کودک، ص ۵۷.

«(کودک) هنوز توانایی کافی برای توجه و نیز درک یک مجموعه‌ی افکار و اهداف که کل واحدی را به وجود می‌آورند، ندارد، لذا باید در هر درس (و جلسه‌ی آموزشی) یک هدف آموزشی منظور گردد و به سادگی به آن پرداخته شود و از گنجاندن چندین هدف با لحاظ روابط پیچیده بین آن‌ها پرهیز گردد»<sup>۱</sup>.

حال اگر کودک در معرض بارش پیام‌های متعدد قرار گیرد ممکن است از درک همه آن‌ها به طور کامل محروم بماند چون فرصت کافی برای تبیین تمام آن پیام‌ها نیست. افزون بر آن، ممکن است خود کودک، اقدام به ایجاد ارتباط بین پیام‌ها کند و به خاطر ناتوانی در تجزیه و تحلیل و رعایت روابط منطقی میان آن‌ها، تصورات و تحلیل غلطی در ذهنش نقش بندد. از جمله ثمرات عمل به اصل تمرکز، آن است که با وجود زمان کافی برای توضیح پیام، می‌توان آن را با شیوه‌های مختلف در قالب‌های گوناگون ارائه کرد و همچنین به مصادیق بیشتری از آن اشاره نمود که در نتیجه باعث تفهیم و تبیین بیشتر پیام تلقینی می‌گردد.

مثلاً در تبیین پیام «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه» از تمام اعمال ما خبر دارند»، مصادیق متعدد آن از جهت زمانی، مکانی، نوع عمل و... بیان می‌شود. برخی از آن‌ها در قالب جملات کودکانه عبارتند از:

- ۱) وقتی دارید نماز می‌خوانید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه شما را می‌بیند.
- ۲) آن روز که به حرف بابا گوش کردید و به مامان در جمع کردن سفره کمک کردید امام مهربانمان خیلی خوشحال شدند، چون ایشان کار خوب شما را دیدند.
- ۳) امام عزیزمان، صدای خوشگل قرآن خواندن شما بچه‌ها را می‌شنوند.
- ۴) امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه از آن لحظه‌ای که مشغول دعوا کردن بودید خبر دارند.

## ۷. رعایت تناسب

یکی دیگر از اصول تلقین، تناسب است که شئون مختلفی دارد مانند تناسب شیوه با قالب اجرایی، تناسب شیوه و قالب با محتوا، تناسب شیوه و قالب و محتوا با شرایط و موقعیت کودک، و همچنین با هدف. بحث پیرامون گونه‌های یادشده، بسیار گسترده است که در اینجا فقط به دو مورد اشاره می‌گردد.

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی محکمات با زبان شناسی رشد، ص ۴۴.

## الف) تناسب شیوه، قالب و محتوا با هدف

شیوه، قالب و همچنین محتوای تلقینی باید با هدف و انتظاری که از تأثیر می‌رود هماهنگ باشد. به عنوان مثال اگر هدف از تلقین، تهییج و تحریک کودک برای مقاوم‌سازی وی در برابر تنبلی یا عصبانیت باشد، بهتر است با استفاده از زبان بدن (حرکات دست، چشم و حالات ابرو و...) جملات محکم و با صلابت خاصی بیان و تکرار شود. حال اگر در موقعیتی دیگر، هدف، ایجاد روحیه‌ی پشیمانی و عذرخواهی باشد، باید از واژه‌ها و جملات عاطفی و احساسی استفاده کرد.

## ب) انتخاب موقعیت مناسب

در بیشتر مواقع می‌توان موقعیت مناسب برای تلقین را انتخاب کرد. با تحقیق پیرامون موقعیت‌های مختلف تلقین‌پذیری کودک می‌توان در مورد تلقین آموزه‌های مهدوی در بهترین شرایط و موقعیتی که میزان پذیرش پیام تلقینی توسط کودک در سطح بالایی قرار دارد به موفقیت دست یافت. بر این اساس، باید در زندگی کودک پژوهش نمود و بهترین زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های روحی- روانی مؤثر بر تلقین‌پذیری او را کشف و شناسایی کرد. در غیر این صورت، ممکن است آموزه‌هایی مقدس، مفید و تربیت‌ساز مانند مهدویت، با کج‌سلیقگی در بدترین زمان، مکان و حالت القا شود و آثار زیان‌باری همچون بی‌رغبتی و تنفر نسبت به آن آموزه‌ها به دنبال داشته باشد.

مثلاً هنگامی که کودک به طور ناگهانی در اثر سر و صدای زیاد از خواب بیدار شده و مدت زمان خواب او به اندازه‌ی کافی نبوده است یا در هنگام گرسنگی و خستگی شدید یا وقتی که مشغول تماشای فیلم یا بازی مورد علاقه‌ی خویش باشد، به هیچ‌وجه زمان مناسبی برای تلقین نیست.

اما هنگامی که کودک احتیاج شدید به محبت دیگران دارد و زمانی که دلبسته و عاشق فردی به‌ویژه تلقین‌کننده شده و همچنین در موقعیت‌های مورد علاقه کودک مانند جشن تولد، بهترین زمان‌ها برای تلقین هستند؛ چون در آن مواقع انعطاف‌پذیری بالایی دارد. مثلاً در شب نیمه‌ی شعبان، اتاق کودک یا بهترین جای خانه با تزئیناتی زیبا و کودکانه آراسته گردد به قصد اینکه یکی از جشن‌های معروف بین کودکان مانند جشن تولد،

پایان دوره مهدکودک و پیش دبستانی، جشن الفبا و نقاشی در آن برگزار شود. همچنین او را ترغیب کنیم تا از دوستانش برای شرکت در این جشن دعوت نماید. این چنین شرایطی بهترین زمان، مکان و موقعیتی است که کودک در اثر شادمانی زیاد و احساس رضایت از والدین، طبیعتاً حاضر به قبول و پذیرش هر تلقینی به ویژه آموزه مهدوی می باشد. گفتنی است که اگر ما با شرایط از پیش طراحی شده ای مواجه شدیم و تغییر و آماده سازی آن برای تلقین پذیری کودک امکان پذیر نبود و همچنان قصد تلقین آموزه ای را داشته باشیم، باید این کار متناسب با شرایط موجود وی تنظیم شود.

#### ۸. نظام مندی و استمرار تکرار

چنان چه بیان شد؛<sup>۱</sup> عنصر اصلی تأثیرگذار تلقین، تکرار نظام مند است که یکی از مهمترین عوامل شکل گیری آن، استمرار و تداوم تکرار با تعدادی حساب شده و مشخص در یک بازه زمانی معین می باشد. بر این اساس، لازم است جدولی طراحی گردد که در آن زمان بندی دقیقی برای دفعات تکرار در شبانه روز و روزهای متوالی وجود داشته باشد. پیرامون تنظیم استمرار و دفعات تکرار پیام تلقینی دو مطلب بیان می شود.

#### الف) عوامل مؤثر بر تنظیم تعداد تکرار

تنظیم دفعات تکرار آموزه وابسته به اموری است از قبیل اهمیت آموزه، میزان آسانی یا پیچیدگی آموزه، اهتمام و حوصله تلقین کننده و تعداد کارهای متناسب با آن آموزه در زندگی روزمره ای کودک و همچنین تفاوت های فردی بین کودکان مانند اختلاف سلیقه در پذیرش، میزان حوصله و آستانه تحمل و عکس العمل های کودک نیز در تعیین آن تعداد نقش دارند. علاوه بر موارد مذکور، باید در انتخاب تعداد تکرار، رعایت اعتدال شود و از افراط و تفریط پرهیز شود، زیرا از یک سو، افراط موجب تحمیل و اجبار بر پذیرش پیام، ملالت و خستگی، بی میلی و بی رغبتی و حتی در مواردی تنفر کودک نسبت به آن پیام می شود و از سوی دیگر، تفریط باعث کاستی و نقصان در تکرار و در نتیجه سبب فراموشی آموزه می گردد.

بر اساس عوامل مذکور، تعداد تکرار همیشه برای همه کودکان به طور ثابت و یکسان

۱. ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، ذیل عنوان «تعریف پیشنهادی و نکات آن»، ص ۹۰.

نبوده و ممکن است نسبت به شخصیت‌های مختلف، متغیر باشد. همچنین ممکن است در طول دوره تلقین یک کودک، آن تعداد به خاطر بروز عواملی باید تغییر کند و یکی از راه‌های فهم آن، توجه به عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های کودک در برابر تکرار پیام تلقینی است که در اصل «توجه به واکنش‌ها» توضیح داده خواهد شد.

#### ب) تنظیم تکرار در شبانه‌روز و روزهای متوالی

در یک شبانه‌روز، باید سخن یا فعل تلقینی را با دفعاتی معین تکرار کرد تا اثری که از تلقین انتظار می‌رود حاصل شود. مثلاً برای تلقین آموزه‌ی «امام مهدی» همیشه به یاد ما هستند» ده مرتبه با شیوه‌ها و قالب‌های متنوع در یک شبانه‌روز در نظر می‌گیریم. بنابراین، این گونه نباشد که یک آموزه در یک روز دو دفعه و در روز دیگر شش مرتبه تکرار گردد چون بی‌نظمی و ناهماهنگی روزها از نظر دفعات تکرار، روند بهره‌بری کامل از روش تلقین را مختل می‌سازد.

تکرار آموزه‌ی مهدوی، هنگامی به مقصد نهایی یعنی تلقین و باورسازی نسبت به آن می‌رسد که افزون بر تکرار در شبانه‌روز، استمرار در روزهای متوالی هم داشته باشد. بر این اساس، اگر نسبت به تکرار محتوای تلقینی مهدوی در روزهای متوالی بی‌نظمی شود، پیام مهدوی مدنظر در جان و روح کودک، درونی و تثبیت نمی‌شود. مثلاً آموزه‌ای در یک روز چندین بار در فرایند آموزشی قرار گرفته و تکرار شود، ولی در روزهای دیگر، تعداد دفعات بسیار کم و یا حتی به فراموشی سپرده شود و هیچگاه بازپدیدآوری ذهنی نگردد. بنابراین شایسته است که مثلاً برای فرایند تلقین آموزه‌ای مهدوی مثل «امام مهدی» از همه‌ی کارهای ما خبر دارند» بازه‌ی زمانی خاصی مانند پنج روز در نظر گرفت و در پایان هر روز، میزان تأثیرگذاری آن بررسی گردد.

#### ۹. توجه به واکنش‌ها

کودکان افزون بر ویژگی‌های عمومی دوره‌ی کودکی،<sup>۱</sup> هر کدام شخصیتی متمایز از دیگری دارند. بر این اساس، تفاوت شخصیت کودکان نسبت به ویژگی‌های معارض با تلقین مانند خودمحوری و استقلال‌طلبی، موجب تفاوت کودکان در میزان انعطاف‌پذیری و

تلقین‌پذیری می‌شود. مثلاً برخی کودکان، مانند چوبی خشک انعطاف‌ناپذیرند چون به‌گونه‌ای ثابت و در قالب فکری و رفتاری معینی تربیت شده‌اند و نمی‌توانند تلقین یک آموزه را به راحتی بپذیرند.

با در نظر گرفتن اصل تفاوت‌های فردی و همچنین دگرگونی‌هایی که ممکن است در شخصیت کودک رخ دهد، لازم است پس از هر بار تکرار آموزه و همچنین در انتهای هر روز، به واکنش‌ها و بازخوردهای کودک نسبت به محتوای تلقینی توجهی ویژه نمود، زیرا از عکس‌العمل‌های وی میزان تأثیر تکرار آن محتوا و همچنین موانع آن شناخته می‌شود. نتیجه‌ی چنین بررسی این است که امکان دارد با توجه به میزان تأثیر و موانع آن در هر کودک، به قصد تأثیرگذاری بیشتر، تصمیم به تغییر زمان، مکان و روش‌های تلقین شود و یا حتی تعدادی که در ابتدای فرآیند تلقین برای تکرار معین شده تغییر کند؛ زیرا به کارگیری روش تلقین، باید هم‌سو و هماهنگ با حالات روحی-روانی کودک و با در نظر گرفتن واکنش‌های او باشد.

#### ۱۰. بهره‌بری از تنوع

برای تلقین باورهای مهدوی به مخاطب خصوصاً کودکان، باید از تنوع و گوناگونی نسبت به انواع تلقین، پیام، محتوا، روش، شیوه و قالب بهره برد. به دلیل اینکه: از یک‌سو، کودکان به‌طور طبیعی تنوع‌طلب‌اند و با افزایش سن، این ویژگی وسعت بیشتری پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، نفس تکرار یک آموزه با رویه‌ای (شیوه، قالبی و...) یکنواخت و ثابت، ملالت‌آور و خسته‌کننده است به‌ویژه برای کودکان که متمرکز نمودن فعالیت‌های ذهنی آنان برای مدت طولانی دشوار است.<sup>۱</sup> این مشقت، در بحث تلقین نمایان‌تر است، زیرا محتوای واحدی تکرار می‌گردد.

۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان‌شناسی رشد، ص ۴۴.

از سوی سوّم، چنانچه گذشت،<sup>۱</sup> با توجه به تفاوت‌های فردی بین کودکان، آن‌ها در مواجهه با تلقین یکسان نیستند و در مواردی از قبیل سلیقه در پذیرش شیوه و قالب و همچنین میزان آستانه‌ی تحمّل که نشأت گرفته از اختلاف گرایش‌ها، استعدادها و ظرفیت‌ها است با هم تفاوت دارند.

از سوی چهارم، حالات روحی-روانی کودک در طول زندگی‌اش نسبت به تلقین‌پذیری و همچنین از نظر میل و گرایش به انواع شیوه‌ها و قالب‌ها همیشه ثابت نیست.

بنابراین، استفاده‌ی از یک شیوه، قالب و... خاص برای همه‌ی کودکان و همچنین در تمام دوره تلقین یک کودک امری اشتباه و آسیب‌زا است. باید در هنگام تکرار تلقین‌آمیز محتوای مهدوی، از شیوه‌ها و قالب‌های متنوع به‌ویژه آن‌هایی که در خود قابلیت تکرار بیشتر دارند استفاده نمود. این تنوع، ناظر به گوناگونی نحوه‌ی تکرار است. به عبارت دیگر، اگر بنا باشد آموزه‌ای چندین بار تکرار گردد، لازم است در هر مرتبه، شیوه و قالبی خاص به کار گرفته شود تا کودک از آسیب‌هایی همچون ملالت، بی‌رغبته و حتی تنفر نسبت به محتوای تلقینی و تلقین‌کننده مصون بماند. در صورت یکنواختی، هر چه دفعات تکرار افزایش یابد، زمینه‌های آسیب‌های یادشده شعله‌ورتر می‌شود.

گوناگونی و تنوع را می‌توان با کنار هم قرار دادن و توجه به مجموع انواع شیوه‌های اجرا و قالب‌های اجرایی تلقین به‌دست آورد. مثلاً برای تلقین آموزه‌ای، یکبار از خودتلقینی و مرتبه دیگر از دگرتلقینی استفاده می‌شود. در هر دو نوع مذکور، همان آموزه یک بار با تلقین قوی و مرتبه‌ای دیگر با تلقین فعلی القا می‌گردد. همچنین موارد مذکور را می‌توان در شیوه‌ها و قالب‌های مختلف ارائه کرد که این بحث، خود پژوهشی مستقل می‌طلبد و این نوشتار، نگاهی گذرا به برخی گونه‌ها دارد.

۱. ر.ک: همین فصل و گفتار، اصل «توجه به واکنش‌ها»، ص ۱۱۸-۱۱۹.



## گفتار نهم: شیوه‌های کلی اجرای تلقین

با توجه به ویژگی‌های شخصیتی دوره کودکی، شیوه‌های فراوانی برای اجرای تلقین پیام مهدوی می‌توان یافت که دوازده نمونه از آن عبارتند از:

- ۱) الگومایی و ترغیب برای تقلید.
- ۲) نشان دادن آثار، زیبایی‌ها و جذابیت‌های مهدی‌دوستی در زندگی کودک.
- ۳) آموزش خود تلقینی.
- ۴) درخواست راهنمایی و مشاوره از کودک.
- ۵) زمینه‌سازی ارتباط و معاشرت با خانواده و گروه همسال مهدوی.
- ۶) بهره‌بری از عادت پذیری.
- ۷) استفاده از حس کنجکاوی.
- ۸) جهت‌دهی حس زیبایی خواهی و زیبایی دوستی.
- ۹) استفاده از گرایش کودک به گفتگو.
- ۱۰) پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک.\*
- ۱۱) در معرض داوری قرار دادن کودک.\*
- ۱۲) بهره‌بری از روش خود اِفشایی محبتی.\*

در این جا به جهت اختصار، سه مورد اخیر به همراه نمونه کاربری تبیین می‌گردد.

### یک. پیوند دادن پیام تلقینی با واقعیات زندگی کودک

یکی از شیوه‌های کلی تلقین آموزه‌های مهدوی به کودکان، عینیت‌بخشی آن آموزه‌ها است. این شیوه، به معنای ملموس کردن مفاهیم مهدوی به‌ویژه آن‌ها که انتزاعی و ناآشنا هستند و همچنین ربط دادن آن‌ها با واقعیات آشنا و روزمره‌ی زندگی کودک است. نمونه‌های بسیار زیبایی از این روش، جهت انتقال مفاهیم دینی در قرآن و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام وجود دارد.<sup>۱</sup> ایجاد ارتباط بین آموزه مهدوی و یکی از واقعیات زندگی کودک به‌ویژه حوادثی که به‌طور طبیعی، زیاد در حیات او اتفاق می‌افتد، باعث تلقین آن آموزه

۱. اقتباس از اسماعیلی مبارکه، محمد، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، صص ۱۳۸-۱۴۲.

می‌گردد، زیرا هر دفعه که آن واقعه رخ دهد ناخودآگاه کودک به یاد آموزه‌ی مذکور می‌افتد و با تکرار واقعه، یادآوری نیز تکرار می‌گردد که این شیوه، نوعی تلقین فعلی است. در واقع، این گره‌زدن پیام با بخشی از زندگی کودک به منزله روشن کردن موتور تکرار و رها ساختن آن در زندگی طبیعی وی است.

مثلاً مهر و محبت امام زمان علیه السلام نسبت به مردم به ویژه کودکان، موضوعی است که برای کودک ملموس و مشهود نمی‌باشد. جهت تبیین چنین موضوع غیر محسوس، می‌توان از طریق برقراری پیوند بین آن و مهربانی والدین نسبت به کودک که واقعیتی پرتکرار در زندگی اوست استفاده کرد. بدین صورت که با زبان کودکان در قالب‌هایی همچون قصه، تمثیل و بیان مصادیق متعدد، توجه کودک را نسبت به مهربانی‌ها و محبت‌های پدر و مادر جلب نموده و سپس با در نظر گرفتن شئون امامت، آن‌ها را در ابعاد وسیع‌تر<sup>۱</sup> به حضرت مهدی علیه السلام نسبت دهیم. همچنان که در برخی روایات برای تبیین محبت امام علیه السلام از تشبیه آن به دلسوزی و مهربانی پدر، مادر و برادر استفاده شده است.<sup>۲</sup> این شیوه باعث می‌شود پس از تفهیم محبت امام زمان علیه السلام به کودک، با هر بار اظهار مهربانی والدین، محبت امام زمان علیه السلام در ذهنش تداعی گردد.

## دو. در معرض داوری قرار دادن کودک

از دیگر شیوه‌های تلقین پیام مهدوی، این است که برای داوری کودک، فرصت‌ها و موقعیت‌های مناسبی ایجاد کنیم. این شیوه در تحریک وجدان، اقناع و تشویق کودکان به اظهار عکس‌العمل بسیار مفید است. فراهم‌سازی موقعیت برای داوری، در واقع، در مسند قضاوت قرار دادن کودک است تا خود حکم کند حق با کدام طرف بوده و کار صحیح کدام است. وقتی حاکم، خود کودک باشد و با تفکر و اندیشه‌ی خویش، جانب حق را بیابد، با

۱. غرض از «ابعاد وسیع‌تر»، آن است که؛ محبت والدین نسبت به فرزند، قابل مقایسه با محبت گسترده امام معصوم علیه السلام نسبت به مردم نیست. از آنجا که نمی‌توان چنین مطلبی را به کودک تفهیم کرد، از عباراتی حاکی از افضلیت محبت امام علیه السلام استفاده می‌شود که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است مانند سخنی از امام رضا علیه السلام که فرمودند: «لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمُ النَّاسِ... أَسْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ...» (طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۷).

۲. مانند روایت امام رضا علیه السلام: «...الإمام الأمين الرفيق و الوالد الشفيق و الأخ الشفيق...» (همان، ص ۴۳۴).

تمایل بیشتری آن را قبول می‌نماید و همچنین اوامر و انجام اعمال متناسب با آن را می‌پذیرد.<sup>۱</sup>

مثلاً پنج عکس یا نقاشی با موضوع «کارهایی که امام زمان (عج) دوست دارند» تهیه شود؛ سپس پنج عکس یا نقاشی دیگر با موضوعاتی نقطه مقابل عکس‌های قبلی آماده گردد، یعنی همان موضوعات، ولی کارهایی باشد که امام مهدی (عج) دوست ندارند. سپس از کودک بخواهیم که هر عکس را با خودش مقایسه نماید و خود به تنهایی در مورد خوب یا بد بودن آن قضاوت کند و مطابق با روحیات و ظرفیت شناختی دوره کودکی، از او دلیل بخواهیم و در ادامه، فکرش را جهت‌دهی کنیم. تکرار این کار، باعث تلقین آموزه مرتبط با عکس‌ها می‌گردد.

### سه. روش خود افشایی

خودافشایی یعنی ابراز امور درونی خود از قبیل افکار، احساسات و عواطف درونی و همچنین اراده و تصمیم‌گیری نسبت به یک موضوع. البته به خاطر عاطفی بودن کودکان و غلبه احساسات بر آن‌ها، خودافشایی بیشتر در زمینه‌ی ابراز حالات حیثه عاطفی دوره کودکی بحث می‌شود.

### الف) اهمیت به کارگیری

امروزه آگاهانه یا ناآگاهانه، والدین و همچنین مربیان کودک از روش مذکور استفاده می‌کنند. مثلاً پدر خانواده نسبت به دیدن برنامه اخبار از تلویزیون، حساسیت خاصی نشان می‌دهد. این نوع حساسیت‌ها به گونه‌ای است که اگر از فرزندی بپرسیم که پدر شما چه چیزهایی را در این دنیا بیشتر از بقیه امور دوست دارد؟ خواهد گفت: دیدن و شنیدن برنامه اخبار، موبایل، دسته چک، کلید ماشین و... همچنین برای امور محبوب مادر می‌گوید: تمیزی خاص خانه، فیلم‌ها و سریال‌های عاطفی، آرایش و زیبایی لباس و... .  
علت پی بردن کودکان به امور محبوب بزرگ‌ترها، غالباً خودافشایی‌های محبتی است که نسبت به اشیاء، امور و اتفاقات اطراف خود داشته‌اند. بر این اساس، روش خودافشایی روش نوظهور و جدیدی نیست بلکه کودکان مرتب در معرض ابراز عواطف، امیال درونی و احساسات اطرافیان خود هستند.

۱. اسماعیلی مبارکه، محمد، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، ص ۱۷۹.

نکته‌ی جالب توجه این که تشبیت و ماندگاری آموزه‌هایی که از این طریق به کودک منتقل می‌شود، بسیار پر رنگ‌تر و عمیق‌تر از روش‌های دیگر است. زیرا کودکان زیر هفت سال، عاطفی‌تر هستند و در نتیجه، ابراز حالات عاطفی با جملات و حرکات خاص بیشترین تأثیر را در آن‌ها دارد.

جای بسی تأسف است که اگر از برخی کودکان رشد یافته در خانواده‌های مذهبی پرسیده شود: پدر و مادر شما چه چیزهایی را بیشتر از همه در دنیا دوست دارند و برایشان مهم است؟ کمتر به موضوعاتی همچون دوست داشتن همسر و والدین خود، نماز، ظهور امام زمان عجله و باوری ایشان اشاره می‌کنند. زیرا گرچه در خانواده‌های مذهبی، اطرافیان کودک، معتقد به امور فوق هستند ولی هیچ‌گاه احساس درونی خود را ابراز نمی‌کنند. افزون بر آن، اگر فردی از خانواده جملاتی عاطفی حاکی از حالات درونی خود نسبت به امور فوق را بر زبان جاری نماید، ممکن است او را به خودنمایی، ریاکاری یا لوس‌شدن متهم کنند. در حالی که گاهی آنچه را که کودک درک و احساس می‌کند، صادقانه می‌گوید و حالات متناسب با آن را از خود نشان می‌دهد بدون قصد صفات ناپسند مذکور. دیگر اینکه دریافت‌های وی غالباً از آن مقدار از کلام و رفتاری است که مشاهده می‌نماید و حتی از خود، تحلیل‌هایی بر آن می‌افزاید. بر این اساس، او نیازمند دانستن و مشاهده‌ی جلوه‌های بیرونی حالات درونی مثبت اطرافیان است تا در علاقه‌مندی و تحریک اراده و تصمیم‌گیری وی نسبت به کارهای خوب، تأثیر ماندگار داشته باشد.

متأسفانه غالباً کودکان، دعواها و مشاجرات والدین را می‌بینند ولی خودافشایی یا همان ابراز احساسات آن‌ها نسبت به یکدیگر را مشاهده نمی‌کنند. در حالی که با رعایت حیا و عفت، می‌توان به کودک نشان داد که چقدر والدین همدیگر را دوست دارند تا برای زندگی خود به صورت آگاهانه و حتی ناخودآگاه الگوبرداری نماید.

لازم به ذکر است که محبت به همسر دو گونه است:

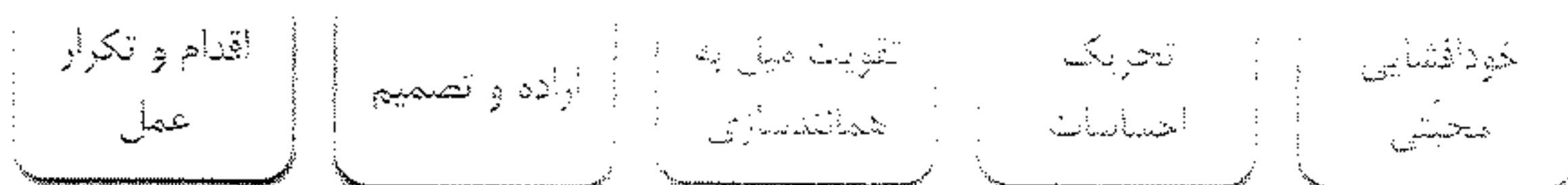
یکی محبت همسرانه‌ی خاص که خطاً قرمز آنها در برابر فرزندان و دیگران محسوب می‌شود. دیگری محبت برادرانه و دوستانه که شامل اموری همچون صحبت‌های عاطفی، دست دادن و بوسیدن می‌شود به شرط آن که جلوه‌های جنسی و شهوتی، همراه آن‌ها آشکار نگردد.

مقصود از خودافشایی محبتی و ابراز عشق ورزی نسبت به همسر در اینجا، همین نوع اخیر است یعنی محبت دوستانه نه همسرانه‌ی خاص. مثلاً وقتی پدر وارد خانواده می‌شود به همه اعضای خانواده نگاه محبت‌آمیز داشته و با مهربانی سلام کند و در حین احوال‌پرسی، با همه دست دهد و حتی پیشانی آن‌ها را ببوسد. در این حد، هیچ آسیبی به تربیت جنسی کودکان وارد نمی‌شود.

اگر والدین دوست دارند فرزندی داشته باشند که در خانه، مدرسه و مهمانی نسبت به بزرگترها و گروه همسال و حتی در آینده‌ی نزدیک، بعد از تشکیل خانواده نسبت به زیردستان خود مهربانانه رفتار کنند، موظفند در برابر دیدگان آن‌ها، محبت خود را نسبت به همسر و دیگر اعضای خانواده آشکارا ابراز نمایند. به دیگر سخن، این عشق قلبی درونی را در کلام و رفتار خود نشان دهند و در ادامه، این دوست‌داشتن را به کودک القا کنند.

حال که معنای خودافشایی، فراوانی ظهور آن و همچنین تأثیرات زودبازده و ماندگار آن در زندگی کودک با عبارات مذکور روشن شد، شایسته است در استفاده از این روش تربیتی، اهتمام جدی داشته باشیم به ویژه برای انتقال و تلقین آموزه‌های عاطفی مهدوی و همچنین تعالیم مرتبط با تحریک اراده در جهت مهدی‌دوستی. خودافشایی محبتی والدین و مربیان کودک نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه باعث تحریک احساسات او نسبت به آن بزرگوار شده و در ادامه، میل به همانندسازی با گفتار، حالات و رفتار مجری خودافشایی ایجاد و تقویت می‌گردد. در نتیجه، عمل مدّ نظر توسط کودک انجام و بارها تکرار می‌گردد.

(نمودار تأثیر فرآیندگونه خودافشایی محبتی)



## ب) انواع خودافشایی

## ۱. خودافشایی حقیقی و مصنوعی

ممکن است این سوال به ذهن برسد؛ زمانی که در والدین یا مربی، عشق و علاقه درونی نسبت به امور دینی مانند نماز و ظهور امام مهدی عج جوشش و غلیان داشته باشد، به راحتی می‌توانند از روش خودافشایی استفاده نمایند و این حالت درونی را در معرض مشاهده کودک قرار دهند. ولی گاهی اوقات این عشق و احساسات درونی در کمترین حد خود قرار دارد. حال، چگونه می‌توان از خودافشایی استفاده نمود چون در قلبشان، حالت درونی عاشقانه زیاد نسبت به امام زمان عج وجود ندارد تا بخواهند آن را ابراز کنند؟

پاسخ اینکه؛ دو نوع برای خودافشایی می‌توان در نظر گرفت. یکی خودافشایی حقیقی و دیگری مصنوعی. در خودافشایی حقیقی، حالت عاشقانه نسبت امر محبوبی واقعاً در دل وجود دارد و سعی در اظهار آن می‌شود. خودافشایی مصنوعی یعنی آن حالت در درون انسان بسیار کمرنگ شده یا اصلاً وجود ندارد اما داشتن آن حالت نزد شخص، یک ارزش محسوب می‌شود و آرزو دارد که آن را داشته باشد. به همین خاطر، به طور مصنوعی حالت عاشقانه از خود نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، نقش انسان‌های عاشق حضرت مهدی عج را بازی می‌کند و از نوعی روش نمایشی بهره می‌جوید.

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که؛ آیا خودافشایی مصنوعی، افشای کاذب حالت درونی است؟ آیا نوعی دروغ‌گویی و عمل غیر اخلاقی محسوب می‌شود؟

در پاسخ می‌گوییم؛ در آموزه‌های دینی سفارشات آمده که از آن‌ها چنین استنباط می‌شود که اگر حالت درونی عملی خیر و حسن را در خود ندارید، نقش دارندگان آن را بازی کنید و به زبان عامیانه، خود را به حالت بزیند. نتیجه چنین کاری آن است که کم‌کم حالت ساختگی در فکر و دل انسان رسوخ پیدا کرده و در اثر انجام آن، به حالت واقعی تبدیل می‌گردد. در بحث انواع تلقین، ضمن توضیح پیرامون تلقین فعلی مثبت، دو نمونه تظاهر به کار خیر بیان گردید که عبارتند از «تحلم»؛ تظاهر به حلیم بودن و نقش انسان بردبار بازی کردن» و «تباکی»؛ شبیه نمودن حالت ظاهری خود به انسانی که واقعاً گریه می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک. گفتار چهارم از همین فصل، ذیل بحث «تلقین مثبت و منفی»، ص ۹۸-۹۹.

مثلاً کسی که دوست دارد رابطه احساسی عاشقانه با حضرت مهدی علیه السلام داشته باشد، باید مدتی همچون عاشقان و شیفتگان رفتار نماید.

نقل شده مرحوم علامه میرجهانی سوز و گداز عجیبی نسبت امام زمان علیه السلام داشته‌اند و اشعاری در این زمینه سروده‌اند که این خود، نوعی خودافشایی حقیقی است. حال اگر فردی، مدتی با اشعار عالمانه ایشان مانوس باشد، آرام آرام احساسات، امیال و آرزوهای او به سوی امام مهدی علیه السلام جهت‌دهی خواهد شد و اگر اهل انجام رفتار طبق رضایت آن امام عزیز باشد، عشق او واقعی و تربیت‌ساز می‌گردد.

نقش جمال یار را تا که به دل کشیده‌ام	یک سره مهر این و آن از دل خود بریده‌ام
هر نظرم که بگذرد جلوه نوری از رُخش	بار دگر نکوترش بینم از آن چه دیده‌ام
عشق مجال کی دهد تا که بگویمی چسان	تیر بلای عشق او بر دل و جان خریدم
سوزم و ریزم اشک غم، شمع صفت به پای دل	در طلبش چه خارها بر دل خود خلیده‌ام
چاک دل از فراق او می‌زنم و نمی‌زند	بخیه به پاره‌های دل، کز غم او دریده‌ام
این دل سنگم آب شد، ز آتش اشتیاق شد	بس که به ناله روز و شب، کوره دل دمیده‌ام
شرح نمی‌توان دهم سوزش حال خود به جز	ریزش اشک دیده و خون دل چکیده‌ام
حیران تا کی از غمش اشک به دامن آورد	چون دل داغدار خود، هیچ دلی ندیده‌ام <sup>۱</sup>

## ۲. خودافشایی فکری، عاطفی، اراده و تصمیم

چنانچه در تعریف خودافشایی بیان شد، این روش تربیتی شامل آشکار کردن و فاش نمودن تصورات و افکار شخصی و همچنین عواطف و حالات درونی نیز می‌شود. افزون بر آن، شامل عیان کردن رفتار درونی یعنی عزم، اراده و تصمیم هم می‌گردد.

## ۳. خودافشایی محبتی و نفرتی

خودافشایی محبتی یعنی ابراز محبت درونی نسبت به شخص یا امری پسندیده مانند شوق به رسیدن ایام ظهور حضرت مهدی علیه السلام و همچنین تمام کارهایی که مورد رضایت ایشان است.

۱. محمودی، حسن، گزیده دیوان حیران، ص ۷۲.

خودافشایی نفرتی یعنی آشکار کردن انزجار و تنفر درونی نسبت به فرد یا امور ناپسند. هر چه اطلاعات ما نسبت به زشتی و پستی گناه بیشتر شود، انزجار و تنفرمان نسبت به آن افزایش می‌یابد و در نتیجه، اگر متکی به ایمان محکم باشد هیچ‌گاه به آن نزدیک نمی‌شویم. بهترین راه‌کار برای مصونیت در برابر گناه و کارهای زشت و همچنین ترک آن‌ها، تغییر میل و کشش نسبت به آن‌ها است. حال برای دور کردن کودک از کارهای زشت، می‌توان از این روش استفاده نمود با این توضیح که ابتدا بد بودن عمل زشت و لزوم ترک آن را به عدم رضایت خداوند متعال و حضرت مهدی علیه السلام استناد می‌دهیم و سپس تنفر خود را نسبت به آن عمل، با کلام و حالات انزجاری کودکانه نشان می‌دهیم. خودافشایی نفرتی، مبدأ میل کودک به کار زشت را تغییر می‌دهد یعنی پس از مدتی که این روش به کار گرفته شود، دیگر کودک میل به عمل زشت و انجام ناهنجاری رفتاری را از دست می‌دهد و آزادانه دوری جسته و ترک می‌نماید.

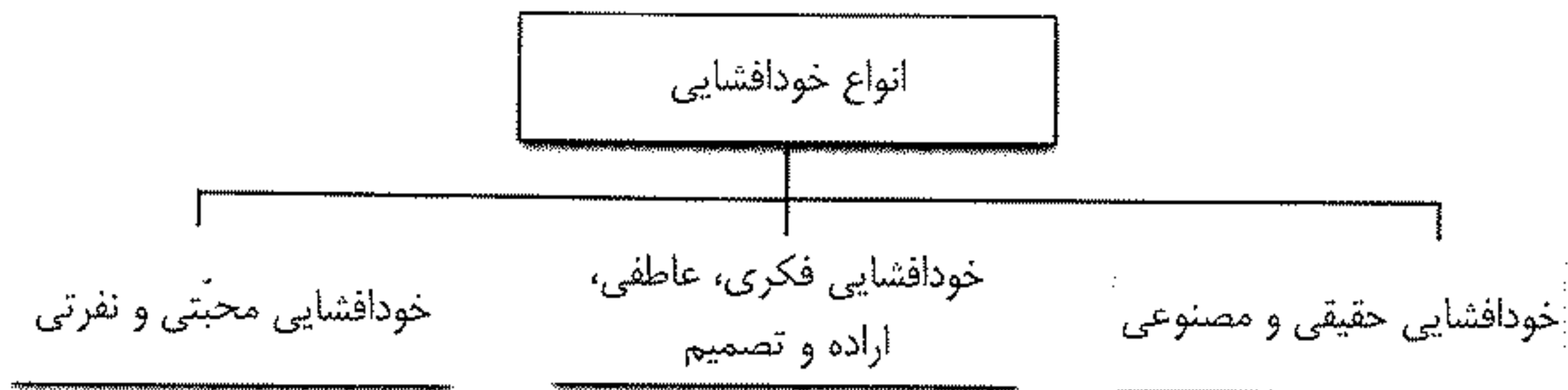
مثال کودکانه‌ی خودافشایی محبتی نسبت به امام زمان علیه السلام این است که در کلاس یا خانه، عبارات ذیل را با ابراز احساسات درونی بر زبان جاری کنیم.

«مدتی است دلم خیلی برای امام مهدی علیه السلام تنگ شده. این قدر دلتنگ شده‌ام که هر شبانه‌روز برایشون دعا می‌کنم. یعنی همیشه به روز امام مهربان و عزیزم را ببینم و بهشون بگم که چقدر دوستشون دارم. دلم می‌خواد یه نقاشی خوشگل بکشم و دور آن را با گل واقعی تزیین کنم. اسم امامم را وسط گل‌ها بنویسم. خیلی دلم می‌خواد آن نقاشی را بهشون هدیه بدهم ولی الان که هنوز ظهور نکردند نمی‌تونم به دستشون برسونم. اما همین که می‌دونم ایشان مرا می‌بینند و از نقاشی‌ام خبر دارند برابم کافیه. حالا وقتی نقاشی‌ام آماده شد اون را به بهترین جای دیوار اتاقم نصب می‌کنم تا هر وقت چشمم به آن می‌افتد یاد حضرت مهدی علیه السلام بیفتم و همیشه به یادشون باشم.»

متأسفانه برخی والدین و مربیان عزیز، ناخودآگاه نسبت به امور مقارن با کارهای خوب خودافشایی نفرتی نشان می‌دهد که آسیب‌های جدی تربیتی به دنبال دارد. مثلاً یک مادر مذهبی که با حجاب کامل اسلامی یعنی چادر به خانه بر می‌گردد و از شدت گرما خیلی اذیت شده، در لحظه ورود به خانه چادر و مانتوی خود را با حالت انزجار به گوشه‌ای پرت می‌کند و می‌گوید: «وای ... خیلی اذیت شدم، مردم از گرما تو این همه لباس» بدیهی



است که انزجار مادر از چادر نیست بلکه از گرمای شدید و اذیت شدن ولی کودک به خاطر محدودیت ظرفیت شناختی، نسبت به چادر و رعایت حجاب کامل اسلامی تنفر پیدا می‌کند. لازم به ذکر است که این‌گونه خودافشایی‌های نفرتی که منجر به نفرت کودک نسبت به امور مذهبی مثل حجاب می‌شود، بیش از ساعت‌ها سخنرانی پیرامون ترویج بد حجابی اثر گذار است.



### ج) نکات اجرایی خودافشایی

برای بهره‌بری بیشتر از روش خودافشایی، نیاز به دانستن نکات اجرایی آن، تمرین و مهارت کافی است. در این مجال، به بیان پنج نکته کلی بسنده می‌شود.

#### نکته اول

از آنجا که این روش، تلقین‌آمیز بوده و عنصر اصلی تلقین تکرار است، باید برای خودافشایی یک جدول زمان‌بندی تکرار در یک روز و استمرار در روزهای متوالی طراحی نمود مثلاً پنج بار در یک روز و استمرار پنج روزه.

#### نکته دوم

نباید کودک را مستقیماً مخاطب قرار داد یعنی وی احساس نکند که می‌خواهید او را امر و نهی و حتی نصیحت کنید. پس شایسته است که خودافشایی در صحن علنی خانه و کلاس در حضور دیگران انجام شود بدون اینکه کودک را مخاطب خاص قرار دهیم.

#### نکته سوم

اگر حالت درونی مدّ نظر، در مجری روش خودافشایی، بسیار کم و ضعیف است، سعی کند آرزوی داشتن آن حالت را در دل خود پرورانده و تقویت نماید و محبت به داشتن آن را به خوبی ابراز کند.

### نکته چهارم

اجرا کننده روش باید نقش خود را خوب بازی کند تا کودک احساس نکند والدین کاری مصنوعی، ساختگی و دروغین انجام می‌دهند.

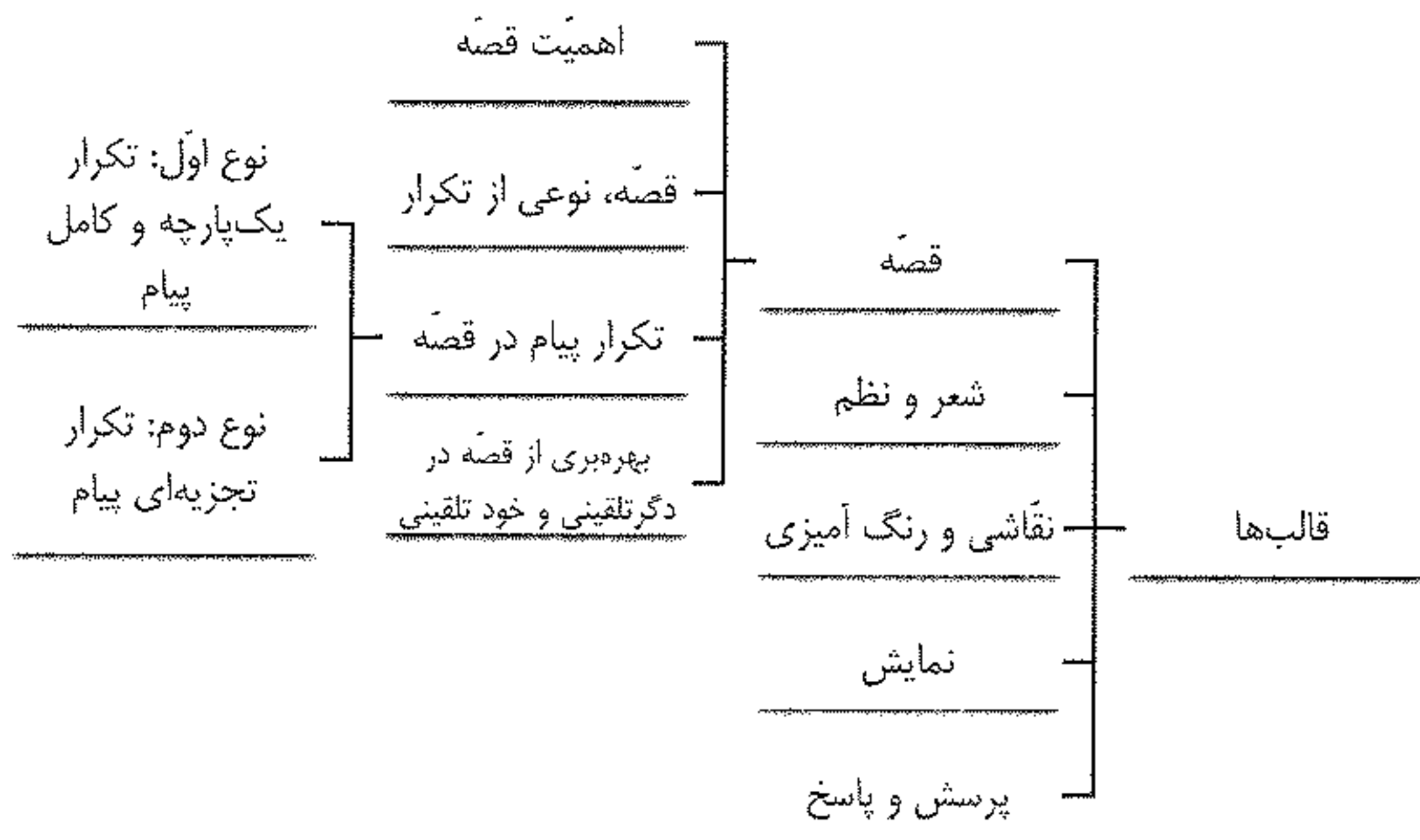
### نکته پنجم

هنگام کلاسداری یا برخورد و گفتگو با کودک، لازم است موارد کاربرد روش خودافشایی را به خوبی بشناسیم. به بیان دیگر، شناسایی و به کارگیری موارد مختلفی که قابلیت دارند متعلق این روش قرار بگیرند. مانند خودافشایی محبتی نسبت به حضور در کلاس، دوستی و هم‌صحبتی با کودکان، موضوع کلاس یا گفتگو و قالب اجرایی همچون نمایش و نقاشی. مثلاً مرتبی کلاس همراه با ابراز احساسات درونی چنین جملاتی بگوید:

«از وقتی به من گفتند قراره معلم کلاس شما باشم، این قدر خوشحال شدم که از دیروز تا حالا همش دارم به شما فکر می‌کنم... از ته دل خوشحالم که امروز می‌خواهیم درباره امام دوازدهم با هم دیگه یک سرود خوشگل بخوانیم...»

## گفتار دهم: قالب‌های اجرایی تلقین

قالب‌های متعددی جهت تلقین معارف مهدوی وجود دارند که در این نوشتار، به توضیح چند قالب به همراه نمونه کاربردی آن‌ها بسنده می‌شود.



## ۱. قصه

## الف) اهمیت قصه

قالب قصه یا داستان<sup>۱</sup> پربارترین و شایع‌ترین فرم هنری بوده<sup>۲</sup> که انسان به‌ویژه در کودکی، ذاتاً به سوی آن جذب شده و از آن لذت می‌برد.<sup>۳</sup> همچنین از نظر روان‌شناسی تربیتی، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزشی<sup>۴</sup> و تأثیرگذارترین ابزار جهت انتقال غیرمستقیم آموزه‌ها به حساب می‌آید که در قرآن و سیره معصومین علیهم‌السلام استفاده از آن جهت ارائه مفاهیم دینی و تربیت اعتقادی و اخلاقی مخاطبان فراوان به چشم می‌خورد.<sup>۵</sup> با توجه به ویژگی‌های دوره‌ی کودکی مانند رشد شکل‌گیری تصویرهای ذهنی، قوه‌ی تخیل، حس کنجکاوی، شیفتگی شدید نسبت به شنیدن داستان و جایگزینی خود در شخصیت‌های داستان و تقلید و الگوبرداری از آن‌ها، می‌توان گفت قصه یکی از مناسب‌ترین قالب‌ها جهت تلقین معارف مهدوی به کودکان است و این قدر ظرفیت دارد تا بخش عمده نهادینه‌سازی آن معارف از این طریق انجام گیرد.

## ب) قصه نوعی از تکرار

در بعضی از دفعات تکرار پیام تلقینی، می‌توان از قصه‌ای با محتوای مهدوی استفاده کرد مانند قصه کتاب «فرشته‌ی خوش‌خبر» و «یاران آفتاب».<sup>۶</sup>

## مثال: قصه یاران آفتاب

جهت آشنایی خوانندگان محترم، خلاصه قصه «یاران آفتاب» نقل می‌شود که در آن به

۱. برخی بین قصه و داستان، تفاوت‌هایی ذکر کرده‌اند. ر.ک. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۹۷ و ۹۸.

۲. مک کی، رابرت، داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه نویسی، ترجمه محمد گذرآبادی، ص ۹.

۳. اقتباس از محدثی، جواد، هنر در قلمرو حکمت، ص ۲۲۵.

۴. مقدسی‌پور، علی، «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)»، فصل‌نامه معرفت، اسفند ۱۳۸۲، شماره ۷۵، ص ۴۱.

۵. ر.ک: «داوودی، محمد و حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام» و «مهدوی، سعید، نگاهی به نکات تربیتی آن در قرآن» و «محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن»

۶. یوسفیان، محمد و ولایی، ف، «فرشته خوش‌خبر» و «یاران آفتاب». در ضمن می‌توان از اشعار آخر این دو کتاب، جمله کلیدی را استخراج کرد.

غربت و تنهایی حضرت مهدی علیه السلام و همچنین لزوم توجه به ایشان (خصوصاً در زمان غیبت) اشاره دارد. این قصه، از سخن امام دوازدهم علیه السلام الهام گرفته شده که حاکی از تشبیه خویش به خورشید پشت ابر است.<sup>۱</sup>

«در دهکده‌ای، پیرمرد کشاورزی زندگی می‌کرد. روزی از روزها هنگام سرزدن به مزرعه‌اش، متوجه شد خورشید در آسمان پیدا نیست. پس از نگاه با دقت به آسمان فهمید که چند ابر سیاه و بزرگ جلوی خورشید را گرفته‌اند. پیرمرد رفت بالای تپه‌ی بلندی و از خورشید علت این حادثه را پرسید. خورشید گفت: «کسی به من توجه نمی‌کند. همه سرگرم کار خودشان هستند و من هیچ دوست و یاری ندارم. به همین خاطر، ابرهای سیاه جلوی من آمدند». پیرمرد به خاطر غربت و تنهایی او غمگین شد و به سفارش خورشید، دانه‌های آفتاب‌گردان را از مناطق مختلف جهان جمع کرد و در مزرعه‌ی خود کاشت. او هر روز به آن‌ها آب می‌داد و دعا می‌کرد تا هر چه زودتر بزرگ شوند، گل بدهند و رو به خورشید کنند. یک روز صبح جمعه، وقتی پیرمرد به مزرعه‌ی خود رفت تا به آن‌ها سر بزند، از خوشحالی اشک در چشمانش حلقه زد، چون همه‌ی آفتاب‌گردان‌ها گل کرده بودند و رو به سوی خورشید، منتظر بودند تا او را ببینند. در این هنگام، خورشید از پشت ابرها بیرون آمد و یکی‌یکی به صورت گل‌ها نور پاشید. از اون روز به بعد دیگر هیچ وقت ابرها نتوانستند جلوی خورشید را بگیرند».

### ج) تکرار پیام در قصه

افزون بر آن که قصه قالبی برای تکرار است، می‌توان از دو گونه تکرار در قصه نیز استفاده نمود. برای این امر، لازم است از قصه‌هایی که قابلیت تکرار پیام دارند بهره ببریم. در اینجا پس از اشاره به دو نوع یادشده، یک نمونه ذکر می‌گردد.

#### نوع اول: تکرار یک پارچه و کامل پیام

تکرار کامل پیام یعنی پیام در نظر گرفته شده که بهتر است شرایط جمله کلیدی آهنگین

۱. وقتی از امام مهدی علیه السلام درباره نحوه بهره‌مندی از ایشان در دوره غیبت سؤال شد، فرمودند: «وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِى فِى غَيْبَتِى فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛ بهره‌مندی از من در روزگار غیبتم، مانند سود بُردن از خورشید است، آن‌گاه که ابرها، آن‌ها را از چشم‌ها پوشانده‌اند»؛ (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال‌التین و تمام‌النعمه، ج ۲، ۴۸۵).

و شعارگونه را داشته باشد،<sup>۱</sup> به صورت کامل بدون هیچ گونه تجزیه و تقطیعی در قسمت‌های مختلف قصه تکرار می‌گردد.

در قصه‌ی واحد و تک‌قسمتی، پیام واحد و کامل در صحنه‌های مختلف توسط شخصیت‌های آن تکرار می‌شود. در قصه زنجیره‌ای که در چند قسمت به طور سلسله‌وار تنظیم شده، در ابتدا، وسط یا انتهای همه قسمت‌ها، آن پیام به صورت یک‌پارچه تکرار می‌گردد.

### نوع دوم: تکرار تجزیه‌ای پیام

تکرار تجزیه‌ای پیام به این معنا است که پیام در نظر گرفته شده به چند بخش تجزیه و تقسیم می‌شود. پس از آن، قصه‌ای متناسب با تکرار تجزیه‌ای انتخاب و در هر صحنه از آن، بخشی از آن پیام توسط شخصیت‌های قصه تکرار می‌گردد و سپس در صحنه‌های بعدی به ترتیب، بخش‌های جدید پیام به همراه تکرار و یادآوری بخش‌های قبلی بیان می‌شود تا پیام تکمیل گردد.

در اینجا برای نوع اول تکرار پیام یعنی تکرار یک‌پارچه و کامل، قصه «بزرگترین هدیه» ذکر می‌شود.<sup>۲</sup>

### مثال: قصه بزرگترین هدیه

یک روز صبح، مریم کوچولو از خواب بیدار شد که ناگهان صدای مامان را شنید که می‌گفت:

امام زمان مهربان از کارهامون خبر دارند

با کارهای خوب و قشنگ امام همیشه خوشحال‌اند

بعد از آن، بابا هم با یک آواز قشنگ همان را تکرار کرد؛ امام زمان مهربان... مریم با تعجب به بابا و مامان نگاه کرد و گفت: «اینجا چه خبره؟ چرا همه با خوشحالی شعر می‌خوانید؟» آن‌ها بدون اینکه جواب بدهند، همان شعر را تکرار کردند؛ امام زمان مهربان...

مریم رفت به سمت اتاق داداش محمد تا ماجرا را از بپرسد. محمد که داشت آماده می‌شد برای

۱. توضیح جمله کلیدی، در بحث «تنظیم محتوای تلقینی» گذشت. ر.ک. همین فصل، گفتار ششم، ص ۱۰۹.  
 ۲. این قصه از نگارنده بوده و در حال آماده‌سازی برای چاپ می‌باشد. ضمناً به جهت رعایت اختصار، دو قصه مذکور در متن، با حذف بعضی بخش‌ها و عبارات عاطفی کودکانه به صورت خلاصه ذکر گردید.

رفتن به مدرسه، در اتاقش را باز کرد و گفت: امام زمان مهربان... همه‌ی اعضای خانواده نشستند کنار سفره برای خوردن صبحانه که محمد گفت: «آماده هستید؟ یک، دو، سه...» و همه با هم گفتند: امام زمان مهربان... چه صحنه‌ی جالبی؛ یک سرود دسته جمعی خانوادگی. مریم خیلی تعجب کرده بود؛ گفت: «کسی نمی‌خواهد به من بگوید اینجا چه خبره؟» مامان گفت: «صبر داشته باش شب خودت می‌فهمی». مریم گفت: «وای، من باید تا شب منتظر بمونم؟» بعد صورت مامان را بوسید و خواهش کرد تا ماجرا را بگوید. محمد گفت: «مربوط به جشن امشب است». مریم تا اسم جشن را شنید، خنده‌کنان با خوشحالی شروع کرد دور اتاق دویدن تا به نفس نفس افتاد و با همان حال پرسید: «چه جشنی؟» مامان گفت: «جشن تولد». مریم گفت: «تولد کیه؟» مامان گوشی تلفن را برداشت، شماره‌ای را گرفت و گفت: «از دایی محسن پرس، جشن خانه‌ی ایشان برگزار می‌شود». مریم گوشی را گرفت و بعد از احوال‌پرسی، گفت: «دایی جان امروز از وقتی بیدار شده‌ام همه دارند شعر می‌خوانند و می‌گویند مربوط به جشن امشب، مگه امشب چه خبره؟» دایی گفت: «میشه آن شعر را بخوانی؟ مریم گفت: امام زمان مهربان \* از کارهامون از کارامون... و دیگه بقیه شعر یادش نیامد که ناگهان دایی ادامه داد: «...خبر دارند \* با کارهای خوب و قشنگ \* امام همیشه خوشحال‌اند» و گفت: «امشب شب تولد امام زمان \* است. جشن می‌گیریم تا هم به یاد ایشان باشیم و هم به خاطر این نعمت بزرگ، از خدا تشکر کنیم». مریم پس از خداحافظی با دایی محسن زیر لب می‌خواند: امام زمان مهربان... بعد از صبحانه، به عکس جشن تولدش که به دیوار نصب شده بود نگاه کرد و گفت: «مامان، تو جشن تولدم همه به من هدیه دادن. به امام مهدی \* چه کادویی می‌توانیم بدهیم؟» مامان پرسید: «تو چی دوست داری بدهی؟» مریم پاسخ داد: «یک نقاشی خوشگل با یک عروسک». مامان لبخندی زد و گفت: «آفرین، هدیه‌ات خیلی خوب است؛ چون چیزهایی که خودت دوست داری می‌خواهی به ایشان هدیه بدهی، ولی ما تصمیم گرفتیم بزرگ‌ترین هدیه‌ی دنیا را به ایشان بدهیم». مریم گفت: «بزرگ‌ترین هدیه چیه؟ تو اتاق من جا میشه؟» اهل خانه با شنیدن این حرف، زدند زیر خنده. مریم گفت: «مگه حرف خنده‌داری زدم؟ خوب به من بگویند بزرگترین هدیه چیه؟» محمد گفت: امام زمان مهربان... مریم گفت: «مگه می‌خواهی این شعر را هدیه بدهی؟» مامان گفت: «نه عزیزم. اگه به شعر خوب دقت کنی می‌فهمی که بزرگترین هدیه چیه» مریم زیر لب آهسته شروع کرد به خواندن: امام زمان مهربان... بعد یه دفعه گفت: «فهمیدم، کارهای خوب» مامان

گفت: «آفرین، درست گفتم. بزرگترین هدیه، این است که امام زمان عج را با انجام کارهای خوب خوشحال کنیم؛ چون ایشان ما را می‌بینند و از کارهایی که انجام می‌دهیم خبر دارند. اگه کار خوب بکنیم چهره‌شان شاد می‌شود و برای ما دعا می‌کنند، ولی اگه کار بدی از ما سر بزنه خیلی ناراحت می‌شوند». مریم که حالا از ماجرای شعرخوانی و جشن با خبر شده بود، با صدای بلند شروع کرد به خواندن؛ امام زمان مهربان... تمام اعضای خانواده با هم قرار گذاشتند که تا شب هر کس کار خوب انجام داد همه دسته‌جمعی با خواندن آن شعر، او را تشویق کنند و اگر کار بدی از او سرزد، یک نفر آرام و مخفیانه، با خواندن همان شعر به او تذکر بدهد. بعد از آن، محمد گفت: «شعر خواندن برای امام مهدی، یه کار خوبه دیگه، پس بیاید خودمان را تشویق کنیم». در این هنگام همه گفتند:

امام زمان مهربان از کارهامون خبر دارند  
با کارهای خوب و قشنگ امام همیشه خوشحال‌اند

#### د) بهره‌بری از قصه در دگر تلقینی و خودتلقینی

جهت تنوع بهره‌بری از قصه می‌توان از قصه‌گویی مربی و والدین، پخش صدای قصه‌گوهای حرفه‌ای و فیلم‌های مشتمل بر داستان استفاده کرد. اگر در مسیر قصه به کودک اجازه مشارکت کلامی داده شود بدین صورت که در بعضی بخش‌های مرتبط با پیام تلقینی، روند قصه و جمله کلیدی را نیمه‌تمام بگذاریم تا او ادامه‌ی آن را حدس بزند و مدام این عمل تکرار شود، تأثیر بسزایی در تلقین قولی پیام مهدوی دارد. همچنین اگر کودک مشارکت فعلی داشته باشد مثل اجرای نقش برخی شخصیت‌های داستان، در تلقین فعلی موثر است. قصه‌گویی همراه با ابزاری همچون تقلید صدا، نمایش، نشان‌دادن تصاویر زیبا و متناسب، تأثیر زیادی در تلقین دارد؛ چون از طریق دو ادراک حسی یعنی بینایی و شنوایی، پیام منتقل می‌شود و این به‌منزله‌ی تکرار است.

از قالب قصه می‌توان در خودتلقینی کودک نیز بهره برد؛ بدین صورت که او به قصه‌گویی به‌ویژه با ابزار جذاب، ترغیب و تشویق شود. زیرا با هر بار گفتن، صدای خود را می‌شنود و پیام مهدوی در جان و روح او تثبیت می‌شود. نفس محبوبیت و جذابیت قصه، عامل مهمی برای خودتلقینی است، زیرا کودکان داستان‌هایی را که دوست داشته و از

شنیدنشان لذت می‌برند، برای دوست و عروسک خود و حتی در هنگام تنهایی، زیاد تکرار می‌کنند. روش‌های متعددی جهت ترغیب وجود دارد مانند اینکه تصویرهایی از صحنه‌های مختلف قصه تهیه و از او خواسته شود ماجرای هر صحنه را بیان کند تا قصه به اتمام برسد یا اینکه در بعضی از صحنه‌ها، از او درخواست شود همانند صدای شخصیت قصه سخن بگوید.

## ۲. شعر و نظم

کودکان به گزاره‌های آهنگین و موزون علاقه‌ی زیادی دارند. حال چه نظم باشد که برگردان موزون حادثه است و چه شعر باشد که بیان‌گر احساسات شاعر می‌باشد. افزون بر آنکه می‌توان از شعر برای شیوه‌ای از تکرار آموزه مهدوی استفاده کرد، ظرفیت بالایی نیز جهت تکرار پیام دارد. در شعر باید گوشواره‌ای مناسب با یک پیام مهدوی تنظیم گردد و به عنوان جمله کلیدی استفاده شود. نباید از شوق کودکان نسبت به حفظ شعر، خواندن سرود دسته‌جمعی، مسابقه شعرخوانی و... غافل بود. کتاب‌هایی با موضوع اشعار کودکانه دینی و مهدوی تألیف شده،<sup>۱</sup> همچنین در کتاب‌هایی پیرامون تبلیغ و انتقال مفاهیم دینی، نمونه‌هایی از این اشعار معرفی گردیده است.<sup>۲</sup> در اینجا چند نمونه ذکر می‌گردد.

### مثال‌ها

بر اساس حدیثی از حضرت مهدی (عج): که فرمودند:

«ما یاد شما را فراموش نمی‌کنیم»<sup>۳</sup>

این شعر خوانده می‌شود:

او به یاد ما بوده، او به یادمان باشد  
 او برای این مردم، صاحب الزمان باشد  
 صاحب الزمان فرمود، جمله‌ای که گشتم شاد  
 شیعیان شماها را، ما نمی‌بریم از یاد<sup>۴</sup>

۱. مانند کتاب «نغمه‌های دینی کودکان» از عزیزالله هاشمی و «چلچراغ» (دوره پنج جلدی ۴۰ حدیث با موضوع حضرت مهدی (عج)) و «مجموعه شکوفه‌های امید» از مهدی وحیدی صدر و محمد یوسفیان.

۲. رک: اسماعیلی مبارک، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، صص ۱۱۹-۱۲۶ و جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۸۴-۱۹۳.

۳. «... لانا سین لیکرکم» (طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷).

۴. یوسفیان و وحیدی صدر، چلچراغ، ج ۳، ص ۸.



با الهام از سخن امام صادق علیه السلام پیرامون فراق امام دوازدهم که فرمودند:

«سرور من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده است»<sup>۱</sup>

چنین شعری بیان می‌شود:

وقتی نباشی، ما بی قراریم      یعنی که بی تو، ما بی بهاریم  
ای سرور من، هستی تو مولا      در غیبت تو، بی خوابم آقا<sup>۲</sup>

لازم به ذکر است که برای بهره‌مندی بیشتر از تأثیرگذاری شعر خوانی برای کودک، باید با انواع شعر و شیوه‌های شعر خوانی و همچنین اصول هر یک، آشنایی کافی داشته باشیم. در این مجال، تنها به یکی از تقسیم‌های آن، اشاره می‌شود.

(۱)	شعر طراوت‌گونه	} انواع شعر
(۲)	شعر آموزش‌گونه	
(۳)	شعر شعارگونه	
(۴)	شعر سرودگونه	

در مورد هر کدام از انواع فوق، مباحثی از قبیل تعریف، سبک اجرا، ویژگی‌ها، جایگاه کاربردی و نکات اجرایی مطرح است که در این مجال نمی‌گنجد و نگارنده قصد دارد ان‌شاءالله در کتابی مستقل به تفصیل بدان بپردازد.

اکنون برخی از اشعار مهدوی سروده شده ویژه کودکان ذکر می‌گردد.

از محبت مهدی، گشته قلب ما لبریز      می‌کند دعا هر روز، او به بنده ناچیز  
از محبت آقا، توی زندگی شادم      من به یاد ایشانم، چون بوده او یادم

xxxxxx

صاحب الزمان، یادمان کند      با دعای خود، شادمان کند  
بعد خواب خوش، من به آن امام      از صمیم قلب، می‌دهم سلام

\*\*\*\*\*

سال تولدش هست، دویست و پنجاه و پنج      تا که بیاید آقا، پر بزند درد و رنج  
سال ظهورش اما، همیشه مثل راز است      وجود نور خورشید، برای ما نیاز است

\*\*\*\*\*

۱. «سیدی غیبتک نقت رقادى» (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۳).

۲. یوسفیان، محمد، منتظرم بیایی، ص ۸.

او گر چه گشته، از دیده پنهان  
هم با شهامت، هم کوه صبر است  
تاییده نورش، در قلب انسان  
مانند خورشید، در پشت ابر است

\*\*\*\*\*

هستی ای امام، در دعای من  
تا شود شتاب، در ظهور تو  
در قنوت من، در صدای من  
درد و دل کنم، در حضور تو<sup>۱</sup>

\*\*\*\*\*

بیا مهدی زهرا  
منتظر تو هستند  
شده دعای فرج  
عطر ظهورت شده  
تویی امید دل‌ها  
مردم کل دنیا  
دعای هر روز من  
صفای هر روز من

کاشکی یه روزی بشه  
به من بده لیاقت  
پیام به دیدار تو  
تا که بشم یار تو

بیا ای گل نرگس  
کنار دوستانم  
کاش بدونم کجایی  
منتظرم بیایی<sup>۲</sup>

### ۳. نقاشی و رنگ آمیزی

کودکان علاقه فراوانی نسبت به نقاشی و رنگ‌آمیزی از خود نشان می‌دهند. اما فراسوی این علاقه و لذت‌بردن کودک از آن، نقاشی به منزله فرافکنی روان‌شناختی جهان کودکانه، آشکار کننده تمامی شخصیت اوست. شایسته است قبل از هر چیز؛ نقاشی کودک را (خواه زبان رمزی یا فریاد عشق یا کشاننده خلاق بدانیم)، بر پایه تحقیقات خط‌شناسی و روان‌تحلیل‌گری، یک پیام بنیادی تلقی کنیم؛ زیرا آنچه را نمی‌تواند به لفظ در آورد از طریق نقاشی انتقال می‌دهد. پس نقاشی خبر از راز و رمز جهان کودک می‌دهد و با دقت در آن، که هر بار منحصر به فرد است، می‌توان پیامش را درک کرده و روابط خود را با وی غنی‌تر

۱. وحیدی صدر، مهدی، مجموعه شکوفه‌های امید، ج ۱، صص ۹-۱۲ و ج ۵، صص ۱۲ و ۱۳.

۲. یوسفیان، محمد، منتظرم بیایی، ص ۲.

سازیم.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان از نقاشی، برای دستیابی به وضعیت موجود حیطه‌های شخصیتی کودکان نسبت به معارف مهدوی از طریق تهیه جامعه‌ی آماری بهره برد. همچنین نقاشی و رنگ‌آمیزی‌هایی با موضوع مهدویت، به‌ویژه اگر با توضیحاتی در قالب قصه و شعر به‌عنوان برخی از دفعات تکرار پیام تلقینی استفاده شود، کیفیت ایجاد و تقویت باورهای مهدوی در کودکان را افزایش می‌دهد.

#### مثال

برای تلقین محبت حضرت مهدی (عج) نسبت به کودکان، شش برگه نقاشی تهیه می‌کنیم. در برگه اول، مردی با چهره‌ای مهربان و متبسم در حال نوازش و هدیه‌دادن ترسیم و به‌عنوان امام مهدی (عج) معرفی کرده و از کودک می‌خواهیم آن را رنگ‌آمیزی کند و شعر متناسبی زمزمه می‌کنیم. در برگه دوم همان محتوا به همراه یک کودک کشیده می‌شود و شعرخوانی و خواسته قبلی تکرار می‌گردد. همین‌طور ادامه می‌دهیم تا نقاشی و رنگ‌آمیزی پنج کودک همراه امام کامل شود. در هر بار نقاشی، پیام تلقینی مناسب تکرار و بدین‌صورت مطلب مورد نظر، القاء می‌گردد.

#### ۴. نمایش

منظور از قالب نمایشی یا روش ایفای نقش، مجسم کردن و مشهود و محسوس در آوردن پیام بوده و مبتنی بر دیدار و شنیدار است. با توجه به وجود عناصر متنوع هنری، ادبی و ترکیبی و جاذبه‌های دیگر در بافت نمایش، این قالب به‌عنوان یک واسطه‌ی بسیار قوی، می‌تواند در خدمت بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و تربیتی قرار گیرد.<sup>۲</sup> نمایشی کردن مفاهیم خصوصاً مباحث عقلی و انتزاعی برای کودک، باعث می‌شود این مفاهیم، راحت‌تر و زودتر درک شوند و یادگیری، عمیق‌تر صورت پذیرد. همچنین موجب ماندگاری در ذهن، اثرگذاری بر عواطف و احساسات و هیجانات مخاطب، ارائه الگوی مناسب، تحرک بخشیدن به کلاس، ایجاد انگیزه و همچنین سهولت در یادآوری می‌گردد.<sup>۳</sup>

۱. دادستان، پریرخ، ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون‌های ترسیمی، صص ۹-۱.

۲. کیومرثی، غلام‌علی، آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی مدارس، صص ۱۰۸.

۳. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۳۲۷ و ۳۳۰.

در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام نیز استفاده از قالب نمایشی به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup> نمونه قرآنی آن مثل چگونگی برانگیخته شدن در روز قیامت از طریق نشان دادن احیاء زمین بعد از مرگ آن که در سوره «روم» و «ق» ذکر شده<sup>۲</sup> و همچنین آموزش دفن مُرده به قبیل به وسیله نشان دادن دفن کلاغ مرده توسط کلاغی دیگر که در سوره «مائده» بدان اشاره شده است.<sup>۳</sup>

با توجه به ویژگی‌های دوره کودکی که در قالب قصه گذشت و مواردی از قبیل حس درونی‌سازی واقعیات، علاقه به تجربه‌ی کار دیگران و بازپدیدآوری عملی آن‌ها، حس خودنمایی، میل به بازی نمایشی نمادین و علاقه به عروسک و مجسمه‌های نمادی اشیاء، می‌توان گفت: قالب نمایشی اعم از نمایش مشارکتی، عروسکی، خلاق و... یکی از بهترین روش‌ها جهت تلقین آموزه مهدوی به کودکان است. اگر در خود نمایش، برای تکرار پیام تلقینی در قالب شعر برنامه‌ریزی شود، اثر مورد انتظار از تلقین چند برابر خواهد شد. از قصه «یاران آفتاب» می‌توان برای اجرای نمایش مشارکتی استفاده کرد؛ بدین صورت که چند کودک برای ایفای نقش مرد کشاورز، خورشید، ابر سیاه، گل‌های آفتاب‌گردان انتخاب و دیالوگ‌ها آموزش داده می‌شود یا اینکه محتوای قصه به صورت اجمالی بیان می‌گردد تا آن‌ها با بهره‌گیری از خلاقیت خود و سلیقه‌ی دلخواه دیالوگ‌ها را بسازند.

لازم به ذکر است که نمایش، بهترین راه برای آموزش دگر تلقینی و خود تلقینی است. کودکی که مشغول تماشای تلقین نمودن پدر نسبت به فرزند دیگر است، دگر تلقینی را فرامی‌گیرد و نسبت به کودکی دیگر یا حتی اسباب‌بازی و عروسک خویش نیز انجام می‌دهد. والدین و مربیانی که قصد دارند کودک باورهای مهدوی را به خود تلقین کند، باید در برابر دیدگان وی، چندین بار «خود افشایی عاطفی» یا «خود تلقینی نمایشی» انجام دهند. مثلاً افکار و عواطفی که پیرامون عشق به حضرت مهدی علیه السلام در آن‌ها موج می‌زند

۱. ر.ک: همان، ص ۳۲۷-۳۳۰ و اسماعیلی مبارکه، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، صص ۷۳-۷۶.

۲. «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (سوره روم: ۱۹) و «...وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» (سوره ق: آیه ۱۱).

۳. «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ الْغُرَابِ فَأُوَارِي سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ» (سوره مائده: آیه ۳۱).

و گاهی از اوقات آن‌ها را به خود تلقین می‌کنند، در مقابل کودک به زبان بیاورند و احساسات خویش را نمایان سازند؛ البته بدون اجبار یا دعوت بر شنیدن و پذیرش آن‌ها. مانند بیان چنین جملاتی:

«امام زمان، ای امام مهربان، گاهی وقت‌ها دلم برای شما خیلی تنگ می‌شود. این قدر شما را دوست دارم که هر کاری شما دوست داشته و راضی باشید انجام می‌دهم. با کمک خداوند، من حتماً موفق می‌شوم.»

### ۵. پرسش و پاسخ

با توجه به روحیه‌ی پرسش‌گری و حس کنجکاوی کودک، یکی از بهترین قالب‌های اجرای تلقین که مبدأ پیشرفت فکری و باعث تربیت عقلانی اوست، «پرسش و پاسخ» می‌باشد. قرآن حکیم و معصومین علیهم‌السلام، همواره مخاطبان خود را به پرسش‌گری درباره نادانسته‌ها دعوت و ترغیب نموده‌اند.<sup>۱</sup> مانند آیه «...فاسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> و مانند این سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم:

«دانش گنجینه‌هایی است و کلیدهای آن‌ها، پرسش است؛ پس رحمت خدا بر شما، بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می‌یابند: پرسنده، پاسخ‌دهنده، شنونده و دوستدار پرسش»<sup>۳</sup>

همچنین امام علی علیه‌السلام در ضمن حدیثی وجود روحیه پرسش‌گر در دوره کودکی را عامل (دانایی و) پاسخ‌گویی در بزرگسالی می‌دانند.<sup>۴</sup>

قالب پرسشی، فوائد زیادی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱) بر انگیختن حس کنجکاوی.
- ۲) جلب توجه، به تفکر واداشتن.
- ۳) پی بردن مخاطب به جهل خود.
- ۴) فعال شدن.

۱. جهت اطلاع از نمونه‌های قرآنی و روایی ر.ک. محمدی، محمدعلی، شیوه پاسخ به پرسش‌های دینی، صص ۱۳-۱۶.

۲. «...اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید»؛ (سوره انبیاء: آیه ۷ و سوره نحل: آیه ۴۳).

۳. «الْوَلِيمُ خَزَائِنُ وَ مَفَاتِيحُهَا السُّؤَالُ فَسْأَلُوا بِرَحْمَتِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يُؤَجِرُ فِيهِ أَرْبَعَةَ السَّائِلِ وَ الْمُجِيبِ وَ الْمُسْتَمِعِ وَ الْمُجِيبَ لَهُ»؛

دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۸۰.

۴. ر.ک: آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶۲۵، ص ۶۰۶.

- (۵) پی بردن به نیاز مخاطب.
- (۶) عمیق تر شدن مباحث.
- (۷) تقویت رشد خلاقیت و ابتکار.
- (۸) ایجاد رقابت سالم بین مخاطبان.<sup>۱</sup>

کودک، دوست دارد در معرض پرسش قرار گیرد و خود به تنهایی پاسخ دهد. حتی از تکرار سؤال توسط دیگران و یا حتی خودش لذت می برد. به همین جهت است که می بینیم یک سؤال را ده ها بار بر زبان جاری می کند و اصلاً احساس خستگی نمی کند. در هر پرسش و پاسخ مهدوی که توسط کودک و شخص دیگر صورت می گیرد، کودک به ناچار دو مرتبه، به موضوع مورد نظر توجه می کند که نوعی تکرار معنایی بوده و تلقین آمیز است. اصول و قواعدی پیرامون بایسته های پرسش دینی و پاسخ گویی به آن وجود دارد که در استفاده از قالب پرسش و پاسخ در موضوعات مهدوی برای کودکان نیز باید رعایت نمود مانند این موارد:

- (۱) گوش سپاری هشیارانه به پرسش و درک دقیق آن
- (۲) بازگویی آن به زبان ساده
- (۳) استفاده از قصه و تمثیل و تشبیه در پاسخ
- (۴) اندیشه و درنگ در پاسخ گویی،<sup>۲</sup>
- (۵) اختصار پاسخ
- (۶) ارائه مستند و دلیل
- (۷) اجازه برای تکمیل پرسش
- (۸) امنیت بخشی به پرسش گر
- (۹) ریشه یابی سوالات
- (۱۰) مشورت برای تهیه پاسخ<sup>۳</sup>
- (۱۱) تربیت ساز بودن

۱. جمعی از نویسندگان، اصول و روش های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۲۳-۱۲۴ و اسماعیلی مبارکه، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، صص ۷۱-۷۲.

۲. حیدری ابهری، غلامرضا، خداتناسی قرآنی کودکان، صص ۱۵-۳۸.

۳. محمدی، محمدعلی، شیوه پاسخ به پرسش های دینی، صص ۶۷-۱۳۲.

- (۱۲) تمرکز بر یک مطلب در هر سوال و جواب  
 (۱۳) تناسب با مخاطب  
 (۱۴) پرهیز از اصطلاحات نامأنوس<sup>۱</sup>  
 (۱۵) آشنایی با مقبولات مخاطب  
 (۱۶) پرهیز از کلمات تحکم‌آمیز  
 (۱۷) دلیل خواهی  
 (۱۸) پرورش برخی سوالات،<sup>۲</sup>  
 (۱۹) تغییر سوال  
 (۲۰) تغافل و نشنیده گرفتن برخی پرسش‌ها  
 (۲۱) همچنین گفتن «نمی‌دانم» در هنگام جهل.<sup>۳</sup>

با سؤال‌های پی‌درپی در مورد امام زمان (عج) و حتی برگزاری مسابقه‌ی پاسخ‌گویی و به‌کارگیری انواع آن، می‌توان یک آموزه مهدوی را در قالب جملات مختلفی تکرار و القا نمود.

۱. اسماعیلی مبارکه، محمد و همکاران، روش تدریس و کلاس‌داری تبلیغی، صص ۶۸-۷۰.

۲. جمعی از نویسندگان، اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی، صص ۱۲۴-۱۳۰.

۳. گریوانی، مسلم، خفایی که در این نزدیکی است، صص ۷۳-۱۴۲.

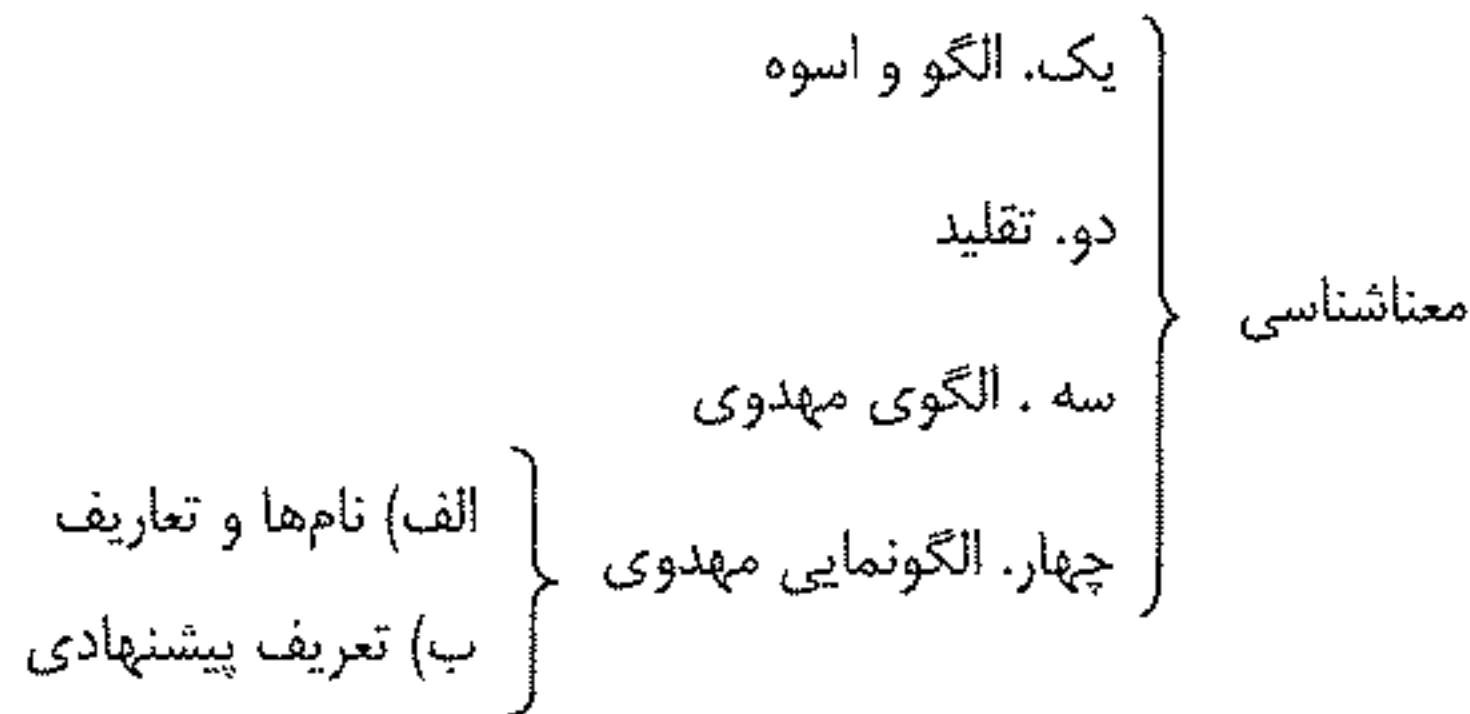
## فصل چهارم

### روش الگونمایی مهدوی



## گفتار یکم: معناشناسی

برای معناشناسی «الگونمایی مهدوی»، نخست لازم است سه واژه «الگو»، «اسوه»، «تقلید» و همچنین «الگوی مهدوی» تبیین شوند.



### یک. الگو و اسوه

در فرهنگ لغت فارسی، برای «الگو» معانی متعددی همچون مُدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، مثال، نمونه<sup>۱</sup> و طرح<sup>۲</sup> و برای «اسوه» نیز پیشوا، مقتدا،<sup>۳</sup> پیشرو، الگو و سرمشق بیان شده است.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد، الگو به لحاظ لغوی، اعم از اسوه باشد، زیرا اسوه تنها نسبت به انسان مطرح می‌گردد.

«اسوه» (به فتح و ضم همزه) در اصل، واژه‌ای عربی از ریشه‌ی «اسو» به معنای مقتدا بودن کسی و اقتدا کردن به او است؛ به این معنا که فردی از فعل و عمل کسی پیروی کرده و او را پیشوا قرار دهد،<sup>۵</sup> همچنین مثل او باشد و راضی به آنچه او راضی است.<sup>۶</sup> افزون بر معنای مصدری، به خودِ مقتدا نیز اسوه اطلاق می‌گردد.<sup>۷</sup> البته معانی دیگری هم

۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، ص ۳۲۴۸.

۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۳۴۲، ذیل واژه «اسوت».

۳. همان، ص ۲۷۶.

۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۴۶.

۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۳۳۳.

۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۵.

۷. قرشی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۷.

بیان شده که مرتبط با این نوشتار نیست.<sup>۱</sup> واژه «اسوه» عام بوده و شامل تبعیت در نیکی و بدی، سار و ضار، شادمانی و زیان مندی و همچنین مقتدای حسن و قبیح می‌شود.<sup>۲</sup> این واژه، در منابع و متون اسلامی علاوه بر مقتدا و اقتدا، به معنی سنت و روش نیز آمده است.<sup>۳</sup> در پژوهش پیش‌رو، مقصود از «الگو و اسوه» همان مقتدا و پیشوا است.

## دو. تقلید

از میان واژگان هم‌سو و مرتبط با «اسوه» مانند امام و ائتمام، قدوه و اقتدا، تبعیت و تقلید، معنای واژه اخیر به‌خاطر فراوانی کاربرد در این پژوهش، تبیین می‌گردد. برای تقلید معانی متعددی بیان شده مانند الزام و ملزم‌نمودن امری یا عملی برای کسی،<sup>۴</sup> قبول قول غیر بدون دلیل،<sup>۵</sup> پیروی از مجتهدی در امور شرعی،<sup>۶</sup> مطلق متابعت و دنباله‌روی،<sup>۷</sup> پیروی بدون تأمل و دریافت حقیقت، از روی کار دیگران کاری کردن،<sup>۸</sup> نقش دیگری را بازی کردن، شبیه‌سازی کردن.<sup>۹</sup>

منظور از «اقتدا و تقلید» در این پژوهش الگوبرداری، شبیه‌سازی فعلی و پیروی عملی از دیگری (الگو) با آگاهی، رضایت و رغبت می‌باشد. بر این اساس، قبول سخن الگو و تبعیت قولی یعنی عمل به گفتار وی از این بحث خارج است.

۱. مانند معالجه، مساوات و یکسان بودن عده‌ای در حالتی، «فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۷، ص ۳۳۳» و مداوا، حزن، اصلاح، برقراری عدل، «ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ج ۱۴، صص ۳۴-۳۵» و تعزیه؛ تسلیت و مایه آرامش «همان، ص ۳۵ و الجوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۴، ص ۲۲۶۸».

۲. در قرآن کریم «اسوة» با کلمه «حسنة» توصیف شده است که نشانه عمومیت آن است. ر.ک: سوره احزاب: آیه ۲۱ و سوره ممتحنه: آیه ۴ و ۶، همچنین ر.ک: راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن علی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۶ و قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۷.

۳. کرمی، رضا علی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، صص ۵۱-۵۳.

۴. ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ج ۳، ص ۳۶۷.

۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۲.

۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۱۱.

۷. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۲۲.

۸. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۸۸۵.

۹. سایت المعانی (<http://www.almaany.com>)

## سه. الگوی مهدوی

مقصود از الگوی مهدوی، انسانی است که بتوان او را جهت رشد و تعالی شخصیت انسان در مسیر شناخت و گرایش نسبت به حضرت مهدی عج و انجام اعمال مورد رضایت ایشان، به مخاطب معرفی و ارائه کرد.

غرض از معرفی و شناساندن الگوی مهدوی، تحریک کودک برای تبعیت عملی از اوست. این گونه پیروی کردن، تأثیرات فراوانی بر شخصیت الگوپذیر می‌گذارد و نمی‌توان هر کسی را به صرف انجام یک عمل مثل جمکران رفتن به عنوان الگوی مهدوی معرفی کرد، زیرا کودک تحت تأثیر دیگر حالات و رفتارهای او نیز قرار می‌گیرد.

بر این اساس، لازم است ویژگی‌های الگوهای جامع و کامل شناسایی شوند. برای این کار، باید با مراجعه به منابع دینی مانند قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام خصوصیات انسان‌هایی که به عنوان امام و مقتدا معرفی شده‌اند و از جانب الهی امر به تبعیت آن‌ها شده است، دانسته و تبیین گردند. این خود پژوهشی مستقل می‌طلبد و در این مجال، فقط یک نمونه از روایات بیان می‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

«...اما دانشمندانی که پاکی روح خود را حفظ کنند، حافظ و نگهدارنده دین خود باشند، مخالف هوی و

هوس خود باشند، مطیع فرمان مولای خویش باشند، عوام میتوانند از آن‌ها پیروی کنند...»<sup>۱</sup>

نمونه کامل الگوی مهدوی، شخصی است که افزون بر اعتقاد و پیروی عملی نسبت به تعالیم اسلامی و دارابودن صفات مومن واقعی، به تمام ویژگی‌هایی که در متون دینی برای انسان مومن منتظر در عصر غیبت وارد شده آراسته باشد. تحقق کامل چنین اوصافی، فقط در خاندان پاک معصومین علیهم‌السلام یافت می‌شود. پس در درجه اول، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام مصداق اتم الگوی مهدوی هستند.

غیر از معصومین علیهم‌السلام انسان‌هایی یافت می‌شوند که رنگ و بوی مهدوی به خود گرفته‌اند، یعنی به لحاظ شناختی، معرفت عمیقی نسبت به حضرت مهدی عج دارند به گونه‌ای که وقتی لب به سخن می‌گشایند، حتماً جمله‌ای حکمت‌آمیز پیرامون ایشان شنیده می‌شود. از جهت عاطفی، جان و روحشان مملو از عشق به حضرت بوده و هیچ میل و آرزویی را بر

۱. «...فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالَفاً عَلَى هَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...»؛

(طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸).

خواست ایشان ترجیح نمی‌دهند به‌گونه‌ای که آثار دلدادگی و شیفتگی در رخسار و حالات آن‌ها نمایان است. همچنین در انجام هر عملی، نخست رضایت حضرت را در نظر می‌گیرند. پس در مرحله‌ای پایین‌تر از معصومین علیهم‌السلام انسان‌هایی که به مرتبه‌ای از ایمان و پاکی دست یافته‌اند را می‌توان به عنوان الگوی مهدوی معرفی نمود مانند برخی علما و اولیای الهی. در مرحله‌ای نازل‌تر نیز انسان‌هایی وجود دارند که در برخی اعمال و رفتار آن‌هم به صورت مقطعی می‌توانند الگوی مهدوی باشند.

در پژوهش حاضر، حیطة به‌کارگیری روش الگونمایی مهدوی، دوره کودکی است. به‌همین خاطر، هر نوع رفتار یا حالت هر شخص مؤمنی که در زمینه‌ای از معارف مهدویت، قابلیت الگوپذیری داشته باشد را می‌توان به عنوان الگوی مهدوی معرفی کرد اعم از اینکه الگوی جامع باشد مثل معصومین علیهم‌السلام یا در زمینه‌ای خاص الگوی نمونه و کامل باشد و یا کامل نبوده و تنها نسبت به دیگران قدری برتر باشد و یا حداقل نمونه‌ای بهتر از خود کودک الگوپذیر باشد. پس حتی رفتار مقطعی کودکی دیگر مانند خواندن دعای فرج نیز می‌تواند باعث شود او را به‌عنوان الگوی مهدوی معرفی نماییم؛ البته به شرط رعایت اصول روش الگونمایی که خواهد آمد.

#### چهار. الگونمایی مهدوی

یکی از راه‌کارهای تربیتی که به وسیله‌ی آن می‌توان آموزه‌های مهدوی را در جان و روح کودک نهادینه و درونی کرد «روش الگونمایی مهدوی» است. اهمیت و کارآمدی آن تا حدی زیاد است که حتی می‌تواند به عنوان گام اول درونی‌سازی معارف مهدوی، استفاده شود. تأثیرات این روش در انسان به‌ویژه در دوران کودکی موجب توجه، آگاهی از طریق مشاهده کامل، میل به پذیرش و سپس انتخاب آگاهانه و کنترل‌شده نسبت به آموزه‌های مهدوی می‌گردد.

## الف) نام‌ها و تعاریف الگونمایی

در کتاب‌هایی که عهده‌دار بیان روش‌های تربیتی هستند، به اسوه و الگو توجهی ویژه شده و در قالب عناوینی همچون ارائه الگو،<sup>۱</sup> الگودهی،<sup>۲</sup> نقش الگو،<sup>۳</sup> روش الگویی،<sup>۴</sup> الگوپذیری، تربیت الگومحور،<sup>۵</sup> اسوه‌سازی،<sup>۶</sup> تربیت الگویی،<sup>۷</sup> الگونمایی،<sup>۸</sup> الگوسازی، ارائه اسوه‌ها و قدوه‌ها، اسوه‌پذیری و الگوگیری<sup>۹</sup> به‌منزله‌ی یک روش تربیتی تأثیرگذار ذکر گردیده است.

عناوین و اصطلاحات فوق دو گونه‌اند:

برخی ناظر به معرفی و ارائه الگو به کودک است مانند الگودهی، الگوسازی و همچنین روش الگویی که چنین تعریف شده:

«با ارائه الگوهای عینی و رفتاری، فرد را به انجام رفتار مطلوب ترغیب و از اقدام به رفتارهای نامطلوب بازداریم».<sup>۱۰</sup>

«مرتبی می‌کوشد تا نمونه‌ی حالات و رفتار مطلوب را که عملاً در وجود کسی آشکار شده، به‌صورت عینی در معرض دید مرتبی قرار داده و بدین‌گونه، موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با عمل نمونه در او پدید آورد. البته نخست سزاوار است که در وجود خود مرتبی، اسوه‌ی نیکویی برای مرتبی باشد».<sup>۱۱</sup>

برخی دیگر ناظر به واکنش کودک نسبت به الگو است؛ مانند الگوپذیری و الگوبرداری

۱. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ص ۱۹۳.

۲. جان‌بزرگی، مسعود، و همکاران، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی، و قانون‌پذیری به کودکان، ص ۷ و همتی، مجید، فرزندان قانون (روش‌های نظم‌آموزی به کودکان)، ص ۱۸.

۳. داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۵۷.

۴. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، صص ۱۸ و ۲۰.

۵. رضاعلی کرمی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، صص ۵۱ و ۵۴.

۶. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۱.

۷. کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات، ص ۱۱۱.

۸. واتقی، ق، امام، الگوی اامت، ص ۲۴.

۹. اعرافی، علی‌رضا و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، ص ۲۳۴.

۱۰. محمدی مهر، علی اکبر، روش‌های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۱۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۲.

که اولی چنین تعریف شده:

«فرد از انطباق رفتارش با دیگران که از نظر او پذیرفته است، احساس رضایت کند و سعی کند که رفتارش هماهنگ با دیگران و در جهت انسجام با آنان باشد»<sup>۱</sup>.

الگونمایی مهدوی از گونه نخست است، ولی در تبیین آن به مفاهیم گونه دوم نیز توجه می‌شود؛ چون پذیرش الگو و تقلید از آن، در واقع هدف اصلی الگودهی است.

### ب) تعریف پیشنهادی

اینک با توجه به نکته مذکور و اینکه مخاطب روش، کودک است نگارنده تعریف ذیل را برای تبیین مقصود از «الگونمایی مهدوی» پیشنهاد می‌کند.

«نخست توجه کودک را به سوی الگوهای مهدوی جلب نموده و سپس زمینه را برای مشاهده کامل جنبه الگویی آن‌ها یا امری به‌منزله آن فراهم می‌کنیم به‌گونه‌ای که او با مشاهده حالات و رفتار ایشان، آگاهی دقیق و عمیقی در مورد آن جنبه کسب نماید، آن را به‌خوبی یاد گرفته و به حافظه بسپارد. پس از آن نسبت به بازپدیدآوری عملی جنبه الگویی مورد نظر، ترغیب شده و با اراده‌ای آزادانه، آگاهانه، کنترل‌شده و با رضایت، آن جنبه را انتخاب و تصمیم بر انجام می‌گیرد و در مرحله آخر (به‌طور عینی یا غیرعینی) به شبیه‌سازی و الگوبرداری (نیمه آگاهانه و آگاهانه) از آن منجر شود»<sup>۲</sup>.

در این تعریف، نکات مهمی گنجانده شده، دو مورد از آن‌ها (موارد داخل پرانتز) مربوط به بحث انواع الگوبرداری است که توضیح آن‌ها خواهد آمد.<sup>۳</sup> در اینجا فقط به یک نکته اشاره می‌شود.

### مقصود از «مشاهده کامل و امری به‌منزله آن»

مقصود از «مشاهده کامل» در تعریف، دیدن جنبه الگویی به‌وضوح و از نزدیک به‌گونه‌ای که کودک بتواند تمام جزئیاتی که برای بازپدیدآوری عملی بدان نیاز دارد را ببیند. گرچه

۱. رضاعلی کرمی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۵.

۲. همان‌گونه که در تعریف تلقین نیز بیان شد؛ غرض نگارنده از تعرف پیشنهادی، جمع‌آوری و بیان نکات مهم درباره الگونمایی و همچنین ارائه تصویری روشن از آن بوده است. به همین خاطر، از بیان اختصارگونه‌ی تعریف با قیود مبهم پرهیز شده است.

۳. رکه: همین فصل، گفتار هفتم؛ انواع و شیوه‌های الگوبرداری، صص ۱۸۵-۱۸۸.

بهترین نوع آگاهی یافتن از جنبه الگویی دیدار از نزدیک است، ولی چنین مشاهده‌ای برای بسیاری از الگوها سخت یا غیر ممکن است. زیرا تعداد فراوانی از الگوها، عینی و محسوس نیستند، مانند الگوهای تاریخی و تخیلی. همچنین امکان دیدار از نزدیک نسبت به برخی الگوهای محسوس نیز میسر نیست به خاطر محدودیت‌های زمانی، مالی و... مانند الگوهای که در شهرهای دور و یا کشورهای دیگر زندگی می‌کنند. افزون بر آن، الگوهای محسوس و نزدیک به کودک را هم نمی‌توان برای هر نوع جنبه الگویی در برابر دیدگان وی حاضر نمود.

به خاطر موارد یادشده و با توجه به اینکه غرض اصلی از الگونمایی، آگاهی یافتن کامل کودک از جنبه الگویی است، قید «به‌منزله مشاهده» در تعریف اضافه شده تا بیان‌گر شمولیت الگونمایی نسبت به هر گونه شیوه و قالبی باشد که منجر به توصیف الگو و آگاهی مذکور گردد. بر این اساس، الگونمایی، افزون بر دیدار الگو، شامل شنیدن و خواندن قصه الگو و همچنین تماشای عکس، نقاشی، نمایش و فیلم در مورد الگو نیز می‌شود. از آنجا که ارائه نمایی کامل و صحیح از الگوی مهدوی، تأثیر به‌سزایی در مراحل بعدی فرآیند الگودهی دارد، عنوان «الگونمایی مهدوی» انتخاب گردید و تمام مباحث اعم از اصول، شیوه‌ها و قالب‌ها، بیشتر مربوط به نحوه معرفی و نمایش الگو است.

### گفتار دوم: جایگاه‌شناسی روش الگونمایی

الگو و روش الگویی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرد و جامعه است. این روش، در تعالیم تربیتی اسلام جایگاهی ویژه داشته و همچنین در علوم مختلفی مانند تعلیم و تربیت، اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است. این بخش، نگاهی گذرا به جایگاه بهره‌بری از الگو در موارد مذکور دارد.

یک. قرآن و روایات	} جایگاه الگونمایی در
دو. بیان تربیت‌پژوهان اسلامی	
سه. روان‌شناسی	
چهار. جامعه‌شناسی	

## یک. قرآن و روایات

در قرآن، الگونمایی به عنوان روشی اساسی در تربیت به کار گرفته شده و با شیوه‌های متنوعی برای معرفی و توصیف الگو بدان پرداخته شده که توضیح آن‌ها خواهد آمد.<sup>۱</sup> در کلام پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز می‌بینیم که آن‌ها دیگران را به اقتدا و الگو برداری فرا می‌خواندند؛ مانند سخن پیامبر ﷺ به معاذ که فرمودند: «در یقین به پیامبر اقتدا کن»<sup>۲</sup> همچنین حضرت علی علیه السلام در مورد الگوگیری خویش از پیامبر ﷺ چنین می‌فرماید: «من پیامبر ﷺ را تبعیت و دنبال می‌کردم، چنان که بچه شتر مادرش را، هر روز خلقی از اخلاقش را برای من برمی‌افراشت و دستور می‌داد به او اقتدا کنم»<sup>۳</sup>

افزون بر آن، دیگران را به الگو قرار دادن ایشان فرا می‌خواند:

«پیامبر پاکیزه و پاک را الگو قرار ده، ایشان برای کسی که در صدد الگو گرفتن است، الگوست و برای کسی که در صدد استناد کردن است، سند است و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسانی‌اند که پیامبر او را الگو قرار دهند و از او پیروی کنند...»<sup>۴</sup>

علاوه بر روایاتی که به‌طور عام توصیه به تبعیت و اقتدا به معصومین علیهم السلام می‌کنند، در خصوص اقتدا به حضرت مهدی علیه السلام نیز روایاتی وارد شده مانند سخن پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند:

«خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند در حالی که قبل از قیامش اقتدا کننده‌ی به اوست، و امامت او و ائمه هدایت پیش از او را پذیرفته باشد (معتقد باشد) و از دشمنانش بیزار بوده و به خدای تعالی پناه برد، آنان رفیقان من و گرامی‌ترین امت من هستند.»<sup>۵</sup>

۱. رکذ همین فصل، گفتار ششم؛ انواع الگونمایی، صص ۱۸۳-۱۸۴.

۲. «... قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا أَعْمَلُ؟ قَالَ اقْتَدِ بِنَبِيِّكَ يَا مُعَاذُ فِي الْيَقِينِ...» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۵).

۳. «... وَ لَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَتْرَ أُمَّهُ يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا وَ يَأْمُرُنِي بِالْاِقْتِدَاءِ بِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۳۰۰).

۴. «... فَتَأْسِ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ ص فَإِنَّ فِيهِ أَسْوَةَ لِمَنْ تَأْسَى وَ عَزَاءَ لِمَنْ تَعَزَى وَ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسِي بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِ لِأَثَرِهِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹، صص ۲۲۷ و ۲۲۸).

۵. «طَوَّبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ وَ بِأَيِّمَةِ الْهُدَى مِنْ قَبْلِهِ وَ يَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أَوْلِيكَ رُفَقَائِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ» (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷. جهت مشاهده موارد دیگر رک. همان، ص ۲۸۶ و طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة، ص ۴۵۶).



## دو. بیان تربیت پژوهان اسلامی

تربیت ابتدایی انسان به‌طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد و این روش، اولین و مهم‌ترین روش شناخت محیط اطراف و سازگاری موفق از طریق انجام عمل مطابق با آن است.<sup>۱</sup> در دین اسلام به این روش، توجهی ویژه شده تا جایی که پایه‌ی روش تربیتی آن بیش از هر چیز، بر روش الگویی بنا نهاده شده است، زیرا عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیله‌ی تربیت، تربیت کردن با نمونه‌ی عملی و سرمشق زنده است.<sup>۲</sup> همچنین یکی از بهترین، کوتاه‌ترین<sup>۳</sup> و سریع‌ترین<sup>۴</sup> روش‌های تربیتی به‌شمار می‌آید. اسلام همواره اصرار و سعی داشته که تأثیرپذیری طبیعی انسان را از طریق معرفی الگوهای شایسته در مسیر صحیح جهت‌دهی و هدایت نماید. همچنین مؤمنین را ترغیب و تشویق به تقلید، تبعیت و همانندسازی با الگوهای مطلوب کرده است.<sup>۵</sup>

اهمیت توجه به الگوها، در عبارات تربیتی نقل شده از دانشمندان مسلمانی همچون ابن‌سینا، مولوی و ملامحسن فیض کاشانی به چشم می‌خورد.<sup>۶</sup> بعضی پژوهشگران عرصه‌ی تربیت اسلامی، بر این باورند که با تکیه بر مبنای «تأثیرپذیری انسان از شرایط محیطی»، می‌توان با روش تربیتی اسوه‌سازی، شرایط محیطی متربی را اصلاح نمود. البته اسوه‌سازی اولاً و اساساً در شرایط واقعی اجتماعی مورد نظر است، اما حاصل آن این است که شخصیت‌های تاریخی نیز الگوی عمل محسوب می‌شوند.<sup>۷</sup> همچنین با پدیدآوردن الگوهای شایسته و طرد الگوهای ناشایست، می‌توان به عنوان شیوه‌ای جهت ایجاد محیط

۱. داوودی، محمد، خانه بهشتی، صص ۵۸ و ۵۷.

۲. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۳. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۰.

۴. محمدی مهر، علی اکبر، روش‌های پیشگیری و درمان لجابت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۵. ر.ک: مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۲۲۷؛ صانعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت، صص

۱۸۹-۲۰۰؛ امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۴۵؛ بستانی، محمود، اسلام و

روان‌شناسی (الاسلام و علم النفس)، صص ۳۹-۵۵.

۶. ر.ک: آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۵ و ۲.

۷. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۹۴-۱۰۲.

تربیتی مساعد استفاده کرد.<sup>۱</sup> زیرا الگو، یک عامل محیطی اجتماعی تأثیرگذار بر رفتار و تربیت است. از این رو، تقلید از الگوهای مقبول و بزرگان هر جامعه از پدیده‌های رایج بوده و اکثریت مردم، مقلد و پیرو شخصیت‌های برجسته‌ی عصر خویش هستند.<sup>۲</sup> همچنین سازندگان اصلی هر محیط و جامعه، نخبگان و سرمداران آن هستند و وجود الگوهای محبوب در جامعه، به خودی خود، افراد آن محیط را به سوی آنان سوق داده و از مکارم اخلاقی‌شان الگوبرداری می‌کنند.<sup>۳</sup> امروزه روش الگویی طرفداران بسیاری دارد.

«طرفداران رویکرد منش‌پروری معتقدند: اخلاقی‌شدن دانش‌آموزان مستلزم آن است که مدارس، فضائل اخلاقی را در آنها پرورش دهند و پرورش فضائل نیازمند... الگوهای اخلاقی نیکوست و به همین جهت یکی از روش‌های اساسی تربیت اخلاقی در این رویکرد ارائه الگوهای اخلاقی است؛ بدین معنا که همه‌ی دست‌اندرکاران مدرسه باید از ویژگی‌های مطلوب اخلاقی برخوردار باشند.»<sup>۴</sup>

### سه. روان‌شناسی

در روان‌شناسی واژه‌ی «الگو» با عنوان «طرح و نمونه‌ی عینی» به کار رفته<sup>۵</sup> و به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه، به‌مثابه‌ی محرک‌ی برای افکار، نگرش‌ها و یا رفتارهای شخص دیگری که او را مشاهده نموده به کار گرفته می‌شود.<sup>۶</sup> بحث از الگو مستلزم یادگیری مشاهده‌ای، تقلید و الگوبرداری است که افزون بر ایفای نقش در شکل‌گیری شخصیت و رشد و پرورش رفتارهای انسان،<sup>۷</sup> برای درمان بسیاری از مشکلات روانی و اختلالات رفتاری از جمله انزوای اجتماعی در میان بزرگسالان و کودکان، رفتارهای وسواسی اجباری، بی‌جراتی، رفتار ضد اجتماعی، پرخاشگری فیزیکی، اوتیسم خردسالی، و انواع ترس و اضطراب‌ها کاربرد دارد.<sup>۸</sup>

۱. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۲. بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصلنامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، ش ۱، صص ۷۹ و ۸۱.

۳. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، ص ۱۶۳.

۴. به نقل از داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ، ص ۲۶۲.

۵. رضاعلی کرمی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۵.

۶. آلن، مارت. جی، روان‌شناسی تقلید، ترجمه سیامک مهجور، ص ۱۷۵.

۷. سانتران، جان دبلیو، زمینه روان‌شناسی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، ص ۲۲۵.

۸. کرامر، جفری و دیگران، روان‌شناسی بالینی، ترجمه مهدی گنجی، صص ۳۲۴-۳۲۵.

## چهار. جامعه‌شناسی

در علم جامعه‌شناسی، الگو<sup>۱</sup> به معنای مدل، گونه، هنجار و شیوه زندگی ناشی از فرهنگ، فرآیندی است که در آن رفتار یک فرد یا گروه و یا موجودیت یک مدل یا پدیده، به منزله (راهنما، سرمشق و) محرکی برای افکار، نگرش‌ها و یا رفتارهای مشخص فرد یا نمونه دیگری که آن را مشاهده نموده، به کار گرفته می‌شود تا اعمال خود را با آن‌ها تطبیق دهد. الگوی رفتاری مشترک، نقش اساسی در داشتن افرادی هماهنگ با یکدیگر و جامعه، برقراری نظم اجتماعی و سازگاری اجتماعی دارد. برای الگو، اقسامی همچون شخصی و عمومی، مفهومی و رفتاری و همچنین مراحل مانند مشاهده، اکتساب و پذیرش مطرح شده است.<sup>۲</sup>

از آنجا که در جامعه‌شناسی، پدیده اجتماعی الگو تنها از حیث وجود در جامعه و منشأ آثار اجتماعی بودن موضوع مطالعه قرار می‌گیرد بدون لحاظ درست یا غلط بودن و اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن، می‌توان پس از جهت‌دهی آن به سوی فرهنگ مهدویت، از انواع و نکات اجرایی آن برای نهادینه‌سازی آموزه‌های مهدوی در جوامع کوچک کودکانه مثل مراکز پیش‌دبستانی استفاده کرد.

## گفتار سوم: الگوپذیری کودکان

یکی از جلوه‌های تأثیرپذیری کودکان، واکنش انفعالی آن‌ها در مواجهه با الگو است. او از ابتدای تولد می‌کوشد تا به محیط اطراف خود توجه نموده، آن را بشناسد و بر طبق آن، عمل و الگو برداری کند تا بتواند با دنیایی که در آن زندگی می‌کند، سازگار شود.<sup>۳</sup> کودک به‌طور طبیعی به سبب یادگیری مشاهده‌ای، تأثیرپذیری و تقلیدی<sup>۴</sup> که از الگوهای پیرامون خود دارد، رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. از این رو روش الگویی، نقش

۱. Pattern

۲. اقتباس از نیک‌گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۵۹ و صلاحی محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، صص ۵۰-۷۵ و ختازی، مجید، اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۸.

۳. داوودی، محمد، خانه بهشتی، صص ۵۷-۵۸.

۴. جهت توضیح یادگیری مشاهده‌ای و تقلیدپذیری، ر.ک. فصل دوم، گفتار دوم، صص ۶۱-۶۲ و ۷۱.

اساسی و محوری در سازمان دادن و شکل گیری شخصیت و رفتار کودک دارد و در واقع، نوعی هم‌سوایی با سیر طبیعی رشد اوست.

والدین، اولین سرمشق و مدل برای رفتار کودک هستند. او با مشاهده‌ی رفتار والدین، آن را الگوی رفتاری خود قرار می‌دهد. به همین جهت در روایتی آمده:

«(رفتار) کودکان در اثر (خوبی‌های) رفتار والدین آن‌ها حفظ و نگهداری می‌شود...»<sup>۱</sup>

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خداوند، فردی را که به نیکی و خیر فرزندش کمک کند مورد رحمت قرار می‌دهد»<sup>۲</sup>

این نکته، کنایه از آن است که شما الگوی او خواهید بود. تلقی کودکان از والدین در سال‌های نخست کودکی به نقش الگویی آنان در جهت مثبت یا منفی دامن می‌زند، زیرا کودکان در این ایام، همه چیز خود را از والدین و وابسته به ایشان می‌دانند. چنان که در حدیثی بدان اشاره شده:

«به فرزندان‌تان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید، زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید».<sup>۳</sup>

کودک افزون بر والدین، از افرادی که ارتباط بیشتری با آن‌ها دارد، الگوگیری می‌کند مانند دیگر اعضای خانواده، اقوام، مربیان و گروه هم‌سال از دوستان و هم‌بازی‌ها. البته میزان الگوبرداری او نسبت به موارد مذکور یکسان نیست، بلکه از گروه هم‌سال بیشتر است. اگر کودکی را تصور کنیم که به خاطر اشتیاق به بازی پر جنب و جوشی که در او نهفته، به تماشای بازی جمعی از کودکان هم‌سن خود نشسته است، قهرمان بازی تأثیر تحریکی زیادی بر او دارد که در تعلیل آن گفته شده:

«او برای هم‌سالان خود الگو شده و به راحتی بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، آن‌چنان در آن‌ها نفوذ کرده که

۱. «عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام: قالَا يُحْفَظُ الْأَطْفَالُ بِأَعْمَالِ آبَائِهِمْ كَمَا حَفِظَ اللَّهُ الْعُلَّامِينَ بِصَلَاحِ آبِيهِمَا»؛ (عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۳۸، ذیل سوره کهف: آیه ۸۲).

۲. «...رَحِمَ اللَّهُ إِمْرَأَ أَعَانَ وَوَلَدَهُ عَلَيَّ بِرَوْ...»؛ (فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۷).

۳. «تَبَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطْنُونَ أَنْكُمْ تَرزُقُونَهُمْ»؛ (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۳۶).

ناآرام و بی‌امان و با حرص و ولع هر چه تمام‌تر درصدد تشبه، تشاکل و یکتایی میان خود و اوست»<sup>۱</sup>.  
ابن‌سینا می‌گوید:

«باید گروهی باشند که دانش‌آموزان با آن‌ها معاشرت کنند که صفات و عادات پسندیده داشته باشند، زیرا کودک، از کودک فرا می‌گیرد و می‌کوشد عقب نماند»<sup>۲</sup>.

کودک در سنین بالاتر، از شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری الگو می‌گیرد. البته شخصیت‌هایی که دارای نفوذ معنوی‌اند، نقش الگویی به‌سزایی در تربیت، بازی می‌کنند به‌گونه‌ای که تمام ویژگی‌های فکری و روحی و جلوه‌های رفتاری آنان تقلید می‌شود. هر چه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه‌ی پذیرش آماده‌تر باشد نمونه‌برداری کامل‌تر صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup>

افرادی همچون والدین و معلمان، و همچنین نهادهای تأثیرگذار می‌توانند با استفاده از ظرفیت بالای الگوپذیری دوره کودکی، نمونه‌های اخلاقی و رفتاری الگوهای مهدوی را در معرض مشاهده‌ی کودکان قرار دهند تا آموزه‌های مهدوی در وجود آن‌ها نهادینه شود. در این صورت، به‌طور قطع می‌توان شخصیت‌متربی و موقعیت او را در جهت مهدی‌باری و مهدی‌باوری تغییر داد.

### گفتار چهارم: مبانی الگوپذیری در انسان

برای الگوپذیری می‌توان از جهات گوناگون، مبانی مختلفی بیان کرد مانند مبانی دینی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی که در این مجال، جهت اخیر مدنظر است.

<p>یک. تأثیرپذیری از محیط</p> <p>دو. کمال‌طلبی</p> <p>سه. قهرمان‌جویی</p> <p>چهار. نیاز روانی به الگو</p>	}	مبانی انسان‌شناسانه الگوپذیری
---	---	-------------------------------

۱. عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسودما در تبلیغ و تربیت، ص ۱۶۸.

۲. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری کاردان، علی محمد و دیگران، درآمدی بر تعلیم تربیت اسلامی (۱)؛ فلسفه تعلیم و تربیت، جلد اول، ص ۲۸۲.

۳. دلشاد تهرانی، مصطفی. سیری در تربیت اسلامی. ص ۲۴۴.

## یک. تأثیرپذیری از محیط

انسان، به سبب اتحاد نفس و بدن، در شرایط و وضعیتهای مختلف محیطی اعم از زمانی، مکانی، شرایط اجتماعی و ارتباط با هم‌نوعان خود در معرض حالات، احساسات و افکار معینی قرار می‌گیرد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.<sup>۱</sup> از شواهد این تأثیرپذیری طبیعی گسترده، پذیرش عرف و سنت رایج در جامعه و عادت به آداب و رفتار نهادینه شده در متن جامعه است.<sup>۲</sup> دیگر اینکه اگر فردی با جمعی معین محشور باشد، رفته‌رفته به سنخ آنان درمی‌آید.<sup>۳</sup> در قرآن نیز به این نکته اشاره شده؛ آنجا که خداوند بندگان را از نشستن با کفار بازداشته است و درباره‌ی هر که به آن تن دهد، حکم به همانندی کرده است:

«...با آنها ننشینید تا به سخن دیگری پردازند! و گر نه، شما هم مثل آنان خواهید بود».<sup>۴</sup>

ملا محسن فیض کاشانی در این باره می‌گوید:

«طبیعت و سرشت آدمی به گونه‌ای سامان یافته که به سرعت از اخلاق و رفتار نیک و بد دیگران تأثیر می‌پذیرد و چون با نیکوکاران و خوبان همنشین باشد، اخلاق نیکو می‌یابد و چون با بدان دم‌خور شود، از اخلاق بد آنان تأثیر می‌پذیرد».<sup>۵</sup>

از بین مراحل سنّی، کودکان از همه تأثیرپذیرتر هستند؛ به خاطر ویژگی‌هایی از قبیل محدودیت ظرفیت شناختی، زودباوری، وجود روحیه‌ی احساسی و انعطاف‌پذیری زیاد.

## دو. کمال طلبی

انسان به‌طور طبیعی، خود و اهداف و کمالات خود را دوست دارد و از آنجا که بیشتر آنها بالفعل نیستند، خواهان دستیابی به آنهاست.<sup>۶</sup> همچنین به آن مرتبه از کمال که تا کنون به آن دست یافته است، خرسند نمی‌گردد و همواره کمالی بالاتر از آن را می‌جوید.<sup>۷</sup>

۱. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۴.

۲. بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی». فصل‌نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۱، ص ۸۶.

۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۹۵.

۴. «...فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ...» (سوره نساء: آیه ۱۴۰).

۵. بهشتی، محمد، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، نظریه فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۳۴.

۶. مصباح، محمدتقی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۷. همو، دروس فلسفه اخلاقی، ص ۱۶۴.

در کودکان، ظهور و بروز این کمال جویی، در قالب میل به کمال‌های نزدیک، زودگذر، کوچک و کودکانه به چشم می‌خورد. بهترین راه برای رساندن آن‌ها به هدف کمالی‌شان، الگونمایی است، یعنی سیر تکامل و موفقیت دیگران در معرض مشاهده او قرار داده شود. حال باید از این ویژگی فطری برای الگونمایی مهدوی بهره برد؛ بدین صورت که کمال‌طلبی کودک را به سمت الگوهای مهدوی سوق دهیم، یعنی به کودک القا شود که بهترین، زیباترین و موفق‌ترین انسان‌های دنیا الگوهای مهدوی هستند و کمال و موفقیتی که او به دنبالش هست در آن‌ها یافت می‌شود.

### سه. قهرمان جویی

انسان به‌طور طبیعی علاقه‌مند به قهرمان‌ها است.<sup>۱</sup> او دارای روح قهرمان‌پروری است، یعنی می‌خواهد به شخص بزرگی عشق بورزد و او را در زندگی خود الگو قرار دهد. یکی از پشتوانه‌های الگونمایی مهدوی، همین روحیه قهرمان‌دوستی و قهرمان‌جویی است. انتخاب قهرمان، عشق‌ورزی به او و همچنین الگوپذیری از وی در سرنوشت انسان به ویژه در دوره‌ی کودکی و شکل‌دادن به زندگی تأثیر فراوانی دارد. هدایت این تمایل فطری به سوی قهرمانان واقعی و الگوهای والای انسانی می‌تواند کمک مؤثری به پرورش فضائل اخلاقی در فرد و جامعه باشد.<sup>۲</sup> می‌توان این خصلت ذاتی در کودک را به سمت قهرمانان مهدوی جهت‌دهی کرد. این قهرمانان، الگوهای هستند که بسان پلکان رشد، موجبات ترقی و تعالی کودکان در جهت رشد فضایل اخلاقی هم‌سو با رضایت امام مهدی (عج) را فراهم می‌سازند.

### چهار. نیاز روانی به الگو

یکی از نیازهای روانی انسان به‌ویژه در دوره کودکی، تمایل به تربیت‌پذیری، پیروی و الگوپذیری از دیگران است. این جنبه روانی و نیاز درونی، پیوند عمیقی با عواطف و احساسات دارد. از این‌رو، به هر کس یا هر چیزی که علاقه داشته و به نظرش قدری برتر

۱. در واقع، قهرمان‌جویی یکی از مصادیق کمال‌طلبی محسوب می‌شود ولی به‌خاطر اهمیت آن، در عنوان جداگانه‌ای ذکر شد.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ص ۳۸۲.

بوده و شایسته‌ی الگو بودن باشد نزدیک می‌شود و او را به عنوان الگو بر می‌گزینند. اگر بتوانیم زمینه‌های محبوب‌سازی امام زمان عجلتو و الگوهای مهدوی را در کودکان ایجاد نماییم، موفقیت چشم‌گیری نسبت به جهت‌دادن این نیاز روانی به مهدویت حاصل خواهد شد.

«احساس الگوخواهی فطری و درونی از یکسو و مشاهده‌ی سیر تکاملی به کمال رسیدگان از دیگر سوی، انسان را وامی‌دارد تا برای رسیدن سریع‌تر به کمال مطلوب، روش و سیره‌ی آن تکامل‌یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی آگاهانه و هدف‌دار برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با الگوهای خویش در پیش گیرد»<sup>۱</sup>.

### گفتار پنجم: اصول الگونمایی مهدوی

برای روش الگویی، قواعد و اصول کلی وجود دارد که باید در همه‌ی انواع آن مانند معرفی الگو، الگوسازی و الگوپردازی رعایت شود اعم از این که الگوها فکری، عاطفی، اخلاقی و عملی باشند و همچنین اعم از اینکه مخاطب روش، یعنی الگوپذیر کودک یا بزرگسال باشد. لازم به ذکر است که بعضی از آن اصول، ناظر به ویژگی‌های خود الگو بوده و برخی دیگر مربوط به نوع ارائه الگو و الگودهی است. با توجه به موضوع پژوهش پیش‌روی، هر اصل با در نظر گرفتن الگونمایی مهدوی به کودکان توضیح داده خواهد شد.

- |  |                  |
|--|------------------|
| ۱. نمونه و ممتاز بودن الگو                         | } اصول الگونمایی |
| ۲. جذابیت رفتاری الگو                              |                  |
| ۳. هماهنگی رفتار الگو                              |                  |
| ۴. فراهم‌سازی مشاهده کامل الگو                     |                  |
| ۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها |                  |
| ۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگوپردازی      |                  |
| ۷. بهره‌بری از تنوع                                |                  |
| ۸. تناسب و هماهنگی                                 |                  |

۱. مصباح، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۷.



## ۱. نمونه و ممتاز بودن الگو

الگوی مهدوی باید در آن جنبه از معارف مهدویت که به عنوان الگو معرفی می‌گردد، نمونه و ممتاز باشد. حال در آن جهت، یا نمونه‌ی کامل بوده و یا این که حداقل نسبت به دیگران به‌ویژه کودک الگوپذیر، جلوتر و پیش‌تر باشد و در راه تحقق کامل جنبه الگویی، با سرعت و صحت بیشتری حرکت کند. این جنبه الگویی می‌تواند فکری، اخلاقی، عاطفی و یا رفتاری باشد. ممتاز بودن الگوهای مهدوی، نقش به‌سزایی در آموزش کامل‌تر جنبه الگویی به کودک و جذب او به معارف مهدوی ایفا می‌کند.

مثلاً برای تقویت گرایش و عشق کودکان به امام زمان (عج)، باید کسی را به عنوان الگوی عاطفی مهدوی معرفی کنیم که واقعاً در این زمینه ممتاز و نسبت به دیگران پیش‌تر باشد، یعنی عشق و علاقه فراوانی نسبت به حضرت مهدی (عج) داشته و این عشق در سراسر زندگی او جریان دارد و در قالب گفتار، اخلاق و رفتارهای متناسب نمایان شود.

## ۲. جذابیت رفتاری الگو

کودکان، اطراف خود را می‌نگرند و به سوی هر چیز و هر کس که برایشان جذابیت داشته باشد گرایش پیدا می‌کنند. اگر بخواهیم کودک با رغبت درونی به سمت الگوی مهدوی جذب شود و الگوبرداری کند باید آن الگو از جذابیت‌های رفتاری مناسب و کافی برخوردار باشد. روان‌شناسان معتقدند کودکان و نوجوانان، آن بخش از رفتار والدین را تقلید و الگوبرداری می‌کنند که از هر جهت برای آن‌ها جاذبه داشته باشد.<sup>۱</sup> همچنین پیرامون انتقال پیام نیز بر این باورند که جذابیت، یکی از عناصر اصلی ارزیابی پیام‌گیر از پیام‌دهنده است.<sup>۲</sup> بنابراین، جذابیت الگو، در توجه، پذیرفتن، رغبت و همانندسازی نسبت به پیامی که از طریق نمایش الگو به کودک منتقل می‌شود، نقش دارد.

جذابیت‌ها به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

جذبیت‌های الگو } جذبیت بیرونی } جذبیت درونی
---

۱. کرمی، رضاعلی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، ص ۱۴.

۲. اتکینسون و دیگران، زمینه روان‌شناسی، ج ۲، صص ۴۰۷ و ۴۰۸ به نقل از مهدی‌زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۲۵.

جذابیت درونی رفتار به این معنی است که شیوه و کیفیت انجام رفتار به خودی خود در نظر کودک زیبا و جذاب جلوه‌نمایی کند. به‌عنوان مثال، خادمان مکان‌های منتسب به امام زمان علیه السلام مانند مسجد جمکران از جمله مصادیق الگوی مهدوی می‌توانند باشند. اگر تعدادی از آن‌ها با شرکت در دوره‌های تربیت‌مربی کودک، با مهارت‌های جذاب‌سازی گفتار و رفتار در ارتباط با کودک آشنا شوند، می‌توانند با ایجاد جاذبه در خود، کودکان را به حضرت مهدی علیه السلام و معارف مهدوی علاقه‌مند نمایند. مثلاً در لحظه ورود کودکان به مسجد، توجهی ویژه و استقبال گرم از آن‌ها داشته باشند با اموری مانند خوش‌اخلاقی، ادب کامل، پذیرایی مناسب، اعطای هدیه و آماده‌سازی جایگاهی خاص برای کودکان. جذابیت‌های بیرونی، یعنی اموری مستقل و جدای از رفتار که باعث جذابیت آن رفتار نزد کودک می‌شود. مانند توجه ویژه، تمجید، تحسین و تشویق الگوی مهدوی در برابر کودک به‌خاطر انجام رفتار متناسب با جنبه الگویی‌اش. در سیره‌ی تربیتی معصومین علیهم السلام نیز، فراوان از تشویق و ترغیب استفاده شده که شاید به‌خاطر ایجاد انگیزه برای انجام، تکرار و تداوم رفتار باشد.<sup>۱</sup> بنابراین، زمانی که اطرافیان، به رفتار الگوی مهدوی توجهی ویژه نشان داده و از آن به نیکی یاد کنند و الگو را تشویق نمایند، کودک سعی می‌کند عین همان رفتار را انجام دهد، زیرا دوست دارد مرکز توجه اطرافیان باشد و چنین توجهاتی در مورد او نیز اعمال گردد.

### ۳. هماهنگی رفتار الگو

رفتار الگوی مهدوی، باید در سه مورد هماهنگ باشد که عبارتند از:

#### الف) هماهنگی بین رفتار و گفتار الگو

این‌گونه هماهنگی یعنی کودک بین گفتار و عمل الگو، هماهنگی کاملی مشاهده نماید. برای تحقق آن، باید الگو طبق باورها و گفته‌های خود عمل کند به‌گونه‌ای که رفتار او، باورها و گفته‌هایشان را تصدیق نماید.<sup>۲</sup> اگر کودک مغایرت بین آن‌دو را احساس کند متحیر و سرگردان می‌ماند، نسبت به توصیه‌ها دچار تردید شده، اعتمادش را از دست می‌دهد و

۱. رکنه داوودی، محمد و حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، صص ۱۷۲ و ۱۹۴ و ۲۵۸.

۲. مهدی‌زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۶۵.

ممکن است آشفتگی و دوگانگی رفتاری به دنبال داشته باشد. مثلاً اگر پدر به عنوان الگویی مهدوی، توصیه به دعا نمودن برای تعجیل ظهور می‌کند، خود نیز بدان عامل باشد به ویژه در مقابل فرزند خود.

### ب) هماهنگی رفتار الگو در موقعیت‌های مشابه

این نوع هماهنگی به این معنی است که اگر الگوی مهدوی در مقطعی از زندگی، رفتاری از خود نشان داد، این رفتار تداوم و استمرار داشته باشد و در موقعیت‌های مشابه هم تکرار گردد نه این که مثلاً هر کدام از والدین در جایی به گونه‌ای عمل کنند و در جای دیگر به گونه‌ای دیگر.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه، والدین در حضور دیگران یا هنگام سفر به قم و جمکران، در مراسم دعای ندبه شرکت کنند و با کیفیت خوبی آن را به جا آورند؛ ولی در وطن، خانه و خلوت به آن اهمیت ندهند. یا در مسجد بعد از اقامه نماز، جهت تعجیل در ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند و در خانه این چنین نباشند. البته اگر واقعاً موقعیت‌ها مشابه نبوده و موانعی بر سر راه هماهنگی مذکور است، باید با زبان کودکانه موقعیت‌ها و شرایط خاص آن‌ها را برای او توضیح داد و گمان یکسانی موقعیت‌ها و انتظار تشابه رفتاری را در ذهنش رفع نمود.

### ج) هماهنگی رفتار الگو با گفتار و رفتار الگوهای دیگر

گاهی اوقات رفتار یک الگو با رفتار الگوی دیگر تفاوت و یا حتی تضاد دارد و کودک نمی‌داند کدام را الگو قرار دهد و بر اساس آن عمل نماید. مثلاً مادر در انجام هر کاری به دنبال مطابقت آن با رضایت حضرت مهدی علیه السلام است و این امر را به زبان می‌آورد، ولی پدر توجهی به آن ندارد و حتی ممکن است چنین تفکری را در برابر فرزندان مورد بی‌توجهی و تمسخر قرار دهد. از آنجا که خمیرمایه‌ی شخصیت کودک در کانون خانواده شکل می‌گیرد و تقلید از اعضای آن از برجسته‌ترین ویژگی‌های او است، هماهنگی مذکور در رشد شخصیت و تفهیم معیارهای اخلاقی به وی بسیار تأثیرگذار است.

در الگونمایی به کودک، اگر اصل هماهنگی (اعم از سه مورد فوق)، رعایت نشود آسیب‌های جدی همچون تردید در صحت رفتار الگو دامن‌گیر او خواهد شد.<sup>۲</sup>

۱. داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۴.

۲. ر.ک. همین فصل، گفتار نهم؛ آسیب‌شناسی، صص ۲۰۴-۲۰۶.

#### ۴. فراهم سازی مشاهده کامل الگو

پس از جلب توجه کودک به الگوی مهدوی، فراهم سازی زمینه جهت مشاهده‌ی دقیق، عمیق و صحیح از جنبه‌ی الگویی، از اهمیت خاصی برخوردار است. چنانچه بیان شد؛<sup>۱</sup> در الگونمایی می‌توان از مشاهده یا آنچه به منزله آن است مانند توصیف گفتاری الگو و نمایش فیلم استفاده نمود، ولی بهترین حالت آن است که والدین و مربیان، خود را به زیور اخلاق و رفتارهای نیکو و مرتبط با مهدویت آراسته نمایند و در معرض مشاهده کودک قرار دهند. به هر حال باید با استفاده از روش‌ها و قالب‌های مناسب، الگوی مهدوی چنان در برابر توجه و نظر کودک قرار گیرد که مشاهده‌ی مذکور حاصل شود. در غیر این صورت، فرایند الگوگیری دست‌خوش تحریفی ناخواسته خواهد شد، یعنی تصورات غلطی از جنبه الگویی در ذهن کودک نقش می‌بندد و هر چه بر الگوگیری ترغیب، تشویق و تأکید شود در واقع بر نهادینه‌سازی رفتاری اشتباه تأکید شده است.

یکی از ثمرات اصل فراهم‌سازی مشاهده این است که وقتی کودک چشم‌انداز کمال خود را در زمینه‌ی مهدویت به‌راحتی در الگوی خویش ببیند، بین خود و او فاصله‌ی زیادی احساس نمی‌کند، از لحاظ فکری و عاطفی خود را به او نزدیک می‌کند و در نتیجه بازپدیدآوری رفتارها و حالات او را در خود شش‌دنی و ممکن می‌داند نه دست‌نیافتنی و رؤیایی. همچنین در صورت مشاهده‌ی صحیح است که کودک می‌تواند او را دوست داشته و احساس یگانگی و محب و محبوب‌بودن در او شکل گیرد و با این احساس، ناخودآگاه به همانندسازی با الگو مشغول باشد و از این کار لذت ببرد. اگر بین الگو و کودک فاصله‌ای حائل گردد؛ به مرور زمان ارتباط و جریان الگوگیری تضعیف می‌شود.

#### ۵. انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب با لحاظ معیارها

قبل از اقدام به فرآیند الگونمایی مهدوی، لازم است با مطالعه معارف مهدویت، الگو و جنبه الگویی مناسبی انتخاب شود. مقصود از جنبه مناسب، حالت یا رفتاری از الگو است که معیارهای گزینش آموزه مهدویت از قبیل قابل فهم بودن، سودمندی و قابلیت

۱. ر.ک: همین فصل، گفتار یکم، ذیل عنوان «تعریف پیشنهادی و نکات آن»، صص ۱۵۱-۱۵۲.

الگوبرداری را داشته باشد که قبلاً توضیح داده شد.<sup>۱</sup> افزون بر آن‌ها، آثار تربیتی داشتن، قابل مشاهده بودن و محوریت بر واقعی بودن را نیز می‌توان در نظر گرفت.

- |   |   |  |
|---|---|--|
| <p>(۱) قابل فهم بودن جنبه الگویی برای کودک</p> <p>(۲) سودمندی به ویژه دارا بودن آثار تربیتی</p> <p>(۳) قابلیت مشاهده*</p> <p>(۴) قابلیت الگوبرداری و تقلیدپذیری*</p> <p>(۵) محوریت بر واقعی بودن*</p> | } | معیارهای انتخاب الگو و جنبه الگویی مناسب |
|---|---|--|

در این جا متناسب با بحث الگونمایی، به توضیح سه شاخص بسنده می‌کنیم.

#### معیار اول: قابلیت مشاهده

رفتارهایی که کودک مشاهده می‌کند، بهتر فهمیده و یاد می‌گیرد. همچنین شرایط انجام و آثار آن بیشتر برای وی ملموس و محسوس است. حال اگر رفتاری برای الگونمایی انتخاب شود که قابلیت مشاهده برای کودک را نداشته باشد و صرفاً ذهنی باشد، الگوبرداری صحیح و کامل انجام نخواهد شد.

مثلاً والدین کودک، در مسجد جمکران مرتب به او توصیه کنند:

«حواست پرت نشود، تو حال معنوی خودت باش، نکند غافل باشی، سعی کن مثل ما

دلت متوجه امام زمان باشه...»

این گونه جملات افزون بر اینکه قابل فهم برای کودک نیست، بلکه قابل مشاهده برای او نیز نیست؛ زیرا از سنخ حالات درونی انسان است. در چنین مواردی باید از قبل، مظاهر و نمادهای بیرونی آن حالات، یعنی رفتارها و حالات ظاهری قابل مشاهده مرتبط با آن‌ها را برای کودک بیان کنیم تا هم با آن‌ها آشنا شود و فهم صحیحی از آنان پیدا کند و هم بتواند از حرکات ظاهری آن‌ها الگوبرداری نماید. البته در چنین تقلیدهایی، پشتوانه معرفتی بسیار کم است و باید برای رشد و تقویت آن برنامه‌ریزی و تلاش کرد.

۱. ر.ک: فصل دوم، گفتار سوم؛ معیارهای گزینش، صص ۷۶-۸۳.

### معیار دوم: قابلیت الگو برداری و تقلید پذیری

از آنجا که غرض از معرفی الگوی مهدوی به کودک، الگو برداری است، باید جنبه‌هایی از آن الگو به وی نشان داده و معرفی شود که قابلیت الگو برداری و تقلید از آن برای کودک وجود داشته باشد مانند مهرورزی نسبت به دیگران، دعا برای سلامتی و ظهور امام زمان عج در قالب عباراتی کوتاه.

بنابراین، شایسته نیست بر جنبه‌هایی تأکید شود که به خاطر محدودیت ظرفیت فکری، عاطفی و یا جسمی دوره کودکی، امکان تقلید از آن‌ها برای کودک نباشد. مانند برخی اوصاف مافوق بشری حضرت مهدی عج که حتی افراط در بیان آن‌ها، آسیب‌های جدی معرفتی به دنبال دارد.<sup>۱</sup> همچنین انجام کارهایی که فراتر از توان و حوصله کودک است، مثل حضور کامل در دعای ندبه و خواندن نماز امام زمان عج.

### معیار سوم: محوریت بر واقعی بودن

یکی دیگر از معیارهای انتخاب جنبه الگویی، آن است که غالباً و تا حد امکان از الگوی واقعی اتخاذ شده باشد. البته با توجه به این که کودکان به شخصیت‌های تخیلی در قالب داستان و فیلم، علاقه‌ی فراوانی از خود نشان می‌دهند، می‌توان در اجرای الگونمایی، از این ظرفیت تخیل دوستی نیز استفاده کرد. مثلاً درباره یک شخصیت خیالی هم‌سن او، قصه‌ای با محتوای معرفی رفتارهای پسندیده‌ای که از او سر می‌زند بیان کنیم یا از کودک بخواهیم با بهره‌گیری از خلاقیت خود، قصه‌ای درباره همان محتوا بسازد. ولی به نظر می‌رسد از الگوهای تخیلی صرفاً برای جلب توجه، جذب و ایجاد هیجان در کودکان باید استفاده کرد. بر این اساس، زیاده‌روی در معرفی و نمایش الگوی تخیلی بدین صورت که تمام فضای آرمانی ذهن کودک از این نوع الگوها پر گردد، باعث می‌شود او خود را در یک دنیای غیر واقعی ببیند و زمینه اندیشه‌های واقع‌مدارانه از او سلب شود و در نتیجه روند الگو برداری مختل خواهد شد.

«تا زمانی که شخصیت‌های یک داستان تنها ریشه در ذهنیت و تخیلات نویسنده داشته باشد و مخاطب، آنها را تنها شخصیت‌های اسطوره‌ای و قهرمان‌هایی خیالی بپردازد که در مدینه‌ی فاضله

۱. ر.ک: فصل دوم، گفتار سوم، ذیل معیار «قابلیت الگو برداری»، ص ۸۳.

می‌زیسته‌اند، هیچ‌گاه قادر نخواهد بود تا ارتباط دقیق و کاملی با آن شخصیت‌ها برقرار سازد و آن‌ها را سرمشق زندگی خویش قرار دهد.<sup>۱</sup>

بنابراین، به‌منظور تقویت تفکر واقع‌گرایی در کودک و همچنین هماهنگی و تناسب او با الگو و در ادامه تحقق احساس اشتراک و قرابت در او نسبت به آن الگو،<sup>۲</sup> لازم است محوریت با الگوهای واقعی و حقیقی باشد و بیشتر، از آن‌ها استفاده گردد. وقتی در قرآن حکیم که مملو از آموزه‌های تربیت‌ساز برای انسان است بنگریم، درمی‌یابیم که فقط به الگوهای واقعی پرداخته شده و این نکته‌ای است قابل تأمل و دقت.

«مخاطب در داستان‌های قرآنی، خود را با شخصیت‌های واقعی مواجه می‌بیند که نقش‌هایی حقیقی را در صحنه‌ی زندگی ایفا نموده‌اند و تجربیات تلخ و شیرین را برای ما به ارمغان گذاشته‌اند، به‌گونه‌ای که اگر نیک بنگریم نمونه‌های متعددی از شخصیت‌های داستانی قرآن را خواه از ابرار یا از اشرار می‌توانیم در زندگی خود سراغ بگیریم.»<sup>۳</sup>

## ۶. آگاهی دهی در مورد امور مرتبط با الگوبرداری

الگونمایی مهدوی باعث پیروی عملی کودک از الگو می‌شود و هدف در آن، به‌عنوان یک روش تربیتی، پرورش متربی در همه ابعاد از جمله نیروی تفکر جهت‌دستیابی به بصیرت و بینش صحیح نسبت به معارف مهدویت است. در این راه، آگاهی‌دهی به الگوپذیر، پیش‌فرض<sup>۴</sup> یا شرطی<sup>۵</sup> مهم و اساسی به‌شمار می‌آید، زیرا در عرصه‌ی اسوه‌پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت و شناخت کامل می‌باشد.<sup>۶</sup> قرآن نیز کسانی را که در پیروی از دیگران، با کوردلی به هر چه که بیابند اقتدا می‌کنند، نکوهش می‌کند و آنان را به بصیرت فرا می‌خواند.<sup>۷</sup>

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۹.

۲. درباره هماهنگی و وجوه اشتراک بین الگو و الگوپذیر، نکات مهمی ذکر خواهد شد. ر.ک: همین گفتار، ذیل اصل «تناسب و هماهنگی»، صص ۱۲۳-۱۲۶.

۳. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، صص ۲۹-۳۰.

۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۱۰۴.

۵. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۳۲.

۶. مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۱۲ - ۲۱۴.

۷. آیات مربوط به این موضوع، ذکر خواهد شد. ر.ک: همین فصل، گفتار هفتم، صص ۱۹۸-۲۰۰.

آگاهی دهی سبب می شود الگوبرداری کودک، همراه با پشتوانه فکری محکم و تزلزل ناپذیر باشد. این همراهی، باعث ماندگاری و استمرار رفتار و حالات الگو در کودک می شود. همچنین باعث می گردد کودک در مواجهه با الگو، با بصیرت به گزینش و انتخاب گری نسبت به الگو و جنبه های الگویی وی اقدام نماید. البته میزان و نوع آگاهی و هدف داری در الگوپذیری ها متفاوت است؛

«لحاظ عنصر آگاهی و هدف داری در الگوپذیری ها، گاه کامل است یعنی شخص پس از تفکر، استدلال، تجزیه و تحلیل عقلی و با بصیرت کامل به تقلید از الگو می پردازد؛ ولی گاه در حد کمال نیست و الگوپذیر به دلیلی ارتکازی، به تقلید خویش مبادرت می ورزد که بعداً این دلیل می تواند از ابهام در آید و به وضوح بیوندد. بر این اساس، عمده اعمال تقلیدی انسان آگاهانه و هدف دار است؛ هرچند بسیاری از افراد در تعیین ملاک های الگوپذیری و تشخیص الگوهای شایسته دچار اشتباه می شوند»<sup>۱</sup>.

اکنون به چهار مورد از موضوعاتی که در هنگام الگونمایی باید به کودک منتقل شود اشاره می گردد:

- |   |   |  |
|---|---|--|
| (الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو<br>(ب) تشخیص مصداق<br>(ج) اهداف و دلایل<br>(د) شیوه های الگو برداری<br>(ه) مراحل الگو برداری | } | اموری که لازم است در الگونمایی آگاهی دهی شود |
|---|---|--|

### الف) جنبه الگویی و معیار معرفی الگو

در الگونمایی مهدوی لازم است آن جنبه یا معیار و شاخصی که باعث الگوبودن شده است به طور دقیق برای کودک الگوپذیر بیان شود. به عبارت دیگر، جنبه ی الگویی الگو روشن گردد تا کودک با آگاهی از آن، در همان جهت و جنبه، از او پیروی کند. مثلاً در برابر کودک، از شخصی تعریف و تمجید می کنند و مرتب به او می گویند: «تو هم باید مثل

۱. مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۱۲ - ۲۱۴ با تلخیص.



آن شخص باشی»؛ اما جنبه الگویی را دقیقاً مشخص نمی‌کنند و در نتیجه کودک آگاهی کافی از آن ندارد. لازم به ذکر است که کارآمدی این نوع آگاهی‌دهی، بیشتر در معرفی الگوهای غیرجامع است با این توضیح که:

گروهی از الگوهای مهدوی، از همه نظر نمونه و کامل بوده و با در نظر گرفتن ویژگی‌هایی که برای جنبه الگویی مناسب بیان شد،<sup>۱</sup> می‌توان در جهاتی بیشتر از جنبه الگویی مد نظر، از آنان الگوبرداری کرد. بدین صورت که کودک در کنار توجه به جنبه الگویی، با صفات دیگر آنها نیز آشنا شده و الگوبرداری نماید. مصداق اتم این نوع الگو، معصومین علیهم‌السلام هستند.

اما غالب الگوهای مهدوی، جامع همه خصوصیات ذکر شده (در معناشناسی الگوی مهدوی) نبوده و از همه نظر نمونه و کامل نیستند. حتی ممکن است برخی از آنان عیوب اخلاقی و رفتاری خاصی داشته باشند که قبل یا هنگام الگونمایی آشکار نگردد. چنین الگوهایی، در همه جهات الگو نبوده بلکه در یک یا چند بُعد، جنبه‌ی الگویی دارند. به همین خاطر باید حداکثر در همان جنبه‌ای که نمونه است، به عنوان الگو معرفی و الگوبرداری شود. در غیر این صورت، ممکن است کودک دچار مغالطه الگویی شود که توضیح آن در بحث آسیب‌شناسی خواهد آمد.<sup>۲</sup>

الگودهی دینی، از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که حتی برخی معتقدند اسوه‌های دینی و اخلاقی لازم است در تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی، صاحب فضایل و کمالات و برتری قابل توجه باشند تا شأنتیت پیروی و تقلید و مورد توجه بودن را داشته باشند.<sup>۳</sup> بنابراین در بخش الگوهای غیرجامع، بهتر است الگویی معرفی گردد که نسبتاً کامل بوده و افزون بر جنبه الگویی، دیگر خصوصیات فکری، روانی و رفتاری او نیز آسیب‌زا نباشد.

۱. ر.کد همین فصل، گفتار یکم، توضیحات ذیل عنوان «الگوی مهدوی»، ص ۱۴۸-۱۴۹ و همچنین ر.کد گفتار پنجم، معیارهای ذیل اصل شماره ۵، صص ۱۶۵-۱۶۸.

۲. ر.کد همین فصل، گفتار نهم، مغالطه الگویی، صص ۲۰۰-۲۰۲.

۳. ر.کد صناعی، مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، صص ۱۸۹-۲۰۲ و بستانی، محمود، اسلام و روان‌شناسی (اسلام و علم النفس)، صص ۳۹-۵۴.

## ب) تشخیص مصداق

این نوع آگاهی، در جایی لازم است که الگویی برای کودک توصیف لفظی شود و او برای الگوبرداری باید بر اساس تصویری که از آن پیدا کرده، عمل نماید و یک مصداق خارجی در رفتارش برای آن ایجاد کند و یا اینکه مصداق عملی آن را در بین اطرافیان بیابد. همچنین این گونه آگاهی، در جایی به کار می آید که کودک، چند الگو با یک جنبه الگویی مشترک مشاهده کند و نداند کدام یک از آنها، مصداق کامل و برتر جنبه‌ای است که به او قبلاً معرفی شده است. برخی، آگاهی پیرامون تشخیص مصداق را تحت دو عنوان «تشخیص مصداق کمال» و «تعیین مصداق کامل» بررسی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ضرورت انتقال و آگاهی‌های مذکور، آن است که غرض و هدف اصلی از الگونمایی مهدوی به کودکان، آشناسازی آنان با الگوهای مهدوی به‌ویژه حضرت مهدی (عج) است. اما گاهی اوقات، مسیر این هدف دچار آسیب از ناحیه مصداق می‌شود. یعنی مفاهیم و گزاره‌های الگوی مهدوی برای کودک بیان شده و او نیز تا حدودی آنها را فهمیده است، ولی به مرحله عمل و الگوبرداری که می‌رسد، در تطبیق آن عناوین بر مصادیق خارجی دچار اشتباه می‌شود. این امر، به‌خاطر عدم آگاهی کافی و عدم تشخیص کودک نسبت به مصداق مورد نظر می‌باشد. بنابراین، کودک نیاز به اطلاعاتی پیرامون جنبه الگویی دارد که در تشخیص مصداق جنبه الگویی و الگوی کامل موفق شود. پس شایسته است در هنگام الگونمایی مهدوی آگاهی‌های لازم درباره آن تشخیص به وی داده شود.

انسان به‌طور طبیعی حالات و رفتارهای دیگران را پس از مشاهده، مقایسه می‌کند. در بحث الگوپذیری، این ویژگی از حساسیت بیشتری برخوردار است، زیرا پس از مقایسه، هر حالت، فکر و رفتاری را که بهتر دانست می‌پسندد و تقلید می‌کند. در کودکان این فرآیند سریع‌تر رخ می‌دهد؛ چون ظرفیت شناختی آنها بسیار محدود است و خیلی زود رفتاری را انتخاب و الگوبرداری می‌کنند. از نشانه‌های بارز این ترازوی قضاوت، این است که کودکان مرتب این‌گونه می‌پرسند:

«الان وقت اذان شده است، مامان مشغول نماز شده پس چرا بابا نمی‌آید؟ بابا صبح زود بیدار شده و سر کار می‌رود، چرا مامان این‌قدر می‌خوابد؟ و...»

۱. ر.ک: مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. صص ۲۲۱ و ۲۲۲ و جاس از زلال کوشا، ص ۶۹.

بنابراین، شایسته است از میان حالات و رفتارهای مشابهی که در الگوهای متعدّد و یا در الگوی واحد در موقعیت‌های مختلف رخ می‌دهد، بهترین و کامل‌ترین آن‌ها به کودکان معرفی و شناسانده شود و پیرامون آن، آگاهی‌های لازم و کافی ارائه شود. حتی اگر رفتاری مانند دعا کردن برای ظهور، در الگویی به صورت ناقص و کم‌کیفیت مشاهده شد، کودک را در جهت الگوپذیری از آن تشویق و در ادامه، افق‌های بالاتر و کامل‌تر از آن را هم برای او ترسیم نماییم. مثلاً در مورد دعا نمودن مذکور، مصادیقی به کودک نشان دهیم که آداب و شرایط دعا را بیشتر رعایت می‌کنند و با کیفیت بهتری انجام می‌دهند مانند با وضو بودن، رو به قبله بودن و توجه به دعا در هر دو حالت گرفتاری و آسایش.

البته باید توجه داشت که پیامبر ﷺ و اهل بیت  تنها اسوه‌هایی هستند که خداوند حکیم به اطاعت، تبعیت، اقتدا و الگوبرداری از آن‌ها امر فرموده است. این امر الهی، نشان‌گر صحت و کامل بودن تمامی افکار، حالات و اعمال ایشان است. بر این اساس، تنها اسوه‌های کامل مهدوی، چهارده معصوم  هستند و آخرین آنها حضرت مهدی  است. بنابراین نهایت تلاش ما در روش الگونمایی مهدوی، آشناسازی کودکان با آن حضرت به عنوان مصداق انسان کامل می‌باشد.

### ج) اهداف و دلایل

در این بحث، اهداف و دلایل دو گونه‌اند.

گونه اول، اهداف و دلایل کلی الگوبرداری که نقش ترغیبی و اعتمادسازی دارند و باعث پذیرفتن جنبه الگویی یا قبول کسی به عنوان الگو می‌گردد. مثلاً به کودک می‌گوییم: «برای اینکه امام زمان  ما را دوست داشته باشند و از ما راضی و خشنود شوند، باید هر کاری ایشان انجام می‌دهند ما هم عمل کنیم؛ مانند سر زدن به فقرا و محرومین».

گونه دوم، اهداف و دلایل جزئی است که سبب بروز یکایک حالات و رفتارهای الگو است. هدف‌ها و ادله‌ای که الگو برای انجام رفتارهایش دنبال می‌کرده، اگر قابل فهم و متناسب برای کودک باشد برایش تبیین می‌گردد. در صورتی که کودک آن را بپذیرد اتحاد هدف الگو و الگوپذیر پیش می‌آید که تأثیر معرفتی و عاطفی مهمی در روند الگوپذیری و الگوبرداری دارد. اما اگر قابل فهم یا متناسب نبود، به ناچار باید اهداف و دلایل جزئی دیگر با زبان کودکانه بیان گردد. مثلاً رفتن به مسجد جمکران، یک جنبه الگویی والدین

می‌تواند باشد. پیرامون هدف جزئی از الگوبرداری کودک از آن رفتار می‌توان به او گفت: «در مسجد جمکران، کسانی می‌آیند که حضرت مهدی علیه السلام را دوست دارند و برای ظهور ایشان دعا می‌کنند؛ پس وقتی می‌رویم آنجا با تعداد زیادی از آنها آشنا می‌شویم و ممکن است مطالب زیبایی در مورد حضرت از آنها بشنویم، دسته‌جمعی که دعا کنیم زودتر خدا حاجتمان را می‌دهد و...»

در الگونمایی مهدوی، لازم است در مورد هر دو نوع هدف مذکور (کلی و جزئی)، آگاهی‌های لازم و قانع‌کننده با شیوه‌ها و قالب‌هایی متناسب با ظرفیت شناختی و عاطفی مراحل رشد در دوره کودکی به کودک منتقل شود. در غیر این صورت دچار آسیب بی‌رغبتی و ترک رفتار خواهد شد.

لازم به ذکر است که تبیین دلایل کلی و اولیّه‌ی تقلید برای کودک باعث می‌شود آن دلایل را نسبت به کارهای مثبت دیگر نیز سرایت دهد و آنها را مثل جنبه الگویی با علاقه و پشتوانه‌ی معرفتی انجام دهد و در نتیجه ماندگار شود. اگر کودک نسبت به دلایل برخی حالات و اعمال الگو آگاهی نداشت یا این‌که به خوبی متوجه نشد، دلایل اولیّه پذیرش الگو به کمک او می‌آید و این اعتماد، او را در مسیر همانندسازی یاری خواهد کرد. مثلاً مادر خانواده به عنوان الگوی مهدوی، همیشه خانه را تمیز و مرتب نگه می‌دارد. شایسته است خود او یا دیگر اعضای تأثیرگذار خانواده، دلایل آن را مرتبط با رضایت امام مهدی علیه السلام بیان کنند. به عنوان مثال بگویند: «امام زمان علیه السلام از تمام کارهای ما خبر دارند. اگر خانه‌ی ما از نظر پاکیزگی و مرتب‌ی آن‌گونه باشد که ایشان می‌خواهند آن وقت از ما راضی‌تر بوده و بیشتر ما را دوست دارند و در زندگی کمکمان می‌کنند.»

برخی، از طرح مسأله‌ی «اقتدا به هدایت» در قرآن کریم، ایمان به هدف الگو را برداشت کرده‌اند که مقدمه لازم آن، آگاهی نسبت به هدف است.

«آنچه ضروری است، ایمان به هدف و رهبران الهی و الگوهای شایسته است و نه شخص آن‌ها. از این‌رو می‌بینیم خداوند، پیامبر را مأمور به تبعیت از خط فکری و جریان هدایت‌طلبی پیامبران نموده است

و فرموده: **فِيهِدَاهُمْ اِقْتَدِهٖ**<sup>۱</sup>؛ به هدایت آنان اقتدا کن، و نفرموده است که به شخص ایشان اقتدا نما.<sup>۲</sup> البته در تفسیر المیزان دلایل دیگری نیز برای دستور الهی مبنی بر اقتدا به انبیا و رسولان بیان شده است.<sup>۳</sup> در جایی دیگر از قرآن هم، در خطاب حضرت شعیب به قومش سخن از ایمان به شخص او نیست، بلکه سخن از: «ایمان به آنچه برای آن فرستاده شده است»<sup>۴</sup> می‌باشد.

#### د) شیوه‌های الگوبرداری

برای تقلید و الگوبرداری کودک، انواع و شیوه‌هایی می‌توان در نظر گرفت<sup>۵</sup> که اگر به آن‌ها توجه شود فرآیند همانندسازی با سرعت و تأثیرگذاری بیشتری طی می‌شود. آگاهی از آن‌ها نخست برای شخص یا نهاد الگودهنده‌ای که قصد الگونمایی مهدوی دارد لازم است. همچنین در برخی موارد باید آن شیوه‌ها به کودک آموزش داده شود. اهمیت این نوع آگاهی از آن جهت است که اگر کودک مورد تأکید و اصرار بر تقلید از الگوی مهدوی قرار گیرد، ولی ندانیم چه نوع تقلیدی برای مرحله سنی او میسر است و یا کودک پیرامون شیوه صحیح الگوبرداری آگاهی‌های لازم را نداشته باشد، نمی‌توان امید داشت که در الگونمایی مهدوی موفقیت قابل توجهی حاصل شود.

#### ه) مراحل الگوبرداری

برای تقلید و الگوبرداری که نوعی یادگیری مشاهده‌ای است و از آن به عنوان مهم‌ترین عامل رشد و یادگیری یاد شده،<sup>۶</sup> مراحل بیان گردیده است. لازم است کسانی که عهده‌دار الگونمایی مهدوی به کودکان هستند آن‌ها را مورد توجه قرار دهند. اگر مربی و والدین

۱. سوره انعام: آیه ۹۰.

۲. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۲.

۳. ر.ک. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۰۲.

۴. «وَ اِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ اٰمَنُوْا بِالَّذِيْ اَرْسَلْتُمْ بِهِ وَ طَائِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوْا فَاصْبِرُوْا حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ بَيْنَنَا وَ هُوَ خَيْرُ الْحٰكِمِيْنَ؛ و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند، و گروهی ایمان نیاورده‌اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او برترین داوران است»؛ (سوره اعراف: آیه ۸۷).

۵. ر.ک. همین فصل، گفتار هفتم: انواع و شیوه‌های الگوبرداری، صص ۱۸۵-۱۸۸.

۶. کدیور، پروین، روان‌شناسی اخلاقی، صص ۱۰۲ و ۱۰۸.

بدانند کودک در فرآیند تقلید، در چه مرحله‌ای قرار دارد بهتر می‌توانند در الگوپذیری به او کمک کنند و انتظاری متناسب با همان مرحله داشته باشند. برخی، سه مرحله «مشاهده، اکتساب و پذیرش» را برای تبعیت از الگو مطرح کرده‌اند و معتقدند «پذیرش» نیز در چهار شکل رخ می‌دهد با این توضیح که؛ پذیرش یا به صورت تقلید است یا تقابل و هر یک از این دو مورد نیز می‌تواند به طور مستقیم یا غیرمستقیم روی دهد.<sup>۱</sup>

آلبرت بندورا، برای یادگیری مشاهده‌ای، چهار مرحله ذکر کرده که به این شرح است:

#### یک. توجه

یادگیرنده یا مشاهده کننده به الگو یا سرمشق که معمولاً انسان زنده در حال انجام کار است، توجه می‌کند.

#### دو. به یادسپاری

یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده می‌کند، به طور شناختی بازنمایی می‌کند؛ یعنی آن را به حافظه می‌سپارد.

#### سه. بازآفرینی حرکتی

اگر یادگیرنده توانایی‌های لازم را داشته باشد، رفتار مشاهده شده را تولید و اصلاح می‌کند.

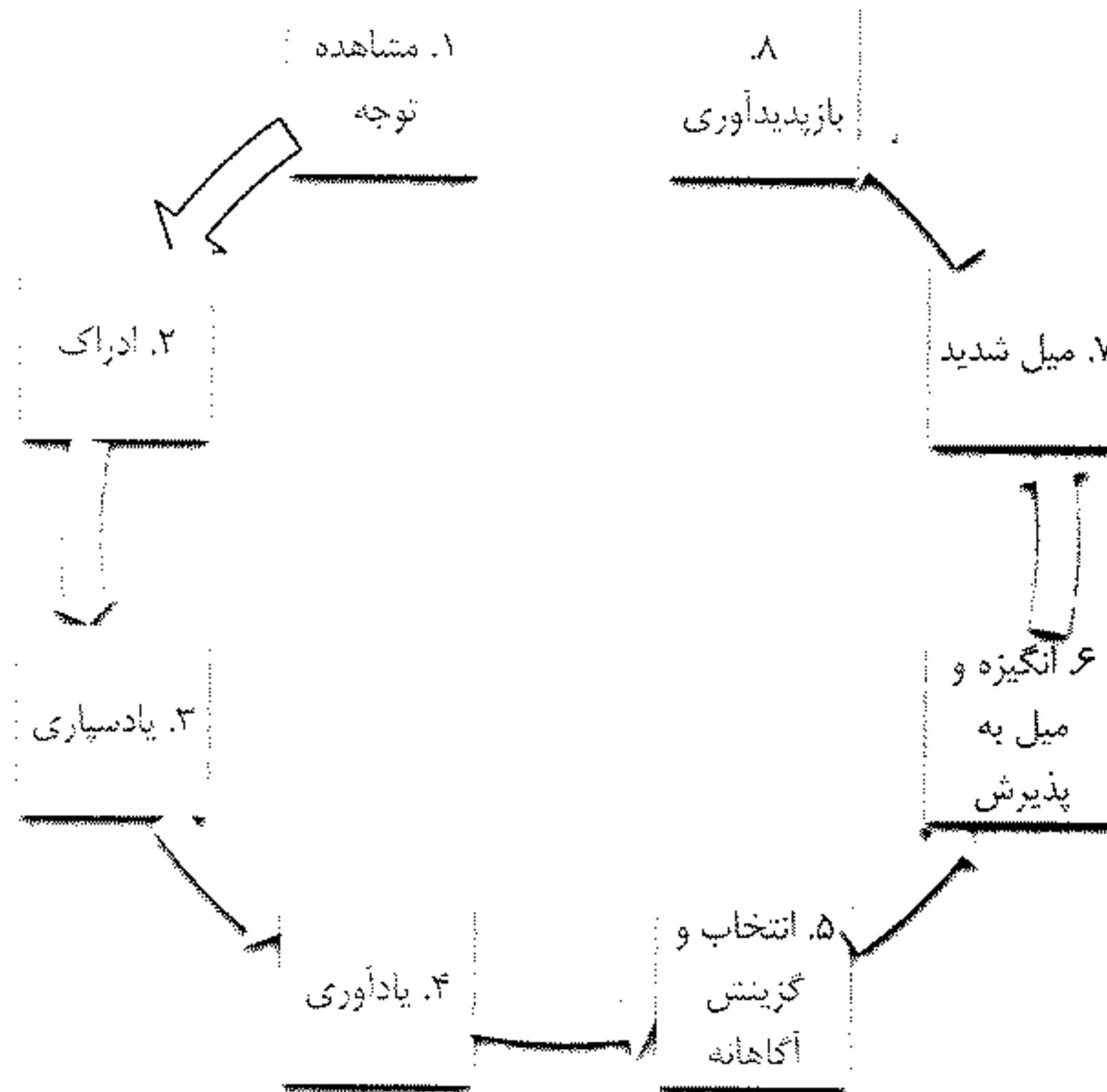
#### چهار. انگیزش

در شرایط مناسب، انگیزش و تشویق یادگیرنده، رفتاری را که مشاهده کرده است به عملکرد تبدیل می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. ر. کد صلاحی محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه. ص ۵۰-۷۵ و نیک‌گهر، عبدالحسین، میانی جامعه شناسی، ص ۱۵۹ و خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی»، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۸.

۲. سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، ص ۲۸۹.

البته می‌توان مراحل دقیق‌تری برای الگوبرداری بیان کرد به‌گونه‌ای که در نمودار زیر مشخص شده است.



هر کدام از مراحل مذکور را می‌توان با توجه به الگونمایی مهدوی، مورد بازبینی و بازشناسی قرار داد و برای رشد و تقویت کودک در هر یک از آن‌ها، راه‌کارهایی ارائه کرد که خود پژوهشی مستقل می‌طلبد. یکی از آن راه‌کارها، آموزش برخی از مراحل مذکور به کودک است مثلاً در جمعی کودکان می‌گوییم: «بچه‌ها ببینید علی آقا چه جوری دانه نماز یا دعای سلامتی امام زمان علیه السلام را می‌خواند. شما الان در مرحله خوب دیدن هستید، یعنی باید خیلی خوب و با دقت به او نگاه کنید تا یاد بگیرید. بعد چشماتون را ببندید و بهش فکر کنید. حالا کدامیک از شما می‌تواند عین آن کار را انجام بدهد؟»

### ۷. بهره‌بری از تنوع

یکی از اصول تأثیرگذار در پذیرش الگوی مهدوی، بهره‌بری از تنوع در الگوها و همچنین در شیوه‌ها و قالب‌های الگونمایی است. وجوه اهمیت این اصل عبارتند از ملالت‌آور بودن یکنواختی، تطابق و هم‌سویی آن با اصل آموزشی بهره‌گیری از تنوع و

خصوصیت تنوع‌طلبی دوره کودکی، بهره‌بری بهتر از اصل تمرکز بر یک آموزه، اختلاف سلیقه میان کودکان در پذیرش نوع الگو و شیوه الگونمایی به‌خاطر اصل تفاوت‌های فردی، و همچنین عدم ثبوت و یکسانی گرایش‌ها و حالات روحی‌روانی کودک در طول زندگی نسبت به پذیرش و تقلید از الگو. الگوها و شیوه‌های الگونمایی را می‌توان از جهات مختلفی تقسیم کرد و انواع گوناگونی برای آن ذکر نمود. در این مجال، به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

تنوع در الگونمایی از دو جهت  
 { الف) تنوع الگوها  
 ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی

### الف) تنوع الگوها

در الگونمایی مهدوی با در نظر گرفتن اصل تناسب، شایسته است از الگوهای مختلف و متنوع در عرصه‌ی مهدویت استفاده نمود. حتی برای نهادینه‌سازی یک آموزه مهدوی، از چند نوع الگو می‌توان بهره برد. جهت یافتن انواع مذکور، می‌توان از قرآن کریم الهام و الگو گرفت.

«الگوها و چهره‌های مطرح شده در داستان‌های قرآن از نظر جنسیت، نژاد، سن و همچنین موقعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسیار متنوع و گوناگون هستند. علاوه بر آن، انواع دیگری هم ذکر شده است مانند اسوه‌های تمام‌عیار و همه‌جانبه و افرادی که تنها از یک یا چند جنبه و منظر الگو باشند، الگوهای موفق و ناموفق، آراسته به زیور ارزش‌های اخلاقی و فریب‌خورده از جلوه‌های دروغین و ناپایدار، کاخ نشین و کوخ نشین، فقیر و غنی، پیامبران و غیر پیامبران، معصوم و غیرمعصوم، جوان و غیر جوان، افراد و جماعات، با نام و بی نام»<sup>۱</sup>.

همچنین می‌توان از کسانی که به‌طور طبیعی در زندگی کودک، ایفاگر نقش الگویی هستند نیز نام برد مانند والدین، دوست و معلم. تقسیمات دیگری نیز برای انواع الگو بیان شده که همراه با برخی موارد یادشده، در نمودار زیر معرفی می‌گردند.

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۷، با اندکی تلخیص.



- |   |               |
|---|---------------|
| (۱) الگوی فردی (شخصی) و الگوی کلی (عمومی)                                   | } تنوع الگوها |
| (۲) الگوی مفهومی (ذهنی - درونی) و الگوی رفتاری (کنشی - بیرونی) <sup>۱</sup> |               |
| (۳) الگوهای واقعی و تخیلی   |               |
| (۴) الگوی موفق و ناموفق   |               |
| (۵) الگوی پایدار و ناپایدار   |               |
| (۶) والدین، دوست و معلم   |               |
| (۷) الگوی کامل (همه جانبه) و ناقص (تک بُعدی)                                |               |
| (۸) معصوم و غیر معصوم   |               |
| (۹) الگوی همسال و غیر همسال   |               |
| (۱۰) الگو با ذکر نام و عنوان  |               |

### ب) تنوع شیوه و قالب اجرایی

جهت معرفی و نشان دادن خصوصیات الگوی مهدوی به کودک، باید با شیوه‌های متنوع از قبیل مستقیم و غیرمستقیم و قالب‌های گوناگون مانند قصه، شعر، نمایش و نقاشی آشنا بود تا برای جلوگیری از یکنواختی شیوه و قالب و خسته کننده بودن آن و همچنین برای سلايق مختلف کودکان، در هر مرتبه الگونمایی، از شیوه و قالبی خاص استفاده گردد.

### ۸. تناسب و هماهنگی

یکی از اصول مهم تربیتی، رعایت تناسب با شرایط و موقعیت متربی است که باید در اجرای همه‌ی روش‌های تربیتی در نظر گرفته شود. روش الگونمایی مهدوی نیز از این قاعده مستثنا نیست به این معنا که در انتخاب و گزینش هدف، الگو، جنبه الگویی، نوع، شیوه و قالب اجرای الگونمایی مهدوی و همچنین جهت بهره‌بری از اصل تنوع، باید به اصل «تناسب» توجهی ویژه نمود. به عبارت دیگر، در هنگام الگونمایی، لازم است هر یک از امور مذکور، متناسب با شرایط و موقعیت کودک الگوپذیر باشد. اگر متنوع‌ترین و برجسته‌ترین الگوهای مهدوی با بهترین روش‌ها و قالب‌های جذاب به کودکان معرفی

۱. ر.ک: خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه ملی»، نشریه رواق هنر و اندیشه، تیرماه ۱۳۸۸، شماره ۳۶، صص ۱۲-۳۸ و نیک‌گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۵۹ و صلاحی، محمود و دیگران، طرح تحقیقاتی شهر اسوه، صص ۵۰-۷۵.

شوند ولی متناسب با دوره کودکی و موقعیت کودک نباشد، دستیابی به موفقیت کامل در روش الگویی امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین شایسته است برای اجرای الگونمایی مهدوی، ابتدا ویژگی‌های دوره‌ی کودکی و همچنین موقعیت کودک اعم از وضعیت فکری، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خانواده و محیط زندگی وی ارزیابی شود، سپس الگو و شیوه و قالب الگونمایی متناسب با آن‌ها انتخاب و به کار گرفته شود.

#### الف) وجوه اشتراک، جنبه‌ای از تناسب

یکی از عواملی که می‌تواند در زمینه‌ی بهره‌بری از اصل تناسب به ما کمک کند، وجوه اشتراک بین الگو و الگوپذیر است؛ چنانچه گفته شده:

«در هر نوع تاسی و اقتدا؛ هماهنگی و تفاهم میان رهبر و رهرو، الگو و پیرو، امام و مأموم و یا اسوه و متاسی، شرط اساسی حرکت به سوی کمال است. چنانچه این هماهنگی در کار نباشد، پیروی و اقتدا و اساساً رابطه‌ی الگو و الگوپذیری بی‌معنا می‌شود»<sup>۱</sup>.

برای وجه اشتراک و مشابهت، می‌توان به موارد مذکور برای موقعیت اشاره کرد. همچنین برخی، برای آن مصادیقی ذکر کرده‌اند از قبیل مشابهت و هماهنگی در جنبه‌ی بشری و نیازهای طبیعی و شرایط زیستی، عقاید و اصول فکری مانند حق‌جویی، ارزش‌ها، تمایلات و علایق، آداب و سنن و شیوه‌ی زندگی<sup>۲</sup>، مشابهت در جنس، سن و اهداف کلی زندگی.

#### ب) آثار تناسب و هماهنگی

وجوه تشابه و تناسب، باعث قرابت و هماهنگی بین الگوی مهدوی و کودک الگوپذیر می‌شود که آثار چشم‌گیری به دنبال دارد مانند سرعت‌بخشیدن به فرآیند الگوبرداری، افزایش انگیزه و تقویت اعتماد به نفس در هنگام الگوبرداری، دانستن الگو از خود و ایجاد نوعی ارتباط عاطفی نسبت به او.<sup>۳</sup> به بیانی دیگر، وجوه اشتراک سبب می‌شود کودک خود را هم‌سو با الگو ببیند، امکان تقلید در نظرش آسان آید، میل شدیدتری به همانندسازی

۱. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۲۳۹.

۲. همان، صص ۲۳۹-۲۴۶.

۳. مهدی‌زاده، حسین، الگوسناسی، ص ۳۴.

پیدا کند و در مسیر تحقق اخلاق و رفتار مهدوی، با سرعت بیشتری حرکت کند. مثلاً اگر الگوی مهدوی، هم‌سن با کودک باشد، میزان تأثیرپذیری او بیشتر خواهد بود. اکنون به چند نمونه از تناسب و هماهنگی اشاره می‌گردد.

### ج) چند نمونه از تناسب

#### نمونه اول: تناسب با شرایط خانوادگی

برای خانواده‌های سهل‌گیر، سخت‌گیر یا معتدل نمی‌توان الگوهای یکسانی معرفی کرد، چون پذیرش یک رفتار و الگوپذیری از آن توسط کودک، وابسته به روحیه تأثیرپذیرانه‌ای است که مستقیماً مرتبط با سخت‌گیر بودن یا آسان‌گیر بودن والدین و دیگر افراد تأثیرگذار در خانواده می‌باشد. مثلاً اگر کودک از خانواده‌ای بسیار قانون‌مند است که اعضای آن نسبت به مسایل دینی به‌ویژه احکام شرعی فوق‌العاده سخت‌گیر هستند باید الگویی معرفی شود که زمینه‌های معتدل قانون‌مندی در آن‌ها ظهور چشم‌گیری داشته باشد تا کودک احساس همگونی با او پیدا کند و در نتیجه روند الگوپذیری هموارتر گردد. نسبت به شرایط اقتصادی نیز همین‌طور؛ یعنی اگر کودک از خانواده‌ای فقیر است باید الگویی متناسب با خود او ارائه شود.

#### نمونه دوم: مثال قرآنی مشابهت

جنبه‌ی بشری بودن الگو، یکی از شئون شباهت بوده و مربوط به مشابهت در جنس است. در قرآن حکیم، الگوهایی که برای رشد و تعالی انسان مطرح شده‌اند از جنس خود او می‌باشند. حتی برخی بر این باورند که مهم‌ترین ویژگی اسوه‌های قرآن، بشر بودن آن‌هاست.<sup>۱</sup> خداوند حکیم، رسولان و الگوهای شایسته‌ی خود را از میان آدمیان برانگیخته و بر این امر تأکید ورزیده است.<sup>۲</sup> این امر، حاوی این نکته‌ی روان‌شناختی و تربیتی است که پیامبران می‌گویند: ما هم انسان و مخلوقی همچون شما هستیم، بنابراین شما نیز می‌توانید مانند ما به این کمالات و درجات با تاسی به ما نائل شوید.<sup>۳</sup> اگر اسوه‌ها با

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۸.

۲. مانند آیه «قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُمْنُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ»؛ (سوره ابراهیم:

آیه ۱۱ و سوره فرقان: آیه ۲۰ و سوره مائده: آیه ۷۵).

۳. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ، ص ۱۶۴.

مخاطبان و پیروانشان از یک جنس باشند، باعث هم‌بستگی و پیوستگی عمیقی میان اسوه و پیروان است. همین جنبه‌ی بشری باعث می‌شود اسوه‌ها به‌طور دائم در میان انسان‌ها و در بحبوحه‌ی زندگانی آنان حضور داشته باشند و افراد به شکل مستمر در معرض رفتارها، برخوردها و آموزش‌های آنان قرار گیرند.<sup>۱</sup>

### نمونه سوّم: مشابهت در سطح زندگی

اشتراکات و هماهنگی بین الگو و الگوپذیر، آنقدر حائز اهمیت است که حتی فراتر از الگودهی به کودکان، در سطح مرتب‌ان و رهبران جامعه نیز مطرح می‌شود و کارکردهای ویژه خود را دارد.

مثلاً اگر یک مرتبی یا رهبری که نقش الگویی در جامعه ایفا می‌کند در زندگی خود امکانات ویژه‌ای داشته باشد که اکثر مردم از آن محرومند، وی در امر ارشاد و تربیت موفق نخواهد بود. یکی از شرایط موفقیت یک مرتبی یا الگو این است که سطح زندگی خود را همانند سطوح زندگی غالب مردم قرار دهد. در منابع دینی نیز به این نکته مهم اشاره شده آن‌جا که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان هم‌سو کنند، تا فقر و نداری، تهی‌دست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند»<sup>۲</sup>

همچنین ایشان در نامه‌ی خود به عثمان بن حنیف؛ فرماندار بصره، به این هم‌سطحی و هم‌درد بودن الگو (امام) با الگوپذیر (مأموم) اشاره می‌کنند.<sup>۳</sup>

«هر چه رابطه و هماهنگی میان اسوه‌ها و پیروان عمیق‌تر باشد فرایند تبعیت، هدایت و راهنمایی

۱. همو، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان، ص ۵۳.

۲. «... قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي خُشُوعَةٍ مَلْبَسِكَ وَ خُشُوعَةٍ مَأْكَلِكَ قَالَ وَ تَحَكُّنِي إِنْ لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةً [الْحَقُّ] الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَثِيلاً يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ...» (ص ۳۲۵، نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹، ص ۳۲۵).

۳. «... فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِيَةٍ فَاسْرَعْتَ إِلَيْهَا فَسْتَطَابَ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تَنَقَّلَ إِلَيْكَ الْجِفَانُ وَ مَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوعٌ وَ غَنِيَّتُهُمْ مَدْعُوعٌ فَانظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظْلُ وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطَيْبِ [وَجْهِهِ] وَجْوهِهِ فَتَلَّ مِنْهُ آلاَ وَ إِنْ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَنْبِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ آلاَ وَ إِنْ إِمَامَكُمْ قَدِ اكْتَفَى مِنْ ذُنْيَاهُ بِطَمْرِيئِهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيئِهِ...» (نهج البلاغه، صص ۴۱۶ و ۴۱۷).

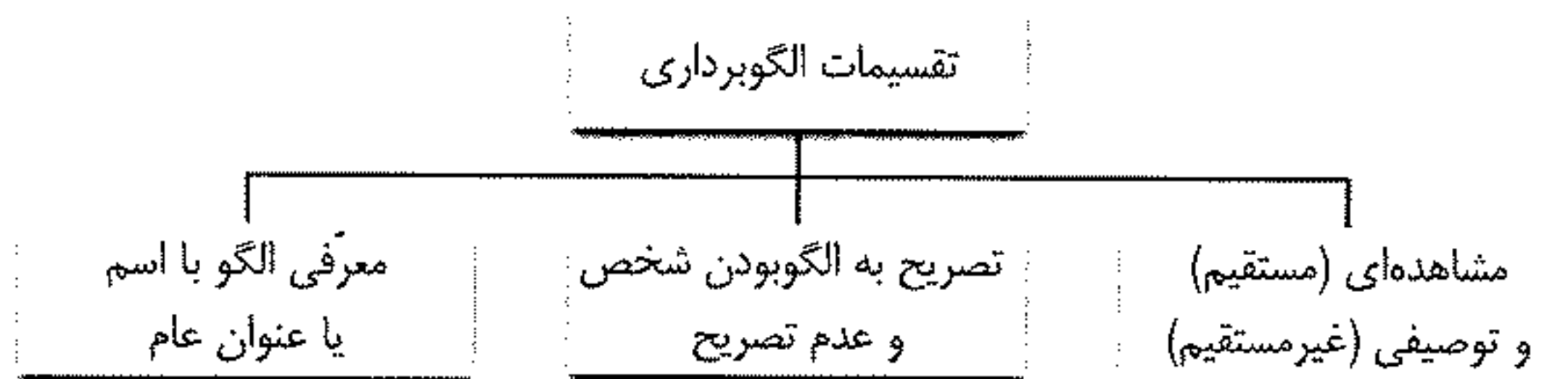
کامل تر خواهد شد. از این رو در مواردی که الگو خود را جدای از جامعه و یا جامعه خود را ناتوان از پیروی الگو می‌شمارد، کارکرد اسوه رو به ضعف می‌نهد و یا به‌طور کلی متوقف می‌شود»<sup>۱</sup>

#### نکته

برخی، این اشتراکات و مشابهات را تحت عنوان «هماهنگی و همراهی بین الگو و پیرو» مطرح کرده‌اند.<sup>۲</sup> حال اگر مقصودشان از آن عنوان خصوصاً واژه «همراهی» افزون بر مشابهات مذکور، معنایی دیگر از قبیل قدم‌به‌قدم کمک‌یار بودن برای الگوپذیر باشد، جزء اصول عام روش الگویی نیست، بلکه در صورتی مطرح می‌گردد که شخصی افزون بر الگو بودن، نقش مربی نیز داشته باشد.

#### گفتار ششم: انواع الگونمایی

برای الگونمایی، انواع مختلفی می‌توان بیان کرد که در اینجا با الهام‌گیری از انواع و شیوه‌های آشنا ساختن مخاطبان با الگوهای نمونه در قرآن کریم، در قالب سه تقسیم ارائه می‌گردد.



#### یک. مشاهده‌ای (مستقیم) و توصیفی (غیرمستقیم)

چنانچه در معناشناسی بیان شد،<sup>۳</sup> الگونمایی شامل مشاهده دیداری الگو و هر امر به‌منزله مشاهده می‌باشد. یکی از آن امور، توصیف لفظی اعم از گفتار و نوشتار است. بر

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، صص ۲۸-۲۹.

۲. رکذ بنکدار، مهدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصل‌نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۱، ص ۹۲.

۳. رکذ همین فصل، گفتار یکم، صص ۱۵۱-۱۵۲.

این اساس، می‌توان دو شیوه مشاهده‌ای و توصیفی را مطرح کرد. شیوه مشاهده‌ای یعنی خودِ کودک، با دیدن الگوی مهدوی از حالات، گفتار و رفتار او آگاهی کسب می‌نماید و همچنین از این طریق، به ماهیت شخصیت او پی می‌برد و از روحيات و خلیات درونی وی مطلع می‌گردد.

شیوه توصیفی یعنی شخصیت الگو اعم از حالات ظاهری، گفتار، رفتار، روحيات و خلیات او به‌گونه‌ای برای کودک توصیف لفظی شود که وی نسبت به آن‌ها آگاهی دقیق و عمیقی پیدا نماید و گویی خود الگو را دیده است. لازم به ذکر است که برخی محققین، عنوان مستقیم و غیرمستقیم را عکس آنچه بیان شد مطرح نموده‌اند؛ به‌خاطر اینکه ایشان، پی‌بردن مخاطب به شخصیت درونی الگو را ملاک آن دو عنوان قرار داده و گفته‌اند:

شیوه مستقیم یعنی اوصاف و ویژگی‌های الگو به‌طور آشکار و روشن بیان شود و از رخساره‌ی آنان پرده برداشته و چهره‌ی باطنی آنان برای همگان آشکار ساخته شود. شیوه غیرمستقیم یعنی مخاطب، خود باید از رفتار، گفتار و افکار یک شخصیت پی به ماهیت او ببرد و از روحيات و خلیات وی آگاهی یابد.<sup>۱</sup>

#### دو. تصریح به الگوبودن شخص و عدم تصریح

شیوه تصریح به الگوبودن یعنی مستقیماً شخصی به‌عنوان الگو و اسوه معرفی و به پیروی و الگوبرداری از او تصریح می‌شود. مانند آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»<sup>۲</sup> که خداوند متعال، پیامبر ﷺ را به‌عنوان الگو معرفی می‌نماید و مردم را به تأسی از ایشان فراخوانده است. شیوه عدم تصریح یعنی بدون تصریح مذکور، الگو در معرض دید الگوپذیر قرار بگیرد. به‌کارگیری این شیوه، در قرآن فراوان است مانند آیاتی که اوصاف پیامبران را بیان می‌کند. مثل آیه «وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»<sup>۳</sup> که در آن، نحوه‌ی سخن گفتن ایوب با خداوند به‌عنوان الگو مطرح شده است.<sup>۴</sup>

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۷.

۲. «بی‌تردید رسول خدا برای شما الگوی پسندیده‌ای است»؛ (سوره احزاب: آیه ۲۱). موارد دیگر مانند سوره ممتحنه: آیات ۶ و ۷.

۳. «و ایوب را (به یاد آور) هنگامی که پروردگارش را خواند(و عرضه داشت): بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی»؛ (سوره انبیاء: آیه ۸۳).

۴. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، صص ۱۰۲-۱۰۳.

سه. معرفی الگو با اسم یا عنوان عام

معرفی الگو با اسم یعنی به هنگام الگونمایی توصیفی، نام او نیز بیان شود. مانند معرفی الگوی «صبر و تحمل در سختی‌ها» که در قرآن اسم او یعنی حضرت ایوب ذکر گردیده است. نمونه‌های دیگری نیز ذکر شده است.

جدول الگو و جنبه الگویی	
صبر و تحمل در سختی‌ها	ایوب
قهرمان مقاومت در مقابل شهوت	یوسف
اسوه‌های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت	جوانان کهف
نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا	اسماعیل
عادت شکن و بت شکن	ابراهیم جوان
الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین	نوح
قهرمان صبر و تحمل در شدايد روزگار	ایوب
نمونه‌ی شهامت و شجاعت در مبارزه با طاغوت	داوود نوجوان
سرمشق و الگوی مطلق در همه‌ی ابعاد زندگی و برای همه‌ی جهانیان.	پیامبر اکرم ﷺ

معرفی الگو با عنوان عام یعنی اسم کسی به عنوان الگو ذکر نمی‌شود، بلکه عناوین عام و کلی مطرح می‌شود مانند توأبان، متطهران، متقیان، صالحان، صابران، محسنان و مجاهدان در قرآن، و همچنین در مباحث مهدویت عناوینی مانند یاران، عاشقان و منتظران حضرت مهدی عج.

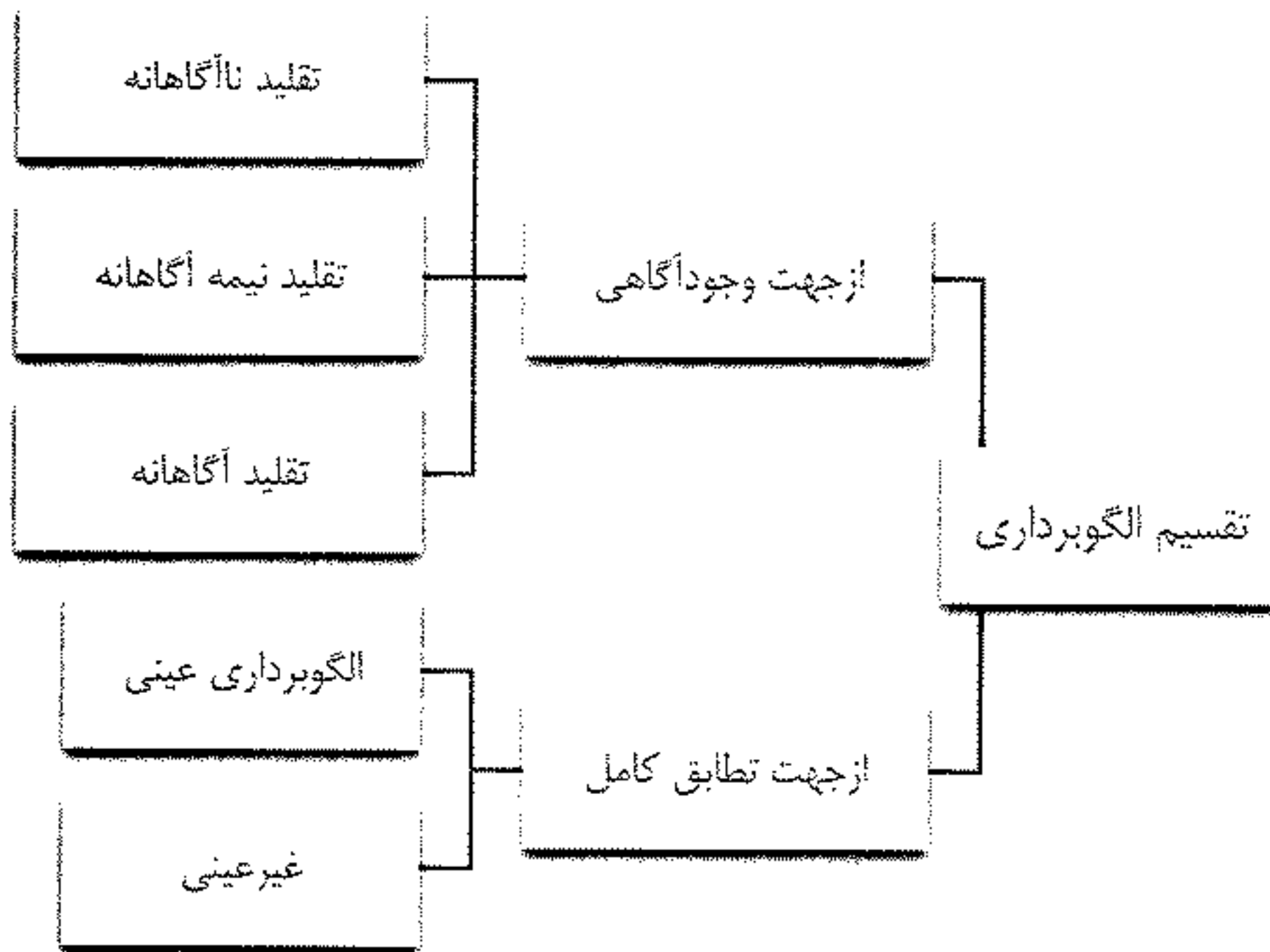
نکته

چنانچه ملاحظه شد قرآن کریم، چهره‌های محبوب را گاه با عناوین عام بیان کرده و گاه نیز به‌طور خاص و به اسم یاد نموده است، اما چهره‌های منفور و مطرود از نظر قرآن

به‌طور عمده (به جز موارد استثنایی مثل ابولهب) با توصیف عناوین کلی آنان، مثل تجاوزکاران، اسراف‌کنندگان، خودپسندان، کافران، ستمگران، متکبران و... بیان شده است. این کتاب الهی، با طرح چهره‌های محبوب و منفور در کنار هم، جامعه‌ی انسانی را به گزینش آگاهانه‌ی الگوهای مورد نظر خویش دعوت می‌کند.<sup>۱</sup>

### گفتار هفتم: انواع و شیوه‌های الگوبرداری

الگوبرداری و تقلید، انواعی دارد که در قالب سه تقسیم ارائه می‌گردد:



#### یک. تقسیم از جهت وجود آگاهی

گروهی از روانشناسان برای تقلید، سه نوع ذکر می‌کنند.

#### الف) تقلید ناآگاهانه

تقلید ناآگاهانه یا محاکات، تقلیدی است که عاری از هرگونه اندیشه و تشخیص باشد که از تولد تا دو سالگی بسیار مشاهده می‌گردد. مانند کودک چند ماهه‌ای که در پی خنده اطرافیان، بی‌درنگ می‌خندد.

۱. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، صص ۱۶۴-۱۷۵.



**ب) تقلید نیمه آگاهانه**

مقصود از تقلید نیمه آگاهانه یا تقلید بالمعنی الاخص، تقلید همراه با آگاهی اندک از رفتار دیگران است که در سنین دو تا هفت سالگی رخ می‌دهد. در این نوع الگوبرداری، عنصر آگاهی و هدف‌داری حضور دارد، اما حضوری کم‌رنگ و اندک؛ مانند طفل سه ساله‌ای که تنها برای شبیه‌سازی خود به اطرافیان، از اعمال و رفتار ایشان تقلید می‌نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن رفتار را درک کرده باشد.

**ج) تقلید آگاهانه**

تکرار رفتار دیگری با آگاهی از حسن کار او را اقتباس یا تقلید آگاهانه گویند. این نوع تقلید که عالی‌ترین مرتبه‌ی آن قلمداد می‌شود، از هفت سالگی به بعد مشاهده می‌گردد. این نوع الگوبرداری کاملاً آگاهانه و هدف‌دار و از روی علم و قصد صورت می‌گیرد. همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می‌یابد برمی‌گزیند و برای این‌گزینش دلیلی هم اقامه می‌کند.<sup>۱</sup>

الگوبرداری مذکور در این پژوهش، غالباً از نوع دوم است. مثلاً یک کودک همراه با والدین خود به مسجد جمکران یا مراسم دعای ندبه می‌رود و دوست هم‌سن او با مشاهده این صحنه، اقدام به الگوبرداری می‌کند در حالی که آگاهی کامل و صحیحی از علت آن ندارد. در این نوع تقلید باید ابتدا از کودک پیرامون علت سؤال کنیم تا میزان شناخت او از مسجد جمکران یا دعای ندبه روشن گردد و اگر تصور و اعتقادات اشتباهی وجود دارد اصلاح شود و سپس با زبان کودکانه دلیلی برای او بیان شود، زیرا مرتبه نخست الگوبرداری کودک اگر با عنصر آگاهی و هدف‌داری (هر چند کودکانه) همراه باشد تأثیر بسزایی در ماندگاری و تثبیت جنبه الگویی و التزام وی نسبت به آن دارد.

البته می‌توان زمینه‌های ارتقاء رشد ذهنی و معرفتی کودک را فراهم ساخت تا به تقلید اقتباسی نیز راه پیدا کند که در این صورت لازم است متناسب با ظرفیت شناختی آن مرحله سنی که در آن قرار دارد، عناصری همچون آگاهی، هدف‌داری و با قصدبودن را تنظیم و ارائه کرد. مثلاً برای یک کودک چهار ساله دلیلی ارائه می‌شود و در سن

۱. توضیح سه نوع تقلید مذکور برگرفته از مصباح، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، صص ۶۷ و ۶۸ و جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صص ۲۱۲-۲۱۴ و محدودهای سنی یادشده از منصور، محمود، روان‌شناسی ژنتیک، صص ۱۹۵-۲۰۴.

شش سالگی دلیلی عمیق تر و محکم تر. گفتنی است برخی کودکان به خاطر توجه بیش از حد والدین (به اصطلاح لوس بودن)، ممکن است نحوه سخن گفتن، حالات و رفتارهایشان هنوز مانند کودک دو سه ساله باشد. آن‌ها در الگوبرداری نیز به مرحله نیمه آگاهانه نرسیده‌اند. در این گونه موارد باید از طریق قالب‌هایی مانند بازی‌های پرسشی و گفتگوهای کنجکاوانه کودکانه، تقلید آگاهانه یا نیمه آگاهانه را به آن‌ها آموزش داده و آن قدر تکرار شود که به صورت ملکه درآید.

بنابراین اگر کودکی را با رفتار الگویی مهدوی آشنا کردیم نخست باید بدانیم به طور طبیعی، تقلید او از کدام نوع است و در مرحله‌ی بعدی، با استفاده از قالب‌هایی نظیر قصه، تمثیل و نمایش زمینه‌های الگوپذیری نیمه آگاهانه یا آگاهانه متناسب با دوره کودکی را فراهم نماییم.

## دو. تقسیم از جهت تطابق کامل

### الف) الگوبرداری عینی

این نوع الگوبرداری به این معنی است که کودک پس از مشاهده رفتار الگو در شرایط و موقعیتی خاص، بخواهد همان رفتار را با تمام جزئیاتش در موقعیتی دیگر انجام دهد. بدیهی است که این گونه همانندسازی در الگوبرداری از گروه هم‌سال در یک زمان و موقعیت مثل مهد کودک‌ها و پیش دبستانی‌ها به طور طبیعی اتفاق می‌افتد. مثلاً از شیوه بازی کردن و غذا خوردن همدیگر، تقلید عینی انجام می‌دهند. اما همین الگوبرداری عینی، در برخی موارد غیر ممکن و در بعضی موارد بسیار سخت است. افزون بر آن، ممکن است آسیب‌هایی به دنبال داشته باشد. مثلاً مرئی برای ترغیب کودکان به استمرار یاد امام زمان علیه السلام، داستان جوانی را بگوید که این قدر به ایشان علاقه داشته که همیشه به یادشان بوده و حتی گاهی اوقات تا جمکران پیاده می‌رفته، سعی داشته تمام کارهایی که پدر و مادر از او خواسته‌اند را به خاطر جلب رضایت آن امام انجام دهد مانند خرید نان در صبح زود قبل از طلوع آفتاب. روشن است که کودک شش ساله‌ای که این مطالب را می‌شنود، اگر در جذبه‌ی محبتی وی قرار گیرد دوست دارد عیناً همان‌ها را انجام دهد در حالی که امکان‌پذیر نیست. در چنین مواردی کودک باید الگوبرداری غیرعینی نماید.

**ب) الگوبرداری غیر عینی**

الگوبرداری غیر عینی یعنی رفتار الگو به صورت عینی همانندسازی نمی‌شود، بلکه با در نظر گرفتن هدف و محتوای کلی آن رفتار، عمل الگو با شرایط فعلی کودک از قبیل ظرفیت‌ها، استعدادها و امکانات وی تطبیق داده شده و میل شدید کودک به تقلید، به سمت عملی مشابه جهت‌دهی می‌شود. مثلاً در مورد نمونه‌ای که در بخش قبل بیان شد، باید مربی نحوه‌ی صحیح الگوبرداری غیر عینی را برای کودک به خوبی تشریح کند با جملاتی مانند:

«شما بچه‌ها هم می‌توانید مثل آن جوان موفق باشید و همه دوستتون داشته باشند. اما چطوری؟ ما که راه جمکران را بلد نیستیم، اما می‌توانیم از پدرمان خواهش کنیم که هر موقع توانست ما را به آنجا ببرد. حتی می‌توانیم در خانه دور هم جمع بشیم و توسط به حضرت مهدی عج پیدا کنیم و با ایشان، حرف‌های خودمانی و دوستانه بزنیم چون صدای ما را می‌شنوند»

البته می‌توان از قالب پرسش و پاسخ و همچنین گفتگوی دوستانه دو طرفه بهره برد و مسیر گفتگو به گونه‌ای باشد که در نهایت خود کودک چنین نتایجی را درک و بیان کند. لازم به ذکر است که؛ مربی و والدین از مقایسه الگو با کودک و بیان جملات تحقیرآمیز باید جداً پرهیز نمایند؛ مانند: «تو با آن جوان عاشق امام زمان عج خیلی فرق داری، به هیچ وجه نمی‌توانی مثل او باشی، تو خیلی بچه‌ای و ضعیفی و اصلاً توان رفتن به جمکران را نداری و...»، زیرا افزون بر تحقیر او و پدید آمدن آثار زیان‌بار آن مانند ناامیدی، ممکن است از روی لجاجت یا به خاطر اثبات توانایی‌هایش دست به الگوبرداری عینی بزند. یعنی مثلاً تصمیم بگیرد از محله و شهر خود خارج شده و به تنهایی به جمکران برود.

## گفتار هشتم: کارکردهای الگونمایی مهدوی

الگونمایی مهدوی برای کودک، کارکردها<sup>۱</sup> و فوائد زیادی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

- |  |                       |
|--|-----------------------|
| ۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا                       | } کارکردهای الگونمایی |
| ۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر |                       |
| ۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار                         |                       |
| ۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت      |                       |
| ۵. سوق‌دهی گرایش‌ها به مهدویت                          |                       |
| ۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی                 |                       |
| ۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف                          |                       |

### ۱. آموزش و یادگیری با کیفیت بالا

این کارکرد مربوط به نقش آموزشی و خاصیت تعلیمی الگونمایی است. مقصود از کیفیت بالا، بهترین فرایند تعلیم و فراگیری است که غیرمستقیم، صحیح، عمیق، سریع، آسان و ماندگار باشد. با این توضیح که:

کودک با مشاهده حالت یا رفتار الگوی مهدوی، با همه‌ی جزئیات و ظرافت‌های اجرایی آن به‌طور صحیح و کامل آشنا می‌شود. افزون بر آن، به شرایط تحقق و تأثیرات آن رفتار بر دیگران و همچنین جایگاه آن در مقایسه با سایر رفتارها پی می‌برد.<sup>۲</sup> در الگونمایی مهدوی، نمونه‌ای عینی، محسوس و قابل تقلید، در برابر کودک که دارای گرایش ذاتی به الگوگیری است قرار می‌گیرد و او به‌طور غیرمستقیم (نه با روش کلامی و پند و اندرز

۱. کارکردها، مربوط به یادگیری مشاهده‌ای و روش الگویی عام بوده و اختصاص به آموزه‌های دینی و مهدوی ندارند ولی به‌دلیل بهره‌بری بیشتر از آنها جهت تبیین اهمیت ارائه الگوی مهدوی، در قالب کارکردهای الگونمایی مهدوی بیان شده‌اند.

۲. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، ص ۲۶۲.

صریح) به سوی همسانی با آن پیش می‌رود.<sup>۱</sup> به همین خاطر این روش، تأثیرگذاری عمیقی در یادگیری و ارتقای کیفیت آن دارد.<sup>۲</sup> همچنین باعث آسان‌تر شدن و سرعت در آموزش و یادگیری در کمترین زمان ممکن، ماندگاری در ذهن و کاهش خطا در فراگیری می‌شود.<sup>۳</sup> ارائه الگوهای مهدوی، به مثابه‌ی سرمشق برای آموزش و قطب‌نما برای پیمایش است که موجبات رهنمونی و روشنگری مسیر و مقصد رشد و تکامل کودک در جهت معرفت و یاری حضرت مهدی عج را فراهم می‌سازد. حال اگر تعلیم و تربیت کودک در جهت مذکور، صرفاً علمی باشد یعنی بدون نمایش سمبل‌ها، نمونه‌ها و مدل‌های مهدوی، آن‌ها در واقع راهنمایی‌هایی خشک، بی‌روح و منجمدی هستند که ثمره‌ای کم‌توجه و بس ناچیز دارند.<sup>۴</sup>

## ۲. امکان و سهولت انجام و استمرار رفتار در نظر الگوپذیر

وجود الگوهای مهدوی در محیط زندگی، کودک را نسبت به التزام به معارف مهدویت متقاعد می‌سازد و انجام رفتارهای مهدوی را در نظر وی ممکن، شدنی و آسان می‌نماید.<sup>۵</sup> هنگامی که کودک به انجام استمرار کاری مثل صدقه روزانه برای سلامتی امام زمان عج توصیه می‌شود، در ابتدا ممکن است امتناع ورزد به خاطر ترس از این که نتواند انجام دهد و فکر می‌کند انجام آن برای او سخت و یا غیر ممکن است. حال اگر الگوی کامل آن رفتار را در شخصی مشاهده نماید به همراه موفقیت وی در همان رفتار، امکان عملی شدن آن رفتار به صورت عینی برای کودک اثبات،<sup>۶</sup> از سختی‌های آن کاسته و انجام آن کار در نظرش آسان‌تر جلوه می‌نماید. در نتیجه رغبت بیشتری به الگوبرداری از آن عمل به وجود می‌آید؛ به ویژه اگر با الگو احساس تناسب، هماهنگی و قرابت کند مانند گروه هم‌سال.<sup>۷</sup>

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۰.

۲. باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، صص ۴۶-۴۷.

۳. محمدی مهر، علی اکبر، روش‌های پیشگیری و درمان لجابت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

۴. واثقی، ق، امام، الگوی امت، صص ۵۲-۵۴.

۵. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۶۲.

۶. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر ص و اهل بیت ع، ص ۲۶۲.

۷. حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، ج ۲، ص ۱۰۸.

## ۳. ارزیابی، سنجش و اصلاح رفتار

یکی از عوامل موفقیت کودک پیرامون صحت انجام رفتارهای مهدوی و به طور کلی پیمودن مسیر رشد در جهت مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری، این است که بداند در چه مرحله و موقعیتی از راه است، (بداند چه مقدار از مسیر را پیموده و تا رسیدن به مقصد نهایی چه مقدار باقی مانده) خود را ارزیابی کرده، به نقاط قوت و ضعف خود پی ببرد و سپس سعی در تقویت امور مثبت و تلاش در جهت جبران و اصلاح نقائص داشته باشد. در غیر این صورت، طبیعی است که در رشد نهایی و ایده‌آل مذکور، موفق نخواهد بود. کودک، برای دانستن موقعیت و ارزیابی خویش، نیاز به وجود ملاک‌ها و معیارهای صحیح آن مسیر دارد. برای تأمین این نیاز، الگونمایی (عینی) مهدوی که همان مشاهده و توجه به الگو است (در مقابل الگوی توصیفی - زبانی)، بهترین راه برای ارزیابی رفتار می‌باشد. در واقع الگوهای مهدوی که به منزله وسائل سنجشی همچون ترازو و ساعت و دماسنج هستند، همان معیار، شاخص و میزان سنجش رفتارهای کودک می‌باشند. مشاهده این الگوها، باعث درک میزان موفقیت، شناخت نارسایی‌ها و سنجش کمبودها، ایجاد تلاش و حرکت<sup>۱</sup> و همچنین سبب مشخص شدن میزان دارایی‌های علمی و اخلاقی کودک می‌شوند.<sup>۲</sup> حال اگر او از آشنایی و مشاهده‌ی آن‌ها محروم بماند، چه بسا دچار خودبینی و بلندپروازی گشته و خود را بی‌عیب و نقص بداند.<sup>۳</sup> همچنین در تشخیص حالات و رفتارهای صحیح الگوی مهدوی، گرفتار سردرگمی و تحیر خواهد شد.<sup>۴</sup>

## ۴. استحکام، ترویج و افزایش اعتماد به معارف مهدویت

استحکام و خدشه‌ناپذیری معارف مهدویت در میان کودکان در گرو وجود تعالیم صحیح تردیدناپذیر و نمونه‌های عینی آن است.<sup>۵</sup> نمونه مجسم آن معارف، نقش مهمی نیز در ترویج آن در بین کودکان دارد زیرا آنان با مشاهده الگو، به مزایا و آثار مثبت رفتار وی

۱. واتقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۵۴.

۲. عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۷۵.

۳. واتقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۵۶.

۴. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، ص ۲۱.

۵. اقتباس از: عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، صص ۱۵۹-۱۶۰.

پی برده و این، سبب ترغیب و جذب و در ادامه تقلید از آن می‌شود.<sup>۱</sup> افزایش الگوبرداری‌ها، به تدریج به شیوع بیشتر رفتار الگو و در نتیجه به ترویج معارف مهدویت در میان کودکان می‌انجامد. افزون بر آن، هر کودک با انجام مستمر آن رفتار، خود، تبدیل به الگویی برای دیگر همسالانش می‌شود البته در صورت دارا بودن شرایط الگوبودن و رعایت اصول الگونمایی.

شیوع و فراوانی الگوی مهدوی و رفتار وی، در جامعه و همچنین در میان جوامع کوچک کودکانه، سبب اطمینان و یقین کودکان به صحت آن رفتار می‌گردد. این به خاطر طرز تفکر «کثرت و شهرت امری در جامعه دلیل بر صحت آن» است که در بیشتر جوامع شایع است. البته این عقیده، در معرض آسیبی همچون دوری از حق محوری است، اما می‌توان از این باور پذیرفته شده اجتماعی با رعایت اصل آگاهی‌دهی و بصیرت‌افزایی، برای انتشار رفتارهای الگوی مهدوی استفاده کرد. افزون بر سه کارکرد فوق، برخی معتقدند الگوپذیر با مشاهده رشد چشم‌گیر الگو در سایه معارف دین، به حقایق مکتب و صحت تعالیم آن نیز پی می‌برد.<sup>۲</sup>

##### ۵. سوق‌دهی گرایش‌ها به مهدویت

الگوی مهدوی، نقش حساسی در تحول، تغییر و جهت‌دهی تمایلات کودک نسبت به معارف مهدویت دارد. این جهت‌دهی، باعث تبدیل گرایش‌های نامطلوب به امیال پسندیده مطابق با الگو می‌شود؛ همچنین سبب تغییر رفتارها و حتی اندیشه‌ها و تصمیم‌ها نیز می‌گردد.<sup>۳</sup> گاهی آشنایی کودک با یک الگوی نمونه مهدوی، چنان تأثیری در احساسات، عواطف و باورهای وی می‌گذارد که حتی ممکن است جهت زندگی او را تغییر دهد، چون انسان طبق باورهای خود زندگی می‌کند.

الگونمایی مهدوی، یکی از بهترین روش‌های برانگیختن و تحریک عاطفی کودکان نسبت به انجام عمل متناسب با رفتار الگوی مهدوی است. با اجرای این روش، آن‌ها با

۱. در حالی که تبلیغ کلامی آن معارف همچون سخنرانی چنین اثری نداشته چون کمتر در ذهن می‌ماند و ممکن است مزایای آن به خوبی روشن نشود و به مرحله عمل نرسد.

۲. عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۵۹-۱۶۰.

۳. همان، ص ۱۷۲.

رغبت درونی عمل مذکور را انجام می‌دهند که در این صورت رشد دهنده، دارای اثری مستمر و ماندگار خواهد بود. همچنین با بازشناسی محرک‌ها و نیازهای عاطفی طبیعی و اصیل روح کودک می‌توان هم‌سو و هم‌جهت با آن‌ها، گرایش‌ها و امیال وی را به‌آسانی تحریک تغییر و جهت‌دهی نمود. این امر، اصلی است در تربیت که بر اساس خواست فطری انسان و وارد نمودن ضربه‌های تحریکی بر مراکز حرکتی روح او بنیان گرفته است.<sup>۱</sup> در این باره، نویسنده‌ی کتاب «امام، الگوی امت» به نکته‌ی مهمی اشاره نموده که خلاصه‌ی آن چنین است:

عده‌ی زیادی از کسانی که به انحراف کشیده شده‌اند ممکن است دلایل منطقی بر بطلان عقاید و اعمال خود شنیده‌اند، ولی گاه به جهت عدم ارضای برخی نیازهای اصیل روانی خویش و دل‌باختگی به معشوق‌ها و قهرمانان دروغین و الگوهای ناصالح، بدین واکنش روانی مبتلا شده‌اند. به همین خاطر جهت تغییر این گرایش‌ها، ناچار باید از همان طریقی اقدام کنیم که آن‌ها مبتلا گشتند. یعنی باید دید نیازهای عاطفی آن‌ها چه بوده که برای تأمین آن، به انحراف روی آورده‌اند و به آن علاقه‌مندند. سپس مظاهر تباهی‌هایی که در نظرشان دوست‌داشتنی و زیبا جلوه کرده است را از عظمت و پسند بیفکنیم تا هدف گرایش قدرت‌پرستی و پذیرفتگی اجتماعی آن نسل نگردد. این گونه، ریشه‌های انحراف بازشناسی شده و از پسندیدگی اجتماعی خارج می‌شود تا دیگر معیار و سرمشق نباشد. به دنبال آن تخریب و پاکسازی، باید عمل بازسازی و معرفی الگوهای صالح و شایسته را آغاز نماییم.<sup>۲</sup>

بنابراین، برای الگونمایی مهدوی لازم است امیال کودک از قبیل میل به ارتباط با دیگران و دوست‌یابی، حس قهرمان‌جویی و همانندی با او، میل به کمال‌جویی و بهترین‌بودن بازشناسی عمیق شود و هماهنگ با آن‌ها اقدام به معرفی و نمایش الگو گردد. کودکان، به‌خاطر آنکه تابع میل و رغبت‌های آنی و زودگذر هستند، به‌سرعت اقدام به انتخاب فردی جذاب و برتر نموده و از او الگوبرداری می‌کنند. حال اگر مربیان دلسوز عرصه مهدویت، هم‌سو با این ویژگی‌های طبیعی دوره‌ی کودکی، اقدامی سریع جهت

۱. واثقی، ق، امام‌الگوی امت، ص ۱۰۱.

۲. همان، صص ۱۰۱-۱۰۴.



معرفی الگوهای شایسته مهدوی نکنند، خطر جذب کودکان به سوی الگوهای ناشایست، تربیت آنان را تهدید می‌نماید.

### ۶. ایجاد و تقویت انگیزه، تحرک و پویایی

اگر کودک ظرفیت و توانایی انجام رفتاری مورد رضایت حضرت مهدی عج مثل کمک به والدین را داشته و نسبت به انجام آن علاقه نشان دهد، ولی حالت ناامیدی، سستی و تنبلی حاکی از فقدان انگیزه کافی و نبودن تحرک درونی (جنب‌وجوش و حرکت فعالانه) داشته باشد، اراده‌ی او خاموش بوده و هرگز موفق به انجام آن رفتار نخواهد شد. یکی از عوامل رفع آن، آگاهی‌بخشی کودک نسبت به ظرفیت‌ها و استعدادهایش به‌همراه افزایش انگیزه و فعالیت در او است. بهترین روش برای چنین امری، نمایش الگوی رفتار مورد نظر است. زیرا الگو، عالی‌ترین عامل برای ایجاد حرکت و جنبش بوده<sup>۱</sup> که توانایی‌های کودک را همچون آینه به او نشان می‌دهد. مشاهده رفتار الگو و زیبایی‌هایش، موجب ایجاد و تقویت گرایش و انگیزه اقدام به آن رفتار می‌شود.<sup>۲</sup> همچنین قوه‌های خام و آرمیده درون را به فعلیت در می‌آورد، استعدادهای نهانی را شکوفا می‌سازد و از خمودگی و خفتگی جلوگیری می‌کند.

مثلاً کودکی که شور و شوق ورزشی پُر جنب و جوش در او نهفته و با تماشای یک مسابقه‌ی مهیج فوتبال، آن‌چنان تحریک می‌شود که پس از اتمام آن، میل شدیدی برای انجام آن ورزش احساس می‌کند. انگیزه‌ی وصف‌ناپذیر او موجب می‌گردد تا اراده و تصمیمی محکم جهت انجام آن اتخاذ نماید، زیرا قهرمانان بازی، در روح و جانش نفوذ کرده و عشقش را تحریک نموده‌اند و چون خود محبوب مردم بودند حس پذیرفتگی اجتماعی‌اش را به حرکت درآورده‌اند. کودک فوراً تحت تأثیر قرار گرفته و در اثر میل به رنگ‌پذیری، تقلید می‌کند و تحرک درونی‌اش را آشکار می‌سازد و تا دیر نشده است می‌خواهد مانند او قهرمان باشد یا خود را قهرمان تصور کند و تا آنجا که نیرو دارد تلاش

۱. همان، ص ۵۷.

۲. داوودی، محمد و حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۶۲؛ محمدی مهر، علی اکبر،

روش‌های پیشگیری و درمان لجابت در منابع اسلامی، ص ۳۲.

کند.<sup>۱</sup> اگر آن قهرمان، از گروه هم‌سال باشد، این تحرک بیشتر خواهد بود. البته امید است با الگونمایی مهدوی بتوان چنین حالتی را در کودک نسبت به معارف مهدوی ایجاد کرد. افزون بر کودکان، الگوها عامل تحرک برای بزرگسالان و پویایی حیات می‌شوند و جامعه را از ایستایی و یا عقب‌گرد باز می‌دارند.<sup>۲</sup>

#### ۷. پیشگیری و مبارزه با انحراف

نمایش رفتار مهدوی با نمونه عینی، موجب پیش‌گیری از ایجاد و انتشار رفتارهای اشتباه می‌شود. تعالیم اسلامی نیز به اصل پیش‌گیری از انحرافات توجه داشته و در این راه، به ایجاد زمینه‌های سالم تربیتی و سالم‌سازی اجتماع اهتمام ویژه دارد.<sup>۳</sup> همچنین در مباحث بهداشت روانی بر پیش‌گیری از اختلالات روانی پیش از درمان تأکید شده است.<sup>۴</sup> حضور اسوه‌ها و نمونه‌های مهدوی، زمینه‌ساز رشد و سلامت روح و روان افراد جامعه به‌ویژه کودکان می‌باشد<sup>۵</sup> و آن‌ها را از بیماری‌های اخلاقی و انحرافات دور می‌کند. همچنین باعث می‌شود از مبتلا شدن به انحراف و خطا مصون بماند. البته این مصونیت، نسبت به خطاهای ضروری و عمدی است نه خطاهای رفتاری معمول دوره کودکی.<sup>۶</sup> الگونمایی مهدوی، افزون بر پیشگیری و مصونیت، قابلیت مبارزه با انحرافات را نیز دارد، زیرا الگوهای مهدوی با حضور چشمگیر و مؤثر خود، می‌توانند جوی از ایمان و عشق به حضرت مهدی علیه السلام در جامعه پدید آورند که خود به خود، اجازه ظهور جلوه‌های تباهی و انحراف و همچنین جلوه‌های ناامیدی مقابل آن عشق را نمی‌دهد.<sup>۷</sup>

۱. واثقی، ق، امام، الگوی امت، صص ۵۷-۵۹.

۲. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در قرآن، ص ۲۱.

۳. عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۲.

۴. سیدعلی اکبر حسینی، مقاله «ملاحظاتی پیرامون روان‌شناسی و بهداشت روانی و روان‌درمانی از دیدگاه اسلام»، به نقل از

عباسی‌مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۱۷۱.

۵. اقتباس از: حسینی، ابوالقاسم، اصول بهداشت روانی، ص ۹۷.

۶. نکته «خطاهای ضروری»، اقتباس از باندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه فرهاد ماهر، ص ۳۵.

۷. واثقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۶۰.

## گفتار نهم: آسیب شناسی

اگر چه روش الگونمایی به عنوان یک روش تربیتی موفق جهت انتقال معارف مهدوی به کودکان مطرح شد و فوائد و مزایای بسیاری دارد، ولی ممکن است دستخوش آسیب‌ها و آفاتی گردد. بی‌توجهی و عدم رعایت هر یک از اصول و قواعد یادشده‌ی این روش، می‌تواند باعث پدید آمدن آسیب‌های مرتبط با همان اصل باشد. در این مجال، با در نظر گرفتن موضوع پژوهش حاضر، هر آسیب در فضای الگونمایی مهدوی به کودکان تبیین خواهد شد.

- |  |  |
|--|--|
| ۱. شخصیت‌گرایی                         | } آسیب‌های احتمالی هنگام اجرای الگونمایی |
| ۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت |  |
| ۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو        |  |
| ۴. لغزش الگو                           |  |
| ۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه الگویی   |  |

### ۱. شخصیت‌گرایی با آثار یا مصادیق مختلف

شهید مطهری درباره این آسیب می‌گوید:

«عامل اصلی شخصیت‌زدگی و مُریدشدن، این است که آگاهی‌دهی نسبت به هدف از انجام جنبه الگویی و همچنین معیار، حد صلاحیت و محدوده‌ی شایستگی‌های الگو به خوبی انجام نگیرد و کودک الگوپذیر اطلاعات کافی نسبت به آن‌ها نداشته باشد و یا اینکه آگاهی‌های مذکور در معرض غفلت و فراموشی قرار بگیرند.»<sup>۱</sup>

زمانی که کودک‌گرایش و میل شدید به یک شخص پیدا کند به گونه‌ای که وابستگی کامل فکری، عاطفی و رفتاری نسبت به او پدید آید در معرض این آسیب قرار می‌گیرد. هر چه محبوبیت و مقبولیت آن شخص نزد کودک بیشتر باشد، میزان وابستگی و الگوبرداری از او نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه همیشه ذهنش متوجه دریافت‌های ادراکی از اوست، عشق و علاقه‌ی شدیدی نسبت به او دارد، رفتارهای درونی مثل تصمیم و اراده‌اش

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، بخش اول: انسان و ایمان، ص ۶۹.

تسخیر وی شده و همچنین از همه رفتارهای او با تمامی جزئیاتش خواسته و آگاهانه تقلید و یا ناآگاهانه همانندسازی می‌کند. به عبارت دیگر، او یک مقلد صرف و دنباله‌رو مطلق (بدون اندیشه، اراده و قدرت انتخاب) خواهد بود. این نوع تقلید، غالباً از نوع ناآگاهانه و یا نیمه‌آگاهانه است.

شخصیت‌گرایی به شکل‌های مختلف در مصادیق ظاهر می‌شود که به سه مورد از آن‌ها اشاره می‌گردد.

#### الف) فراموشی معیار و هدف در غیاب الگو

وابستگی به الگو در کودکان بسیار سریع‌تر و شدیدتر از بزرگسالان اتفاق می‌افتد. به همین خاطر، در هنگام تربیت کودک از طریق الگونمایی مهدوی نباید او را متکی به حضور، مراقبت و مشاهده الگو کنیم. چون در صورت وابستگی و اتکاء در هنگام جدایی یا عدم مشاهده الگو، رفتار تقلید شده فراموش گردیده و در عمل ترک می‌شود. همچنین اگر قصد اصلاح رفتار اتفاقی یا ترک عادت زشتی را داشته‌ایم با غیاب الگو، خطر بازگشت آن رفتار، تربیت کودک را تهدید می‌کند.

مثلاً اگر رفتاری از الگوی مهدوی را صرفاً به کودک نشان داده و به انجام آن ترغیب و تشویق نماییم بدون اینکه هدفی مشخص برای انجام آن بیان کنیم، ممکن است او تا مدت کوتاهی راغب به انجام آن باشد، ولی در بلندمدت و با رشد نیروی تفکر، به دنبال هدف و دلیل انجام آن بر می‌آید. از آنجا که ذهنش خالی از اطلاعات مرتبط با هدف است، آن رفتار را ترک و یا با بی‌میلی انجام می‌دهد. بارها مشاهده شده که کودک برخی کارهای مذهبی و مرتبط با آموزه‌های مهدوی را بر حسب عادت خانوادگی انجام می‌دهد، ولی در سنین بالاتر ترک کرده است؛ زیرا یا دلیل و هدفی از انجام آن برایش گفته نشده یا اینکه خوب تبیین نشده و یا این که دلایل و اهداف بیان شده متناسب با سن کودک در هنگام مشاهده رفتار الگو بوده است و همگام با رشد شناختی و ذهنی وی، تغییر و تحوّل در نوع اهداف و شیوه بیان آن صورت نگرفته است.

بنابراین باید تلاش کرد از ابتدای معرفی الگو و از آغاز مشاهده و آشنایی کودک با الگوی مهدوی، معیارهای الگو و اهداف آن به خوبی تبیین شود. در واقع با این کار، نوعی مصونیت الگوپذیر در هنگام غیبت الگو ایجاد می‌شود.

افزون بر کودکان، در سطح افراد جامعه نیز وابستگی فکری و عملی آنان به رهبر و الگوی خود و پیروی از او باعث می‌شود با غیبت یا مرگ رهبر همه‌ی ارزش‌ها به بوته‌ی فراموشی سپرده شود.<sup>۱</sup> در قرآن کریم نمونه‌ی این نوع شخصیت‌گرایی در داستان سامری از قوم بنی اسرائیل ذکر شده است. با وجود این که حضرت موسی به عنوان رهبر و الگویی شایسته، کارهایی ارزنده همچون رهایی بنی اسرائیل از چنگ فرعونیان و نجات از دریا انجام داده بود، ولی به خاطر عدم تثبیت روح ایمان و عبودیت در اعماق وجودشان، همانند کودکانی بودند که هر لحظه نیازمند حضور الگو، راهنما و پدری مراقب مثل موسی بودند تا از خطرات محفوظ بمانند. از این رو، به محض غیبت چند روزه‌ی موسی، گویی همه‌ی ارزش‌ها، سفارشات و اعتقادات توحیدی او را فراموش کردند و فرد فرصت‌طلبی همچون سامری توانست گوساله‌ای را به عنوان خدای موسی به آن جماعت قالب کند. بنی اسرائیل چنان لجوجانه به آن چسبیده بودند که منطق نیرومند و دلایل روشن هارون در آن‌ها مؤثر نیفتاد.<sup>۲</sup> قرآن سخن آنان را چنین نقل می‌نماید:

«گفتند ما هم چنان گرد آن می‌گردیم (به پرستش این گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد».<sup>۳</sup>

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت؛

«یکی از وظایف مهم رهبران راستین (و مسئولین جامعه) آن است که معیارها را از خویش به جامعه منتقل کنند. بدون شکه این امر مهم نیاز به گذشت زمان دارد ولی باید کوشید که این زمان هر چه ممکن است کوتاه‌تر شود».<sup>۴</sup>

### ب) الگوبرداری کورکورانه و بی دلیل

کودکان به‌طور طبیعی تا حدود سه‌سالگی در الگوبرداری خویش به‌هیچ‌وجه طالب دانستن هدف و دلیل نیستند و این امر، آسیبی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود. اما با افزایش سن، ظرفیت شناختی آنان وسعت پیدا می‌کند و برای انجام هر کار به دنبال دلیل هستند. اگر والدین از این دلیل‌خواهی طبیعی غافل باشند بدین صورت که در هنگام توصیه به تقلید، دلیلی بیان نکنند و یا پاسخگوی پرسش‌های دلیل‌خواهانه نباشند شخصیت کودک

۱. محمدقاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، صص ۳۰-۳۱.

۲. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

۳. «قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ»؛ (سوره طه: آیه ۹۱).

۴. مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۲۷۷.

بر مبنای تقلید و تبعیت کورکورانه شکل می‌گیرد. یعنی یاد می‌گیرد عملی را صرفاً به‌خاطر تبعیت از دیگران انجام دهد و هیچ‌گاه پیرامون دلیل و هدف آن فکر نکند.

«با توجه به این‌که اغلب افرادی که به عنوان الگو مورد تقلید قرار می‌گیرند ویژگی‌های مطلوب و خصوصیات نرمال الگوبودن را ندارند، تبعیت و تقلید (کورکورانه) از آنان موجب بی‌هویتی و انحطاط مقلدان، می‌شود»<sup>۱</sup>.

قرآن کریم این آسیب را گوش‌زد نموده و ما را دعوت به استقلال فکری می‌کند و پیروی‌های کورکورانه از اکابر و شخصیت‌ها را موجب شقاوت ابدی می‌داند.<sup>۲</sup> مانند این آیه که به نقل سخن گمراهان در قیامت می‌پردازد: «...پروردگارا، ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و (در نتیجه) ما را گمراه ساختند»<sup>۳</sup>. همچنین در آیاتی دیگر، خداوند سخن آنان که دین توحیدی را قبول نکرده‌اند به‌خاطر تبعیت از دین و منش آباء و اجداد خود، چنین نقل می‌نماید که مذمت و توبیخ از متن و سیاق آن فهمیده می‌شود:

«و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم مگر این‌که ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم. (پیامبرشان) گفت: آیا اگر من آئینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید)؟ گفتند: (آری) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم. به‌همین جهت از آن‌ها انتقام گرفتیم، بنگر پایان کار تکذیب‌کنندگان چگونه بود»<sup>۴</sup>.

«و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید، می‌گویند: «آن‌چه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است. آیا اگر پدران آن‌ها چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آن‌ها پیروی می‌کنند)؟!»<sup>۵</sup>

البته آیات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد.<sup>۶</sup>

۱. بنکدار، هدی، نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی، فصل‌نامه راه تربیت، پاییز ۱۳۸۵، ش ۱، صص ۸۱-۸۲.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، بخش اول؛ انسان و ایمان، ص ۶۹.

۳. «وَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ كُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا»؛ (سوره احزاب: آیه ۶۷).

۴. (سوره زخرف: آیه ۲۳-۲۵): «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَ إِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ»، «قَالَ أَوْلُو جِبْتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»، «فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ».

۵. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ»؛ (سوره مائده: آیه ۱۰۴).

۶. ر.ک: سوره‌های اعراف: آیه ۲۸، یونس: آیات ۵۳-۵۴، انبیاء: آیه ۷۴، شعراء: آیه ۲۱، لقمان: آیات ۲۳-۲۴.

### ج) گرفتار شدن به دو گونه مغالطه الگویی

مغالطه الگویی یعنی کودک در جنبه‌هایی که نباید تقلید کند، به اشتباه فکر می‌کند باید الگوبرداری نماید. این امر ناشی از تعمیم‌بخشی نادرست جنبه الگویی و همچنین بی‌توجهی به محدوده‌ی شایستگی‌های هر یک از آن‌ها پیش می‌آید. به عبارت دیگر، حدّ و مرز صلاحیت الگوها برای تقلید به خوبی شناخته نشده‌اند.

یکی از مصادیق مغالطه الگویی، تقلید و تبعیت از الگو در غیر جنبه‌ی الگویی است. تعبیر دیگری هم برای این آسیب ذکر گردیده از قبیل «اشتباه در حدّ و مرز الگوپذیری» و «اشتباه در محدوده‌ی شایستگی‌های الگوها». این اشتباه، زمانی رخ می‌دهد که شخصی واقعاً فقط در زمینه‌ای خاص صاحب‌نظر و الگو باشد، ولی در سایر زمینه‌ها نیز الگو پنداشته و حتی تصوّر شود که عقیده و سیره‌ی او در همه‌ی زمینه‌ها معتبر است. غافل از این که قبول برتری مسلم (یا نامسلم) فردی در زمینه‌ای معین، نباید سبب شود بپنداریم آن شخص در زمینه‌های دیگر نیز شایستگی دارد. حاصل چنین پنداشتی در کودک آن است که او در زمینه‌هایی غیر از جنبه الگویی از الگو تقلید کند و در برخی موارد پا را فراتر گذاشته و وی را یک الگوی تمام‌عیار شمرد و در تمام ابعاد از او پیروی کند.

یکی دیگر از مصادیق مغالطه الگویی، آن است که کودک فردی را صرفاً به دلیل آن که در زمینه‌ای خاص، کاردان نیست، لایق الگوبودن در هیچ قلمرویی نداند. بنابراین باید تلاش کرد الگوی مهدوی حداکثر در همان جنبه‌ای که نمونه است، به‌عنوان الگو معرفی و الگوبرداری شود. در دنیای امروز، معرفی پر رنگ الگوهای تک‌جنبه‌ای رواج فراوانی یافته است. مثلاً از طریق رسانه‌ها، یک ورزشکار یا بازیگر موفق آن قدر بزرگ نشان داده می‌شود که گویا تمام خصلت‌های یک انسان کامل در او جمع شده و به کمال مطلوب دست یافته است. حال آن که باید در حدّ صلاحیتشان معرفی شوند. مثلاً یک قهرمان وزنه‌برداری تنها در یک جنبه‌ی نیرومندی عضلات در اثر تمرین همیشگی نمونه شده است.<sup>۱</sup>

۱. توضیح: «مغالطه الگویی» برگرفته از مهدی‌زاده، حسین، *الگوشناسی*، ص ۵۱ و مصباح یزدی، محمدتقی، *جامی از زلال کوثر*، ص ۶۹ و مصباح، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از نگاه قرآن*، ص ۲۴۸ و حجّتی، محمدباقر، *اسلام و تعلیم و تربیت*، بخش ۲، ص ۱۳۷.

### خصوصیات زمینه‌ساز مغالطه الگویی در کودک

اکثر الگوبرداری‌های کودکان، از نوع تقلید همه‌جانبه از الگوهای تکبُعدی و غیرجامع است. پس اگر به‌خاطر ویژگی خاصی شیفته‌ی فردی شد، به‌طور طبیعی سعی می‌کند در همه چیز اعم از افکار، اخلاق، رفتار و حتی نوع سخن گفتن نیز نسبت به او همانندسازی کند. خاستگاه این حالت، برخی ویژگی‌های دوره کودکی است.

- |     |                                      |   |
|-----|--------------------------------------|---|
| (۱) | محدودیت ظرفیت شناختی.                | } خصوصیات زمینه‌ساز یا<br>خاستگاه‌های مغالطه الگویی در کودک |
| (۲) | ناتوانی در تجزیه و تحلیل.            |   |
| (۳) | انعطاف فکری و زودباری <sup>۱</sup> . |   |
| (۴) | تصور خوب و بد مطلق.                  |   |
| (۵) | شیفتگی و دلبستگی سریع به محبوب خود.  |   |
| (۶) | خوش‌بینی بیش از حد به محبوب.         |   |
| (۷) | قبول همه‌جانبه محبوب.                |   |

در این جا برخی از ویژگی‌های مذکور با نمونه کاربردی تبیین می‌گردد.

#### یک) محدودیت ظرفیت شناختی و ناتوانی در تجزیه و تحلیل

مثالی برای تأثیر این ویژگی بر الگوبرداری در سنین کودکی بیان می‌شود که در آن، قبلاً مادر به عنوان الگوی مهدوی به کودک معرفی شده است. جنبه الگویی او مواردی از قبیل عطف، مهربانی، یاری‌رسانی و احساس مسئولیت نسبت به دیگران و همچنین استمرار یاد امام زمان عجله الله فرجه است.

مثال: مادر در آشپزخانه مشغول تهیه و طبخ غذا است که ناگهان صدای دعای «اللهم کن لولیک...» را می‌شنود و متوجه رسیدن وقت اذان ظهر می‌شود. با ناراحتی آهی می‌کشد و می‌گوید: وای، باز صدای دعای اللهم کن لولیک... آمد، اذان شده و کارهایم هنوز تمام نشده است»

۱. جهت توضیح سه مورد اول ر.ک: فصل دوم، گفتار دوم، ویژگی (۷) حیطه شناختی کودک، صص ۵۷-۵۸.



کودک که نظاره‌گر این صحنه بوده تصور می‌کند همه یا بخشی از ناراحتی مادر به خاطر شنیدن صدای دعا، اذان و رسیدن وقت ادای نماز است در حالی که ناراحتی مذکور به خاطر عدم اتمام کارهای منزل تا وقتی خاص بوده است. پس کودک از هر آنچه که مرتبط و همزمان با بروز ناراحتی مادر (اعم از گفتار، حالت و رفتار) مشاهده و ادراک کرده انزجار پیدا می‌کند، زیرا ارزیابی و تجزیه و تحلیل صحیح از آن موقعیت نداشته است؛ چون قدرت تصور همه‌ی داده‌ها به طور همزمان را ندارد و به روابط عینی و قانون علیت پایبند نیست.

**دو) خوش بینی زیاد، تصور خوب و بد مطلق**

کودکان بر اساس فطرت پاکی که دارند به همه چیز و همه کس خوش بینند و حسن ظن دارند. به سختی باور می‌کنند که شخصی برجسته (الگو) هم کارهای خوب انجام دهد و هم کارهای بد. عالمی که در نظر کودک وجود دارد شامل دو بخش خوب و بد است، یعنی اشخاص و اشیاء در ترازوی کودکانه آن‌ها، یا در کفه خوبی‌هاست و یا در کفه بدی‌ها. به همین خاطر است که بارها سؤال می‌کند؛ «فلانی که آدم خوبی بود چرا فلان کار را کرد؟» بزرگترها می‌توانند یک ویژگی و یا صفت فردی را تمجید و صفت دیگر او را تقبیح کنند. ولی اگر کودکان ویژگی کسی در نظرشان خوب جلوه کند و خوششان بیاید، نمی‌توانند او را مجزاً از بدی‌هایش تصور کنند.

## ۲. پیروی از الگوی مشهور و مقبول اکثریت

در جامعه، عقیده یا رفتارهایی وجود دارد که از قدیم مرسوم بوده و رواج بسیاری یافته و حتی به صورت فرهنگ درآمده است. غالب مردم، در عقیده و عملی خاص، از اکثریت پیروی می‌کنند بدون این که بررسی کنند آیا حق، صحیح و منطقی است یا نه؟

«هم‌نوایی و هم‌صدایی با یک رأی و عقیده که بیشترین طرف‌دار را دارد، بدون در نظر گرفتن این که آن عقیده، حق یا باطل است، از آفات مهم تقلید است»<sup>۱</sup>.

«هم‌نوایی یعنی تغییر در رفتار یا باورهای فرد در نتیجه‌ی فشار غیرمستقیم عامل نفوذ است که در مباحث کنترل اجتماعی آن عامل فشار و نفوذ، گروه یا جامعه قرار می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

۱. مهدی‌زاده، حسین، *الگوشناسی*، ص ۵۷.

۲. سلیمی، علی و داوری، محمد، *جامعه‌شناسی کج‌روی*، ص ۵۷۱.

علت چنین هم‌نوایی ممکن است این باشد که شخص برای حفظ و ابقای ارتباطات مودت‌آمیز خود با دیگران و یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که خلاف حق و حقیقت است، قبول نموده و پذیرا شود.<sup>۱</sup> چنان‌چه در قرآن هم به این علت صراحتاً اشاره شده است:

«(ابراهیم) گفت: شما غیر از خدا، بت‌هایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه‌ی (برای) دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می‌جوید...»<sup>۲</sup>

از کلام حضرت علی علیه السلام که فرمودند:

«ای مردم، در طریق هدایت و حق، از کم‌بودن پیروان، هراس به خود راه ندهید»<sup>۳</sup> می‌توان فهمید که مهم‌ترین دلیل هم‌نوایی مذکور، شیفتگی نسبت به اکثریت و وحشت از تنهایی و ماندن در اقلیت است که برخی روان‌شناسان اسلامی هم به این مورد اشاره کرده‌اند.<sup>۴</sup> کودکان که حساس‌ترین عضو تأثیرپذیر جامعه‌اند و ظرفیت شناختی آنان محدود است، بیشتر از دیگران در معرض خصلت الگوبرداری از رفتار نهادینه‌شده در جامعه هستند و غالباً از عقیده‌ی اکثریت تبعیت می‌کنند. یکی از نشانه‌های بارز آن، هم‌نوایی کودکان با گروه هم‌سال خود در فضاهای آموزشی کودکانه و یا در جمع‌های خانوادگی است به‌ویژه روز اول آشنایی. به عبارت دیگر، کودک همین که می‌بیند عده‌ی زیادی از هم‌سن و سالانش کاری را انجام می‌دهند حکم به صحت آن می‌کند. بر این اساس، برای رفع این آسیب شایسته است به سه نکته زیر توجه شود.

اولاً، زمینه‌ی دوستی و معاشرت کودک را با کسانی که می‌توانند به عنوان الگوی مهدوی نقش ایفا کنند فراهم نماییم.

ثانیاً، در جمع‌های کودکانه نقش نظارتی غیرمستقیم داشته باشیم.

۱. مصباح، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ص ۲۴۸.

۲. «وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَبِتِلْعَانِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ مَاوَاكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ»؛ (سوره عنکبوت: آیه ۲۵).

۳. «أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْجِسُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلْبَةِ أَهْلِهِ...»؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱، ص ۳۱۹).

۴. کاویانی، محمد، ارزش‌یابی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۶.

ثالثاً، او را با این واقعیت آشنا کنیم که ملاک و معیار درستی یک عقیده یا عمل، حق بودن است که مصداق کامل و اصلی آن، اموری است که مورد رضایت خداوند متعال و معصومین علیهم السلام می باشد نه فراوانی طرفداران و شیوع آن در جامعه.

### ۳. تعارض و ناهماهنگی رفتار الگو و آثار آن

در اصل سوّم از اصول روش الگویی بیان شد که باید بین رفتار الگو و سه مورد، هماهنگی باشد. آن سه عبارتند از: گفتار الگو، رفتارهای دیگر الگو در موقعیت‌های مشابه و همچنین با گفتار و رفتار الگوهای دیگر. این هماهنگی تأثیر زیادی در فهم و قبول کودکان نسبت به افکار، عواطف و رفتار دیگران به ویژه الگوها دارد، زیرا کودکی، دوره‌ای است که هر گونه و هر بار مشاهده‌ی محیط اطراف، به منزله‌ی کلاس آموزشی غیرمستقیم است. همچنین دوره‌ی ادراکها و دریافت‌های صادقانه، هم‌دلانه، خالصانه و ماندگار می باشد. حال اگر هر یک از هماهنگی‌های مذکور، در نظر کودک، کمرنگ و یا تبدیل به ناهماهنگی شود اولاً، فرآیند آموزش صحیح رفتاری خاص مختل می شود و ثانیاً، روند الگوگیری از آن رفتار تضعیف و یا حتی متوقف می گردد.

باید توجه داشت که کودک در هنگام مواجه شدن با تعارض بین رفتار و گفتار الگوی مهدوی، سؤالاتی مهم در ذهنش نقش می بندد مانند «چرا به آنچه خود می گوید و یا حتی دیگران را به آن سفارش می نماید، عمل نمی کند؟» در هنگام مشاهده‌ی اختلاف رفتارهای الگو در موقعیت‌های مشابه با موضوع و مسأله‌ی واحد نیز می پرسد «چرا او، امروز چنین کاری انجام می دهد در حالی که هفته‌ی پیش کاری دیگر کرد؟» همچنین در زمان مشاهده‌ی ناهماهنگی و یا حتی تضاد بین الگوها، سؤالش این است: «چرا رفتارها این قدر با هم فرق دارند و بالاخره کدام یک درست است؟» بسیاری از کودکان نمی توانند سؤالات و مطالب یادشده را به صورت استدلالی و محکم مطرح کنند. به همین خاطر، با عباراتی کودکانه بیان می کنند یا در برابر امر به تقلید مخالفت نشان می دهند. غالباً والدین و دیگر الگوها، پاسخ‌های کوتاه، مبهم و دلیل تراشانه می دهند و متوجه نیستند که ذهن و فطرت پاک کودک، به نادرستی آن پی خواهد بُرد.

## آثار تعارض و ناهماهنگی

### الف) تردید

اولین اثری که پیش می‌آید، تردید در صحت سخن و درستی رفتار اوست. اگر همه‌ی الگوها به یک اندازه نزد کودک محبوبیت و مقبولیت داشته باشند پس از تردید، دچار حیرت و سرگردانی می‌شود.<sup>۱</sup> چون او به خاطر جهل نسبت به معیارهای عمل، قدرت تشخیص واقعی صحت یک رفتار را ندارد.

### ب) قضاوت نابجای کودکانه

دومین اثری که نمایان می‌شود، قضاوت‌های کودکانه است. کودک به طور ناخواسته در معرض داوری و قضاوت‌های کودکانه قرار می‌گیرد و یکی از دو طرف متضاد و متناقض را انتخاب می‌کند. البته چون داوری او واقعی و صحیح نیست، گفته‌اند: «کودک داور نیست که بخواهد عمل کرده‌های الگوهای بزرگسال همچون پدر، مادر و معلم را داوری کند. بنابراین، هرگز نباید چنین موقعیت تناقض‌آمیزی برای او ایجاد شود».<sup>۲</sup> انتخاب رفتار یکی از الگوها با پشتوانه‌های فکری کودکانه نیز، آسیب‌های خاص خود را دارد.

### ج) کاهش محبوبیت الگو

سومین اثر ناهماهنگی رفتار الگو، کاهش محبوبیت الگو نزد کودک الگوپذیر و تهدید بهداشت روانی اوست. بهداشت روانی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای روانی کودکان است و یکی از مواردی که تأمین‌کننده آن می‌باشد تعادل عاطفی، اطمینان و امنیت خاطر است. ناهماهنگی و ناهمانندی رفتاری الگو، موجب بی‌ثباتی عاطفی، دوگانگی احساس و تعارض‌های روانی می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

۲. افروز، غلام‌علی، مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، صص ۶۱-۶۸.

۳. مهدی‌زاده، حسین، الگوشناسی، ص ۶۲.

**(د) بی‌اعتمادی یا کاهش اعتماد**

چهارمین اثر ناهماهنگی، بی‌اعتمادی یا کم‌اعتمادی یا کودک نسبت به الگو و صحت رفتار اوست. چون تعارض‌های رفتاری، حساسیت او نسبت به رفتارهای الگو را تضعیف و در نهایت نابود می‌کند و موجب بی‌توجهی و بی‌تفاوتی او نسبت به رفتار الگو می‌شود و در نتیجه سبب می‌گردد از آن الگوگیری نکند.<sup>۱</sup> این بی‌اعتمادی، بیشتر در موارد تعارض رفتار و گفتار الگو نمایان می‌شود. بنابراین، دوگانگی الگوها، باعث بی‌اعتمادی الگوپذیر نسبت به همه‌ی ارزش‌ها می‌گردد، به طوری که هر جا مصلحت خویش بیاید، از همان پیروی می‌کند.<sup>۲</sup>

**(ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا**

پنجمین اثر ناهماهنگی، پرورش روحیه‌ی برخی صفات بد اخلاقی همچون نفاق، دورویی، خودخواهی<sup>۳</sup> و ریا<sup>۴</sup> است. وقتی کودک می‌بیند که یک الگو، پیرامون رفتارهای مورد رضایت امام زمان بحث سخن می‌گوید، ولی رفتارش به گونه‌ای دیگر است، ناخودآگاه یاد می‌گیرد که می‌توان چیزی گفت و به آن عمل نکرد.

به طور کلی امور یادشده (تردید، حیرت، داوری کودکان، کاهش محبوبیت، دوگانگی احساس و تعارض‌های روانی، بی‌اعتمادی، بی‌تفاوتی، نفاق و خودخواهی) باعث وقفه در الگوگیری می‌گردد. شایسته است که در هنگام تعارض بین رفتار الگوها، رفتار صحیح را معرفی نماییم. لازم به ذکر است که گاهی از منظر مشاهدات کودکان، تعارض رفتاری الگو وجود دارد در حالی که واقعاً منافاتی بین آنها نیست، بلکه گاهی به خاطر اختلاف در موقعیت است. در این صورت باید با زبان قابل فهم برای کودکان، شرایط و موقعیت‌های مختلف رفتار الگو را توضیح داد تا به علت هر کدام در شرایط خاص خود پی ببرند. در برخی موارد اختلاف رفتاری، جزئی و مربوط به اختلاف سلیقه است که باید آن را به خوبی تبیین نماییم و کودک را در انتخاب آزاد گذاریم، ولی از راهنمایی سازنده محرومش نکنیم.

۱. داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

۲. قائمی مقدم، محمدرضا، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، مجله معرفت، شهریور ۱۳۸۲، ش ۶۹، ص ۳۴.

۳. همان.

۴. داوودی، محمد، خانه بهشتی، ص ۶۵.

(الف) تردید	} آثار ناهماهنگی رفتار الگو
(ب) قضاوت نابجای کودکانه	
(ج) کاهش محبوبیت الگو	
(د) بی اعتمادی یا کاهش اعتماد	
(ه) پرورش روحیه نفاق، خودخواهی و ریا	

#### ۴. لغزش الگو

الگوها و قهرمانان، همچون لوکوموتیوهایی هستند که به هر کجا گذر کنند، واگن‌های عظیم اجتماع انسانی را به دنبال خویش می‌کشانند.<sup>۱</sup> بر این اساس، اگر الگو دچار لغزش و انحراف از مسیر صحیح شود سبب گمراهی و لغزش الگوپذیر می‌گردد. در این صورت به لحاظ تربیتی ادامه‌دادن الگوگیری از او اشتباه بوده و تأثیرات نامطلوبی بر کودک الگوپذیر می‌گذارد. آسیب این لغزش، زمانی بیشتر و مخرب‌تر است که در همان زمینه‌ای باشد که الگو به خاطر آن انتخاب شده و مورد الگوگیری قرار گرفته است، یعنی انحراف در جنبه‌ی الگویی. این آفت، مهم‌ترین عامل تضعیف‌کننده‌ی هماهنگی و تفاهم میان الگو و الگوپذیر است.<sup>۲</sup>

بنابراین، لازم است الگوهای معرفی و نسبت به آن‌ها ترغیب و تشویق شود که خطر چنین انحرافی را نداشته باشند. البته باید کودکان را با این واقعیت آشنا کرد که تنها الگوهای که هیچ‌گاه دچار انحراف و لغزش نمی‌شوند فقط معصومین علیهم‌السلام هستند و بقیه‌ی انسان‌ها ممکن است در طول زندگی خود اشتباهاتی انجام دهند.

#### ۵. اشتباه در تشخیص مصداق جنبه الگویی

«انتخاب اسوه بدین بستگی دارد که اسوه‌پذیر، کمال را در چه چیزی بداند. کسی که کمال انسان را در ثروتمندی می‌پندارد، مسلماً ثروتمندان را الگوی خود می‌انگارد و در رفتار به ایشان می‌گراید و از سوی دیگر فقرا و مستمندان را به سبب فقر و مسکنتشان در

۱. واتقی، ق، امام، الگوی امت، ص ۶۸.

۲. عباسی مقدم، مصطفی، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، ص ۲۵۲.

خور توجه نمی‌داند؛ از آنان می‌گریزد و سعی می‌کند تا آنجا که می‌تواند شبیه‌شان نباشد.<sup>۱</sup> گاه ممکن است کودک الگویی را با میل و رغبت درونی پذیرفته باشد، ولی در تشخیص مصداق کمال در قالب عنوانی مهدوی دچار اشتباه شود. مثلاً کودکی دیگر به عنوان الگوی عاطفی معرفی و مورد تشویق قرار می‌گیرد. مرتب می‌گویند: «او امام زمان علیه السلام را واقعاً و از ته دل دوست دارد». الگوپذیر که آرزو دارد او هم مورد تمجید و تشویق قرار گیرد، به دقت در حالات، اعمال و رفتار الگو می‌نگرد تا حالت و رفتاری که باعث توجه دیگران شده را بیابد و همانندسازی کند. حال اگر به اشتباه رفتار یا حالتی را انتخاب کرد که ربطی به کمال اصلی الگو نداشته و یا حتی بد و آسیب‌زا باشد، مسیر الگوپذیری ادامه پیدا می‌کند، ولی به مقصد نخواهد رسید. به همین دلیل است که غالباً در وقت مؤاخذه شدن کودکان این جملات را می‌شنویم: «برادرم هم همین کار را کرده بود، پس چرا اون را دعوا نکردید، دوستم همین کار من را انجام داد، پس چرا به من جایزه ندادید و...» بنابراین اگر الگوهای مهدوی در برابر دیدگان کودک قرار دادیم حتماً باید مصداق کمال‌هایی که به خاطر آن‌ها معرفی شده‌اند خوب و دقیق تبیین شوند. تا آنجا که امکان دارد از عناوین کلی کمتر استفاده شود و جهت تبیین هر عنوان کلی مطرح شده، مثال‌ها و مصادیق رفتاری محسوس بیان گردد.

۱. مصباح، محمدتقی، جامی از زلال کوثر، ص ۶۹.

## پیشنهادات

این پژوهش، به هیچ وجه با مدّعی بازنمود همه‌ی جنبه‌های موضوع به نگارش درنیامده و تنها هدف نگارنده‌اش در وهله‌ی نخست، در میان گذاردن آن با صاحب نظران این پهنه‌ی مطالعاتی است به قصد سنجش یافته‌ها و دیدگاهش، و آنگاه گامی دیگر در مطالعات مهدویت. در این پژوهش، تنها دو روش تربیتی، دو شیوه کلی اجرایی و پنج قالب مورد بررسی قرار گرفت. به پژوهشگران عرصه انتقال و نهادینه‌سازی معارف مهدویت در کودکان پیشنهاد می‌گردد که پیرامون روش‌های دیگر مانند «اعطای بینش»، «دعوت»، «حفظ عمل»، «تشویق و تنبیه»، «فریضه‌سازی»، «محاسبه نفس»، «زمینه‌سازی»، «تغییر موقعیت»، «مواجهه با نتایج اعمال» و «عبرت آموزی» به تحقیق بپردازند.

همچنین پیرامون شیوه‌های اجرایی کلی دیگر نظیر جابجایی «نقش مربی و کودک»، «ایجاد فرصت تأمل»، «ایجاد تردید در امور منفی»، «نشان دادن آثار و زیبایی‌ها و جذابیت‌ها در زندگی کودک»، «درخواست راهنمایی و مشاوره»، «زمینه‌سازی ارتباط و معاشرت با خانواده و گروه همسال مهدوی»، «بهره‌بری از گرایش کودک به گفتگو»، «استفاده از حس کنجکاوی»، «خودافشایی والدین و مربی».

افزون بر آن، درباره قالب‌های دیگر مانند «مسابقه»، «مباحثه»، «گردش علمی یا فعالیت تجربی»، «تصویرسازی»، «تشبیهی و تمثیلی». چون این قلم، بر دوش کشیدن بار گران تبیین همه روش‌ها و قالب‌های نهادینه‌سازی آموزه مهدویت برای کودکان را نمی‌تواند، دامنه نگارش را بیش از این نگستراند. امید نگارنده نیز آن که در روزگاری نه چندان دور، سرانجام در بررسی‌های دیگر محققان ابعاد دیگر این مسئله، به شکلی روشمند و از چشم‌اندازهای گوناگون مورد مذاقه قرار گیرد.



نمایاندن موضوعاتی از این دست، در فرجام این نوشته، سودمند است:

- (۱) بایسته‌ها و شیوه‌های پاسخ‌گویی به سؤالات مهدوی کودکان؛
- (۲) آسیب‌شناسی انتقال معارف مهدوی به کودکان در جامعه معاصر؛
- (۳) سبک‌شناسی تبیین و تبلیغ آموزه مهدویت برای مخاطب کودک؛
- (۴) نقش خانواده در رشد و شکوفایی مهدوی باوری فرزندان؛
- (۵) جایگاه‌شناسی تربیت کودک در جامعه منتظر؛
- (۶) بازشناسی باورهای مهدوی در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی؛
- (۷) بررسی نقش آموزه‌های مهدوی در تربیت اخلاقی و معنوی کودکان؛
- (۸) بررسی میزان تأثیر فرهنگ مهدویت و اعتقاد به آن در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی؛
- (۹) تحلیل آموزه‌های اخلاقی و تربیتی در روایات و ادعیه مهدوی؛
- (۱۰) بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی پایبندی کودکان به ارزش‌های مهدوی.

## منابع

## کتاب عربی و فارسی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه صبحی صالح.
۳. صحیفه سجادیه.
۴. آمدی، عبدالواحد ابن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ ق.
۵. آن مارت، جی، روان شناسی تقلید، ترجمه سیامک مهجور، انتشارات راهگشا، تهران، ۱۳۷۱.
۶. آشوری، داریوش، تعریفها و مفهوم فرهنگ، آگه، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۷. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، ج ۱۰، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ج ۲، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳ و ۵ و ۱۴، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّة لثمره المهجّة، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۵.
۱۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثر، تحقیق طاهر احمد الزاودی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ ش.
۱۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید المعتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. ابوطالبی، مهدی، تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، جلد ۱، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. اسماعیلی و همکاران، روش تدریس و کلاس داری تبلیغی، چاپ دوم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، قم، ۱۳۹۲ ش.
۱۶. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۲، سخن، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. اعرافی، علی رضا، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. احمدی، سید احمد، اصول و روش های تربیت در اسلام، ج ۲، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۱۹. افروز، غلام علی، مباحثی در روان شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، ج ۲، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. بالادستیان، محمّد امین و دیگران، نگین آفرینش (درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت)، جلد ۱، ج ۵۹، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۹۳ ش.
۲۱. باهنر، ناصر، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، ج ۹، چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷ ش.
۲۲. بارو، رابین و رونالد، وودز، درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فاطمه زیباکلام، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶ ش.

۲۳. باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، چ ۴، مدرسه، تهران، ۱۳۷۶ش.
۲۴. \_\_\_\_\_، *چیستی تربیت دینی (بحث و گفتگو با پروفسور پاول هرست)*، تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ش.
۲۵. باندورا، آلبرت، *نظریه یادگیری اجتماعی*، ترجمه فرهاد ماهر، راهگشا، شیراز، ۱۳۷۲ش.
۲۶. بی‌ریا، ناصر و دیگران، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، جلد ۱، سمت، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۷. بهشتی، محمد، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد ۵؛ چ ۲، فیض کاشانی، قم، ۱۳۸۸ش.
۲۸. بهبودی، محمد باقر، *گزیده کافی*، چاپ اول، مرکز انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۳ش.
۲۹. بستانی، محمود، *اسلام و روان‌شناسی (الاسلام و علم النفس)*، ترجمه محمود هوشمیم، بنیاد پژوهش‌های استان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳ش.
۳۰. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری کاردان، علی محمد و دیگران، *درآمدی بر تعلیم تربیت اسلامی (۱)*؛ فلسفه تعلیم و تربیت، جلد ۱، چ ۱۰، سمت، تهران، زمستان ۱۳۹۰ش.
۳۱. پارسا، محمد، *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*، بعثت، تهران، بهار ۱۳۶۷ش.
۳۲. پهلوان، چنگیز، *فرهنگ‌شناسی*، (گفتارهایی در فرهنگ و تمدن)، پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸ش.
۳۳. تاسی، هنری، *تئوری‌های سازمان*، ترجمه علی پارسائیان، ترمه، تهران، ۱۳۸۸ش.
۳۴. جمعی از نویسندگان، *اصول و روش‌های ارائه مفاهیم دینی*، چ ۲، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۲ش.
۳۵. جمعی از نویسندگان؛ *تسورای عالی انقلاب فرهنگی*، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ش.
۳۶. جمعی از نویسندگان، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد ۲، چ ۴، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، قم، ۱۳۸۸ش.
۳۷. جان‌بزرگی، مسعود و دیگران، *آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون به کودکان*، انتشارات ارجمند، تهران، ۱۳۸۷ش.
۳۸. الجوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، جلد ۴، چ ۴، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۹. حیدری ابهری، غلامرضا، *خدائشناسی قرآنی کودکان*، چ ۳۱، جمال، قم، ۱۳۹۲ش.
۴۰. حسینی زاده، سید علی، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهلبیت علیهم السلام*، جلد ۴: نگرشی بر آموزش با تأکید بر آموزش دینی، چاپ چهارم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، بهار ۱۳۸۸ش.
۴۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، قم، ۱۳۷۷ش.
۴۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، *وسائل الشیعة*، جلد ۲۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۴۳. حسینی، مریم، *کودک بازی و اسباب‌بازی*، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۵ش.
۴۴. حسینی، ابوالقاسم، *اصول بهداشت روانی*، جلد ۲، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۶۱ش.

۴۵. حجتی، محمدباقر، *اسلام و تعلیم و تربیت*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. دادستان، پریرخ، *ارزشیابی شخصیت کودکان* (بر اساس آزمون‌های ترسیمی)، چ ۷، رشد، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۴۷. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا* (۱۶ جلدی)، ج ۲ و ۳ و ۵ و ۱۲، چاپ دوم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۴۸. داوودی، محمد و حسینی‌زاده، علی، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام*، چ ۲، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱ ش.
۴۹. داوودی، محمد، *خانه بهشتی (اصول و روش‌های دعوت فرزندان به نماز)*، چ ۳، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، تهران، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۵۰. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، *اخلاق اسلامی*، چ ۲، انتشارات معارف، قم، ۱۳۷۹ ش.
۵۱. دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین* (یک جلدی)، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۵۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، *سیری در تربیت اسلامی*، چ ۳، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۵۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دارالعلم و الدارالشامیه، دمشق و بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۵۴. الرازی، احمد بن فارس، *معجم مقانیس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۳۸۹ ق.
۵۵. رضایی، حمیدالله، *اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به نوجوانان*، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۲ ش.
۵۶. رفیعی، بهروز، زیر نظر علیرضا اعرافی، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، جلد ۳، چ ۳، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، قم، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۵۷. رضاییان، علی، *مبانی مدیریت رفتار سازمانی*، چ ۹، سمت، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۵۸. الزبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. سیف، علی‌اکبر، *روان‌شناسی پرورشی* (روان‌شناسی یادگیری و آموزش)، چ ۱۵، آگاه، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۶۰. سلطانی تیرانی، فلورا، *نهادی‌کردن نوآوری در سازمان*، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، تابستان ۱۳۷۸ ش.
۶۱. سلیمیان، خدامراد، *فرهنگ‌نامه مهدویت*، چ ۵، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام، ۱۳۹۰ ش.
۶۲. سلیمی، علی و داوری، محمد، زیر نظر صدیقی اورعی، *جامعه‌شناسی کج‌روی*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ ش.
۶۳. ساتراک، جان دبلیو، *زمینه روانشناسی*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، انتشارات رسا، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۶۴. شعبانی، حسن، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی* (روش‌ها و فنون تدریس)، چ ۸، سمت، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۶۵. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، *روان‌شناسی رشد*، چ ۱۷، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۶۶. شکوهی، غلامحسین، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، چ ۱۸، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۱ش.
۶۷. شجاعی، محمد صادق، *بازی کودک در اسلام*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۳ش.
۶۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، *کمال الدین و تمام النعمة* (۲جلدی)، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۶۹. \_\_\_\_\_، *من لایحضره الفقیه*، (۴جلدی)، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ق.
۷۰. صالحی، علی محمد، *بازی را جدی بگیرید*، چ ۲، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، قم، تابستان ۱۳۹۱ش.
۷۱. صانعی، مهدی، *پژوهشی در تعلیم و تربیت*، انتشارات سناباد، مشهد، ۱۳۷۸ش.
۷۲. صافی، احمد، *آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه*، چ ۵، سمت، ۱۳۸۲ش.
۷۳. صلاحی، محمود و دیگران، *طرح تحقیقاتی شهر اسوه*، نشر مهر محبوب، تهران، ۱۳۸۴ش.
۷۴. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج* (دو جلدی)، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۷۵. طبرسی، علی بن الحسین، *مشکاة الانوار فی غرر الاخبار*، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۴۴ش / ۱۳۸۵ق.
۷۶. طبسی، نجم الدین، *تا ظهور، ج ۲، ج ۴*، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، پاییز ۱۳۹۳ش.
۷۷. طوسی، محمد بن حسن، *مصباح المتهدج*، موسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۷۸. طباطبایی، محمدرضا، *صرف ساده*، مؤسسه انتشارات دارالعلم، ۱۳۷۱ش.
۷۹. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۸۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط* (۹ جلدی)، تحقیق ابراهیم الحسینی، ج ۶، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۸۱. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر المیزان*، جلد ۷، چ ۵، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۸۲. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، چ ۲، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش.
۸۳. عباسی مقدم، مصطفی، *نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت*، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۱ش.
۸۴. \_\_\_\_\_، *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ش.
۸۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، به تحقیق هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ش.
۸۶. غرویانی، محسن، *فلسفه اخلاق*، نشر پیک جمال، قم، ۱۳۷۹ش.
۸۷. غفاری، محمد جواد، *ترجمه و متن غیبت نعمانی*، چاپ دوم، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ق و ۱۳۷۶ش.
۸۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.

۸۹. فرمهینی فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، اسرار دانش، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۹۰. فیرس، ای. جری و جی. ترال، تیموتی، روان‌شناسی بالینی، ترجمه مهرداد فیروزبخت با همکاری سیفالله بهاری، رشد، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۹۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (دو جلدی)، انتشارات رضی، قم، ۱۳۷۵ ش.
۹۲. قائمی امیری، علی، حدود آزادی در تربیت، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۹۳. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۹۴. قطب، محمد، روش تربیتی اسلام، ترجمه محمدمهدی جعفری، ج ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ ش.
۹۵. کاویانی، محمد، روان‌شناسی و تبلیغات (با تأکید بر تبلیغ دینی)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷ ش.
۹۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (هشت جلدی)، ج ۴، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۹۷. کیومرثی، غلام‌علی، آشنایی با نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی مدارس، مدرسه، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۹۸. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، ج ۱۱، سمت، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۹۹. کرمی، رضا علی، مهارت‌های الگوسازی برای کودکان و نوجوانان، انتشارات قلمگاه، قم، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۰۰. کرامر، جفری و دیگران، روان‌شناسی بالینی، ترجمه مهدی گنجی، ساوالان، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۰۱. کدیور، پروین، روان‌شناسی اخلاقی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۲. گنجی، حمزه، روان‌شناسی عمومی، ج ۶۰، ساوالان، تهران، ۱۳۹۱ ش.
۱۰۳. گریوانی، مسلم، خدایی که در این نزدیکی است (چگونگی معرفی خدا به فرزندان)، ج ۵، موسسه ضریح آفتاب، مشهد، ۱۳۹۱ ش.
۱۰۴. گرونلند، نرمان ادوارد، هدف‌های رفتاری برای تدریس و ارزش‌یابی، ترجمه امان‌الله صفری، ج ۴، رشد، تهران، ۱۳۸۲ ش.
۱۰۵. لطیفی، رحیم، مهدویت؛ حکومت دینی و دموکراسی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، قم، ۱۳۸۹ ش.
۱۰۶. لوکرون، لسلی، توهینوتیزم، ترجمه یدالله همایون‌فر، سیروس، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۷. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، جلد ۱۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۱ ق.
۱۰۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (شش جلدی)، جلد ۳ و ۴، ج ۲۵، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۱۰۹. محدثی، جواد، هنر در قلمرو حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶ ش.

۱۱۰. محمدقاسمی، حمید، *روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن*، چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۹ش.
۱۱۱. محمدی ری شهری، محمد، *حکمت‌نامه کودک (عربی به فارسی)*، ترجمه عباس پسندیده، چ ۷، چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۹۱ش.
۱۱۲. محمدی، محمدعلی، *تسیوه پاسخ به پرسش‌های دینی*، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، ۱۳۹۱ش.
۱۱۳. محمودی، حسن، *گزیده دیوان حیران*، (اشعار علامه سید محمد حسن میرجهانی طباطبایی)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹.
۱۱۴. مصباح، محمدتقی، *فلسفه‌ی تعلیم و تربیت*، چ ۲، مدرسه، تهران، ۱۳۹۱ش.
۱۱۵. \_\_\_\_\_، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، چ ۲، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
۱۱۶. \_\_\_\_\_، *دروس فلسفه‌ی اخلاق*، چ ۵، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۰ش.
۱۱۷. \_\_\_\_\_، *جامی از زلال کوثر*، تحقیق و نگارش محمدباقر حیدری، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۰ش.
۱۱۸. منصور، محمود، *روان‌شناسی ژنتیک (تحول روانی از تولد تا پیری)*، چ ۱۰، سمت، تهران، ۱۳۸۸ش.
۱۱۹. مک کی، رابرت، *داستان، ساختار، سبک و اصول فیلم‌نامه نویسی*، با ترجمه محمد گذرآبادی، چ ۵، هرمس، تهران، ۱۳۸۹ش.
۱۲۰. مرتضوی، محمد، *اصول و روش‌ها در نظام تربیتی اسلام*، انتشارات گلنشر، مشهد، ۱۳۷۵ش.
۱۲۱. مهجور، سیامکرضا، *روان‌شناسی بازی*، راه‌گشا، شیراز، ۱۳۷۶ش.
۱۲۲. مهدوی، سعید، *نگاهی به قصه و نکات تربیتی آن در قرآن*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۲۳. محمدی مهر، علی اکبر، *روش‌های پیشگیری و درمان لجاجت در منابع اسلامی*، سلسله جزوات واحد تربیت مربی اخلاق، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بی تا.
۱۲۴. محدث نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، جلد ۱۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۸ق.
۱۲۵. مطهری، مرتضی، *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (جلد ۶)*، چاپ هشتم، صدرا، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۲۶. \_\_\_\_\_، *مجموعه آثار*، جلد ۳، چ ۱۳، صدرا، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، جلد ۱، مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه‌السلام، قم، ۱۳۷۷ش.
۱۲۸. \_\_\_\_\_، *با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه*، جلد ۱۳، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۱۲۹. مهدی‌زاده، حسین، *الگوشناسی*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۵ش.
۱۳۰. مور، استفان، *کلیات جامعه شناسی*، ترجمه عباس محمدی اصل، نشر علم، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۳۱. المنسوب إلى الإمام الرضا علیه‌السلام، *الفقه*، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، مشهد، ۱۴۰۶ق.
۱۳۲. محسنی، منوچهر، *جامعه شناسی*، کتابخانه طهوری، تهران، ۱۳۸۰ش.

۱۳۳. نعمانی، (ابن ابی زینب) محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۱۳۴. نیک‌گهر، عبدالحسین، مبانی جامعه‌شناسی، نشر رایزن، تهران، ۱۳۶۹ش.
۱۳۵. نراقی، ملا مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، جلد ۱، ج ۳، انتشارات قائم آل محمد علیه السلام قم، ۱۳۹۰ش.
۱۳۶. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، ج ۷، انتشارات طوبای محبت، قم، ۱۳۹۱ش.
۱۳۷. وثاقتی، ق، امام، الگوی امت، کتاب‌فروشی امیری، تهران، بی تا.
۱۳۸. هاشمی، عزیزالله، نغمه‌های دینی کودکان، ج ۴، عصمت، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۳۹. همتی، مجید، فرزندان قانون (روش‌های نظم‌آموزی به کودکان)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۲ش.
۱۴۰. \_\_\_\_\_ چند ایست تا بیست (خودمهارگری کودکان)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۹۰ش.
۱۴۱. یزدی حایری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، ج ۲، ج ۱، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۱۴۲. یوسفیان، محمد، منتظرم بیایی، ج ۹، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۹۳ش.
۱۴۳. \_\_\_\_\_ و ولایی، ف، یاران آفتاب، \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲ش.
۱۴۴. \_\_\_\_\_ فرشته خوش‌خبر، \_\_\_\_\_
۱۴۵. \_\_\_\_\_ و وحیدی صدر، مهدی، مجموعه چلچراغ، ج ۳، \_\_\_\_\_، ۱۳۹۳ش.
۱۴۶. \_\_\_\_\_ شکوفه‌های امید، ج ۳، \_\_\_\_\_، ۱۳۹۱ش.

## مقالات

۱. آیتی، نصرت‌الله، «زمینه‌سازی ظهور؛ چیستی و چگونگی»، فصل‌نامه مشرق موعود، سال پنجم، شماره ۱۹، قم، پاییز ۱۳۹۰ش.
۲. بنکدار، هدی، «نقش و جایگاه الگوها در تربیت اخلاقی»، فصل‌نامه راه تربیت، جامعه المصطفی، شماره ۱، قم، پاییز ۱۳۸۵ش.
۳. بهروزی لکه غلام رضا و آیت‌اللهی، محمد، «اقتراح»، (مصاحبه فصل‌نامه‌ی انتظار موعود)، سال چهارم، شماره‌ی ۱۱-۱۲، قم، مرکز تخصصی مهدویت، بهار و تابستان ۱۳۸۳ش.
۴. پورسید آقایی، مسعود، «مهدویت و رویکردها»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره‌ی ۴، مؤسسه آینده روشن، قم، زمستان ۱۳۸۶ش.
۵. حاجی بابایی، حمیدرضا، «ویژگی‌های «مدرسه‌ای که دوست دارم» با توجه به سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش»، فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تهران، تابستان ۱۳۹۱ش.
۶. حیدری، محمدحسین و نصر بختیاری، حسن‌علی، «تلقین؛ چالش‌های فراروی تربیت دینیم»، فصل‌نامه‌ی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش.



۷. خبازی، مجید، «اصلاح الگوی مصرف و کارکردهای رسانه‌ی ملی»، نشریه‌ی *رواق هنر و اندیشه*، شماره ۳۶، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، قم، تیرماه ۱۳۸۸ ش.
۸. رحیمی، محمدرضا، «نهادینه‌سازی وجدان کاری با رویکرد اسلامی»، فصل‌نامه *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال دوم، شماره ۵، قم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۹. سروریان، حمیدرضا، «روش‌های آموزش و تربیت دینی در سیره‌ی عملی پیامبر اعظم (ص)»، نشریه‌ی *معارف*، شماره‌ی ۴۴، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، قم، اسفند ۱۳۸۵ ش.
۱۰. شهبازیان، محمد و همکاران، «بررسی و تحلیل اسناد عریضه نویسی با تأکید بر آسیب‌های آن»، فصل‌نامه *انتظار موعود*، قم، مرکز تخصصی مهدویت، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۲ ش.
۱۱. قائمی مقدم، محمدرضا، «روش الگویی در تربیت اسلامی»، فصل‌نامه *معرفت*، شماره ۶۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شهریور ۱۳۸۲ ش.
۱۲. مقدسی‌پور، علی، «اصول و روش‌های آموزش مفاهیم دینی به کودکان (۱)»، فصل‌نامه‌ی *معرفت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، شماره‌ی ۷۵، اسفند ۱۳۸۲ ش.

### پایان نامه‌ها

۱. رضایی شریف‌آبادی، حسین، *بررسی بداء در آموزه‌های مهدوی*، پایان‌نامه سطح سه (معادل کارشناسی ارشد)، مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه، قم، تابستان ۱۳۹۳.
۲. کاویانی، محمد، *ارزش‌یابی مفاهیم روان‌شناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی، مؤسسه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۷۹ ش.
۳. موسوی نسب، محمدرضا، *بررسی تحول فهم دعا در کودکان و نوجوانان*، رساله‌ی دکترای، استاد راهنما؛ دکتر علی عسگری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، گروه علوم تربیتی، قم، اسفند ۱۳۸۹ ش.
۴. هاشمی، انسیه، *نقش تلقین در تقویت اراده*، پایان‌نامه کارشناسی، جامعه الزهراء (س)، قم، ۱۳۸۸ ش.

### سایت‌ها

۵. <http://www.pezeshk.us/index.php>
۶. <http://www.almaany.com/fa/dict/ar-fa/> المعانی.

## العقيدة المهدوية لدى الأطفال

(تقويم و تأصيل التعاليم المهدوية في شخصية الطفل عن طريق اسلوبين تربويين و هما الأسلوب التلقيني و الأسلوب القدوي)

لاشك و لا ريب فإن واحدة من أهم الوظائف المناطة في عصر الغيبة هي تنمية و توسعة الثقافة المهدوية و تعبئة خطابها، و إستيعابية هذا الموروث المعرفي الشيعي الغني بكل اشكالها و ابعاده، و بالتالي تهيئة الأرضية المناسبة و المناخ الملائم في أمر ظهور مولانا صاحب العصر و الزمان (أروحا لمقدمه الفداء) و لن يتأتى هذا الهدف المنشود و القيم الإمن خلال تنشئة جيل يحمل المبادئ و المنهج المهدوي الوضاء و تطبيقه على أرض الواقع. و من هذا المنطلق فمن الأجدر و المناسب بمكان إنتخاب مرحلة الطفولة المبكرة و التي تعتبر هي السن المناسب لإيجاد التربية الصحيحة و المؤثرة في الإعتماد على النهوض بالمشروع المهدوي و تعاليمه الرفيعة، و لعل من الضروري في هذه المرحلة تشخيص طبيعة شخصية الطفل (سواء اكانت المعرفية و العاطفية و السلوكية) و من ثم تعيين نقطة البداية في مسار تزريق التعاليم المهدوية بشكل مصنف و منتخب، و بعد ذلك ينبغي الإلتزام بالأساليب و الآليات التي من شأنها توجد عملية التطور و الرشد و التغير لدى الطفل و تقديم رؤية واضحة لديه في هذا المضمار. و الكتاب الذي بين يديك عزيزي القارئ يلقي نظرة عابرة و سريعة على مسألة المعايير المنتخبة في العلوم و المعارف المهدوية في هذه المرحلة العمرية و ذلك بعد شرح و بيان الخصائص التي تنطوي عليها مرحلة الطفولة، و من ثم يبحث و يغور في أسلوبين تربويين و هما الأسلوب التلقيني و الأسلوب القدوي و ذلك بلحاظ معرفة المعنى الخاص بهما و معرفة مكانهما و منزلتهما في المصادر الدينية و عملية تربية الطفل و الاسس و القواعد و الأصول و الطرق التنفيذية الناجعة في تحصيل ذلك. طرق و اساليب من قبيل ربط المشروع و الرسالة المهدوية مع حياة الطفل إرتباطاً وثيقاً في قالب و إطار وضعه في آلية التحكيم و الإشهار بالمحبة و الولاء و ايضاً في السرد القصصي الملائم و الشعر و الرسم و التلوين و المسرح و السؤال و الجواب. و يمكن و من خلال تلك الطرق و الأساليب المتبعة خلق حالة و مقدار من الإستعداد و التوطأ لدى الطفل و وضع قدمه في المسار الصحيح لمعرفة التعاليم المهدوية الغنية لتكون له في المستقبل المنظور مدارات من الرقي. مضافاً الى إن هذا الطريق ليس منطلقاً وحيداً لإيجاد الثقافة المهدوية و التعرف عليها فحسب و إنما هي عملية إلتماس طريق لمعرفة وجوه و أبعاد الغيبة و كون الإمام المهدي عليه السلام يحمل مشروعاً ربانياً لخلاص الأرض و الإنسان من ماسي و ويلات إمتدت قرون طويلة، و هذا الأمر إضافة الى كونه يزيد من حالة المراقبة و المحاسبة في درك و فهم حضور الإمام بقية الله الأعظم عليه السلام بين ظهرانيه فإنه يبعث على تقوية أواصر الإعتقاد و الإرتباط به و القيام بالأفعال الصالحة و السوكيات القويمه برغبة باطنية منه، و كذلك توجد في نفسه الأستعداد التام لعصر الظهور المبارك.

Then, the two training methods of inculcation and typifying are discussed in terms of knowing their implication and position in the religious and upbringing the child sources, their fundamentals and principles, and its implementation mechanisms. Strategies like linking the Mahdavi message to the child's life, making it be the subject for the judgment, self-revealing of love in the form of story, poem, painting and coloring, display, question and answer.

By taking advantage of these strategies, we can develop the hidden talents of the kids and make them flourish by guiding their Madavi beliefs. This way, not only do the children get acquainted with these teachings, but also the way to the institutionalization and internalization of these teachings is paved and they turn into beliefs and faith. This issue results in the strengthening of the beliefs, doing the good behavior with the inner will and desire and being prepared for the Appearance era in addition to the self-guarding resulted from perceiving the presence of Imam Mahdi (A.)

## Believing Mahdi in Children

(Institutionalizing the Mahdavi Teachings in Children with the Two Training Methods of Inculcation and Typifying)

One of the most important tasks in the Occultation era is developing the Mahdism culture and paving the way for the appearance of the Imam of the Time. This valuable goal is achieved through upbringing a generation who believe Mahdi. Therefore, it deserves to select the best age for the training- and influence-acceptance, i.e. childhood, in order to institutionalize the Mahdavi teachings and recognize the personality areas special to this period (including the cognitive, emotional and behavioral areas). Then, the Mahdavi teachings appropriate to their age are categorized and selected in a systematic way. After that, the methods appropriate to their course of growth and transition should be adopted. In this book, after explaining the characteristics of this period of childhood, we have a quick look at the criteria for the selection of Mahdavi teachings for this phase of age.